

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# توسعه راهبرد

راهبرد یاس سابق  
شماره پیاپی ۴۴ - زمستان ۱۳۹۴

● صاحب امتیاز

مهندس سیدمرتضی نبوی

● مدیر مسئول

دکتر محمد خوش چهره

● سردبیر

دکتر حسن سبحانی

● امتیاز: علمی - ترویجی. طبق نامه شماره ۳/۱۱۵۵۲ مورخ ۸۶/۱۲/۲۷ و نامه تمدید

امتیاز (به شماره ۳/۲۵۹۰۶ مورخ ۹۱/۲/۱۱) وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

● ناشر: مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه

● حروفچینی و صفحه آرایی: قربان تاجریان

● نشانی: تهران - خیابان فلسطین شمالی - پایین تر از زرتشت - پلاک ۵۵۴ - طبقه ۳

کدپستی: ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴ - تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ - نمابر و سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۸۸۹۹۱۸۰۲

www.tsrc.ir  
rahbordeyas@gmail.com

آدرس اینترنتی:  
پست الکترونیک:

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir  
www.magiran.com

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام  
بانک اطلاعات نشریات کشور

● چاپ: شرکت رواق روشن مهر ● قیمت: ۴۰۰۰ تومان

● آدرس چاپخانه:

مهرآباد جنوبی، روبروی پایگاه یکم شکاری، پلاک ۱۲۶. تلفن ۶۴۰۹۷-۲۱

## هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه

- ❖ دکتر سید مصطفی ابطیحی: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر حسن عابدی جعفری: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمد خوش چهره: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر داوود دانش جعفری: استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
- ❖ دکتر سید سعید زاهد زاهدانی: دانشیار دانشگاه شیراز
- ❖ دکتر حسن سبحانی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی اکبری: استادیار دانشگاه امام حسین (ع)
- ❖ دکتر حسین عیوضلو: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدرحیم عیوضی: استاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
- ❖ دکتر حسین کچویان: دانشیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر علی لاریجانی: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمدجواد لاریجانی: استاد پژوهشگاه دانش‌های بنیادین
- ❖ دکتر علی مبینی دهکردی: عضو هیأت علمی مؤسسه بین‌المللی مطالعات انرژی
- ❖ دکتر امیر محبیان: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر منوچهر محمدی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر غلامرضا مصباحی مقدم: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدحسین ملابری: استادیار پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ❖ دکتر عباس ملکی: دانشیار دانشگاه صنعتی شریف
- ❖ مهندس سید مرتضی نبوی: عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

داوران این شماره: دکتر قهرمان عبدلی، دکتر حسن سبحانی، دکتر میثم موسایی

### چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در اقیانوس ۱۴۰۴ هجری شمسی

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله: ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

## راهنمای تهیه و ارسال مقالات

خواهشمند است برای ارسال مقاله، به این موارد توجه فرمایید:

- ۱- نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رتبه علمی، شغل، نشانی، کدپستی، شماره تلفن و پست الکترونیکی خود را در برگه‌ای جداگانه قید و ضمیمه مقاله نمایید.
- ۲- حجم مقاله بیش از ۳۰ صفحه و کمتر از ۱۰ صفحه (صفحه ۳۰۰ واژه‌ای) نباشد.
- ۳- در صورت ارسال مقالات ترجمه شده، تصویر متن اصلی مقاله و فهرست کامل منابع آن (با مشخصات دقیق کتاب‌شناسی) را به همراه ترجمه مقاله ارسال فرمایید.
- ۴- برای سهولت در ارزیابی و ویرایش، مقاله بر روی کاغذ A4 و با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، حروف‌چینی شده و یک نسخه پرینت به همراه فایل مربوطه ارسال گردد.
- ۵- مقاله‌های ارسالی از حیث ساختار لازم است مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:

الف- **چکیده:** چکیده‌ای ۲۰۰ تا ۳۰۰ کلمه‌ای به همراه واژگان کلیدی تهیه شود و ترجمه انگلیسی آن نیز ارائه گردد.

ب- **پاورقی‌ها:** توضیحات بیشتر در مورد موضوع، معادله‌های خارجی اسامی و اصطلاحات مبهم و مهجور با عنوان «پاورقی‌ها» در پایین صفحه مربوطه آورده شود.

ج- **منابع:** فهرست منابع فارسی و غیرفارسی در پایان مقاله، به طور جداگانه (در ادامه همدیگر؛ ابتدا منابع فارسی و در ادامه منابع غیر فارسی) به ترتیب حروف الفباء آورده شود:

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، **نام کتاب**، نام مترجم، شماره جلد، محل انتشار: نام ناشر، نوبت چاپ.

مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، شماره نشریه.

د- **ارجاعات:** ارجاعات به صورت درون‌متنی پس از نقل مطلب به صورت زیر آورده می‌شود:

- منابع فارسی: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)
- منابع انگلیسی: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)، با این توضیح که در اولین مورد به کاربرد نام خانوادگی، عبارت فارسی نام نویسنده در داخل متن به صورت فوق ذکر شده و به صورت لاتین در پاورقی ذکر می‌گردد.
- در صورت تکرار استفاده، ارجاع به صورت کامل، همانند بار اول، نوشته می‌شود و از کاربرد واژه‌های همان، پیشین و مانند آن خودداری شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، این دو اثر با ذکر حروف الفبایی پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.

۶- راهبرد توسعه در پذیرش یا رد، اصلاح و ویرایش مطالب و نیز نحوه چپ‌نویسی مقالات آزاد است.

۷- ارسال مقاله برای فصلنامه راهبرد توسعه به منزله تعهد نویسنده مبنی بر جدید بودن مطلب و عدم انتشار آن در نشریه دیگری است.

۸- مقالات ارسال شده بازگردانده نمی‌شود.

۹- هرگونه استفاده از مطالب مندرج در این فصلنامه با ذکر کامل نام منبع بلامانع است.

**فصلنامه علمی - ترویجی راهبرد توسعه، مجله‌ای است نظری و تجربی که به مسایل مختلف توسعه در جمهوری اسلامی**

**ایران می‌پردازد و هدف از انتشار آن، زمینه‌سازی برای پیشرفت ایران و دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله است.**

**راهبرد توسعه مفتخر است که آوردگاه اندیشه‌ها باشد. به همین منظور هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه، از کلیه**

**استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران برای ارسال مقالات علمی و پژوهشی خود جهت چاپ در این فصلنامه، دعوت به عمل**

**می‌آورد.**

## فهرست مطالب

- ❖ سخن سردبیر..... ۵
- ❖ میزگرد: اسلام و تأمین مالی توسعه..... ۷
- ❖ فراتحلیلی بر مطالعات پیمایشی نابرابری‌های اجتماعی و گستره طبقاتی بزهکاری ..... ۲۷  
دکتر مهدی براتعلی‌پور / نسترن براتعلی‌پور
- ❖ تاثیر نوآوری از طریق تحقیق و توسعه بر رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی ایران ..... ۵۲  
دکتر ابوالفضل شاه‌آبادی / فاطمه بشیری منظم / فریبا مهری تلیایی
- ❖ تئوری خودتعیینی، انگیزش و تاثیر شرایط اجتماعی بر رشد و رفاه بشر ..... ۶۹  
دکتر رضا سپهوند / حشمت اله صادقی
- ❖ علل اخلاقی وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ و نقش بازدارنده بانکداری اخلاقی در پیشامد بحران‌های مشابه ..... ۸۵  
دکتر حسین عبوضلو / دکتر وهاب قلیچ
- ❖ شناسایی منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران-شمال به منظور تحلیل ارزشهای غیر مصرفی ..... ۱۰۸  
دکتر رخشاد حجازی
- ❖ تبیین اثر ویژگی‌های زندگی‌نامه‌ای (جنسیت و تأهل) بر ابعاد ششگانه تفکر استراتژیک براساس مدل تار عنکبوتی ..... ۱۲۴  
دکتر مصطفی جعفری / معصومه رحیمی
- ❖ نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور ترکیه ..... ۱۴۳  
نسرین کاظمی‌ثانی عطاالله

## سخن سردییر

توسعه‌یافتگی که به تجربه بشر در یکی دو قرن اخیر، برای خروج از وضعیتی توأم با فقر و ناکارآمدی و اسیر قوانین ناشناخته طبیعی بودن، اطلاق می‌شود؛ از وجوه و جنبه‌های مختلفی قابل مطالعه و بررسی است. به خصوص که در این «صیروت» توانسته است جهانی از فراوانی و وفور، توأم با کارآمدی و تخصص و دانش پشتیبان فهم قواعد و سنت‌های حاکم بر طبیعت را، به ارمغان بشریت بیاورد.

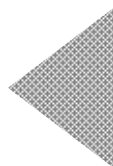
بدیهی است شناخت توسعه‌یافتگی مستلزم شناخت غرب است. آن هم نه غرب جغرافیایی و مصطلح، که غرب مستظهر به یک موقعیت جغرافیایی یعنی اروپا و به یک دین یعنی مسیحیت و به یک فلسفه یعنی نهضت روشنگری و به یک نژاد یعنی نژاد سفید و بالاخره به یک نظام اقتصادی یعنی کاپیتالیسم است (سرژ لاتوشه، غربی‌سازی جهانی، ۴۵). از این روی گستره مباحث بنیادین در فهم توسعه بسیار متنوع و عمیق می‌گردد. در عین حال مطالعه تغییرات حاصله در سبک زندگی و پیش و دیدگاه‌های انسان توسعه یافته، از آن حیث که ریشه‌دار و تعیین کننده بوده است، هم قابلیت بررسی و هم ضرورت انکارناپذیر دارد. در صعوبت ادراک توسعه‌یافتگی همین بس که عده‌ای بسیار، از توسعه مقوله‌ای جدای از مثل غربی‌ها شدن، ادراک نکرده‌اند و همین درک، سرنوشت تلخ «انفعال» و «شیفتگی» را برای آنان و جوامعشان به ارمغان آورده است. بدین سبب شناخت «توسعه»، هم برای فهم آن و هم برای نقد آن، از بایسته‌های دوران ما می‌باشد.

راهبرد توسعه این هر دو مهم را، از اهداف خود می‌پندارد و بر آن است تا آئینه‌ای برای انعکاس مطالعات و پژوهش‌هایی باشد که در فهم توسعه یافتگی و تجارب مبتنی بر مفاهیم منجر به توسعه، مدد رسان می‌باشند. در عین حال نقد توسعه از وجوه مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، و جستجوی راهکارهایی که توسعه را نه مثل دیگران شدن، که بر آمدن و ارتقاء بر حیات ارزش‌ها و هنجارهای خود می‌داند، از اهداف فصلنامه راهبرد توسعه است. ما از پذیرش مقالاتی که پژوهشی است اما در عین حال، ترویجی و کاربردی از تئوری‌های توسعه و مسائل و نظرات مرتبط با آن است، استقبال می‌کنیم. قاعدتاً محدوده موضوعی مقالاتی که «علمی - ترویجی» باشند باید به توسعه در وجوه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن معطوف باشد و صد البته باید این مهم در مقالات دیده شود که توسعه یک کل غیر قابل تجزیه به وجوه آن است و تقسیم بندی‌ها، صرفاً نوعی قرارداد برای سهولت مطالعه و پژوهش است. آرزوی ما آن است که از طریق فصلنامه «راهبرد توسعه» و به وسیله مقالات علمی - ترویجی دریافتی، به فضای محتاج به عمیق بررسی شدن توسعه در کشورمان، چنان کمک نمائیم که در ادامه راه، و مشخص و واضح‌تر شدن اهداف توسعه‌ای کشور، به اهداف سند چشم‌انداز نزدیک و ان‌شاء‌الله در مسیر فهم الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت قرار گرفته باشیم.

میزگرد

آقایان: دکتر حسن سبحانی<sup>۱</sup>، دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی<sup>۲</sup> و دکتر حسین عیوضلو<sup>۳</sup> در  
میزگرد علمی راهبرد توسعه با عنوان:

## اسلام و تأمین مالی توسعه



**سردبیر:** بسم الله الرحمن الرحيم. با عرض سلام خدمت اساتید ارجمند و تشکر از وقتی که به این فصلنامه اختصاص داده‌اید. همانطور که مستحضرید مباحث زیادی تا کنون در باب توسعه مورد توجه میزگردهای فصلنامه راهبرد توسعه قرار گرفته است. در این میزگرد موضوع «اسلام و تأمین مالی توسعه» مطرح است که قاعدتاً به فضای اقتصادی بدون ربا مربوط است. در چنین موضوعی می‌توان به مسائلی مانند تأمین مالی اسلامی چیست؟، نظام مالی اسلامی و نسبت آن با بازار سرمایه؛ تأثیر نظام مالی اسلامی بر توسعه اقتصادی و نقش قرض الحسنه بر تأمین مالی وجوه خرد پرداخت. این بحث را می‌توان با این سؤال آغاز کرد که آیا ما با توجه به ممنوعیت بهره- با فرض اینکه بهره، همان ربا باشد- آیا بهتر است از تأمین مالی اسلامی در جامعه صحبت کنیم یا تأمین مالی بدون ربا که البته از قید بدون ربا بودن، اراده اسلامی بودن به صورت کامل را نداشته باشیم. تأمین مالی بدون ربا یا تأمین مالی اسلامی، چیست؟ و شامل چه قلمرویی است و چه قابلیت‌هایی دارد؟ جناب آقای دکتر عیوضلو؛ منتظر شنیدن نظرات شما هستیم. بفرمائید!

**حسین عیوضلو:** با تشکر از مسئولین محترم فصلنامه؛ در ابتدا ذکر تاریخچه مختصری نیاز است. دغدغه‌ای که بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای اسلامی شکل گرفت این بود که

۱- استاد دانشگاه تهران، سردبیر فصلنامه

۲- دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

۳- استادیار دانشگاه امام صادق(ع)

بسیاری از این کشورها بعد از جنگ جهانی دوم، به استقلال دست پیدا کردند. در این شرایط واقعیت دیگر این بود که نظام‌های سرمایه‌داری کاملاً رواج پیدا کرده و در کشورهای اسلامی رسوخ پیدا کرده بودند. واقعیت سوم نیز این بود که کشورهای اسلامی از جبهه کمونیست بیشتر بیزار بودند. در چنین شرایطی وقتی رسوخ تفکر و نظام‌های غربی در کشورهای اسلامی گسترش پیدا می‌کند، حساسیت نسبت به این نهادها در کشورهای اسلامی بیشتر شده و در مقابل، مباحثی مانند رویکرد اسلامی مطرح می‌شود که ما چگونه می‌توانیم در مقابل نهادها و نظام‌های غربی، استقلال نسبی پیدا کنیم و نهادهایی اسلامی را طراحی و تأسیس کنیم. چنانکه در همین دوره است که در ایران برای اولین بار ساختاری تحت عنوان «مشروطه مشروعه» برای نظام سیاسی مطرح می‌گردد.

در برابر نظام‌های بانکداری هم واکنش‌های جدی وجود داشت که در ابتدا بیشتر سلبی بودند. یعنی در ابتدا این مطلب مطرح بود که کشورهای اسلامی بانک، بیمه و اسکناس نداشته باشند. در شرایطی که اکثر این نهادها نفی می‌شدند، مرحوم آیت‌الله شهید صدر در کتاب «البنک لاربوی» رویکردی ایجابی را مطرح می‌کنند و این مباحث مطرح می‌گردد که چگونه نظام بانکی و قوانینی را طراحی کنیم که در آن ربا وجود نداشته باشد. در برخی از کشورهای اسلامی نهادهای قرض‌الحسنه و تأمین مالی اسلامی شکل گرفت. این موارد زمینه‌ای شد تا نظام‌های بانکداری بدون ربا در جهان گسترش پیدا کنند. ایران جزء اولین کشورهایی بود که در نظام بانکداری بدون ربا پیش‌قدم شده و قانون عملیات بانکداری بدون ربا را در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسانید. ولی متأسفانه به تدریج این مباحث در ایران دچار رخوت گردید و گسترش پیدا نکرد، در حالی که در سایر کشورهای اسلامی (مانند بحرین و مالزی) و حتی غیراسلامی (مانند انگلیس)، تنوع خوبی در مورد قوانین و نهادهای تأمین مالی اسلامی ایجاد گردید. امروزه از جهت تجهیز و تخصیص منابع، تنوع خوبی در حوزه تأمین مالی ایجاد شده است. ادبیات موضوع نیز گسترش بسیار خوبی پیدا کرده است؛ در برخی از کشورها مانند مالزی، چارچوب‌های اولیه‌ای که در این موضوع وجود داشت، بر مبنای مشارکت در سود و زیان<sup>۱</sup> بوده است که امروزه جایگاه بهتری پیدا کرده است. مبنای بانکداری اسلامی را مشارکت در سود و زیان دانسته‌اند ولی چون این روش در مشارکت با مشکلاتی مواجه گردیده و عقود مشارکتی پول قفل می‌شد و کسی که



سرمایه‌گذاری کرده بود، باید چند سال منتظر می‌شد تا به درآمد برسد؛ ابزارهای جدیدتری مطرح شدند که قابل خرید و فروش و نقد شدن باشند. یعنی نحوه تبدیل کردن این وجوه به اوراق بهادار مطرح شد که تحت عنوان صکوک از آن یاد می‌شود. امروزه موفقیت زیادی را در این حوزه شاهد هستیم. به عنوان مثال کشور مالزی در زمان بحران مالی نیز از ثبات نسبی برخوردار بود و از طریق صکوک بین‌المللی توانست طرح‌های بسیار بزرگی را در کشور خود اجراء کند. این ادبیات در مالزی به خوبی تداوم یافته و در عمل ترویج یافته و در بازار پول، بازار سرمایه، بازار بیمه و ... گسترش پیدا کرده است. متأسفانه در مقایسه گسترده‌گی این ابزارها با شرایط ایران مشاهده می‌شود که ما فقط قانون عملیات بانکداری بدون ربا را داریم که مربوط به سال ۱۳۶۲ است. قرار بر این بوده که این قانون فقط به مدت ۵ سال به صورت آزمایشی اجراء شود ولی بعد از آن علی‌رغم مواجهه با بحران‌ها و مشکلات جدی در نظام بانکی، کار جدی دیگری در مورد قوانین نظام بانکی انجام نگرفت. اما این چالش جدی امروزه مطرح است که آیا نظام بانکی ما، ساختار درستی دارد؟

در نگاه اول به نظام پولی کشور می‌توان گفت کشور ما شروع کننده خوبی بود ولی متأسفانه در جا زده و نه تنها پیشرفتی نداشته، بلکه به سمت صوری‌سازی عقود و کارهای تصنعی پیش رفته است. امروزه با توجه به اینکه سهم حجم عقود مشارکتی در ایران بالا بوده و دیگر کشورهای اسلامی، غالباً به سمت عقود با بازده ثابت و مباحه سوق پیدا کرده‌اند، در آمارهای بین‌المللی، ایران عملکردی کاملاً اسلامی را به نمایش می‌گذارد ولی در عمل عقد مشارکتی کامل و صحیح در حد زیادی اجراء نمی‌شود و این آمار را نمی‌توان شاخصی از اسلامی بودن عملکرد نظام بانکی ایران دانست.

**سردیس:** البته این شرایط بی‌تأثیر از مصوبه مجلس که بیان می‌کرد عقود مشارکتی می‌توانند بازدهی متغیر داشته باشند، نیست.

**عیوضلو:** البته در دوره آقای احمدی‌نژاد که صحبت از کاهش نرخ سود بود، نرخ سود برای عقود مبادله‌ای تثبیت شد ولی بانک‌ها چون می‌توانستند از عقود مشارکتی هم استفاده کنند که نرخ سود متغیری داشت، لذا گرایش به عقود مشارکتی، افزایش پیدا کرد.

**سردبیر:** ضمن تشکر از آقای دکتر عیوضلو، می‌توان به این مسأله هم توجه کرد که تأمین مالی اسلامی یا بدون ربا، اعم از بانکداری باشد. اگر بخواهیم به این صورت نگاه کنیم چه وجوهی را می‌توان تصور کرد؟ به این صورت آیا مزیتی هم ایجاد خواهد شد؟ ما الان تأمین مالی را فقط در قالب بانک دنبال می‌کنیم ولی اگر اعم از بانک باشد، مواردی مانند مؤسسات سرمایه‌گذاری را هم می‌توان در نظر گرفت. جناب آقای دکتر سید نورانی بفرمائید!

**سیدمحمدرضا سیدنورانی:** ضمن تشکر از دوستان و همکاران فصلنامه راهبرد توسعه، امیدوارم با این مباحث بسترسازی صورت بگیرد که بر واقعیت اقتصاد تأثیرگذار باشد. در دنیا و در کشورهای اسلامی تجربه‌ای در حوزه تأمین مالی وجود دارد که ما به خوبی از آن بهره نبرده‌ایم. امروزه منابع مختلفی در علم اقتصاد برای تأمین مالی وجود دارد، که گاهی با تعابیری مانند ثبات مالی از آن یاد می‌شود که بیمه و بورس و بانک را در بر می‌گیرد و ثبات در هر سه لازم است ولی در ایران بیشتر به بانک توجه شده است.

مطلب دیگر در مورد تلقی اشتباهی است که از نرخ سود در میان مردم وجود دارد. نرخ سود مدنظر در عقود مختلف، سالیانه است نه اینکه در هر معامله‌ای این نرخ سود وجود داشته باشد. در کنار توجه شدید به نرخ سود، از کارآیی و بهره‌وری غفلت شده است. به عنوان مثال بیمه که دارای نگاه فقهی تأیید شده از سوی فقه شیعه است، مورد توجه کافی نیست و در نقطه مقابل اهل تسنن، بیمه را جایز نمی‌دانند. ما از چنین مزیتی استفاده نمی‌کنیم. امروزه در بیمه مبالغ کلانی وجود دارد که در فعالیت‌های اقتصادی، اثر چشم‌گیری از آن دیده نمی‌شود. بیمه در سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی می‌تواند مشارکت جدی‌تری داشته باشد؛ مثلاً در مترو، راه‌آهن بین شهری، احداث جاده و اتوبان؛ دولت نیز می‌تواند ضمانت و پشتیبانی شرکت‌های بیمه را به عهده بگیرد.

این غفلت از سرمایه‌گذاری، در بورس نیز وجود دارد. قانون بورس، قانونی قدیمی است. به علاوه بورس طی سالیان قبل‌تر فعالیت زیادی نداشته است. اگرچه در دوران سازندگی، خصوصی‌سازی کمکی به بازار سهام داشت ولی دوباره افول کرد و بعد از ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، فعالیت بهتری در آن مشاهده شد، اما مجدداً کم‌رنگ شد. به محض اتمام واگذاری‌های دولت، فعالیت بورس هم کاهش پیدا می‌کند. متأسفانه بازار سهام در ایران دارای

جایگاه بالایی نیست و سهم آن در تولید ناخالص ملی کم است. بورس، قبل از شرایط اقتصادی چند سال اخیر نیز فعالیت بالایی نداشت و در سبد دارایی خانواده‌ها، سرمایه‌گذاری در بورس زیاد مورد اقبال نبوده است. البته عدم اقبال مردم به بازار بورس و سهام، می‌تواند ریشه‌های فرهنگی هم داشته باشد. اگرچه عملکرد دولت و شبه دولتی‌ها در شرایط فعلی بازار سهام ایران بی‌تأثیر نیست. ما تقریباً از حضور مردم در این بازار بی‌بهره هستیم.

در غرب، بانک‌های سرمایه‌گذاری این وظیفه را برعهده دارند که پول‌های مردم را جمع کرده و با آن سرمایه‌گذاری انجام دهند. قراردادهای مشارکت در سود و زیان را شرکت‌های سرمایه‌گذاری هم می‌توانند انجام بدهند. متأسفانه این الگو در ایران به صورت ناصحیحی اجراء شده است. در ایران بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری را تأسیس کرده‌اند که وارد بازار بورس شده و مشغول خرید و فروش سهام شده‌اند، در حالی که شاید خواسته اولیه از این شرکت‌ها، ورود آن‌ها به بخش حقیقی اقتصاد بوده است. در بخش حقیقی اقتصاد افرادی حرفه‌ای نداریم که با شرکت‌های سرمایه‌گذاری وارد چنین تعاملی شوند که سرمایه‌هایی را برای مدت زمانی مشخص در اختیار بگیرند و با آن سرمایه به تولید پردازند. دخالت بانک‌ها در بازار سهام و خرید و فروش سهام توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری این بانک‌ها، شرایط و آینده خوبی را ترسیم نمی‌کند. از طرف دیگر برخی بانک‌ها اقدام به تأسیس شرکت بیمه هم می‌کنند. با این اقدام، سه نهاد مالی مستقل از یکدیگر، با هم ترکیب می‌شوند که مضر است. چون وجوه کلانی در اختیار بانک‌ها است که در هر جا که سرمایه‌گذاری کنند، اثرگذار خواهند بود. در نتیجه نظم دادن به بازارها، از اختیار ناظم خارج می‌شود. از این جهت نیاز است که در نحوه عملکرد بانک‌ها و شرکت‌های تابعه بازنگری صورت بگیرد که البته فارغ از نگاه اسلامی به موضوع است. اشکالی فعلی اقتصاد ایران در حوزه مورد بحث، درگیر شدن و مخلوط بودن سه نهاد مالی مهم یعنی بانک، بورس و بیمه است که باید حتماً از یکدیگر تفکیک شوند.

**سردبیر:** با تشکر از آقای دکتر سیدنورانی؛ به نظر می‌رسد درک جنابعالی از موضوع این است که صرف نظر از دینی بودن یا دینی نبودن نظام فعلی تأمین مالی توسعه، این نظام وظیفه ذاتی خودش را انجام نمی‌دهد و هربخش در جای خودش نیست.

**سید نورانی:** اگر هم انجام می‌دهند، نمی‌توان به صورت شفاف قضاوت کرد که آیا وظایف تفکیک شده در هر حوزه به خوبی انجام شده است یا خیر؟

**سردبیر:** در ادامه مباحث میزگرد می‌توان به قرض‌الحسنه و تأثیرش بر تأمین مالی توسعه پرداخت. اگر در قرض، شرط دریافت مازاد شده باشد، مازاد آن را ربا و حرام می‌دانیم. بنابراین کسی نمی‌تواند پولش را قرض بدهد تا مازاد بگیرد. دو مطلب در اینجا قابل بحث است؛ یکی کسانی که قرض می‌دهند ولی دنبال مازاد نیستند (قرض‌الحسنه می‌دهند) آیا وجوهی که در این شرایط جمع می‌شوند، می‌تواند ابزار برخی سرمایه‌گذاری‌ها تلقی بشوند یا خیر؟ البته چون بهره‌ای در کار نیست از این وجوه می‌توان به عنوان سرمایه در گردش یا سرمایه‌گذاری‌های کوچک استفاده کرد.

حالت دوم این است که قرض داده نشود بلکه وجوه به مؤسسه‌ای سپرده شود تا سرمایه‌گذاری کند و آن سرمایه‌گذاری منشأ تحرکاتی در بازار حقیقی اقتصاد شود. تأثیر قرض‌الحسنه از نظر تأمین وجوه مالی خرد برای سرمایه‌گذاری در کشور دارای چه شرایطی است؟ آقای دکتر عیوضلو بفرمائید.

**عیوضلو:** تأمین مالی، منحصر به بانک نیست. بازارهای مالی مطرح در اقتصاد شامل بازار پول، بازار سرمایه و بازار بیمه است. بازارهای مالی اسلامی نیز می‌تواند شامل هر سه مورد باشد. اما امروزه این سه بازار تغییر پیدا کرده‌اند. در ایران، در نظام پولی و بانکی تحولاتی رخ داده و جوهره آن در بانکداری بدون ربا تعریف شده است. در بازار سرمایه نیز تحولاتی رخ داده و نهادهای جدیدی خلق شده‌اند. فلذا شاهد تنوع نهادها و ابزارها در بازار سرمایه هستیم. بازار سرمایه در ایران نیز رشد خوبی داشته ولی در بازار پولی، چون قوانین نظام بانکی ما قدیمی است و به راحتی قابل تغییر و تحول نیست، نوآوری‌های مالی نیز در آن کم است. اما در بازار سرمایه، نوآوری‌های مناسبی شکل گرفته و علی‌رغم نیازی که به مجوز مجلس شورای اسلامی وجود داشته، روند رو به رشد و خوبی داشته است. مثلاً قانون بازار غیر متشکل پولی به تصویب مجلس هم رسیده است. نهادهای بازار سرمایه، نهادهای جوانی هستند که ساختار خوبی را شکل دادند. این ساختار شامل شورای عالی بورس، سازمان بورس و اوراق بهادار، کانون کارگزاران بورس

اوراق بهادار، کانون‌های سرمایه‌گذاری، نهادهای اجرایی و عملیاتی، شرکت‌هایی مانند شرکت فرابورس، شرکت بورس کالای ایران، شرکت بورس انرژی، هولدینگ‌های سرمایه‌گذاری و .... می‌باشد که حاکی از تنوع بسیار خوبی است که در این بازار جوان وجود داشته و از این نظر بازار موفق بوده است.

در بازار بیمه هم در بازار کشور ما، شرایط مناسبی وجود دارد. نگاه اهل سنت، نگاهی بسیار بدبینانه به بیمه بوده است. چون معتقدند بیمه سه مشکل دارد؛ ربا، غرر و قمار. به همین دلیل برخورد اهل تسنن با بیمه، برخوردی کاملاً ردی بوده است و نهادی به نام تکافل را راه‌اندازی کرده‌اند. ولی نگاه فقه شیعه، انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به موضوع بیمه داشته و توانسته قوانین مرتبط با آن را به خوبی پیش ببرد.

این سه بازار در کشور وجود دارد ولی باید در مورد توسعه آن‌ها بیشتر بحث و تبادل نظر کرد. می‌توان این بازارها را مورد ارزیابی و نقد قرار داد و یا اینکه جنبه‌های توسعه‌ای آن را بررسی کرد.

**سردیس:** ما بیشتر به دنبال قابلیت‌های این نهادها هستیم که البته معطوف به دین اسلام هم باشد. اگر قابلیت نهادی معطوف به دین اسلام نباشد، چگونه می‌توان آن را بوجود آورد؟

**عبوضلو:** برای توجه به تأمین مالی اسلامی، به نگاهی آسیب‌شناسانه نیاز داریم. با توجه به اینکه بیان شد یک مشکل ما در حوزه بازار سرمایه، تنوع بیشتر و در حوزه بازار پولی، تنوع کمتر است؛ یک دلیل این رخوت در بازار پولی می‌تواند قوانین حاکم بر آن باشد که قدیمی است. مثلاً قانون پولی و بانکی مربوط به سال ۱۳۵۱ است و قانون بانکداری بدون ربا مربوط به سال ۱۳۶۲ است. ضرورت داشته که قوانین مربوطه به خصوص از جهت اسلامی گسترش پیدا کند ولی متأسفانه این اتفاق نیفتاده است. عدم تنوع و گسترش قوانین یکی از مشکلات مهم بازار پولی ما است. امروزه در دنیا انواع بانکداری وجود دارد ولی در ایران به این انواع بانکداری رسمیت داده نشده است. مثلاً می‌بایست بین بانک‌های تجاری و توسعه‌ای، تخصصی، بانک‌های منطقه‌ای، بانک‌های منطقه‌ای، بانک‌های مجازی و .... تفکیک قائل می‌شدیم؛ در دنیا انواع دسته‌بندی‌های موفق در این مورد وجود دارد که ما از تجربه موفق دیگران، بهره‌ای نبرده‌ایم و

برای گسترش این نوع بانک‌ها مشکلات نهادی متعددی داریم. این شرایط، مانع توسعه ابزارهای تأمین مالی اسلامی هم می‌شود. به عنوان مثال بانک‌های توسعه‌ای می‌توانند وارد سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر شوند ولی به خاطر کمبودها و موانع نهادی انجام آن به راحتی میسر نیست. مثلاً در ایران بین بانک سرمایه‌گذاری و بانک تجاری، تمیز قائل نشده‌ایم؛ اتفاقی که در ترکیه روی داده و به راحتی بین این دو بانک تفکیک کرده و قوانین و نهادهای نظارتی مورد نیاز را تأسیس کرده‌اند.

امروزه بانک‌های توسعه‌ای در دنیا کاملاً به سمت سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر و سرمایه‌گذاری‌های خرد و تأمین مالی خرد روی آورده‌اند ولی شاهد چنین تنوعی در نظام بانکداری ایران نیستیم. انواع نهادها در این زمینه وجود دارد که روش تأمین مالی ساختار یافته در دنیا را گسترش داده است. این موارد در ایران نیز می‌تواند گسترش پیدا کند ولی دچار خلأهای نهادی و قانونی در این زمینه هستیم. یک بحث آسیب‌شناسانه جدی در این حوزه این است که در حوزه پولی و بانکی در رژیم گذشته، لایحه‌ای به نام لایحه بازرگانی در دست اقدام بود که به سرانجام نرسید و هنوز هم تفکیک مبادلات کاغذی در قوانین ما روشن نشده است. لذا در قوانین ما، قانونی در مورد ضمانت‌نامه‌های بانکی وجود ندارد. مبانی قانونی برای این نوع خدمات بانکی وجود ندارد و این مشکل باعث تعارض می‌شود. به خصوص هنگامی که بخواهیم آن را با قوانین اسلامی تطبیق دهیم. نگاه آسیب‌شناسانه نشان می‌دهد که ما واقعاً دچار موانع نهادی در بازار پولی هستیم در حالی که در بازار سرمایه موانع نهادی و قانونی وجود ندارد.

**سردبیر:** با تشکر از آقای دکتر عیوضلو! جناب آقای دکتر سید نورانی بفرمائید.

**سید نورانی:** در مورد اینکه سؤالی که آیا قرض‌الحسنه می‌تواند به تأمین مالی توسعه کمک کند یا خیر؛ به نظر می‌رسد از لحاظ شرعی، فقهای شیعه معتقدند که می‌توان قرض‌الحسنه را هم در کالای مصرفی به کار برد و هم در سرمایه‌گذاری. ولی گرایش علماء اهل تسنن بیشتر به سمت استفاده از قرض‌الحسنه در کالای مصرفی است. آن‌ها استفاده از قرض‌الحسنه را برای سرمایه‌گذاری نمی‌پسندند و بعضاً قبول ندارند ولی ما محدودیت شرعی در این مورد نداریم. یعنی یک نفر می‌تواند قرض بدهد و قرض گیرنده می‌تواند آن مبلغ را سرمایه‌گذاری کند. عرفی

که در جامعه و گذشته نهاد اسلامی قرض وجود دارد، نشان می‌دهد که مردم اختیار دارند قسمتی از دارایی‌های خود را قرض بدهند و بخشی را برای کار سوداگرانه و سودآور قرار دهند. از قدیم نیز این رسم در میان کسبه و اهل بازار وجود داشته است که بخشی از دارایی‌های خود را مستقیم، یا از طریق مؤسسات قرض‌الحسنه در اختیار نیازمندان قرار می‌داده‌اند که امری پسندیده و راهگشا است. مشکلی که امروزه در ایران وجود دارد این است که این نهاد را ما به بانک منتقل کرده‌ایم در حالی که بانک شدن قرض‌الحسنه، اصلاً کار درستی نیست. اما متأسفانه علی‌رغم مخالفت‌های صاحب‌نظران، بانک‌های قرض‌الحسنه هم تشکیل شدند. بانک قرض‌الحسنه، امکان سودکردن ندارد، و به همین دلیل نمی‌توان آن را با بانک‌های تجاری و تخصصی دیگر مقایسه کرد. چنین بانک‌هایی اصلاً نباید سود بکنند و اگر سود نکنند، کارشان را درست انجام داده‌اند. پیشنهاد بنده این است که نهاد قرض‌الحسنه از سیستم بانکی جدا شود ولی همچنان زیر نظر بانک مرکزی و سازمان اقتصاد اسلامی باشد. سازمان اقتصاد اسلامی می‌تواند به نیابت از بانک مرکزی در حکم بانک مرکزی صندوق‌های قرض‌الحسنه باشد. یعنی بانک مرکزی، هم بتواند به صورت مستقیم بر عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه نظارت داشته باشد و هم بواسطه سازمان اقتصاد اسلامی.

اما در مورد تأمین مالی توسعه توجه داشته باشیم که مؤسسه‌های قرض‌الحسنه نمی‌توانند جوابگوی تولیدکننده‌ها برای سرمایه‌گذاری و تأمین مالی توسعه باشند. اگرچه در سطوح محدود می‌توانند کمک‌هایی انجام دهند. سقف مبلغ پرداختی به عنوان قرض‌الحسنه تقریباً پنج میلیون تومان است که با چنین مبالغی نمی‌توان خط تولید یک کالا را راه‌اندازی کرد. از این جهت و با این نگاه، نمی‌توان قرض‌الحسنه را یک راه تأمین مالی توسعه دانست.

این اشتباه است که سیستم بانکی در مورد قرض‌الحسنه اقدام کرده و پرداخت جوایزی را هم تبلیغ می‌کند. قرض نهاد مقدسی است که خداوند دریافت‌کننده آن است. آیه قرآن می‌فرماید: من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً. قرض‌الحسنه، کاری نیک و نوعی گذشت است؛ انفاق فایده یا انفاق سود آن پولی است که قرض داده می‌شود. نباید این نهاد را خراب کرد. حتی لازم است به کودکان خود بیاموزیم که قسمتی از پول‌های خود را به خاطر خدا قرض بدهند.

**سردیور:** اگر کسی بخواهد از پولی که دارد، سود ببرد به مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها مراجعه می‌کند. کسانی هم که قرض می‌دهند در انتظار دریافت مازاد نیستند، البته درست است که اگر کسی پولی را قرض گرفت، هنگام برگرداندن مبلغ دریافتی، می‌تواند هدیه‌ای هم به قرض‌دهنده بدهد و قرض‌دهنده هم هیچ انتظاری نداشته است ولی غرض این بحث این است که حتی برای نیازهای مصرفی (مانند آموزش، ازدواج، رفع برخی مشکلات زندگی و ...) اگر از قرض استفاده بکنیم، مشمول همان مطلبی شده‌ایم که در توسعه با عنوان تأمین نیازهای اساسی از آن یاد می‌شود. به عنوان مثال کسی که با هزینه کردن مبلغی قرضی، موفق شده است فرزند خود را به دوره‌های آموزشی بفرستد تا درس بخواند و یک متخصص یا مهندس شود؛ او بعداً مشغول کار شده و درآمدی خواهد داشت. یا با قرض، بیماری فرد برطرف شده و میانگین عمر خود را افزایش می‌دهد و از این طریق بیشتر امکان رشد خواهد داشت. یا فرد گرسنه‌ای که بواسطه قرض، گرسنگی خود را برطرف می‌کند و از رشد کافی برخوردار می‌شود تا بتواند با بدنی سالم کار کند. برداشت من این است که قرض می‌تواند یک منبع مالی برای توسعه محسوب شود.

البته به نظر می‌رسد قرض با قرض‌الحسنه متفاوت است. قرض‌الحسنه، نوعی انفاق است ولی قرض مقوله‌ای غیر از قرض‌الحسنه است. حتی قرض در معنایی که دین گفته است، آثار توسعه‌ای دارد به این معنی که می‌تواند آموزش، بهداشت، درمان، تغذیه و ... را به صورت بنیادی سامان بدهد. اگر قرض را اقتصادی ندانیم، ولی باز هم پیامد اقتصادی دارد. به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت قرض در اسلام می‌تواند یک منبع تأمین مالی برای حرکت‌های توسعه‌ای در مقیاس‌های کوچک باشد و اگر بانک مرکزی هم سقف پنج میلیون تومان را برای قرض‌الحسنه تعیین کرده است، مقادورات فعلی را لحاظ کرده است ولی به لحاظ منطقی، غیر ممکن نیست که زمانی رفاه جامعه بالاتر برود و سقف قرض‌الحسنه هم افزایش پیدا کند.

**سیدنورانی:** الان همین کار توسط مؤسسات مالی و اعتباری انجام می‌شود. تعاونی‌های اعتبار همین کار را انجام می‌دهند. وام می‌دهند، تسهیلات می‌دهند، هم سود می‌کند و هم سود می‌دهد. اصلاً کلمه قرض در این مؤسسات به کار نمی‌رود. بازار غیر متشکل پولی همین موارد بوده‌اند؛ یا تعاونی‌هایی که وزارت تعاون اجازه فعالیت به آن‌ها می‌دهد. این موارد چون در بازار پولی و مالی دخالت می‌کردند، نظر بانک مرکزی این بود که باید زیر نظر بانک مرکزی قرار بگیرند.



قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی و نظم‌بخشی به آن باید توسط بانک مرکزی صورت بگیرد. این تعاونی‌ها و مؤسسه‌ها باید شرکت خود را به ثبت برسانند و طبق قانون تجارت صورت حساب سود و زیان بنویسند، مالیات بدهند که به لحاظ حقوقی و قانونی فضایی بسیار متفاوت از مؤسسه‌های خیریه‌ای دارند که به امر قرض‌الحسنه اشتغال دارند. نوع کار مؤسسات خیریه را با تعاونی‌های اعتبار باید از هم تفکیک کرد. در مؤسسات خیریه بنابراین است که سودی وجود ندارد که بخواهند مالیات بدهند ولی در دیگر مؤسسات مالی و اعتباری اینطور نیست.

نکته دیگر اینکه در دنیا اکثریت سپرده‌ها به سمت عقود با بازده ثابت سوق پیدا کرده‌اند. گویی بشر به بهره و سود علاقه دارد. بشر دوست دارد که بازدهی ثابتی داشته باشد. لذا عقود با بازده ثابت نوعی گرفتن سود حلال به شکل بهره است. این مطلب در کشورهای اسلامی هم به همین ترتیب است.

**عیوضلو:** در مورد انواع قرض ذکر این نکته لازم است که سه نوع قرض وجود دارد؛ قرض با بهره که ربا و حرام است. قرض بدون بهره، و سوم: قرض‌الحسنه که بیشتر حالت انفاق دارد و نباید خیلی از آن انتظار بازگشت وجه با همان قدرت خرید قبل را داشت ولی در قرض، توقع بازگشت با همان قدرت خرید، وجود دارد. علت اینکه سنت قرض‌الحسنه نمی‌تواند در نظام‌های امروزی رواج پیدا کند، کاهش ارزش پول است. عبارت فقهاء در مورد قرض این است: یجوز قرض ما یضبط و صفة؛ قرض دادن چیزی جایز است که بتوان وصف آن را ضبط کرد. یعنی بتوان توصیفش کرد. چیزی که از بین می‌رود را نمی‌توان قرض داد. مثلاً یخ را نمی‌توان قرض داد، چون آب می‌شود.

اگر وجهی سپرده قرض‌الحسنه باشد، طبق قانون باید تماماً به مصارف قرض‌الحسنه اختصاص پیدا کند که البته رعایت هم می‌شود ولی سپرده قرض‌الحسنه زیاد بالا نیست. جفایی که امروزه در حق بانک‌ها صورت می‌گیرد - که البته اشکال قانون است، نه بانک‌ها - این است که از سپرده جاری تحت عنوان قرض اسم برده‌اند. نمی‌توان از سپرده جاری توقع داشت که در حوزه قرض‌الحسنه مورد استفاده قرار بگیرد. این اشکال از نگاه عقده‌محور به این نوع سپرده‌گذاری‌ها است که در قانون بانکداری بدون ربا وجود دارد. قانون راه دیگری برای سپرده پیدا نکرده و نام آن را قرض گذاشته است تا بانک بتواند سپرده را تملیک کند. وقتی بانک آن را تملک کرد،

می‌تواند هر کاری با سپرده انجام دهد و هیچ تحمیلی نمی‌توان به بانک داشت. بر اساس بحث قرض یا قرض بدون بهره، آیا می‌توان بانکداری عام‌المنفعه را گسترش داد؟ از موارد مدنظر آقای دکتر سبحانی، امروزه در دنیا به نام بانکداری اجتماعی یاد می‌شود ولی باید بانک را باید بماهو بانک در نظر گرفت. ما انواع بانک و انواع بانکداری داریم. یکی از بانکداری‌ها، بانکداری عام‌المنفعه است که قابل گسترش در نظام امروزی بانکداری ما بوده و می‌تواند مثبتی بر قرض‌الحسنه بوده و نوآوری‌های جدیدی هم داشته باشد.

**سردبیر:** آقای دکتر عیوضلو اشاره داشتند که آیا بازار پول در جامعه‌ای که ربا ممنوع است، معنی دارد؟ لازم به توضیح است که ما به دنبال بحث از بانکداری نیستیم، بلکه بیشتر دنبال این هستیم که وجوه مردم از کانال‌هایی مصروف سرمایه‌گذاری‌هایی شود که آن سرمایه‌گذاری‌ها بر رشد اقتصادی اثر مثبت داشته و در بلندمدت و به تبع رشد اقتصادی، توسعه حاصل شود. آیا می‌توان گفت سرمایه‌گذاری با وجوه مردم به نحوی که بدون ربا باشد، اقتصاد جامعه دینی را یک اقتصاد سرمایه‌محور می‌کند؟ پول به خودی خود از طریق قرض نمی‌تواند مازادی داشته باشد. نحوه تأمین مالی بدون ربا در جامعه ایران، بیشتر رونق بازار بورس و سرمایه را دامن می‌زند تا بازار پول را. حتی اگر بازار پول هم مطرح باشد، بازدهی خود را باید از طریق سرمایه‌گذاری به دست بیاورد تا بدون ربا باشد. من معتقدم در جامعه‌ای که ربا نباشد، بازار سرمایه است که پررنگ است و بازار پولی بسیار کم‌رنگ است.

**سیدنورانی:** این مطلب در شرایطی محقق می‌شود که در سیستم بانکی، بهره به صفر میل کند و حتی بانک وجهی را هم از سپرده‌گذار دریافت کند. این مسأله به این صورت است که برای کسی که نمی‌تواند با پولش کار بکند، بانک فقط به عنوان یک گاو صندوق امن خواهد بود که از وجوه نگهداری می‌کند و فرد هر گاه که خواست می‌تواند پولش را بردارد. اگر به این صورت باشد، بازار سرمایه و بورس به بهترین بازار تبدیل خواهد شد.

**سردبیر:** ولی صورت دیگری هم قابل تصور است که بانک از طرف فرد وکیل شود که سرمایه‌گذاری کند.

**سید نورانی:** اشکال این صورت این است که بانک‌ها به دلیل گرایشی که به سمت عقود با بازده ثابت ایجاد شده است، (یعنی عقودی مانند فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله و ...) در این نوع عقود مبلغی دریافت می‌شود و مبلغ بیشتری برگردانده می‌شود که می‌توان درصد برگشت را محاسبه کرد که چند درصد است، از این جهت این عقود شبیه به عقود با نرخ بهره ثابت هستند (یا عباراتی مانند نرخ رجحان زمانی، نرخ انتظاری). بانک‌ها هم تمایل بیشتری به این نوع عقود نشان داده‌اند و عملاً عقود مشارکت در سود و زیان (PLS) تعطیل می‌شود. اگر بانک‌ها در این حوزه کاری هم انجام دهند از طریق شرکت‌های تابعه بانک، تسهیلاتی به مؤسسه‌ها و شرکت‌های تابعه بانک داده می‌شود که آن‌ها با این وجوه کار می‌کنند و سود بانک بالا نگاه داشته می‌شود. در این وضعیت از محل استخر بزرگی که با پول‌هایش کار کرده‌اند (که غالباً ساختمان‌سازی و سرمایه‌گذاری در بورس و یا خرید و فروش ارز بوده است) و با افزایش سود، از سود کل که اکنون بالاتر رفته است، به بازپرداخت سود سرمایه‌گذاران اقدام می‌کنند.

من مدل دیگری را در مطالعاتم دیده‌ام که با تعبیر تأمین مالی خرد اسلامی (Islamic Micro Finance) از آن یاد شده است. تأمین مالی خرد، می‌تواند وسیع‌تر باشد. در این مدل مؤسساتی با عنوان مؤسسه تأمین مالی درست می‌شوند که البته می‌توانند بزرگ هم بشوند. مؤسسات تأمین مالی، عضو محور هستند و در روستاها و محله‌ها شکل می‌گیرند. افراد، وجوه بسیار کمی را ماهانه به مؤسسه می‌دهند که تعداد اعضاء در ابتدا ممکن است ۳۰، ۴۰ نفر یا بیشتر باشد. افراد عضو ۶ ماه یا یکسال هیچ تسهیلاتی از مؤسسه دریافت نمی‌کنند. این الگو می‌تواند بیشتر در مورد زنان سرپرست خانوار باشد، چون مهمترین اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند. در اولین تسهیلات ارائه شده که قرض‌الحسنه است، فرد دریافت‌کننده می‌تواند کارهای کوچک دامداری، یا کشاورزی، تولیدی کوچک، قالیبافی و ... را آغاز کند. کسی که دو مرتبه از این تسهیلات استفاده کرده و توان مالی‌اش تقویت شد، مؤسسه می‌تواند برای دفعات بعد از عقود با بازده ثابت برای او استفاده کند و در نوبت چهارم دریافت تسهیلات، از عقد مضاربه استفاده کند و به همین ترتیب .... با این کار فرد از زیر خط فقر به خط فقر و بالاتر از آن می‌رسد. این کار، انجام‌پذیر است و افرادی مانند محمد یونس با تأسیس بانک گرامین همین کار را انجام داده‌اند. امروزه به افرادی مانند محمد یونس نیاز است که اقدام به این کار کنند. فارغ‌التحصیلان رشته‌های اقتصاد به خصوص با گرایش اقتصاد اسلامی می‌توانند این الگو را در شهرهای خود اجراء کنند. در تشکیل این

مؤسسه‌ها خود مردم، خیرین استان، دولت و خیرین استان‌های ثروتمند می‌توانند مشارکت داشته باشند، چون وجوه آن‌ها باز می‌گردد. البته مشورت دادن به مردم در مورد نحوه سرمایه‌گذاری این تسهیلات، بسیار ضروری است.

**عیوضلو:** باید توجه بیشتری به ماهیت بانک داشته باشیم. در غیر این صورت مباحث و نگاه‌ها بیشتر به سمت بازار سرمایه خواهد رفت. این اشتباه در سالیان قبل هم رخ داده است. در دولت نهم خواستند بانک‌های تجاری و بانک‌های تخصصی را تعطیل کنند، لذا شرکت‌های تأمین سرمایه را ایجاد کردند و متأسفانه شرکت‌های تأمین سرمایه، به عنوان بانک‌های سرمایه‌گذاری ترجمه شدند و در ترجمه شرکت‌های تأمین سرمایه هم از اصطلاح Bank استفاده می‌شود، در حالیکه این شرکت‌ها Investment Company هستند نه بانک. امروزه با توجه به شرایط موجود، این شرکت‌ها که تحت نظارت بانک مرکزی نبودند، بیشترین سوء استفاده‌ها را کرده‌اند و در شرایطی که پول بسیار کم است، برخی از شرکت‌های تأمین سرمایه توانسته‌اند از قوانین دستوری بانک مرکزی به راحتی عبور کنند.

مطلب دیگر اینکه باید در این مبحث بین بانکداری بدون ربا و بانکداری اسلامی تفکیک قائل شویم. حرمت ربا، تنها موضوع بانکداری اسلامی نیست. در اسلام موارد دیگری هم به عنوان مکاسب محرمة مطرح است؛ مواردی مانند غرر، غبن، قمار، ظلم و .... اگر به دنبال بانکداری اسلامی باشیم، به نتیجه بهتری خواهیم رسید. بر این اساس نمی‌توان به بانک نگاهی منفی داشت. بانک صنعت جدیدی است که باید به کلیت آن نگاه فقهی جدیدی داشت، نه اینکه فقط قسمتی از مبادلات بانک را در نظر گرفته و آن را به یکی از عقود مرتبط کنیم. باید ماهیت بانک و ماهیت سپرده را شناخت و بعد نگاهی فقهی بدان داشت. اداره بانک بر اساس عقود، مشکلاتی جدی را در کشور ایجاد کرده است، اگر چه با همین روش هم می‌توان کار نظام بانکی را پیش برد.

بانک صنعتی است که می‌تواند از سپرده‌های مردم، پول‌های بیشتری را ایجاد کرده و تکاثر ثروت بوجود بیاورد. براساس دیدگاه شهید آیت‌الله صدر، اگر این فرآیند در یک جریان درست و شرعی قرار بگیرد، منشأ توسعه خواهد بود. ما نمی‌توانیم تأمین مالی‌های بزرگ را به راحتی و از هر طریقی دیگری ایجاد کنیم. بانک و نهادهای مبتنی بر بانک، روش‌های آسان‌تری

برای تأمین مالی در اختیار سرمایه‌گذار قرار می‌دهند که می‌تواند رشد ایجاد کند. به عنوان مثال در طرح‌های عمرانی که منابع به صورت مستقیم خرج می‌شوند، اگر منابع از طریق بانک خرج شوند و جایگاه بانک را درست تعریف کرده و تفکیک بانک‌ها به درستی صورت گرفته باشد، می‌توان چندین برابر مبلغ سرمایه‌گذاری شده، درآمدزایی داشت و خلق ارزش نمود. بانک می‌داند که چگونه از سرمایه‌ها استفاده کرده و نقدینگی را مدیریت کند. لذا بانک صنعت جدیدی است که باید نگاه به‌روزتری به آن داشت. اگر چه با چارچوب عقود هم می‌توان به راحتی بسیاری از نیازهای تأمین مالی را پاسخ داد؛ هم به صورت مبادله‌ای و هم به صورت مشارکتی. هر کدام از این موارد الزامات خود را دارند که بازبینی در آنها را ضروری می‌کند. خوشبختانه امروزه طرح‌های تحول نظام بانکی نیز از چندین منشأ دنبال می‌شود؛ مجلس، دولت و... لازم است که به سمت اصلاح روش‌ها حرکت کنیم تا بانک بتواند اثر مثبت بیشتری در بخش واقعی اقتصاد داشته باشد. اینکه از نظام بانکی موجود به درستی استفاده نمی‌شود و اثر لازم را در بخش واقعی نگذاشته است، نیاز به آسیب‌شناسی بیشتری دارد و می‌توان در موردش بحث کرد. اگر چارچوب‌های قانونی و نهادی لازم در بانکداری ما وجود داشته باشد، می‌توان اثربخشی در بخش واقعی را بیشتر کرد تا به رشد اقتصادی کشور منجر شود، به شرط اینکه تنوع بانک و بانکداری را پذیرفته و از تجارب دنیا در این زمینه استفاده کنیم. هیچ کدام از این اقدام‌ها مغایرتی با مبانی اسلامی ندارد. ما تحقیق کردیم و برای اولین بار این کار را انجام دادیم که براساس مبانی اسلامی، اصولی را استخراج کرده و این اصول را در نظام پولی و بانکی تعمیم دادیم. نتایجی که از این تحقیق به دست آوردیم، با تجارب جهانی امروزی و اسناد بالادستی کشور هماهنگی داشت و توانستیم برای نظام بانکی، چشم‌انداز و استراتژی تدوین کنیم و لوایحی را پیشنهاد کنیم که راه‌حل مناسبی برای ارتقاء نظام بانکی باشند. این راه‌حل‌ها در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی می‌توانند راه‌حل‌هایی جدیدتر محسوب شوند ولی نکات مهم دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد.

در مورد این سؤال که بانک در چه مسیرهایی می‌تواند وجوهات را به کار بگیرد، بانک می‌تواند این سپرده‌ها را در مبادلات هم بکار بگیرد، یعنی می‌توان مجاری خاصی را تعریف کرد که پول مردم در پروژه‌های مشخصی به کار گرفته شود. مثلاً وقتی می‌خواهیم هواپیما بخریم، طرح توجیهی آن کاملاً روشن است، نتیجه‌اش مشخص است، قرارداد هم روشن است، می‌توان نرخ بالایی هم برای آن در نظر گرفت، نرخ مقطوع هم مشکلی ندارد، چرا که دقیقاً می‌دانیم چه نوع

هوایمایی می‌خواهیم بحریم و قیمت آن چقدر است. می‌توان نهادهای امینی را در این کار قرار داد تا نظارت لازم را هم داشته باشیم. البته این اقدامات، الزامات خاص خود را هم دارد. وقتی در کشور نهادهای رتبه‌بندی و اعتبارسنجی قوی و معتبر وجود ندارد، نمی‌توان عقود مشارکتی را اجراء کرد و آن‌ها را عملیاتی نمود. ما انواع بانکداری را می‌توانیم تعریف کنیم؛ بانکداری عام المنفعه، بانکداری خرد، بانکداری خطرپذیر و ... که مقوله بسیار گسترده‌ای است و تجارب جهانی هم در این زمینه وجود دارد. هر کدام از این بانکداری‌ها را می‌توان جداگانه بررسی کرد.

مشکل توسعه نیافتگی ما، خلأهای نهادی است. واقعاً خلأهای نهادی وجود دارد. باید خلأهای نهادی را شناسایی کرد و آن‌ها را پر کرد تا فاصله خود را با کشورهای توسعه‌یافته کمتر کنیم.

**سودیو:** ضمن تشکر از اساتید ارجمند؛ بحث نظری مدنظر فصلنامه، در مواردی با مشکلات اجرایی مخلوط شد که جمع‌بندی را کمی مشکل می‌کند. دو نکته را عرض بکنم. در مورد طرح مدنظر آقای دکتر سیدنورانی؛ به نظر من جامعه اسلامی یا کشورهای اسلامی، ممکن است روزگاری را تجربه کنند که مرفه شده و دارای وضع مالی خوبی باشند. یعنی فقر، دیگر مسأله اصلی آن‌ها نباشد و در چهره غالب جامعه دینی، فقر در اقلیت قرار گرفته باشد. این فرض، غیرممکن نیست. حتی در چنین حالتی هم فعالیت‌های سرمایه‌گذاری وجود خواهد داشت و البته باید بدون بهره باشد. ما باید در آن شرایط هم بتوانیم از امکان کارکرد منابع در بازار حقیقی دفاع بکنیم. یک جامعه پیشرفته نیز ساز و کارهای خودش را دارد. البته وقتی در مراحل پائین توسعه باشیم، گرفتاری‌هایی وجود دارد که چنین مدل‌هایی نیز در آن معنادار خواهند بود. در عین حال چنین نیست که بانکداری اسلامی یا بدون ربا یا تأمین مالی اسلامی را منحصر در مسائلی از این قبیل بکنیم. اگرچه این موارد هم مطرح است. اگر زمانی این مدل موضوعیت نداشت، شیوه‌های تأمین مالی بدون ربا، بلاموضوع نخواهد شد. از سوی دیگر نگاه ما به بانک، منفی نیست.

**عیوضلو:** اتفاقاً نظام بانکی ما، دارای نظام شسته و رفته‌ای است که از این نوع نظام‌ها در کشور کمتر داریم که در چارچوب قوانین و مقررات حرکت کند. لذا بانکداری از نظام‌های شناخته شده‌ای است که از مقررات تبعیت می‌کند و ساختار بسیار منسجمی دارد. از جهت نظارت نیز

کاملاً بروکراتیک است. اگر چه تخلفاتی هم در آن وجود دارد ولی مشکل از چارچوب‌ها است. نظام بانکی از چارچوب‌ها تبعیت می‌کند.

**سردیو:** من البته با فرمایش شما از این حیث موافق نیستیم که نظام بانکی دقیقاً مطابق ضوابط حرکت می‌کند. متأسفانه در کشور ما دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه‌ها، بعضاً مغایر قانون هستند.

**عیوضلو:** ولی این اشکال اصلاً به شبکه بانکی ارتباطی ندارد. شبکه بانکی توسط مقررات و قوانین حاکم بر آن که توسط نهادهای برون بانکی تعیین می‌شوند، اداره می‌شود.

**سردیو:** اخیراً مطلبی با عنوان دادنامه نظام پولی، بانکی نوشته‌ام و در آنجا نشان داده‌ام که در اردیبهشت و خرداد سال ۶۲، در دوره اول مجلس شورای اسلامی، در حالی که قانون بانکداری بدون ربا در حال بررسی و تصویب است، مرحوم حجت‌الاسلام موحدی ساوجی در مجلس بیان می‌کند که اکنون که در حال بررسی مواد ۱ و ۲ هستیم، بانک مرکزی در آبان سال ۱۳۶۱ (۶ ماه قبل از آن تاریخ) دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های اجرایی آن را نوشته است. این چه قانونی است که آیین‌نامه‌های آن قبلاً نوشته شده است؟ و مرحوم آقای دکتر نوریبخش هم همین مطلب را تأیید می‌کند. هنگامی که این قانون در هشتم شهریور ماه ۱۳۶۲ تصویب شد، هیأت وزیران همان آیین‌نامه‌هایی را که از قبل نوشته شده بود، یعنی قبل از اینکه بدانند، چه چیزی قانون خواهد شد، همان را تصویب کرده است. نظام بانکی ما در حال اجرای دستورالعمل‌های مغایر قانون است ولی آن را خوب اجراء می‌کند. اگر فرض کنیم حدود ۷۰ درصد از قوانین یا دستورالعمل‌های بانکی اجراء شوند، عملاً این اتفاق یا در مورد عقود مشارکتی است که سر از بازار سرمایه و کالاهای سرمایه‌ای در می‌آورد (که مربوط به بازار حقیقی است) و یا در مورد عقود مبادله‌ای است که این عقود هم پشتوانه‌ای حقیقی دارند. بنابراین حتی نظام بانکی هم هنگامی که مطابق مقررات عمل بکند، سر از بازار سرمایه در می‌آورد. لذا واقعاً یکی از افتخارات نظام بانکی اسلام این است که هر اقدامی که انجام می‌شود، پشتوانه‌ای کالایی داشته باشد و تأثیر آن در بخش حقیقی ظاهر می‌شود. این امر در صورت کارآ بودن تکنولوژی می‌تواند باعث ایجاد اشتغال شود، عرضه را زیاد بکند و سطح عمومی قیمت را کاهش بدهند.

**عیوضلو:** ولی باید آسیب‌شناسی کرد که اشکال کار کجاست؟ اشکال در بانک‌ها نیست، بلکه در نوع نگاه و رویکرد است. وقتی قانونی نوشته شد که صرفاً به عقود در آن توجه شده است، بدون آنکه جنبه‌های حقوقی، جنبه‌های حسابداری و جنبه‌های بیمه‌ای مربوطه بررسی شود، نتیجه همین می‌شود که عده‌ای به معاملات صوری روی می‌آورند.

**سردبیر:** در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت اگر بخش عمده‌ای از جوهره تأمین مالی به سبک بدون ربا که مورد تأیید اسلام است را دنبال کنیم، به فعالیت‌های واقعی افزوده شده و رشد اقتصادی حاصل می‌شود و این امر منشأ توسعه است.

**سیدنورانی:** متأسفانه معنای مشارکت در ایران به درستی فهم نشده و بد اجرا شده است. منظور از مشارکت این نیست که بانک بتواند به صورت روزشمار سود بدهد، در صورتی که اگر چنین پولی وارد بازار سرمایه می‌شد، سود روزشمار نداشت. مشارکت یک امر روزشمار نیست، اگر کسی در کاری مشارکت می‌کند، نمی‌تواند قبل از مدت معین، از شراکت انصراف بدهد و پولش را بخواهد. سهام، چنین شرایطی دارد و ریسک آن هم پذیرفته شده است. فرد گاهی ۶ ماه تا یکسال باید صبر کند تا سود آن را دریافت کند و اگر بخواهد زودتر از موعود سهامش را بفروشد، باید وارد بازار ثانویه شود ولی در بازار پول، این اتفاق نمی‌افتد. در بازار پول، صکوک یا اوراق مشارکتی درست شده است که بانک یا دولت آن‌ها را صادر می‌کند و هرگاه فرد بخواهد آن‌ها را بفروشد، بانک یا دولت، نقش بازار ثانویه را اجراء کرده و اوراق را به همان قیمتی که فروخته شده، مجدداً می‌خرد. به علاوه سود آن را تا همان روز محاسبه و پرداخت می‌کند. این کار تا اینجا اشکالی ندارد ولی اینکه این عملیات به شکلی القاء شود که گویی مشارکت در ایران پدیده نوظهوری است که از همان روز اول به صورت روز شمار اقدام به پرداخت سود می‌کند، این کار اشتباه است.

**عیوضلو:** توجه داشته باشیم که صکوک با اوراق مشارکت تفاوت دارد. صکوک چارچوب نهادی دیگری دارد.

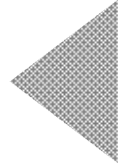


**سیدنورانی:** ارائه صکوک در بانک کار اشتباهی است و باید آن را به بورس منتقل کرد و انجام این کار توسط بانک شبهه بهره را دارد. به علاوه از مفهوم مشارکت و سرمایه گذاری در پروژه‌های میان مدت و بلندمدت که سه سال به بالا است، در ایران غفلت شده است.

**سردبیر:** در یک جمله می‌توان گفت مقرراتی وجود دارد ولی در اجراء گاهی صوری عمل شده است. حلقه‌های مفقوده‌ای هم داریم که مربوط به جنبه‌های نهادی، نظارتی و ضمانت‌ها است. در کشوری که بهره دادن و گرفتن به لحاظ دینی و منطقی ممنوع است، روش‌های تأمین مالی گسترده‌ای وجود دارد و نظام بانکی، یکی از این مجاری است و البته مجاری دیگری هم قابل تأسیس است که دامنه شمول وسیعی دارد. این دامنه می‌تواند از رفع فقر تا اداره یک جامعه پیشرفته اسلامی را در بر بگیرد و محدودیت منطقه‌ای و موضوعی ندارد. از حضور اساتید محترم در این میزگرد کمال تشکر را داریم. با آرزوی موفقیت و دیدار مجدد.

مقالات

# فرا تحلیلی بر مطالعات پیمایشی نابرابری‌های اجتماعی و گستره طبقاتی بزهکاری



مهدی براتعلی‌پور<sup>۱</sup>

نسترن براتعلی‌پور<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۳/۲/۲۱ - تاریخ تصویب ۹۳/۹/۱۵)

## چکیده

سیاست کیفری بر تنظیم صحیح روابط افراد جامعه با یکدیگر و حفظ نظم عمومی و تأمین امنیت در جامعه و گسترش عدالت اجتماعی و سیاسی دلالت دارد. این سیاست با وضع قوانین مناسب می‌تواند از هر نوع تعدی و تجاوز افراد به حقوق یکدیگر جلوگیری کند و افراد را ملزم به رعایت موازین حقوقی و اجتماعی گرداند. بر این اساس، قوه قانون‌گذاری به عنوان مرجع ذی صلاح در شکل‌دهی به سیاست کیفری کمک شایانی می‌کند. با این وجود، مطالعه فرایند اجرای سیاست کیفری و بررسی نتایج ثمربخشی آن، ضرورت تأکید بر نقش بسزای سیاست اجتماعی را در شکل دادن و کامیابی آن تردیدناپذیر می‌سازد.

پرسش اصلی این مقاله آن است که آیا بین نابرابری‌های اجتماعی و گستره طبقاتی بزهکاری رابطه وجود دارد؟ و به همین ترتیب، دو پرسش فرعی قابل طرح است: آیا سیاست کیفری

۱ - دانشیار دانشگاه خوارزمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، Baratalipour@yahoo.com

۲ - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، Nastaran\_bap22@yahoo.com

تنبیهی و تشدید مجازات‌ها به کاهش بزهکاری در جامعه منجر می‌شود؟ و تأثیر اقدامات پیش‌گیرانه و اصلاحات ساختاری بر کاهش بزهکاری در جامعه چیست؟ به عنوان مدعی این پژوهش، مطالعات انجام شده در زمینه جامعه‌شناسی کیفری نشانگر وجود رابطه همبستگی بین نابرابری‌های اجتماعی و گسترش بزهکاری در هر دو طبقه مرفه و محروم جامعه است. به لحاظ روش‌شناختی، این پژوهش بر فراتحلیل پیمایش‌هایی اتکا دارد که طی دو دهه اخیر در مورد رابطه بین نابرابری‌های اجتماعی و گستره طبقاتی بزهکاری در جامعه انجام پذیرفته است. به لحاظ چارچوب نظری نیز این پژوهش با انتقاد از مدل سزادهی یا کیفرمدار، بر مدل درمانی-اصلاحی استوار است. یافته‌های این پژوهش نشانگر نابسندگی اثرگذاری سیاست کیفری تنبیهی و تشدید مجازات‌ها بر کاهش بزهکاری در جامعه بوده و بر ضرورت توجه به اقدامات پیش‌گیرانه و اصلاحات ساختاری دلالت دارد.

**واژگان کلیدی:** نابرابری اجتماعی، طبقه، بزهکاری، سیاست‌گذاری کیفری، ایران.

## مقدمه

سیاست کیفری بر تنظیم صحیح روابط افراد جامعه با یکدیگر و حفظ نظم عمومی و تأمین امنیت در جامعه و گسترش عدالت اجتماعی و سیاسی دلالت دارد. این سیاست با وضع قوانین مناسب می‌تواند از هر نوع تعدی و تجاوز افراد به حقوق یکدیگر جلوگیری کند و افراد را ملزم به رعایت موازین حقوقی و اجتماعی گرداند. بر این اساس، قوه قانون‌گذاری به عنوان مرجع ذیصلاح در شکل‌دهی به سیاست کیفری کمک‌شایانی می‌کند. با این وجود، مطالعه فرایند اجرای سیاست کیفری و بررسی نتایج ثمربخشی آن، ضرورت تأکید بر نقش بسزای سیاست اجتماعی را در شکل‌دادن و کامیابی آن تردیدناپذیر می‌سازد. بحث از گستره طبقاتی بزهکاری می‌تواند حلقه وصل سیاست کیفری و سیاست اجتماعی تلقی گردد، زیرا تأمل در زوایای این مسئله ما را به بررسی متغیر مهم و اساسی نابرابری‌های اجتماعی رهنمون می‌سازد. نابرابری یکی از مأنوس‌ترین حقایق زندگی اجتماعی است و حتی برای سطحی‌نگرترین ناظران، امری بدیهی دانسته می‌شود. با این وجود، نابرابری اجتماعی به سادگی قابل حل یا تبیین نیست. آشکار است که نابرابری به موضوع‌هایی همچون شکاف بین پولدارها و فقرا یا تفاوت میان افراد برخوردار و

محروم توجه دارد. اما این پدیده به‌طور کلی‌تر به تفاوت‌هایی میان افراد یا جایگاه‌هایی که به صورت اجتماعی تعریف شده و آن‌ها را اشغال کرده‌اند، اشاره دارد. همین تفاوت جایگاه یا موقعیت اجتماعی است که بر نحوه زندگی افراد به‌ویژه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر دارد. بر این اساس، گرچه نابرابری با توجه به تفاوت استعدادها و تلاش‌های افراد امری اجتناب‌ناپذیر است، اما شناخت ارتباط آن با گستره طبقاتی بزهکاری در ایجاد نظم اجتماعی حایز اهمیت است.

پرسش اصلی این مقاله آن است که آیا بین نابرابری‌های اجتماعی و گستره طبقاتی بزهکاری رابطه وجود دارد؟ و به همین ترتیب، دو پرسش فرعی قابل طرح است: آیا سیاست کیفری تنبیهی و تشدید مجازات‌ها به کاهش بزهکاری در جامعه منجر می‌شود؟ و تأثیر اقدامات پیش‌گیرانه و اصلاحات ساختاری بر کاهش بزهکاری در جامعه چیست؟ به عنوان مدعای این پژوهش، مطالعات انجام شده در زمینه جامعه‌شناسی کیفری، نشانگر وجود رابطه همبستگی بین نابرابری‌های اجتماعی و گسترش بزهکاری در هر دو طبقه مرفه و محروم جامعه است.

به لحاظ روش شناختی، این پژوهش بر فراتحلیل پیمایش‌هایی اتکا دارد که طی دو دهه اخیر در مورد رابطه بین نابرابری‌های اجتماعی و گستره طبقاتی بزهکاری انجام پذیرفته است. فراتحلیل رویکردی است که پژوهشگر با ادغام و ترکیب پژوهش‌ها تلاش می‌کند تا نتایج پژوهش‌های انجام شده و نظریه‌های صورت‌بندی شده را در عمل به کار برد. هدف روش فراتحلیل نشان دادن شیوه تفکر در ترکیب پژوهش‌ها است. به بیان دیگر، فراتحلیل روشی است که به کمک آن می‌توان تفاوت‌های موجود در پژوهش‌های انجام شده را استخراج کرد و در دستیابی به نتایج کلی و کاربردی از آن بهره جست. فراتحلیل، تحلیل تحلیل‌هاست؛ به گونه‌ای که از طریق تحلیل اولیه (تحلیل مقدماتی داده‌ها) به تحلیل ثانویه (تحلیل مجدد داده‌ها) می‌پردازد. پژوهشگری که قصد اجرای فراتحلیل را دارد، پژوهش‌هایی را که تاکنون در زمینه موضوع مورد پژوهش انجام شده، شناسایی و مطالعه می‌کند (ر.ک: ایزاک ۱۳۷۶؛ دلاور ۱۳۸۰؛ اسماعیلی ۱۳۸۲؛ شریفی ۱۳۸۳).

به لحاظ چارچوب نظری نیز، این پژوهش با انتقاد از مدل سزادهی یا کیفرمدار، بر مدل درمانی-اصلاحی استوار است. اندیشمندان حقوق کیفری بر این باورند که نباید تصور و رنگ ارباب و سرزنش و مکافات را از مجازات زدود و در همین رابطه با تصمیمی مبتنی بر اصلاح مجرم

مخالفتند. بر این اساس، بزهکار را می‌توان محروم کرد، زیرا او شایسته چنین محرومیتی است. او در مسیری ناشایست و مخالف قانون گام برداشته است. این کردار سبب اضرار به جامعه شده است. مجازات نه تنها ابزار پیشگیری است، بلکه پاسخ شایسته‌ای است به عمل مباشر جرم. به واقع، کیفر نوعی توازن است. در این معنا، اقدامات قضایی بازدارنده انگیزه مجرمانه بزهکار را با تغییر در شیوه اندیشه او از طریق دیدن پیامدهای سوء تقلیل می‌دهد. نظام سزادهی اربابی از مزیت و مطلوبیت بالایی بهره‌مند است، زیرا افکار عمومی به معیارهای مرجع، به ویژگی اخلاقی، قضاوت‌های ارزشی و الگوها نیاز دارد. اگر محکومیت کیفری مبتنی بر اندیشه سرزنش و ملامت باشد، موجب ارضای افکار عمومی است. مجازات ارضای انتقامجویی را دنبال نمی‌کند بلکه اثر آرام‌بخش دارد و اختلالات جامعه را ترمیم می‌کند. همچنین مفهوم سزادهی اربابی مجازات با جدیدترین تعالیم روانشناختی مطابقت دارد. وقتی در ارتکاب یک عمل احساس مسئولیت وجود دارد، دلیلی وجود ندارد که ضمانت اجرای چنین عمل ارتكابی آزادانه، اقدام اصلاحی و درمانی باشد بلکه مجازات واکنشی شایسته است. به رسمیت شناختن آزادی فردی و قبول اثر سزادهنده برای مجازات، محکوم را به تأمل درباره عمل و آینده‌اش وامی‌دارد. اکثر نئوکلاسیک‌ها جنبه اصلاحی مجازات را نادیده نمی‌گیرند. زیرا اگر مسئولیت اخلاقی ناظر بر تقصیر است، این شخصیت بزهکار است که چگونگی و محتوای حکم را مشخص می‌کند. مجازات صرفاً رنج نیست، بلکه رنجی است که در بهبود مرتکب باید کارگر افتد (ر.ک: پرادل، ۱۳۹۲). بدین جهت، نئوکلاسیک‌ها غالباً از «کیفر شایسته یا استحقاقی» که از نظر آنان کیفر عادلانه است، سخن می‌رانند. لکن برای آنها، کیفر باید اصلاح‌کننده و درمان‌کننده یعنی مفید نیز باشد.

بر این اساس، در مدل سزادهی جنبه نمادین سزادهی پرننگ و از رؤیت‌پذیری بالایی برخوردار است و دو هدف را دنبال می‌کند: نخست، مرعوب کردن مجرمان بالقوه؛ دوم مرعوب کردن خود مجرم جهت پیش‌گیری از تکرار جرم. اما مدل درمانی-اصلاحی کارکرد و رسالتی درمانی دارویی برای کیفر در نظر گرفته است و اصولاً هدف بازگرداندن مجرم به جامعه را دنبال می‌کند (طاهری، ۱۳۹۲؛ و جوانمرد، ۱۳۸۸). انگاره اصلی پیشنهادات بازپروری این است که رفتار مجرمانه، نشانه نوعی گسیختگی یا اهمال اجتماعی در تربیت افراد به شمار می‌آید. این گسیختگی یا اهمال سبب رفتار مجرمانه بوده و نشانگر آن است که فرد بزهکار تنها قربانی

شرایط نابهنجار اجتماعی می‌باشد. از این رو، فرد به مراقبت، آموزش یا درمان نیازمند است تا این اشتباهات جبران شود. به واقع، غفلت و اهمال جامعه منجر به بزهکاری می‌شود و بزهکاری غالباً نتیجه مستقیم این اهمال است. کاملاً روشن است که این دیدگاه با اعتقاد مستمر به ارزش مجازات چه به عنوان یک عمل ذاتاً تربیتی و چه به عنوان یک عمل بازدارنده یا عمل سزادهنده در تضاد است. سیستم عدالت کیفری باید در زمینه نجات بزهکاران از حیات مجرمانه، با اقدامات غیر قضایی، مراقبت و آموزش پیش برود و از نظام کیفری که توجهش به موضوع مسئولیت در برابر اعمال خطا کارانه و اعمال مجازات متناسب با جرم بزهکار معطوف است، استفاده کند (ر.ک: مهرا، ۱۳۸۳).

این پژوهش نخست به تبیین مفاهیم «نابرابری‌های اجتماعی»، «بزهکاری» و «سیاست کیفری» می‌پردازد. سپس به ادبیات پژوهش‌نگاهی اجمالی می‌کند. آنگاه رابطه نابرابری‌های اجتماعی را با گستره طبقاتی بزهکاری به بحث می‌گذارد. به دنبال آن، از «سیاست کیفری تنبیهی و اصلاح کژتابی‌های اجتماعی»، «تشدید مجازات‌ها و بازدارندگی در قوانین جمهوری اسلامی»، «اقدامات پیش‌گیرانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی»، و «اصلاحات ساختاری و رفع نابرابری‌های غیر عادلانه» سخن می‌گوید.

## ۱- تبیین مفاهیم

ذیلاً پیش از ورود در بحث، مفاهیم اصلی این پژوهش، شامل نابرابری‌های اجتماعی، بزهکاری و سیاست کیفری توضیح داده می‌شوند:

### ۱.۱. نابرابری‌های اجتماعی

نابرابری اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌گردد که در چارچوب آن، انسان‌ها به منابع باارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دسترسی دارند. این وضعیت هنگامی روی می‌دهد که افراد و گروه‌ها یکدیگر را درجه‌بندی و سپس ارزیابی کنند، ولی از همه مهم‌تر این است که نابرابری اجتماعی در رابطه با موقعیت‌های متفاوت در ساختار اجتماعی به وجود می‌آید. ممکن است تفکیک اجتماعی از دیدگاه نقش‌ها و موقعیت‌ها، برخی افراد را در موقعیتی قرار دهد که دسترسی بیشتری به کالا یا خدمات باارزش داشته باشند؛ در این صورت، نابرابری اجتماعی به

معنی دسترسی داشتن به امکانات مورد علاقه است و خود دسترسی به امکانات، فرد را در رده‌ای بالاتر قرار می‌دهد (لهسایی زاده، ۱۳۷۷: ۶). واژه نابرابری به تفاوت‌هایی دلالت دارد که میان افراد یا جایگاه‌های اجتماعی آنان، وجود دارد و بر نحوه زندگی آنها، خاصه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر دارد. در تعریف نابرابری، تفاوت‌ها، رتبه‌ها، پایگاه‌ها و پاداش‌ها؛ از مفاهیم اساسی هستند که در اندازه‌گیری آن مدنظرند (شکوری، ۱۳۸۳: ۳۷). می‌توان منشأ نابرابری اجتماعی موجود در زندگی همه جوامع انسانی را در هنجارهای رفتار و احکام اجتماعی پیوسته به آنها جستجو کرد. قانون، شرط لازم و کافی نابرابری است. بی‌تردید هم احکام مثبت (پاداش‌ها) و هم احکام منفی (مجازات‌ها) به عنوان سازوکارهایی برای تقویت هموایی به شمار می‌آیند. از این منظر، قشربندی اجتماعی نتیجه بلافصل کنترل رفتار اجتماعی از طریق احکام مثبت و منفی است (دارندورف، ۱۳۷۱: ۴۵). به هر ترتیب، متفکران اجتماعی دست کم در مورد میزان قابل تحمل نابرابری اجتماعی و شیوه‌های کاهش آن اختلاف نظر جدی دارند (زنوز، ۱۳۸۴: ۱۶۹-۱۶۸).

نظریات مربوط به نابرابری اجتماعی را می‌توان در چارچوب دو دسته عمده بررسی کرد: دسته نخست که به نظریه کارکردگرایی موسوم است، نابرابری اجتماعی را اجتناب‌ناپذیر، ضروری و ویژگی عام جوامع تلقی می‌کند و به طور ضمنی، این فرض را مطرح می‌سازد که هیچ جامعه‌ای بدون وجود هیچ نوع نابرابری رتبه و پاداش، نمی‌تواند دوام بیاورد. دلایل کارکردی نابرابری، مبتنی بر عواملی چون ایجاد انگیزه، اهمیت زیاد برخی پایگاه‌ها و کمیابی افراد مناسب برای این پایگاه‌ها هستند (شکوری، ۱۳۸۳: ۳۹). در مفهوم کارکردگرایانه، هر نابرابری دال بر بی‌عدالتی نیست ولی هر بی‌عدالتی توأم با نوعی نابرابری است (چلبی، ۱۳۸۹: ۲۳؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: لپیست، ۱۳۸۱). دسته دوم نظریات، دیدگاه‌هایی مربوط به قدرت و امتیاز را در تفسیر نابرابری‌های اجتماعی لحاظ می‌کنند. معمولاً نابرابری‌ها به دو روش ارزیابی می‌شوند: اول؛ ارزیابی کیفی که عمدتاً با رتبه‌بندی قشرهای اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند، به متغیرهای کیفی مربوط است یا متغیرها را به گونه‌ای کیفی ارزیابی می‌کند. دوم؛ ارزیابی کمی مقیاس اندازه‌گیری نابرابری‌ها در مورد متغیرهای کمی پذیر لورنز و ضریب جینی، از شیوه‌های متداول در این ارزیابی هستند (شکوری، ۱۳۸۳: ۴۰؛ برای شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد بر فقر و اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران، ر.ک: ابوالفتحی قمی ۱۳۷۱؛ پژوهشکده آمار ۱۳۷۱؛



پژوهشکده آمار ۱۳۸۰؛ خداداد کاشی ۱۳۸۱؛ خداداد کاشی ۱۳۸۴ الف؛ خداداد کاشی ۱۳۸۴ ب).

## ۱.۲. بزهکاری

دورکیم در دو کتاب درباره تقسیم کار اجتماعی (۱۳۸۱) و قواعد روش جامعه‌شناسی (۱۳۸۵) به نظریه‌پردازی درباره بزه و کیفر پرداخته است. به عقیده او، بزه تا حدی یک پدیده طبیعی برای تمام جوامع است که در تمام زمان‌ها وجود داشته و از فرهنگ و تمدن هر جامعه ناشی می‌شود. به نظر او، «بزه عملی است که حالت نیرومند و روشن وجدان جمعی را جریحه‌دار می‌کند» و «بزه‌ها اعمالی هستند که همه اعضای یک جامعه آنها را به صورت عام محکوم می‌کند» (پرهام، ۱۳۶۹: ۸۶). بر این اساس، هدف از کیفر بیشتر معطوف به افراد غیر بزهکار است، زیرا بیشتر احساس همبستگی و یگانگی افراد بی‌گناه را تقویت می‌کند؛ پیش از آن که بزهکاران را متنبه سازد. کیفر ممکن است نقش عدم ترغیب و تضعیف و دلسردی بزهکاران را نیز فراهم آورد، لکن احساس انزجار در قبال پاره‌ای از اعمال کیفرپذیر در میان بعضی از مردم ضعیف است و در نتیجه آنان در معرض ارتکاب بزه قرار می‌گیرند. بنابراین، کیفر نمی‌تواند از وقوع بزه پیشگیری کند. هیچ بزه‌ی بزه محسوب نمی‌شود، مگر این که کیفری در کار باشد. در نتیجه، کیفر قانونی نمی‌تواند اعمال شود؛ مگر این که در قبال اعمالی که قانوناً تعریف دقیق داشته باشند (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۶۰).

دورکیم علل بروز جرایم را در محیط اجتماعی مطالعه کرده و معتقد است که بزه یک پدیده عادی اجتماعی است و نباید یک پدیده غیر عادی اجتماعی تلقی گردد. در هر اجتماعی بزهکاری وجود دارد و جامعه‌ای نیست که در آن بزه وجود نداشته باشد. بزه یک عامل سلامتی عمومی و جزء لاینفک هر اجتماع سالم است و علل استثنائی در نوع جرایم تأثیری ندارد، چون جرایم ناشی از فرهنگ و تمدن هر اجتماع است. لذا بررسی انواع جرایم بدون توجه به خصوصیات فرهنگی و تمدن از دیدگاه بزه‌شناسی بی‌ثمر است، زیرا بزه مربوط به فرهنگ و تمدن بوده و تابع زمان و مکان نمی‌باشد. دورکیم معتقد است که جامعه قبل از فرد وجود دارد و اثر خود را در فرد انباشته و او را تربیت کرده و بر او مسلط می‌گردد. روحیه هر فرد مستقیماً مربوط به تشکیلات و وظایف و دستورات و الگوهای اجتماعی بوده و در روابط خصوصی نیز

عوامل مذکور تأثیر کلی دارند(دانش، ۱۳۸۱: ۲۳۲). از نظر دورکیم، کیفر برای این نیست که احتمال کاهش بزه را در پی داشته باشد، بلکه نقش کیفر ارضای وجدان جمعی است، زیرا همین وجدان جمعی با کردار یکی از اعضای جامعه جریحه‌دار شده است. وجدان جمعی غرامت می‌طلبد و مجازات گنهکار غرامتی است که به احساسات همگان داده می‌شود. دورکیم بی‌هنجاری را علت بزه می‌داند. دورکیم مفهوم بی‌هنجاری را برای اشاره به این فرض به وجود آورد که در جوامع امروزی معیارها و هنجارهای سنتی بی آن که توسط هنجارهای جدیدی جایگزین گردند، تضعیف می‌شود. بی‌هنجاری هنگامی وجود دارد که معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار در حوزه معینی از زندگی اجتماعی وجود ندارد(گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۴۰).

### ۱.۳. سیاست کیفری

سیاست کیفری قبل از آن که یک علم باشد، فنی به شمار می‌آید که هدفش کشف و شکل دادن عقلانی و منطقی بهترین شیوه‌های ممکن برای حل مسایل پدیده‌های کیفری است. امروز زور و قدرت جای خود را به شناسایی عمیقی داده است که توسط جامعه‌شناسی، بیولوژی و روان‌شناسی کیفری صورت می‌گیرد. بررسی بزهکاران به صورت انسانی، انسانی رفتار کردن با آنها بدون آن که جسم و روحشان مورد صدمه قرار گیرد، و خودداری از این که آنان همانند اشیاء مورد استفاده تجربی قرار گیرند، روش حقیقی سیاست کیفری است. بر این اساس، سیاست کیفری به مطالعه روابط بین دو دانش بزه‌شناسی و حقوق جزا می‌پردازد که موضوع آن، کشف اسلوب‌های مبارزه مؤثر علیه بزه و هدف آن کشف چگونگی کاهش دادن جرایم است. هماهنگ کردن مسائل مختلف و مجازات‌ها و توجه به شدت بزه و تخفیف بزهکار پایه سیاست کیفری جدید است. سیاست کیفری از دیر زمان همیشه بر پایه سرکوبی قرار داشته است و جز اجرای مجازات تحت اشکال مختلف از زمان شروع تا کنون، هدف دیگری را تعقیب نکرده است، زیرا عقیده بر آن بود که چون هر گونه تخلف، تجاوزی به قواعد و توازن اجتماعی محسوب می‌شود، لذا باید حتماً مورد مجازات قرار گیرد(مظلومان، ۱۳۵۱: ۵۰-۴۸).

برخلاف حقوق جزا که جز به کیفر نمی‌اندیشد، اولین امری که بزه‌شناسی انجام می‌دهد، شناساندن طبیعت بزه و عوامل سازنده و شدیداً متفاوت اعمال بزهکارانه است. سیاست کیفری در عین حالی که باید شامل اقدامات پیشگیری بشود که به طور مؤثر بتواند در روی محیط اجتماعی

و در روی فرد عمل کند، باید مجموعه‌ای از اقدامات مجازاتی و تربیتی را که خیلی غنی‌تر از مجازات‌های کهنه و اقدامات تأمینی می‌باشد، نیز دربرگیرد. هر بزه‌ی دارای عوامل مخصوص به خود است که اگر اقدامی برای انهدام آن به طریقی مدبرانه صورت نگیرد، همچنان به دوام و توسعه خود ادامه می‌دهند. لذا برای مبارزه با بزه باید عواملی را که در آفرینش آن نقش مؤثری ایفا می‌نمایند، از بین برد. مثلاً اگر بحران اقتصادی در یک جامعه پدید آید، خواهی نخواهی مشکلات مالی، فقر و تنگدستی باعث افزایش جرایم علیه اموال و اقسام سرقت‌ها می‌شود. اگر با عوامل ایجادکننده بزه‌ی به طور جدی مبارزه نشود، هر چند که مجازات ارتکاب آن تشدید گردد و سنگینی کیفرش افزایش یابد، باز نه تنها تأثیری در کاهش آن نخواهد داشت، بلکه پیامدهایی بسیار ناگوار به بار خواهد آورد (مظلومان، ۱۳۵۱: ۶۱-۵۸؛ ر.ک: مظلومان، ۱۳۵۳).

## ۲. ادبیات پژوهش

پژوهش درخصوص ارتباط بین شرایط اقتصادی و کجروی، سابقه بسیار طولانی دارد. این مطالعات شمار گسترده‌ای از پژوهش‌های تجربی را به وجود آورده که ارتباط بین دو پدیده را بررسی می‌کنند. ابتدا در این پژوهش‌ها، محققان در پی کشف رابطه بین دگرگونی‌های شرایط اقتصادی و نرخ بزه و جنایت برآمدند. آنها نرخ بزه در دوران بحران اقتصادی را با نرخ بزه در دوران رونق اقتصادی جوامع گوناگون یا نواحی فقیر و غنی در یک منطقه را با هم مقایسه نمودند تا ببینند آیا تفاوت معنی‌داری در نرخ جرائم وجود دارد یا خیر. در مرحله بعدی، پژوهش‌ها صورت عینی‌تر به خود گرفت و همبسته بودن یا نبودن نرخ بزه و نابرابری‌های اقتصادی و نیز بزه با بیکاری به عنوان عامل ناتوانی اقتصادی، مورد بررسی قرار گرفت. حاصل این تلاش‌ها و یافته‌های متناقض سبب گردید که پژوهش‌ها به دو گروه اساسی تقسیم شوند. دسته‌ای از این تحقیقات همبستگی میان بزه و فقر را تأیید می‌کنند و در مقابل تعداد بیشتری از پژوهش، این باور تقریباً عمومی، یعنی وجود رابطه مثبت بین فقر و بزه را رد می‌کنند (برای آشنایی با فرامطالعاتی در این زمینه، ر.ک: اسفندیاری، ۱۳۸۰).

نتیجه پژوهش مخالفان رابطه مستقیم میان نابرابری‌های اجتماعی چون فقر و انحرافات اجتماعی ابتدا با این پیش فرض که در دوران رکود اقتصادی و هنگامی که تعداد فقیران زیاد می‌شود، بزه و کجروی افزایش می‌یابد و برعکس در دوران بالندگی اقتصادی، بزه کمتری روی می‌دهد، به

تحقیق در مورد رابطه بین آن دو پدیده پرداختند. اولین مطالعات در این زمینه با استفاده از آمارهای نسبتاً دقیق، از سوی «گری» و «کتله» صورت گرفت. آنها مقایسه‌ای بین نواحی ثروتمندترین و فقیرنشین فرانسه انجام دادند. نتایج به دست آمده، برخلاف انتظار آنها حاکی از آن بود که تفاوت محسوسی در ارتکاب جرائم بین دو ناحیه وجود ندارد. از این رو، آنها این نتیجه را گرفتند که جرائم و کجروی معلول «فرصت» است (ولد و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۰۵ و ۱۵۶). بدین سان، می‌توان از تأثیر غیرمستقیم عوامل اقتصادی در ارتکاب بزه سخن گفت و فقر را تنها عامل تقویت استعداد بزه کاری به شمار آورد. چنان که در دوران شکوفایی اقتصادی، شاخص بزه و جنایت بیش از دو برابر، رشد داشته است (کی‌نیا، ۱۳۶۹: ج ۲، ۱۹۸-۱۹۶).

با این وجود، نابرابری‌های اجتماعی و کجروی‌های اجتماعی از جمله پدیده‌هایی هستند که به نظر بسیاری از صاحب‌نظران با هم مرتبط می‌باشند. تحقیقات و پژوهش‌ها در عین حال که مؤید وجود رابطه مستقیم بین این دو مفهوم نیست، اما وجود همبستگی میان آنها را تأیید می‌نماید. بر این اساس، نابرابری‌های اجتماعی چون فقر به عنوان یکی از مسائل اجتماعی، در وقوع کجروی‌ها و افزایش میزان آن به ویژه در زمینه جرائم زنان، اعتیاد و سرقت تأثیرگذار است. در رویکرد دینی نیز این همبستگی مورد تأیید است؛ به گونه‌ای که فقر انگیزش روی آوری به کجروی را افزایش می‌دهد؛ همچنان که رفاه‌طلبی در روی آوری به جرائم، انگیزه بسیار قوی می‌باشد.

برخی از پژوهش‌ها فقر و ناتوانی اقتصادی را عامل مستقیم کجروی‌ها تلقی کرده و بین این دو متغیر قایل به وجود همبستگی هستند. از برخی پژوهش‌ها که درباره رابطه بین نرخ جرائم علیه اموال، در سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ و بین درصد خانوارهایی که درآمد آنها از میانگین جامعه پایین‌تر است، این نتیجه به دست آمد که بین فقر و انحرافات رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. تحقیقات «لافتین» و «هیل» که به کمک شاخص‌های فقر، از قبیل مرگ و میر کودکان، آموزش و پرورش نامناسب و مانند آن صورت گرفت، وجود همبستگی قوی بین این سنجش و نرخ قتل‌ها در آمریکا را تأیید می‌کند. همچنین تحقیقاتی که در مورد رابطه بیکاری و بزه صورت گرفته، همین یافته‌ها را تأیید می‌نمایند. به عنوان نمونه در یک پژوهش اثبات گردید که یک درصد افزایش در نرخ بیکاری، ۵/۷ درصد افزایش در قتل عمد را به دنبال داشته است. البته با توجه به این پیش فرض که بیکاری علت فقر و فقر هم عامل بزه و جنایت می‌شود، این نتیجه به

دست می‌آید که بین بیکاری و فقر و بزه رابطه مثبت وجود دارد (ولد و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۵۹-۱۵۷).

### ۳. نابرابری‌های اجتماعی و گستره طبقاتی بزهکاری

فراتحلیل پیمایش‌های گذشته نشانگر عدم وجود همبستگی قوی بین بزه و فقر است؛ به گونه‌ای که فقر می‌تواند در کنار سایر عوامل نقش خود را ایفا کند. برای نمونه؛ پژوهشی که در محله خاک سفید در شرق تهران صورت گرفت، حکایت دارد که بزهکاران این منطقه عموماً کارگر هستند و میانگین درآمد آنها در حدود ۶۵ درصد پایین‌تر از میانگین رسمی است و در نتیجه زندگی فقیرانه و به دور از تفریحات و سرگرمی دارند، اما تنها فقر اقتصادی در بزهکاری آنان تأثیرگذار نیست، بلکه عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز مؤثر می‌باشند (رئیس‌دانا، ۱۳۷۹: ۲۷-۲۸).

از دگر سو، این باور که ارتکاب جرایم بیشتر در طبقاتی است که از لحاظ اقتصادی در سطح پایین‌تری قرار دارند، محل تردید است. جرایم یقه سفیدها توسط مقامات با دید اغماض نگریده می‌شود تا جرایم قشرهای محروم، در عین حال هزینه این جرایم بسیار زیاد است. در ایالات متحده آمریکا پژوهش‌های زیادی درباره جرایم یقه سفیدان انجام و محاسبه شده است مقدار پولی که در جرایم یقه سفیدان از دست می‌رود، به صورت کلاهبرداری مالیاتی، کلاهبرداری در سهام اوراق بهادار، ساخت یا فروش فراورده‌های خطرناک و آلودگی غیرقانونی محیط و کلاهبرداری‌های مربوط به دارو و خدمات پزشکی، ۴۰ برابر پولی است که در جرایم عادی علیه اموال و دارایی دستبرد به منازل، سرقت اموال، جعل اسناد و دزدی اتومبیل از میان می‌رود. از این گذشته برخی اشکال جرایم یقه سفیدها بر تعداد بسیار زیادتری از افراد تأثیر می‌گذارد تا تبهکاری‌های طبقه پایین. یک اختلاس کننده ممکن است هزاران نفر را غارت کند، از راه کلاهبرداری کامپیوتری، از میلیون‌ها نفر کلاهبرداری می‌شود و مواد غذایی یا دارویی فاسد که به طور غیرقانونی به فروش می‌رسد، می‌تواند بر سلامت بسیاری از مردم تأثیر بگذارد. جنبه‌های خشن جرایم یقه سفیدها نسبت به موارد قتل، حمله و تجاوز، کمتر نمایان است، اما درست به همان اندازه واقعی است و ممکن است از لحاظ نتایج وخیم‌تر باشد. برای مثال نقض آشکار مقررات در مورد تهیه داروهای جدید، ایمنی در محل کار، یا آلودگی، ممکن است سبب آسیب جسمانی یا مرگ عده زیادی از مردم شود. مرگ‌های ناشی از حوادث هنگام کار به مراتب بیش

از قتل‌ها است، اگر چه به دست آوردن آمار دقیق در مورد حوادث کار دشوار است. بدیهی است نمی‌توان فرض کرد که همه یا حتی بیشتر این مرگ‌ها و آسیب‌ها نتیجه غفلت کارفرمایان درباره عوامل ایمنی است که قانوناً مسئول آن هستند. با این همه دلایل اساسی برای این فرض وجود دارد که بسیاری از این حوادث، ناشی از نادیده گرفتن مقررات ایمنی توسط کارفرمایان یا مدیران است. در ایالات متحده آمریکا حدود ۴۰ درصد حوادث کار در هر سال، نتیجه مستقیم شرایط کار غیرقانونی است، در حالی که ۲۴ درصد دیگر از شرایط قانونی اما نایمن سرچشمه می‌گیرند. نمونه‌های مستند بسیاری وجود دارد که کارفرمایان روش‌های خطرناکی را دانسته معمول یا حفظ کرده‌اند. حتی در جایی که این رویه‌ها بر خلاف قانون بوده است، بعضی‌ها استدلال می‌کنند که مرگ‌های ناشی از این شرایط، باید آدمکشی شرکت‌ها نامیده شوند؛ زیرا به طور مؤثر متضمن گرفتن غیرقانونی و اجتناب‌پذیر جان افراد از سوی شرکت‌های بزرگ سوداگر هستند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۵۹).

برخلاف تصور افکار عمومی، جرایم ارتكابی ثروتمندان، تجار، کارفرمایان، صاحبان صنایع و کارخانه‌ها، معمولاً به نسبت تعداد آنان، بیش از سایر مشاغل است. درآمد زیاد، کسب ثروت بدون رنج و مشقت با استفاده از موقعیت‌های خاص یا از راه‌های غیرمشروع که زندگی مرفه و بی‌نظم و ترتیب و ثروت بادآورده را فراهم می‌کند، از عوامل جرم‌زا محسوب می‌شود. این در حالی است که سارقان مسلح در دنیا هر سال به طور تقریبی ۶۶۰۰ دلار سرقت می‌کنند در صورتی که سرقت با کامپیوتر در بانک‌های آمریکا در سال ۱۹۹۹ بالغ بر ۲۲۰ هزار دلار بوده است و هر سال چند میلیارد دلار از طریق کامپیوتر در بانک‌های جهان ربوده می‌شود که فقط ۱۵ درصد جرایم کامپیوتری تحت تعقیب قرار می‌گیرند و ۱۵ درصد این جرایم به اطلاع عموم می‌رسد (دانش، ۱۳۸۱: ۳۰۰).

در فرانسه طبق بررسی‌های به عمل آمده، جرایم ارتكابی کارفرمایان صنایع و کارخانه‌ها، بیش از سایر مشاغل است و نوع جرایم ارتكابی آنان، صدور چک بلامحل، تخلف از مقررات راهنمایی و رانندگی، رانندگی در حال مستی، تخلفات حمل و نقل کالا، تخلفات از قوانین تأمین اجتماعی و تخلف از مقررات قانون کار بوده است. این در حالی است که افکار عمومی، فقر را یکی از عوامل بزهکاری محسوب می‌کند و این امر در بزه‌شناسی تأیید نشده است؛ زیرا در جوامعی که همه فقیر هستند، مالی برای ربودن وجود ندارد و گذشته از آن در بین افراد تهیدست، روابط

خانوادگی توأم با تعاون، همکاری، عطوفت و صمیمیت است. افراد فامیل و قبیله در غم و اندوه، سرور و شادی هم شریکند و کمک و دستگیری از یکدیگر را وظیفه وجدانی خود می‌دانند، در صورتی که غالباً محیط خانواده‌های متمول و ثروتمند از صفا، انسانیت و محبت خالی است و تشریفات مادی، جانشین انس و الفت ذاتی می‌شود. ثروتمندان با امکانات مالی که در اختیار دارند، وسایل آموزش و پرورش، بهداشت و رفاه فرزندان خود را فراهم می‌کنند، در حالی که اطفال بی‌بضاعت و فقیر از حداقل مایحتاج زندگی، وسایل بهداشتی و رفاه اجتماعی محروم و از تعلیم و تربیت بی‌نصیب هستند، تأثیر عوامل مذکور بیش از فقر به معنای اخص در ارتکاب بزه مؤثرند. حرص و طمع برای ازدیاد ثروت، یا سوءاستفاده از اعتبارات بانکی، ولخرجی، خوش‌گذرانی، فسق و فجور، قمار و انواع شرط‌بندی‌ها، مشابه کردن مارک‌های تجاری، تقلب در مواد تولیدی، مواد غذایی و مواد مصرفی، کم‌فروشی، گران‌فروشی، تقلب به‌عنوانین مختلف که کمتر تحت پیگرد قرار می‌گیرد، از جمله جرایم ارتكابی ثروتمندان است (دانش، ۱۳۸۱: ۳۵۲).

بزهکاری یقه‌سفیدها که مربوط به طبقات بالای جامعه و افراد ثروتمند و خانواده‌های توانگر و مرفه است، به علل گوناگون کمتر به مرحله کشف، افشاء، تعقیب، محاکمه و بالاخره محکومیت می‌رسد. امروزه با تحول زندگی اجتماعی، در نوع جرایم نیز تغییراتی پدید آمده است. برآوردهای کارشناسی حاکی از آن است که ضرر و زیان اقتصادی ناشی از رفتارهای یقه‌سفیدان در ایالات متحده، سالانه حدود ۴۰ میلیارد دلار و ۱۰ تا ۳۰ برابر بیش از ضرر و زیان جرایم خیابانی دون‌پایگان است که در سال حدود چهار میلیارد دلار گزارش می‌شود اما به علت هراس توده‌ای از جرایم خیابانی، واکنش‌های عمومی متوجه این نوع جرایم شده و کج‌رفتاری‌های یقه‌سفیدان مورد توجه چندانی قرار نگرفته است. درگیری نظام کنترل اجتماعی نیز با جرایم یقه‌سفیدان کمتر است؛ زیرا یقه‌سفیدها اغلب مرتکب جرایمی می‌شوند که به مهارت و پیچیدگی و از همه مهم‌تر منابع قدرت برای گریز از بازرسی و محاکمه نیاز دارند و احتمال دستگیری، محاکمه و محکوم شدن غیر یقه‌سفیدان بیشتر است، اما یقه‌سفیدان به دلایل زیر موفق‌ترند: اول؛ اجرای عقلانی کج‌رفتاری برای کسب بیشترین سود. دوم؛ استفاده از منزلت خود برای اعمال نفوذ و به حداقل رساندن احتمال آشکار شدن تخلف. سوم؛ استفاده از همکاری ناآگاهانه قربانیان خود. چهارم؛ بی‌تفاوتی نسبی جامعه نسبت به این گونه کج‌رفتاری‌ها (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۵:

۷۵؛ برای بحث مفصل درباره تحلیل بزه شناختی جرایم ناشی از ثروت، ر.ک: سازش (۱۳۸۹).

#### ۴. سیاست کیفری تنبیهی و اصلاح کژتابی‌های اجتماعی

جوامع برای احتراز از عواقب ناشی از جرایم، سیاست و برنامه‌ای در جهت کنترل بزهکاران پی‌ریزی می‌کنند. این برنامه‌ها که از طریق سرکوبی محض یا همراه با اقدام‌ها و تدابیر خاص پیشگیری از بزهکاری می‌باشد، در قوانین کیفری متبلور می‌شود. مهم‌ترین مرحله از چرخه کیفری، مرحله ارزش‌گذاری یا تنظیم سیاست کیفری در قبال جرایم می‌باشد. این مرحله مشتمل بر وضع قوانین در خصوص تعیین جرایم و نوع پاسخ‌های موجود و حدود اختیارات نهادهای کیفری و اجرایی است. از این منظر، سیاست کیفری بیانگر دیدگاه‌ها و روش‌های اتخاذی از سوی مقنن به منظور کنترل بزه، حفظ نظم جامعه و حقوق افراد و دولت است (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۲). البته صرف وضع و تدوین قوانین و مقررات به عنوان اساس و شالوده سیاست کیفری کفایت نمی‌کند. این عدم کفایت بدین لحاظ است که تبلور سیاست کیفری تقنینی در عوامل و فریعات دیگر نهفته است. سیاست کیفری تقنینی باید از تورم و فزونی و همچنین پراکندگی قوانین جلوگیری کند. اصول و قواعد مهم اصل مساوات و اصل عطف به ماسبق نشدن را رعایت کند. با روحیات و انتظارات عمومی مردم، عقاید و افکار مذهبی، سنت‌ها، آداب و رسوم حاکم و سایر عوامل اجتماعی، هماهنگی و سازش داشته باشد (صانعی، ۱۳۵۴: ۷۶).

حلقه وصل سیاست کیفری و اجتماع مفهوم بزه‌شناسی اجتماعی است. بزه‌شناسی در مفهوم ساده آن بر «مطالعه عوامل بزهکاری» دلالت دارد. مباحث این رشته علمی حول محور بزه، بزهکار و بزهکاری می‌چرخد. از این رو، بزه‌شناسی برای مطالعه بزهکاری از علوم مختلفی ترکیب یافته است. بدیهی است که بزه‌شناسی به عنوان یک علم ترکیبی در جهت وصول به این آرمان از نتایج مطالعات و دستاوردهای این دانش‌ها حداکثر استفاده را می‌نماید. بزه‌شناسی عمومی، علمی است که با استفاده از مطالعات علوم دیگر سعی در بررسی پدیده بزهکاری و شناخت علت وقوع آن، مطالعه محیط زندگی بزهکار و شرایط روحی و روانی و گذشته و حال و کمبودها و احساسات وی را دارد و توأم با ارائه شیوه‌های معالجه و درمان بزهکار، به ارائه برنامه‌هایی در جهت پیشگیری بزهکاری و از بین بردن زمینه‌های جرم‌زا می‌پردازد. بدین ترتیب، رسالت مبارزه با فساد و انحراف و ناسازگاری با پیشنهاد برنامه‌های سالم‌سازی، ایجاد عدالت، تقویت جنبه‌های



فرهنگی و بهداشتی را بدوش می‌کشد. با این آرمان که روزی آفات اجتماعی از بین رفته یا دست کم تضعیف گردد. در مقابل، بزه‌شناسی اختصاصی شامل علمی است که برای بررسی علل ارتکاب جرائم و بروز حالت خطرناک، پایه و اساس بزه‌شناسی را پی‌ریزی نموده و رشته‌های خاصی را در بزه‌شناسی به وجود آورده‌اند.

در شناخت شخصیت و روان، محیط زندگی و ویژگی جسمی بزهکار زیست‌شناسی کیفری، روان‌شناسی کیفری و جامعه‌شناسی کیفری به بزه‌شناسی بهره‌می‌رسانند. این علوم در مقام مطالعه پدیده بزهکاری و بزهکار به عنوان بزه‌شناسی نامگذاری شده‌اند. گونه اخیر، یعنی بزه‌شناسی اجتماعی یا جامعه‌شناسی کیفری، با موضوع این پژوهش در ارتباط است. با توجه به کمک فراوان جامعه‌شناسی، به ویژه استفاده از روش‌های تحقیق آن در بزه‌شناسی و اثر فوق‌العاده عوامل اجتماعی در بزهکاری، وابستگی شدیدی بین بزه‌شناسی و جامعه‌شناسی به وجود آمده است. امروزه علم خاصی به نام جامعه‌شناسی کیفری که محور بررسی‌های آن بر ویژگی‌های محیط و اثرات آن بر شخصیت افراد ناسازگار و بزهکار متمرکز می‌باشد، به وجود آمده است. بزه‌شناسی کیفری با بهره‌گیری از جامعه‌شناسی کیفری، به مطالعه کامل پدیده بزه، علل محیطی، آمارهای کیفری و تمام مسائل مربوط به بزه و بزهکار از جنبه‌های مختلف بزه‌شناسی می‌پردازد. بزه‌شناسی عمدتاً اعمال روش‌های علوم انسانی نسبت به مطالعه بزهکار، عمل او و اوضاع و احوال و شرایط ارتکاب این عمل را شامل می‌گردد.

بزه‌شناسی در یک تعریف ساده عبارت از مطالعه علمی علل پدیده بزهکارانه است. مراد از پدیده بزهکارانه، هم بزه (به مفهوم قانونی) و هم انحراف یا کژمداری (به مفهوم اجتماعی-اخلاقی) است. بدین ترتیب، ملاحظه می‌کنیم که امروزه قلمرو و موضوع بزه‌شناسی مطالعه علل انحراف را نیز در بر می‌گیرد. و اما در مورد سیاست کیفری، باید گفت که این رشته مطالعاتی وابسته به علوم کیفری، هم یک علم و هم یک هنر است و موضوع آن عبارت از سازمان دادن به امر اداره بزهکاری در یک جامعه، یعنی مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از آن می‌باشد. بدین سان، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در زمینه بزهکاری همانند برنامه‌ریزی در زمینه‌های بهداشتی، اقتصادی، ایجاد اشتغال و مانند آن، یکی از وظایف قوای عمومی کشورها به حساب می‌آید. تعلیمات و داده‌های بزه‌شناسی که حاصل مطالعات و پژوهش‌های علمی یعنی عینی است، به تصمیم‌گیران و مسئولان سیاست کیفری یک کشور اجازه می‌دهد تا با آگاهی و با اشراف کامل

نسبت به جوانب مختلف پدیده اجتماعی مورد نظر، یعنی بزه، به برنامه‌ریزی و قانونگذاری پردازند. این سیاست بی‌تردید یک سیاست کیفی سنجیده، علمی، کارا و پویا خواهد بود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۲-۱۳۷۳: ۵۶۹-۵۶۸).

## ۵. تشدید مجازات‌ها و بازدارندگی در قوانین جمهوری اسلامی

سیاست کیفی سختگیرانه از دهه هفتاد میلادی جهت مبارزه با بزهکاری مورد توجه قرار گرفته است. این سیاست دارای ابعاد و راهبردهای متعددی است که سلب توان بزهکاری یا استفاده از رویکرد سه ضربه و سپس اخراج از جمله مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌گردد. رویکرد مذکور به ویژه در برخی از کشورها از جمله در آمریکا چنان مورد استقبال قرار گرفته است که می‌توان از آن تحت سیاست کیفی غالب در مبارزه با بزهکاران مکرر و حرفه‌ای یاد کرد. در این رویکرد با تأکید بر ضرورت خنثی‌سازی و سلب توان بزهکاری بزهکاران مذکور، فرض بر آن است که می‌توان نسبت به کاهش نرخ کلی بزهکاری امیدوار بود و در نتیجه با حذف برخی بزهکاران از جامعه و نگهداری آنان در پشت میله‌های زندان، سهم عمده آنها را در بزهکاری کاهش داده، نرخ کلی جرایم را به نحو قابل توجهی پایین آورد (غلامی، ۱۳۸۸: ۴۹۷).

در خصوص تأثیر قوانین سه ضربه، به گونه‌ای که منجر به کاهش نرخ بزهکاری شود، تردیدهای جدی وجود دارد. ایجاد ارتباطی مثبت میان کاهش نرخ بزه در آمریکا، با وضع قوانین سه ضربه، بسیار مشکل است و تقریباً در هیچ کدام از پژوهش‌ها این فرضیه ثابت نشده است. در کالیفرنیا نرخ جرایم قبل از وضع قوانین سه ضربه کاهش یافت و با وجود وضع قوانین مذکور، به همان ترتیب ادامه یافت. در این خصوص مهم‌ترین مشکل آن است که برخلاف مبانی توجیهی سیاست سه ضربه، محکومین عمده این قوانین، نه بزهکاران حرفه‌ای یا خشن، بلکه بزهکاران مکرری هستند که مرتکب جرایم عادی شده‌اند. این حقیقت شائبه ناعادلانه و شدید بودن قوانین مذکور را هم در مرحله وضع و هم در مرحله اجرا تشدید می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به هزینه‌های اقتصادی اجرای این قوانین، در خصوص فایده‌مند بودن آنها نیز تردیدهای جدی وجود دارد. در صورت محکومیت مرتکبان جرایم عادی و غیر خشونت‌آمیز به مجازات حبس طولانی مدت، افزایش هزینه‌ها و ازدحام جمعیت زندان امری حتمی است. به همین دلیل است که بسیاری از پژوهشگران بر ضرورت بررسی بیشتر آثار و نتایج این سیاست تأکید

کرده‌اند (غلامی، ۱۳۸۸: ۵۲۴-۵۲۳).

افزایش نرخ بزهکاری، ارتکاب روز افزون جرایم خشونت بار، بزهکاری زودرس نوجوانان و جوانان و به ویژه ارتکاب جرایم خشن توسط آنان، فزونی نرخ تکرار بزه، گسترش احساس ناامنی و ترس از بزه و مهم‌تر از همه، ناکارایی نظام اصلاح و تربیت و عدم تحقق موفقیت‌آمیز آرمان بازپروری و اصلاح بزهکاران، زمینه مناسبی را برای ظهور سیاست کیفری سخت‌گیرانه فراهم کرده است. بررسی فراز و نشیب‌های قانون‌گذاری کیفری ایران در طول بیست و پنج سال گذشته، حاکی از آزمون، رویگردانی یا اصرار بر استفاده از ابعاد مختلف این سیاست است. انحلال دادگاه‌های ویژه اطفال و نوجوانان بزهکار و احاله صلاحیت آنها به دادگاه‌های بزرگسالان، گسترش تابعان حقوق جزا، توسعه شمول مجازات‌های ناظر بر تمامیت جسمانی بزهکاران، گسترش قلمرو استفاده از مجازات اعدام نسبت به بیش از ۸۰ فقره از عناوین جرایم، تشدید مجازات بزهکاران مرتکب جرایم مواد مخدر، الغای حق تجدیدنظرخواهی از احکام یا تحدید قلمرو استفاده از آن به موارد فوق‌العاده استثنایی، پیش‌بینی امکان استفاده از دلایل منحصر به فرد اثبات بزه و صدور حکم محکومیت، استفاده حداکثر از ظرفیت‌های حقوق کیفری به ویژه در قلمرو حقوق خصوصی افراد و اخلاق فردی از طریق بزه‌انگاری، کاهش قلمرو حاکمیت اصل قانونی بودن بزه و مجازات، تأسیس دادگاه‌های کیفری اختصاصی با تأکید بر حداکثر قطعیت احکام صادره از طرف آنها، حذف، الغا یا کاهش قلمرو حضور و دخالت هیات منصفه در برخی رسیدگی‌های کیفری، حداکثر استفاده از روش وحدت قاضی در فرایند رسیدگی کیفری و امثال آن، از جمله نمونه‌های سیاست کیفری در ایران بوده است. به هر ترتیب، اصرار بر استفاده از این سیاست که یکی از آشکارترین نتایج بحران آن افزایش فوق‌العاده جمعیت کیفری زندان‌های ایران است، نباید جز با اثبات کارایی آن از طریق استناد به یافته‌های علمی معتبر ادامه یابد (غلامی، ۱۳۸۴: ۱۱۷-۱۱۶).

## ۶. اقدامات پیش‌گیرانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی

بزه‌شناسی پیش‌گیرانه ناظر بر اقدامات کنشی (پیشینی) قبل از وقوع بزه و یا حتی اقدامات واکنشی (پسینی) بعد از بروز رفتار بزهکارانه، از سوی کارگزاران سیاست جنایی در دو سطح ملی و فراملی است. اقدامات مزبور، اصولاً فاقد وصف کیفری هستند. گاه پیش‌گیری از بزه مبتنی بر

ضرورت ایجاد تغییر و تعدیل شخصیت بزهکار و شرایط اجتماعی است که به «پیشگیری اجتماعی» شهرت یافته است. گاه، پیشگیری از وقوع یا تکرار پدیده بزهکارانه (اعم از بزه و انحراف) مستلزم دخل و تصرف و ایجاد تغییر در یک محیط یا وضعیت ویژه است. این قسم از اقدام را «پیشگیری وضعی» گفته‌اند. گونه‌ای از پیشگیری نیز پیشگیری زودرس یا رشدمدار است که مبین مداخله در دوره‌های مختلف رشد اطفال نوجوانان بزهکار، منحرف یا در معرض بزهکاری به منظور پیشگیری از وقوع یا مزمن شدن بزهکاری در آینده و در دوران بزرگسالی می‌باشد (ر.ک: هیوز ۱۳۸۰؛ کسن ۱۳۸۵؛ برای نمونه‌ای از تحقیقات پیمایشی در مورد نقش اقدامات انتظامی در پیشگیری و کاهش میزان وقوع جرایم، ر.ک: تبریزی و دیگران ۱۳۸۷).

قانون اساسی جمهوری اسلامی قوه قضاییه را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی، مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار این وظایف دانسته است: ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسیه که قانون معین می‌کند. ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین (اصل ۱۵۶).

در راستای تحقق بخشیدن به بند ۱۵ این ماده، قوه قضاییه با صدور بخشنامه‌ای در تاریخ ۸۳/۷/۲۶ اقدام به تأسیس ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی کرد. پس از آن، لایحه پیشگیری از جرم را تقدیم دولت کرد. بر اساس این لایحه، به منظور کمک به پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و منطقه‌ای، سازمان پیشگیری از جرم زیر نظر قوه قضاییه تشکیل می‌شود. در این قانون، پیشگیری از جرم شامل پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن دانسته شده است (ماده ۱). با هدف اقدام مناسب قوه قضاییه برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین و اتخاذ سیاست‌های جامع، هماهنگ و اثربخش در زمینه پیشگیری از جرم با مشارکت مردم، اجتماعات محلی و نهادهای غیردولتی شورایی به نام شورای عالی پیشگیری از جرم تشکیل می‌گردد (ماده ۲). وظایف این شورا، تصویب طرح‌ها و برنامه‌های پیشگیری از جرم، تبیین نقش و وظایف هریک از دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی در امر پیشگیری از جرم در چارچوب وظایف قانونی آنها، اتخاذ تدابیر مناسب به منظور هماهنگی و

توسعه همکاری بین دستگاه‌های مسؤول در امر پیشگیری از جرم، بررسی لوایح مورد نیاز برای پیشگیری از جرم، اقدام مناسب برای اصلاح قوانین و مقررات جرم‌زا، اتخاذ سیاست‌های لازم برای توسعه و گسترش فرهنگ پیشگیری از جرم، اتخاذ تدابیر لازم برای جلب مشارکت مردم و نهادهای مدنی در تهیه، تدوین و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های پیشگیری از جرم، ارزیابی نتایج اجرای طرح‌ها، برنامه‌ها و عملکرد دستگاه‌های مسؤول در زمینه پیشگیری از جرم، و تخصیص اعتبارهای لازم و استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود در زمینه پیشگیری از جرم شمرده شده است (ماده ۳). به منظور نظارت بر اجرای مصوبات شورای عالی، کمک به پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و منطقه‌ای پیشگیری از جرم و مطالعه و پژوهش در حوزه‌های راهبردی پیشگیری از جرم سازمان پیشگیری از جرم زیر نظر قوه قضائیه تشکیل می‌گردد (ماده ۴). و به منظور ایجاد هماهنگی در اجرای طرح‌های پیشگیری، تشویق نوآوری‌های منطقه‌ای و تقویت ساز و کارهای محلی در این زمینه، شورای استانی پیشگیری از جرم تشکیل می‌شود (ماده ۵؛ برای آگاهی از متن کامل این لایحه، ر.ک: متن کامل قانون پیشگیری از جرم ۱۳۹۲).

این لایحه پس از پیشنهاد قوه قضائیه و تصویب در کمیسیون لوایح دولت، در نیمه دوم سال ۸۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. اما این لایحه با ایراد شورای نگهبان مواجه شد که پس از آن به مجمع فرستاده شد و اصلاحاتی در کمیسیون حقوقی مجمع در این لایحه صورت گرفت و اکنون در حال طی مراحل قانونی است.

این لایحه با تغییراتی که در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی پیدا کرد، از پرداختن به انواع پیشگیری‌های اجتماعی فارغ شده و حضور رؤسای دو قوه مجریه و مقننه نیز در شورای عالی حذف گردید. بدین سان، ضمن تلاش برای تقویت ماهیت قضایی پیشگیری، ابعاد اجتماعی پدیده بزهکاری صرفاً به ارایه آمارها و اطلاعات توسط دستگاه قضایی به نهادهای مسئول در قوای دیگر محدود شد. فارغ از آن که آیا پیشگیری از وقوع جرم، ماهیتی قضایی دارد و تاکنون قوه قضاییه برای تحقق این وظیفه قانونی چه اقداماتی انجام داده است، کاملاً روشن است که این امر بیشتر و بیشتر به سیاستگذاری اجتماعی دولت و مجلس ارتباط می‌یابد.

## ۷. اصلاحات ساختاری و رفع نابرابری‌های غیر عادلانه

در هر جامعه‌ای، پی‌ریزی شالوده‌ها و برنامه‌ریزی‌های رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش، خدمات عمومی و بهداشت و امثال آن، بر اساس و در چارچوب اصول سیاست اجتماعی صورت می‌پذیرد. اصول سیاست اجتماعی، همانا ایده‌های راهنما یا علایمی است که بر اساس آن، شالوده‌های رفاه اجتماعی، آموزش، خدمات بهداشتی و امثال آن صورت‌بندی می‌شوند. در یک سیاست اجتماعی، ممکن است اولویت به اصل برابری و آزادی تعلق گیرد و در سیاستی دیگر، به اصل عدالت اجتماعی، اصطلاح ترکیبی «سیاست اجتماعی» منحصرأ با تعریف خاص خود ناظر بر «سیاست حکومت‌ها» بوده و با این هدف تنظیم می‌شود که در پرتو این سیاست‌ها، تأمین خدمات یا درآمد، تأثیر مستقیمی بر رفاه شهروندان بگذارد (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۱۰۵). قلمرو سیاست اجتماعی، معطوف به وسایل و هدف‌هایی است که نهادهای مختلف اجتماعی در حوزه‌های وسیع با استفاده از برخی معیارها و از طریق مداخله حداکثری یا حداقلی حکومت در جامعه به منظور یک نظم مفروض اجتماعی، اقدام به بهبود یا اصلاح می‌نماید (برای آشنایی با نظریه‌های جدید و معاصر درباره سیاست اجتماعی، ر.ک: جغتایی ۱۳۸۰، همتی ۱۳۸۹، هال و میچلی ۱۳۸۸).

بنابر قانون اساسی، جمهوری اسلامی، نظامی دانسته شده است که به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا باور دارد و این هدف از راه نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی تأمین می‌گردد (اصل ۲). از این رو، دولت موظف است تا همه امکانات خود را برای ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی، بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی، رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، و پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه به کار برد (اصل ۳). همچنین دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را

برای احراز مشاغل ایجاد نماید (اصل ۲۸). در این سیاستگذاری اجتماعی، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی همگانی تلقی شده و دولت مکلف گردیده تا طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند (اصل ۲۹). فراهم‌سازی و گسترش وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه و وسایل تحصیلات عالی تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان (اصل ۳۰) و داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی شمرده شده است (اصل ۳۱). در این موارد، سیاست اجتماعی اهمیت یافته است. برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در صدد است تا نیازهای اساسی، شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛ و شرایط و امکانات کار را برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی فراهم کند (اصل ۴۳).

### فرجام سخن

در این پژوهش آشکار گردید که سیاست کیفری در جمهوری اسلامی بر مدل سزادهی یا کیفرمدار استوار است. اتخاذ این سیاست در فرایند قانونگذاری و اقدامات قضایی نمی‌تواند هدف اصلی آن، یعنی بازدارندگی را تأمین کند. بر این اساس، شدت بالای جنبه نمادین سزادهی و رؤیت‌پذیری فزاینده آن در تحقق هدفی چون مرعوب کردن مجرمان بالقوه و خود مجرم جهت پیش‌گیری از تکرار جرم ناکام ارزیابی می‌شود. اما بهره‌گیری از مدل درمانی - اصلاحی کیفر تخلف از قوانین و مقررات اجتماعی را دارای کارکرد و رسالتی درمانی دارویی تلقی کرده و به دنبال بازگرداندن مجرم به جامعه است. از دگرسو، فارغ از نظریه انتخاب عقلانی، شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه در بروز بزهکاری مؤثر است. فرامطالعات جامعه‌شناختی حکایت از وجود رابطه معنادار بین نابرابری‌های اجتماعی و بزهکاری طبقاتی دارد. بر این اساس، اصل

بزهکاری و نوع آن می‌تواند با شرایط اجتماعی-اقتصادی در ارتباط نگریسته شود. این مسأله سیاستگذاری کیفری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اولویت بخشیدن به تنبیه و اعمال تشدید مجازات‌ها در پیش زمینه نابرابری‌های ساختاری غیر عادلانه و زیاده‌خواهی‌های کنترل‌ناپذیر و بی‌ضابطه، به اصلاح کژتابی‌های اجتماعی منجر نخواهد شد و فزون‌تر، خود این عامل رشد و گسترش بزهکاری را در جامعه دامن خواهد زد. آنچه در این راستا اهمیت دارد، اقدامات پیش‌گیرانه، اصلاحات ساختاری و رفع نابرابری‌های غیر عادلانه اجتماعی است.

در همه نظام‌های حقوقی کم و بیش مسأله پیشگیری از ارتکاب جرم اهمیت ویژه‌ای دارد و فارغ از کارایی نسبی اسلوب‌های پیشگیری، بی‌تردید چالش‌هایی جدی فراروی آن وجود دارد. در دهه‌های اخیر سیاست‌هایی که از سوی دولت‌ها برای پیشگیری از ارتکاب جرم به کار گرفته شده، به رغم استفاده از روش‌های نوین در مقابل جرم به یکی از چالش‌های جوامع مختلف تبدیل شده‌اند. این سیاست‌ها با محوریت دادن به امنیت، ضمن تغییر در اصول و مرزهای حقوق کیفری، بعضاً موجبات غیر انسانی شدن و رفتاری مغایر با کرامت انسانی افراد را فراهم کرده‌اند. باید اذعان داشت که برخی از اسلوب‌های پیشگیری وضعی با حریم خصوصی نیز مغایرت دارند و موجب می‌شوند تا حقوق افراد بر حریم خصوصی در حوزه‌های گوناگون و به میزان فراوان نقض گردد. استمرار یا حل این مشکل در گرو نقش آفرینی سلبی یا ایجابی بازیگران تأثیرگذار بر مناسبات حقوقی جامعه است. فرهنگ عمومی پایدار در راستای احقاق حق افراد می‌تواند تضمین‌گر حریم خصوصی باشد. به همین ترتیب، اندیشمندان حقوقی و تلاشگران عرصه حقوق اجتماعی در هر دو بعد نظری و عملی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. پویایی یا تصلب نظام حقوقی نیز ظرفیت غیر قابل انکاری را در این عرصه به نمایش می‌گذارد.

اصل پیشگیری از وقوع جرم مستلزم رویکردی راهبردی نسبت به مفهوم امنیت بوده و نیازمند اصلاحات ساختاری، رفع نابرابری‌های غیرعادلانه اجتماعی و اقدامات زمینه‌ای و فرهنگی است تا در بلندمدت در جامعه نهادینه شود. معیارهای اجتماعی پیشگیری از جرم ریشه در جامعه محوری، کنش عقلانی شهروندان و سرمایه اجتماعی دارد. همچنین، پیشگیری وضعی مستلزم سرمایه‌گذاری کلان است. به کارگیری تدابیر حفاظت شخصی توسط افراد ثروتمند و دارا، جرم را به سمت افراد متعلق به طبقه اجتماعی پایین و حتی متوسط جامعه سوق خواهد داد. هزینه سنگین تدابیر پیشگیری وضعی موجب جا به جایی و سرازیر شدن جرایم از مناطق ثروتمندنشین به مناطق فقیرنشین می‌گردد.



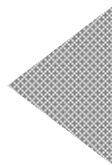
## منابع

- ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، **درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد بر فقر**، تهران: مرکز آمار ایران.
- اسفندیاری، اسماعیل (۱۳۸۲)، "فقر و انحرافات اجتماعی"، **مطالعات راهبردی زنان**، شماره ۲۱، پاییز، صص ۷۵-۴۷.
- اسماعیلی، علی؛ بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۲)، **آمار و روش تحقیق**، تهران: انتشارات سنجش.
- ایزاک، استفان. (۱۳۷۶)، **راهنمای تحقیق و ارزشیابی در روانشناسی و علوم تربیتی**، ترجمه: علی دلاور، تهران: انتشارات ارسباران.
- پردال، ژان (۱۳۹۲)، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- پرستش، نسرین (۱۳۸۷)، "پدیده فقر و نابرابری اجتماعی"، **مجله اقتصادی**، شماره ۷۹-۸۰، خرداد و تیر، صص ۲۶-۱۵.
- پژوهشکده آمار (۱۳۸۰)، **کاربرد اندازه خط فقر، شکاف فقر و شاخص فقر در دوره زمانی (۱۳۷۰-۱۳۶۳)**، تهران: پژوهشکده آمار.
- جغتایی، محمدتقی؛ همتی، فریده (۱۳۸۰)، **سیاست اجتماعی**، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۸۸)، **تسامح صفر: سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرایم خُرد**، تهران: نشر میزان.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۹)، "تحلیل نظری منشأ و ارتباط هنجارهای اجتماعی و نابرابری‌ها"، **فصلنامه علمی پژوهشی تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی**، شماره ۴/۵۹، پاییز و زمستان، صص ۲۶-۱.
- خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۸۱)، **اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران، کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر**، تهران: پژوهشکده آمار.
- خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۸۴ الف)، "نحوه توزیع فقر در ایران"، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران**، شماره ۲۲.
- خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۸۴ ب)، "اندازه‌گیری خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۷۹"، **رفاه اجتماعی**، شماره ۱۷، تابستان.
- دارندورف، رالف (۱۳۷۱)، "اندیشه؛ درباره منشأ نابرابری اجتماعی"، ترجمه: حسین قاضیان، **نامه فرهنگ**، شماره ۷، بهار، صص ۴۷-۳۹.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۸۱)، **مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟**، چاپ نهم، تهران: مؤسسه کیهان.
- دلاور، علی (۱۳۸۰)، **مبانی نظری و عملی در پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**، تهران: انتشارات رشد.

- دورکیم، امیل (۱۳۸۱)، **درباره تقسیم کار اجتماعی**، ترجمه: باقر پرهام، ویراست دوم، تهران: مرکز.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۵)، **قواعد روش جامعه‌شناسی**، ترجمه: علیمحمد کاردان، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۷۹)، **بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران**، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- سازش، ابوالقاسم (۱۳۸۹) "تحلیل جرم شناختی جرایم ناشی از ثروت"، **د/درسی**، شماره ۸۲، مهر و آبان، صص ۴۲-۳۶.
- شریفی حسن پاشا؛ شریفی، نسترن (۱۳۸۳)، **روش‌های تحقیق در علم رفتاری**، تهران: انتشارات سخن.
- شکوری، علی (۱۳۸۳)، "نابرابری‌های اجتماعی"، **رشد آموزش علوم اجتماعی**، شماره ۲۴، پاییز، صص ۳۴-۴۱.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹)، **جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی**، مشهد: نشر مرن‌دیز.
- صالحی، جواد (۱۳۸۹)، "سیاست کیفری ایران در چالش با جرایم منشأ پولشویی"، **کانون**، شماره ۱۱۴، اسفند، صص ۵۵-۲۸.
- صالحی، جواد (۱۳۸۷)، "سیاست کیفری و رابطه آن با سیاست جنایی"، **تعالی حقوق**، شماره ۲۵.
- صالحی، جواد؛ سخنور، محمدرضا (۱۳۸۹)، "مؤلفه‌های ناقض کرامت انسانی در تقابل با سیاست کیفری، **اصلاح و تربیت**، شماره ۱۰۶، اسفند، صص ۳۶-۳۱.
- صانعی، پرویز (۱۳۵۴)، **حقوق و اجتماع**، تهران: دانشگاه ملی.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۵)، **آسیب‌شناسی اجتماعی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات آن.
- طاهری، سمانه (۱۳۹۲)، **سیاست کیفری سخت‌گیرانه**، تهران: نشر میزان.
- غلامی، حسین (۱۳۸۴)، "سیاست کیفری سخت‌گیرانه"، **فصلنامه علمی - ترویجی دانش انتظامی**، شماره ۲۷، زمستان، صص ۱۲۱-۹۵.
- غلامی، حسین (۱۳۸۸)، "سیاست کیفری سلب توان بزهکاری"، **فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات حقوقی**، شماره ۵۰، پاییز و زمستان، صص ۵۳۰-۴۹۷.
- کریمی، وهاب (۱۳۸۵)، "اصول سیاست اجتماعی"، **سیاست داخلی**، شماره ۱، زمستان، صص ۱۱۶-۱۰۵.
- کسن، موریس (۱۳۸۵)، **اصول جرم‌شناسی**، ترجمه: میر روح‌الله صدیق، تهران: نشر دادگستر.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۶۹)، **مبانی جرم‌شناسی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گرب، ادوارد (۱۳۷۳)، **نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر**، ترجمه: محمد سیاه‌پوش و احمدرضا غروی‌زاده، تهران: نشر معاصر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۷)، **نابرابری و قشر بندی اجتماعی**، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- لپست، مارتین و همکاران (۱۳۸۱)، **جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی**، مشهد: انتشارات نیگا.
- متن کامل قانون پیشگیری از جرم (۱۳۹۲)، **پورتال جامع دادستانی کل کشور**، تاریخ دریافت ۷ اردیبهشت ۱۳۹۲، به نشانی اینترنتی <http://www.dadsetani.ir>.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ سعید شکری پور و حسین زنگی (۱۳۸۷)، (پیشگیری از جرم) نقش اقدامات در پیشگیری از جرایم در مناطق حاشیه‌نشین بومهن، **مطالعات مدیریت انتظامی**، بهار، شماره ۱.
- مظلومان، رضا (۱۳۵۱) "سیاست کیفری چیست؟"، **حقوق مردم**، شماره ۲۹-۳۰، پاییز و زمستان، صص ۵۰-۴۸؛ ۶۴-۵۷.
- مظلومان، رضا (۱۳۵۳) **جامعه‌شناسی کیفری**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مهرا، نسرين (۱۳۸۳)، حقّ کودک بر خطا کاری: مسئولیت کیفری و صغیر نابالغ (۱)، **فصلنامه الهیات و حقوق**، شماره ۱۳.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۲-۱۳۷۳)، "نقش مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات حقوق کیفری و سیاست جنایی"، **تحقیقات حقوقی**، شماره‌های ۱۳-۱۴، صص ۵۷۶-۵۵۳.
- نجفی توانا، علی (۱۳۷۷)، **جرم‌شناسی**، تهران: خیام.
- ولد، جرج و دیگران (۱۳۸۰)، **جرم‌شناسی نظری**، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.
- هادی زنوز، بهروز (۱۳۸۴)، فقر و نابرابری درآمد در ایران، **فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره ۱۷، تابستان، صص ۲۰۶-۱۶۵.
- هال، آنتونی و جیمز میچلی (۱۳۸۸)، **سیاست اجتماعی و توسعه**، ترجمه: مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- همتی، فریده (۱۳۸۹)، **سیاست اجتماعی؛ نظریه‌های کلاسیک، مدرن و پست مدرن**، **مطالعات مقایسه‌ای**، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- هیوز، گوردون (۱۳۸۰)، **پیشگیری از جرم (کنترل اجتماعی، ریسک و مدرنیته اخیر)**، ترجمه: علیرضا کلدی و محمدتقی جغتایی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

# تأثیر نوآوری از طریق تحقیق و توسعه بر رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی ایران



ابوالفضل شاه‌آبادی<sup>۱</sup>

فاطمه بشیری منظم<sup>۲</sup>

فریبا مه‌ری تلیایی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت ۹۳/۲/۳۰ - تاریخ تصویب ۹۳/۹/۱۵)

## چکیده

نظریه‌های رشد اقتصادی درونزا، رشد بلندمدت را با تمرکز بر پیشرفت فناوری و انباشت سرمایه در فعالیتهای تحقیق و توسعه توضیح می‌دهند. زیرا انباشت سرمایه در فعالیتهای تحقیق و توسعه موجب نوآوری و پیشرفت فناوری و حرکت از کشاورزی سطحی به کشاورزی عمقی و در نتیجه بهبود کیفیت محصولات، ایجاد امنیت غذایی، افزایش قدرت رقابت‌پذیری و تسریع رشد ارزش افزوده می‌گردد. هدف این مطالعه بررسی تأثیر نوآوری از طریق انباشت هزینه‌های تحقیق و توسعه داخلی و سرریز تحقیق و توسعه خارجی (از طریق واردات کالا) بر رشد ارزش-افزوده بخش کشاورزی ایران طی دوره ۹۰-۱۳۵۰ است. براساس نتایج تحقیق علیرغم اینکه طی

۱- دانشیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، shahabadia@gmail.com

۲- کارشناس ارشد توسعه روستایی دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، fbm059@gmail.com

۳- کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، fariba.mehry@ymail.com

دوره مورد مطالعه شاهد رشد مستمر و نسبتاً باثبات ارزش افزوده بخش کشاورزی بوده ولی رشد ارزش افزوده عمدتاً ناشی از افزایش سطح زیر کشت (کشاورزی سطحی) بوده و برخلاف کشورهای پیشرفته شاهد بهبود عملکرد در هکتار (کشاورزی عمقی)، متکی بر فعالیت‌های تحقیق و توسعه بخش کشاورزی نمی‌باشیم. همچنین علیرغم وجود توانمندی‌های بالقوه و مزیت‌های نسبی طبیعی فراوان در بخش کشاورزی همواره کمتر از پنج درصد انباشت سرمایه‌گذاری فیزیکی اقتصاد ایران به این بخش اختصاص یافته است. بنابراین بهبود کیفیت محصولات کشاورزی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری و ایجاد امنیت غذایی، در گرو توجه جدی به فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی تقاضامحور، انباشت سرمایه فیزیکی و جذب فعالیت‌های تحقیق و توسعه شرکای تجاری است.

**واژگان کلیدی:** ارزش افزوده بخش کشاورزی، نوآوری، تحقیق و توسعه داخلی، سرریز تحقیق و توسعه.

## مقدمه

یکی از مسائل بنیادی کشاورزی ایران نظام بهره‌برداری از منابع تولید و آب و خاک بوده است که از زمان اجرای قوانین اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ و خرد شدن اراضی و تداوم آن بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. کوچکی و پراکندگی قطعات زراعی موجب عدم هماهنگی در تخصیص و ترکیب مناسب عوامل تولید و ایجاد محدودیت‌هایی در استفاده از تجهیزات و ماشین‌آلات پیشرفته شد، بطوری که برنامه‌ریزان بخش کشاورزی در جستجوی راه‌های مقابله با آن بوده‌اند، مطالعات متفاوتی در مورد خردی اراضی کشاورزی انجام داده و به این نتیجه رسیده‌اند که بزرگی اندازه زمین عامل مؤثری در بالا بودن بهره‌وری بخش کشاورزی است (قبری و ثاقب، ۱۳۸۴؛ رحمانی، ۱۳۸۰؛ کوپاهی و کاظم‌نژاد، ۱۳۷۶). همچنین افراد بسیاری به بررسی این نظام و تنگناها و چالش‌های آن پرداخته و مشکلاتی از قبیل پایین بودن سطح مکانیزاسیون، عدم اجرای اصول و فنون نوین کشاورزی و عدم استفاده صحیح از نهاده‌های کشاورزی، انطباق نداشتن ترکیب تراکتورهای موجود با ساختمان و بافت خاک، نوع محصولات و شرایط کشاورزی را عنوان نموده‌اند (امجدی و چیذری، ۱۳۸۵ و باصری و جهانگرد، ۱۳۸۶)؛ که تمامی این مشکلات همانطور که مشاهده می‌شود موجب پایین بودن رشد

بهره‌وری در بخش کشاورزی می‌گردد. اما آنچه مورد بی‌توجهی قرار گرفته، قدرت تطبیق نظام بهره‌برداری دهقانی با شرایط خاص مناطق می‌باشد. لذا توجه به این نظام به عنوان نظام غالب در بهره‌برداری کشاورزی ایران و کاربرد فناوری نوین در قالب آن، حائز اهمیت فراوان است.

امروزه، امنیت غذایی بحرانی است که در سراسر دنیا وجود دارد، و حتی اروپایی‌ها را نگران کرده است. لذا سرمایه‌گذاری روی علم و فناوری یک اصل ضروری در اجلاس اتحادیه اروپا جهت دستیابی به آن به شمار می‌رود (گوش، ۱۳۸۷). علاوه بر رشد سرسام آور جمعیت، قیمت غذا که تا ابتدای سال ۲۰۰۷ افزایش ملایمی داشت، از این سال به بعد به طور افسارگسیخته رو به افزایش نهاده است. داده‌های صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد قیمت‌های جهانی غذا در سال ۲۰۰۷ رشدی معادل بیش از ۴۰٪ داشته و در سال‌های بعد رشد بیشتری را از خود نشان داده است. بطوری که در سال ۲۰۰۷ قیمت‌های جهانی گندم ۷۷٪، و برنج نزدیک به ۲۰٪ افزایش یافت؛ چنین میزان رشد سالیانه‌ای در نیم قرن گذشته سابقه نداشته است. اما اثر عمده افزایش قیمت‌ها بر کشورهای فقیر وارد می‌شود که در آنها بیشتر مردم بیش از نیمی از بودجه‌شان را صرف اقلام غذایی می‌کنند. این بحث در مورد افزایش تقاضای جهانی برای غذا بی‌معنا نیست.

یکی از عواملی که باعث ایجاد این بحران غذایی شده است، غفلت از بخش کشاورزی در سیاست‌گذاری دو دهه گذشته می‌باشد. بحران کشاورزی طولانی و مستمر در بسیاری از بخش‌های جهان در حال توسعه عمدتاً متأثر از نوع سیاست‌گذاری است. بطوری که ژاک داف<sup>۱</sup> رییس سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل (فائو) تأیید می‌کند بحران از سال‌ها پیش وجود داشته است: "موقعیتی که در آن هستیم نتیجه سیاست‌های نادرست طی ۲۰ سال گذشته است". جنبه‌های مهم این سیاست‌گذاری بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری عمومی در بخش کشاورزی و هزینه‌های تحقیق و توسعه کشاورزی است (سلامی، ۱۳۷۶). لذا از آنجا که حرکت از کشاورزی سطحی به کشاورزی عمقی علاوه بر رشد عوامل سنتی (نیروی کار و انباشت سرمایه فیزیکی و افزایش سطح زیر کشت)، به رشد عواملی مانند سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و تحقیق و توسعه خارجی بستگی دارد؛ لذا هدف این مطالعه بررسی تأثیر عوامل تعیین‌کننده رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی بویژه فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و

سرریز فعالیت‌های تحقیق و توسعه شرکای تجاری از کانال واردات نهاده‌های تولید و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به منظور تحقق رشد مستمر و باثبات ارزش افزوده بخش کشاورزی در راستای دستیابی به ایجاد امنیت غذایی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری ضرورت می‌یابد. بنابراین در ادامه پس از بررسی مبانی نظری به تجزیه و تحلیل آماری رابطه ارزش افزوده با انباشت سرمایه فیزیکی، اشتغال، انباشت تحقیق و توسعه داخلی و انباشت تحقیق و توسعه خارجی (سرریز از کانال واردات نهاده‌های تولید و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از کشورهای گروه هفت) بخش کشاورزی طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۰، پرداخته و در نهایت به جمع‌بندی و ارائه پیشنهاداتی در راستای رشد مستمر و باثبات ارزش افزوده به منظور ایجاد امنیت غذایی و افزایش قدرت رقابت-پذیری این بخش پرداخته شده است.

### پیشینه تحقیق

حتی اگر خردی و پراکندگی اراضی ایران را در نظر نگیریم، امروزه با توجه به افزایش سریع جمعیت و در نتیجه افزایش تقاضا برای غذا، استفاده بهینه از امکانات موجود به منظور افزایش تولید محصولات کشاورزی، اهمیت پیدا کرده است. بنابر نظریه‌های تولید، رشد تولید از دو طریق حاصل می‌شود: اول، افزایش تولید با بکارگیری عوامل تولید بیشتر ولی در چارچوب فناوری موجود و روش دوم، بکارگیری روش‌های پیشرفته‌تر و کارآمدتر تولید و استفاده از عوامل تولید مؤثرتر، است (کميجانی و شاه‌آبادی، ۱۳۸۰). با توجه به حرکت اصول علمی به سمت ذخیره هر چه بیشتر عوامل تولید؛ بهترین راه برای افزایش تولید در واحد سطح بکارگیری روش‌های جدید در کشاورزی می‌باشد. بکارگیری روش‌های جدید می‌تواند از دو طریق صورت بگیرد یکی تحقیق و توسعه داخلی و استفاده از نتایج آن و دیگری استفاده از نتیجه فعالیت‌های تحقیق و توسعه کشورهای توسعه‌یافته است. گرچه جهت تحقق امنیت غذایی استفاده از روش اول مفید است، اما به نظر می‌رسد جهت تحقق اهدافی مانند افزایش قدرت رقابت-پذیری نباید به روش اول به تنهایی اکتفاء نمود. زیرا به دلیل ماهیت دانش، نشر آن بسیار کم هزینه‌تر از تولید آن است (قره‌باغیان و همایونی‌فر، ۱۳۷۶). با توجه به اینکه علاوه بر بالا بودن نرخ بازگشت تحقیق و توسعه در کشورهایی که آن را انجام می‌دهند، منافع قابل توجهی به شرکای تجاری این کشورها تعلق می‌گیرد، لذا کشورهای در حال توسعه جهت پر کردن شکاف فناوری

روبه تعمیق خود با جهان توسعه یافته، می‌توانند از طریق دادوستدهای بین‌المللی در قالب صادرات و واردات، فناوری و روش‌های فنی را منتقل نمایند، و با سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه‌ای در زمینه تحقیق و توسعه و سرمایه‌انسانی، اقدام به جذب و بومی نمودن تحقیق و توسعه خارجی نمایند (شاه‌آبادی و رحمانی، ۱۳۹۰). بنابراین بسیاری از کشورهای در حال توسعه، می‌توانند بدون تحمل هزینه‌های سنگین تحقیق و توسعه و درگیری با مخاطره زیاد این نوع هزینه‌ها، پس از به نتیجه رسیدن تحقیقات در کشورهای پیشرفته، به راحتی از نتایج آن بهره‌مند شوند. بطوری که در صورت مدیریت صحیح و هدفمند بومی‌سازی می‌تواند با کاهش هزینه تولید، کشور را با تحمل هزینه کمتر به شرایط مناسب‌تری از لحاظ فناوری برساند.

نگاهی به متون رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که این الگوها با تأکید بر انباشت نهاده‌های سنتی تولید، عنصر اساسی تغییرات فنی را در روند رشد اقتصادی را به حساب نیاورده‌اند (شاه‌آبادی و عسگری، ۱۳۸۸). در این زمینه، فاگربرگ و فرسپاگن (۲۰۰۲)، گریلیچز (۱۹۹۵) و جونز (۲۰۰۲)، معتقدند سرعت بالای نوآوری‌ها و اختراعات سبب سریع‌تر شدن رشد ارزش افزوده در کشورهای تازه صنعتی شده، بوده است و در نتیجه شاهد نوعی همگرایی در رشد ارزش افزوده بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای تازه توسعه یافته هستیم و این همان اصلی است که شومپتر (۱۹۷۵)، بوش (۱۹۴۵)، سولو (۱۹۵۶) و آبرماوتیز (۱۹۵۶) به آن اصرار دارند. به اعتقاد آنها عامل تحریک رشد ارزش افزوده در یک دوره بلندمدت به سرمایه‌گذاری در ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌ها با جهت‌گیری خاص بستگی دارد (بانک مرکزی، نماگرهای اقتصادی، ۱۳۹۳).

به نظر شومپتر، فناوری مجموعه دانش‌ها، مهارت‌ها و فوونی است که در تولید کالاها و خدمات به کار گرفته می‌شود (بانک مرکزی، حساب‌های ملی، ۱۳۹۳). با توجه به اینکه تولید فناوری نتیجه نوآوری است؛ و امروزه تحقیق و توسعه تأثیر مستقیمی بر نوآوری، بهره‌وری، کیفیت، سطح استاندارد زندگی، سهم بازار و نیز دیگر عواملی که در افزایش توان رقابتی سازمان‌ها مؤثر هستند، دارد (بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، ۱۳۹۳)؛ یکی از سیاست‌های مناسبی که می‌توان برای بهبود فناوری در هر کشوری اتخاذ کرد، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه بخش کشاورزی است. این امر باعث شناسایی استعدادها بالقوه مناطق و تعیین ترکیب عوامل تولیدی و افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی می‌شود. همچنین



سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه، آموزش و پرورش و سرمایه گذاری روی خلق دانش؛ نرخ بازده نزولی انباشت سرمایه فیزیکی و نیروی کار را جبران می کند (شاه آبادی، ۱۳۸۰). به همین دلیل فعالان اقتصادی بخش کشاورزی بویژه در کشورهای توسعه یافته با سرمایه گذاری در امر تحقیق و توسعه، باعث افزایش دسترسی به فناوری های جدید تولید و افزایش موجودی علم و دانش در بخش کشاورزی و در نتیجه رشد ارزش افزوده این بخش می گردند (مهرابی، ۱۳۸۱).

در واقع مهمترین تفاوت میان بخش کشاورزی اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه، تابع انباشت هزینه فعالیت های تحقیق و توسعه است. زیرا در اقتصادهای توسعه یافته، پیشرفت دانش از طریق تغییرات فناوری به عنوان کلید رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی در بلندمدت مورد توجه قرار گرفته و سرمایه گذاری در فعالیت های تحقیق و توسعه داخلی نقش تأثیرگذار و مستقیمی در ظهور فناوری های جدید و انباشت دانش بر عهده می گیرد. در ضمن باید خاطر نشان ساخت بر اساس نظریه های رشد درونزا مؤلفه تحقیق و توسعه بر خلاف انباشت سرمایه فیزیکی و نیروی کار، دارای بازدهی صعودی نسبت به مقیاس است (دویلت و همکاران، ۲۰۰۱) و از این رو فعالیت های تحقیق و توسعه داخلی، عامل تعیین کننده ای در رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی محسوب می شوند. همین طور سولو (۱۹۵۶)، معتقد است اقتصادی می تواند در دوره بلندمدت رشد اقتصادی را تجربه کند که خروجی آن تحت تأثیر دو بخش است: یک بخش نهاده هایی که عامل رشد تولید هستند و بخش دیگر عواملی که باعث بهبود کیفیت تولید می شوند. از نظر وی بخش دوم کل عوامل تعیین کننده بهره وری را تشکیل می دهند (شاه آبادی، ۱۳۸۸)؛ و از نظر یانگ (۲۰۰۶)، نیز فعالیت های تحقیق و توسعه مهمترین عامل تعیین کننده رشد تولید و بهره وری عوامل تولید است.

به بیان دیگر بخش کشاورزی کشورهایی که دارای فعالیت های تحقیق و توسعه متمرکزتر و توسعه یافته تری هستند، از فناوری برتر و متوسط ارزش افزوده بالاتری نسبت به سایر کشورها برخوردار می باشند. البته بخش کشاورزی اقتصادهای دارای فناوری پایین تر جهت پر کردن شکاف فناوری می توانند با استفاده از سرریزهای تحقیق و توسعه از کانال واردات، باعث رشد ارزش افزوده و بهره وری کل عوامل تولید بخش کشاورزی گردند. همچنین می توان بیان داشت در کشورهای در حال توسعه، فعالین بخش کشاورزی می توانند با بهره گیری از فعالیت های متمرکز تحقیق و توسعه توان رقابتی تولیدات خود را در عرصه های بین المللی افزایش دهند. در

واقع جذب سرریزهای تحقیق و توسعه خارجی در کنار توسعه فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی، زمینه مساعدتری را برای افزایش ارزش افزوده فراهم خواهد آورد. براساس نظریه‌های جدید اقتصاد بین‌الملل کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه که دارای شکاف عمیق فناوری با کشورهای توسعه یافته می‌باشند، می‌توانند از طریق واردات کالا و نهاده‌های تولید اقدام به انتقال فناوری شرکای تجاری در راستای کاهش شکاف فناوری نمایند. همچنین باید خاطر نشان ساخت وزن اصلی شرکای تجاری اقتصاد ایران بویژه در طول برنامه‌های عمرانی کشورهای توسعه یافته بویژه کشورهای گروه هفت بوده‌اند.

فری و همکاران (۲۰۰۸)، به بررسی تأثیر فعالیت‌های تحقیق و توسعه بر رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی در آمریکا طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۱۰ می‌پردازند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی آمریکا دارای رابطه مثبت و معناداری با مخارج تحقیق و توسعه در دوره مورد بررسی با وقفه ۴ تا ۱۰ ساله است.

ساسولی و صالح (۱۳۸۶)، به بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت سیاست‌های پولی و مالی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی طی دوره ۱۳۸۳-۱۳۵۶ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد هزینه‌های دولت بر ارزش افزوده بخش کشاورزی تأثیر مثبت دارد و با افزایش یک درصد هزینه‌های دولت، ارزش افزوده بخش کشاورزی ۵ درصد افزایش می‌یابد. اما سیاست‌های پولی دارای اثر منفی بوده و با یک درصد افزایش در حجم نقدینگی، به میزان ۲۳ درصد از ارزش افزوده بخش کشاورزی کاسته می‌شود.

در قسمت بعد به جزیه و تحلیل آماری در خصوص ارتباط مابین ارزش افزوده بخش کشاورزی با میزان انباشت سرمایه فیزیکی، اشتغال، انباشت فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و انباشت فعالیت‌های تحقیق و توسعه خارجی (سرریز از کانال واردات نهاده‌های تولید و واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از کشورهای گروه هفت) می‌پردازیم.

### تجزیه و تحلیل آماری مؤلفه‌های تعیین کننده رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی

افزایش رشد مستمر و باثبات ارزش افزوده بخش کشاورزی، به عنوان کلید حل مسئله و عامل پیشرفت اقتصادی و همچنین ضرورتی جهت ارتقای امنیت غذایی - که هدفی ملی برای همه کشورهای جهان است - همواره مورد توجه صاحب‌نظران سیاست و اقتصاد قرار گرفته است.

حال به منظور افزایش رشد اقتصادی ایران، باید به بخش کشاورزی بعنوان یکی از بخش‌های عمده اقتصادی توجه خاص کرد؛ زیرا شناخت عوامل تعیین‌کننده رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی، کمک می‌کند تا منابع و امکانات تولیدی کشور را به سمتی سوق دهیم که بتوانیم سریع‌تر به اهداف برنامه‌های توسعه دست یابیم. لذا در این قسمت، سعی گردیده با استفاده از آمارها و اطلاعات سری زمانی مربوط به دوره ۹۰-۱۳۵۰، به تأثیر فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و سرریز فعالیت‌های تحقیق و توسعه خارجی (از کانال واردات نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از کشورهای عضو G7) در رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی تبیین شود.

جدول (۱): انباشت سرمایه تحقیق و توسعه داخلی و خارجی و ارزش افزوده در بخش کشاورزی ایران به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

میانگین دوره	رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی-درصد	انباشت سرمایه فیزیکی نسبت به نیروی کار-شدت انباشت سرمایه فیزیکی	رشد انباشت تحقیق و توسعه داخلی بخش کشاورزی-درصد	رشد انباشت تحقیق و توسعه خارجی بخش کشاورزی-درصد	نسبت هزینه تحقیق و توسعه داخلی به ارزش افزوده کشاورزی	نسبت هزینه تحقیق و توسعه خارجی به ارزش افزوده کشاورزی
۱۳۵۰-۱۳۵۶	۰/۰۸	۰/۱۷	۳۰	۳۸	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰۰۰۰۷
۱۳۵۷-۱۳۶۷	۰/۰۵	-۰/۰۰۲	۱۵	-۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۰۰۰۰۳
۱۳۶۸-۱۳۷۲	۰/۰۶	۰/۰۵	۳۰	۲۵۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰۰۰۰۰۲
۱۳۷۳-۱۳۷۸	۰/۰۲	۰/۰۵	۳۳	-۲	۰/۰۲	۰/۰۰۰۰۰۰۰۴
۱۳۷۹-۱۳۸۳	۰/۰۴	۰/۰۶	۲۱	۱۳۴	۰/۰۶	۰/۰۰۰۰۰۰۰۳
۱۳۸۴-۱۳۸۸	۰/۰۴	۰/۰۳	۲۴	۳	۰/۰۱	۰/۰۰۰۰۰۰۰۵
۱۳۸۹-۱۳۹۰	۰/۰۸	۰/۰۱	۱۳	۸	۰/۰۲	۰/۰۰۰۰۰۰۰۴
۱۳۹۱-۱۳۹۰	۰/۰۵	۰/۰۶	۲۴	۸۰	۰/۰۸	۰/۰۰۰۰۰۰۰۲

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران، FAO و WDI)

بر اساس جدول (۱)، میانگین نرخ رشد سالانه هزینه‌های تحقیق و توسعه داخلی بخش کشاورزی در طول برنامه پنجم عمرانی ۱۳۵۰-۱۳۵۶ شامل ۲ سال آخر برنامه چهارم و برنامه پنجم عمرانی قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۶-۱۳۵۲) به قیمت‌های ثابت سال ۷۶، ۳۰ درصد بوده،

در حالی که میانگین نرخ رشد سالانه انباشت تحقیق و توسعه این بخش در طول دوران جنگ تحمیلی و بعد از جنگ (۱۱ سال بدون برنامه)، برنامه اول، دوم، سوم، برنامه چهارم و دو سال اول برنامه پنجم توسعه اقتصادی، به ترتیب ۱۵، ۳۰، ۳۳، ۲۱، ۲۴ و ۱۳ درصد می‌باشد. به عبارت دیگر، میانگین نرخ رشد سالانه انباشت تحقیق و توسعه کشاورزی در طول دوره قبل از انقلاب اسلامی (۵۶-۱۳۵۰) به ترتیب ۳۰ درصد بوده، درحالیکه در دوران بعد از انقلاب اسلامی (۹۰-۱۳۵۷)، این نرخ‌ها نیز به ترتیب ۲۳ درصد می‌باشد. یعنی در دوران بعد از انقلاب اسلامی با وجود تأکیدات خاص و در نظر گرفتن جایگاه ویژه‌ای برای تحقیقات در بخش کشاورزی، الزاماً باید شاهد رشد چشم‌گیر بودجه تخصیصی تحقیقات به این بخش باشیم اما در عمل با چنین مسئله‌ای مواجه نیستیم. شواهد حاکی از این است که بالاترین نرخ رشد هزینه تحقیق و توسعه در بخش کشاورزی به ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۷۲، ۱۳۶۹ و ۱۳۷۵ با نرخ رشد ۲/۷۶، ۱/۱۳، ۰/۸۵ و ۰/۷۵ می‌باشد، همچنین پایین‌ترین نرخ رشد هزینه تحقیق و توسعه این بخش به ترتیب مربوط به سال‌های ۸۲، ۵۶ (سال آخر برنامه پنجم عمرانی)، ۸۵ و ۵۸ با نرخ رشد ۰/۶۳، -۰/۲۳، -۰/۲ و -۰/۱۹ می‌باشد. علت پایین بودن نرخ رشد در سال‌های ۵۶ و ۵۸ را می‌توان به شوک‌های اقتصادی ناشی از وقوع پدیده انقلاب اسلامی نسبت داد. با وجودی که در سال ۵۲ با رشد قابل ملاحظه درآمدهای نفتی دولت مواجه هستیم، اما در تخصیص اعتبارات تحقیقاتی بخش کشاورزی شاهد آمار بسیار ناخوشایندی می‌باشیم و نرخ رشد تحقیقات بخش کشاورزی به اندازه ۰/۳۷ درصد نسبت به سال ۵۱ کاهش نشان می‌دهد. در برنامه اول توسعه اقتصادی (۷۲-۱۳۶۸)، میانگین سالانه هزینه تحقیق و توسعه بخش کشاورزی ایران ۶۴/۸۶ میلیارد ریال به قیمت سال ۱۳۷۶ بوده که متوسط رشد ۴۴۶ درصدی را نسبت به دوره قبل از خود (سال‌های بدون برنامه و دوران جنگ تحمیلی ۶۷-۱۳۶۳) را نشان می‌دهد که بیشترین نرخ رشد دوره‌ها در همین برنامه است. علاوه بر آن میانگین رشد سالانه هزینه تحقیق و توسعه بخش کشاورزی طی این دوره ۵۷ درصد بوده است.

از دلایل این رشد بالا می‌توان به تأکید برنامه اول در جهت انجام فعالیت‌های پژوهشی در بخش کشاورزی پس از پایان یافتن جنگ تحمیلی اشاره کرد. در سال ۱۳۷۳ تغییر در نرخ رشد هزینه تحقیق و توسعه در بخش کشاورزی منفی و برابر ۰/۸ درصد و به میزان ۴۸/۹۸ میلیارد ریال رسیده است، لازم به یادآوری است در این سال برنامه توسعه‌ای نداشتیم. در سال‌های بعد از ۷۳

نیز تا سال ۷۷، یعنی برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) میانگین نرخ رشد سالانه انباشت هزینه تحقیق و توسعه ۳۳ درصد است که بالاترین نرخ انباشت را در دوره مورد مطالعه دارد و همین امر منجر به افزایش ۳۸۵ درصدی میانگین هزینه تحقیق و توسعه بخش کشاورزی در این دوره نسبت به برنامه اول شده است.

طی دوره ۷۹ تا ۸۳ مقارن با برنامه سوم توسعه اقتصادی، شاهد افزایش چشمگیر رشد اعتبارات تحقیقاتی نسبت به برنامه دوم توسعه هستیم. بطوریکه، متوسط رشد سالانه هزینه تحقیق و توسعه بخش کشاورزی از رشد ۲۳ درصد در دوره ماقبل به رشد ۶۰ درصد در طی برنامه سوم افزایش یافته است. در برنامه چهارم توسعه اقتصادی (۸۸-۱۳۸۴)، به غیر از سال ۸۵ که دارای رشد منفی نسبت به سال ۸۴ است بقیه سالها دارای رشد یکنواخت است. مقدار انباشت هزینه تحقیق و توسعه طی این دوره  $8047/90$  میلیارد ریال است که از رشد ۱۷۳ درصدی نسبت به برنامه سوم برخوردار است. بیشترین رشد سالانه در برنامه چهارم مربوط به سال اول برنامه یعنی سال ۸۴ با نرخ رشد ۴۹ درصد است. بالا بودن این میزان بیانگر درجه توجه و اهمیت به مقوله R در R&D این بخش در سال مذکور توسعه می‌باشد. اما درجه توجه به D را باید در میزان بکارگیری R در بخش کشاورزی و نقش مطلوب آنها در توسعه این بخش جستجو کرد (امیری، ۱۳۸۹). در نهایت میانگین رشد سالانه هزینه تحقیق و توسعه در بخش کشاورزی و انباشت آن در دو سال اول برنامه پنجم ۳۹ و ۱۳ درصد است که نسبت به برنامه چهارم دارای میانگین رشد سالانه بهتری است اما نرخ انباشت آن دارای کمترین میزان در دوره مورد مطالعه می‌باشد که البته علت اصلی این امر می‌تواند در کم‌تر بودن تعداد سالهای این دوره دانست.

بر اساس جدول (۱)، می‌توان دریافت نسبت هزینه R&D داخلی بخش کشاورزی به ارزش افزوده آن روند رو به رشدی را سپری کرده است. صعودی بودن این شاخص، بیانگر این است که رشد هزینه‌های تحقیق و توسعه بخش کشاورزی از شدت بیشتری نسبت به تولید برخوردار است و با افزایش آن می‌توان تولید بخش کشاورزی و درآمد روستاییان را افزایش داد و از این طریق بر فقر و نابرابری روستایی تأثیر گذاشت.

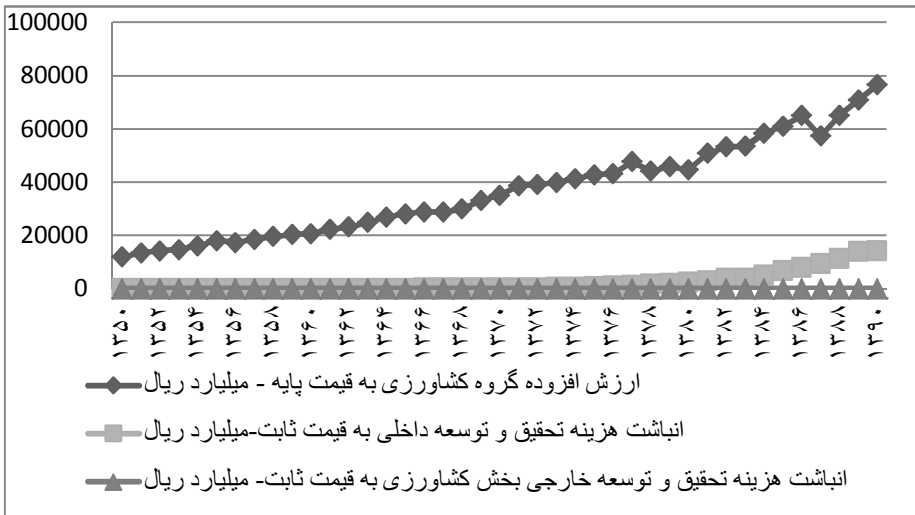
بطور کلی، اگر چه در مجموعه فعالیت‌های تحقیقاتی کشور، پژوهش در بخش کشاورزی از قدمت بیشتری برخوردار بوده است ولی بدلیل پایین بودن میزان اعتبارات تخصیص یافته به این بخش تحقیقات اندک صورت گرفته و این میزان تحقیقات نمی‌تواند نقش مطلوبی را در توسعه

کشاورزی ایفا نمایند. در ضمن شایان ذکر است بخش اعظم انباشت تحقیق و توسعه داخلی در بخش کشاورزی ایران، دولتی می‌باشد، در حالی که در کشورهای پیشرفته بدلیل ساختار سالم اقتصادی و علامت‌دهی صحیح قیمت عوامل به فعالان اقتصادی، بخش اعظم این سرمایه مربوط به بخش خصوصی است که دارای بازدهی بالاتر می‌باشد که این امر ممکن است ناشی از هدایت صحیح اقتصاد این کشورها و اتخاذ سیاست‌های صحیح اقتصادی باشد (امیری، ۱۳۸۹).

همچنین بر اساس جدول (۱)، انباشت تحقیق و توسعه خارجی در بخش کشاورزی طی دوران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی (۶۷-۱۳۵۷)، با رشد منفی مواجه است که علت آن را می‌توان در بحران‌های ناشی از وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و کاهش واردات از کشورهای عضو گروه هفت جستجو کرد. در دوران پس از جنگ تحمیلی، که مصادف با اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی است، رشد انباشت سرمایه تحقیق و توسعه خارجی بخش کشاورزی با نوساناتی همراه بوده و در برخی از سال‌ها رشد انباشت تحقیق و توسعه خارجی روندی منفی را به خود اختصاص داده که ناشی از اعمال تحریم‌های جدید بر علیه کشور و همچنین نوسانات قیمت و در پی آن درآمد نفت بوده است. انباشت تحقیق و توسعه خارجی در برنامه اول توسعه نسبت به سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۶۳، ۱۶ درصد رشد را نشان می‌دهد. همچنین بالاترین رشد انباشت تحقیق و توسعه خارجی بعد از انقلاب اسلامی مربوط به برنامه اول توسعه با نرخ رشد ۲۵۶ درصدی است، و علت آن را می‌توان به حل و فصل مشکلات ناشی از سیاست‌های ارزی در طی برنامه اول توسعه و اتخاذ سیاست‌های دولت در جهت افزایش واردات نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای نسبت داد. همچنین پایین‌ترین مقدار رشد انباشت تحقیق و توسعه خارجی در بخش کشاورزی مربوط به سال‌های ۶۷-۱۳۵۷ با نرخ رشد منفی ۴ درصدی است که از علل آن می‌توان به عدم وجود برنامه توسعه و کاهش واردات نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و افزایش واردات کالاهای مصرفی نسبت داد. نکته دیگر آنکه، در سال ۱۳۷۵ با افزایش درآمدهای حاصل از نفت مواجهیم که خود می‌تواند به افزایش واردات کشاورزی منجر شود، اما نرخ رشد ۲- درصدی طی سال‌های ۷۸-۱۳۷۴ خلاف آن را ثابت می‌کند؛ که این مطلب نیز دلیلی بر وابستگی کمتر بخش کشاورزی نسبت به دیگر بخش‌ها به نوسانات ناشی از نفت می‌باشد. با واردات هدفمند نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از کشورهای گروه هفت (دارای انباشت سرمایه تحقیق و توسعه بسیار بالا) می‌توان، اقدام به جذب

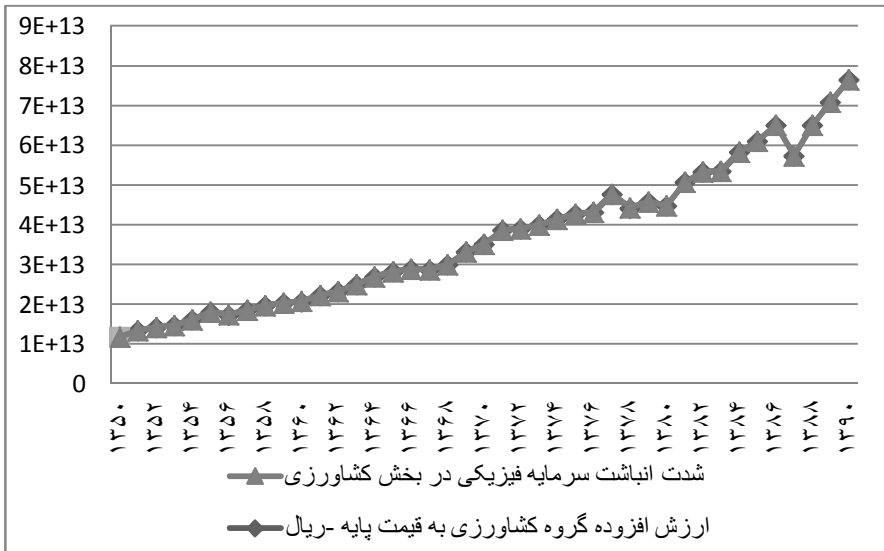
و نهادینه نمودن فناوری متبلور در آن‌ها نمود و از این طریق تولید کشاورزی و درآمد روستاییان را افزایش داد. اما واقعیت‌های آماری بیان‌کننده چنین امری نمی‌باشد. یکی از علل این امر را می‌توان ناشی از غیرهدفمند بودن واردات و اتخاذ سیاست‌های نامناسب اقتصادی دانست. در سطح جهان عمده‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات و نهاده‌های کشاورزی کشورهای ایالات متحده، اتحادیه اروپا، استرالیا، برزیل، چین، آرژانتین، تایلند، مکزیک، کانادا، نیوزلند و پاکستان می‌باشند. آمارها نشان می‌دهد سهم کشورهای اروپایی در صادرات محصولات کشاورزی به ایران در جایگاه اول قرار دارد ولیکن سهم قاره‌های آسیا و آمریکای لاتین در رتبه‌های دوم و سوم است. نتایج جدول (۱) همچنین نشان می‌دهد نسبت انباشت تحقیق و توسعه خارجی به ارزش افزوده بخش کشاورزی با وجود روند فزاینده حتی با کاهش انباشت تحقیق و توسعه خارجی، دارای مقدار بسیار ناچیزی است که نشان‌دهنده وجود فضای بکر و مناسب در جهت افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی و درآمد روستاییان با استفاده از واردات نهاده و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای است.

نمودار (۱)- روند ارزش افزوده، انباشت تحقیق و توسعه داخلی و خارجی بخش کشاورزی (طی دوره ۹۰-۱۳۵۰)



مأخذ: (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، FAO، WDI)

نمودار(۲)- روند ارزش افزوده، انباشت سرمایه فیزیکی و نیروی کار  
بخش کشاورزی (طی دوره ۹۰-۱۳۵۰)



مأخذ: (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و WDI)

نمودار(۱)، نشان می‌دهد رابطه مثبت و معنادار مابین رشد انباشت تحقیق و توسعه داخلی و خارجی در سال‌های فوق‌الذکر با رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی وجود ندارد و ارزش افزوده بخش کشاورزی بدون توجه به نوسانات مؤلفه‌های انباشت تحقیق و توسعه داخلی و خارجی دارای رشد مستمر و باثبات می‌باشد که وزن اصلی این رشد مدیون افزایش سطح زیرکشت و قسمتی از این افزایش مربوط به تغییرات انباشت سرمایه و نیروی کار است. همانطور که در نمودار(۲) مشخص است روند تغییرات ارزش افزوده بخش کشاورزی به طور کامل با روند تغییرات شدت انباشت سرمایه فیزیکی که به صورت نسبت انباشت سرمایه فیزیکی بخش کشاورزی به نیروی کار بخش کشاورزی محاسبه می‌شود، منطبق است. علت این امر را می‌توان دولتی بودن بخش اعظم انباشت سرمایه تحقیق و توسعه داخلی بخش کشاورزی دانست. در حالی که در کشورهای توسعه یافته بدلیل ساختار سالم اقتصادی و علامت‌دهی صحیح قیمت عوامل به فعالان اقتصادی، بخش اعظم انباشت سرمایه تحقیق و توسعه داخلی مربوط به بخش خصوصی است که دارای بازدهی بالاتر است و این امر ممکن است ناشی از هدایت صحیح



اقتصاد این کشورها و اتخاذ سیاست‌های صحیح اقتصادی باشد در نتیجه نمی‌توان به انباشت هر چند اندک سرمایه تحقیق و توسعه داخلی بخش کشاورزی خیلی امیدوار بود. لذا به منظور حرکت از کشاورزی سطحی به کشاورزی عمقی ضروریست با اتخاذ سیاست‌های صحیح اقتصادی بسترهای مناسبی جهت ایجاد انگیزه برای فعالین اقتصادی در راستای انجام فعالیت‌های اقتصادی تقاضا محور مهیا نمائیم.

### جمع‌بندی و پیشنهادات

حرکت از کشاورزی سطحی به سمت کشاورزی عمقی در کشورهای توسعه‌یافته اتفاق افتاده است و آنچه تجربه آنها ثابت نموده این است که حرکت و افزایش عملکرد در هکتار و رشد ارزش افزوده این بخش راهی جز نوآوری ندارد. و از آنجا که نوآوری محصول فعالیت‌های تحقیق و توسعه است، بنابراین سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و جذب فعالیت‌های تحقیق و توسعه شرکای تجاری توسعه‌یافته تنها راه دستیابی به ایجاد امنیت غذایی و رشد ارزش افزوده و افزایش قدرت رقابت‌پذیری است. اما براساس نتایج مطالعه می‌توان بیان داشت علیرغم ناچیز بودن فعالیت‌های تحقیق و توسعه و همچنین عرضه محور بودن این فعالیت‌ها شاهد ثبات در میانگین نرخ رشد ارزش افزوده این بخش در طول دوره مورد مطالعه می‌باشیم. که این امر ناشی از افزایش سطح زیرکشت بخاطر افزایش به خدمت گرفتن ماشین‌آلات کشاورزی و کود و سم و... می‌باشد.

با توجه به اینکه دستیابی به پیشرفت فناوری و دانش فنی جدید، مهمترین عامل در رشد ارزش-افزوده بخش کشاورزی محسوب می‌شود، از یک طرف نیاز به انباشت سرمایه‌گذاری قابل توجه در زمینه فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی داریم و از طرف دیگر، سرریز فعالیت‌های تحقیق و توسعه خارجی از کانال واردات کالا نیز می‌تواند موجب انتقال فناوری و دانش فنی جدید و در نهایت تأثیر مثبت بر عملکرد بخش کشاورزی و رشد ارزش افزوده و بهره‌وری شود. اما فعالیت‌های تحقیق و توسعه بخش کشاورزی همانند کل اقتصاد ایران، رقم بسیار پایینی است.

لذا بخش کشاورزی به دلیل برخورداری از رشد مستمر و باثبات و نقش حیاتی در تأمین امنیت غذایی و به لحاظ توانمندی‌های فراوان در منابع و عوامل تولید، اقلیم‌های متنوع آب و هوایی، قابلیت تولید طیف وسیعی از محصولات گرمسیری و سردسیری، منابع طبیعی تجدید شونده

شامل جنگل‌ها و مراتع، نیروی انسانی متخصص و کارشناسان مجرب و بهره‌برداران و تولیدکنندگان پرکار و متعهد از یک سو و بدلیل کاهش نقش مزیت نسبی طبیعی (ناشی از فراوانی نیروی کار، منابع طبیعی و انباشت سرمایه فیزیکی) و افزایش نقش مزیت نسبی اکتسابی در رشد ارزش افزوده در راستای افزایش قدرت رقابت‌پذیری این بخش در اقتصاد داخل و بازار-های جهانی از یک سو و تحقق اهداف سند چشم انداز و برنامه‌های آتی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر؛ پیشنهاد می‌گردد:

اقدام به اصلاح قیمت نسبی عوامل از طریق اتخاذ سیاست‌های صحیح اقتصادی در راستای کاهش انحراف قیمت نسبی عوامل با فراوانی نسبی عوامل و در نتیجه سودآور نمودن انباشت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بویژه در زمینه فعالیت‌های تحقیق و توسعه به منظور تحریک فعالین اقتصادی بخش خصوصی به انجام انباشت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه و همچنین تأکید دولت بر پرداخت یارانه و انواع مشوق‌های مالی بر انجام ابداع، اختراع و خلاقیت، از طریق فعالیت‌های تحقیق و توسعه نمود.

## منابع

- امجدی، افشین و چیدری، امیرحسین (۱۳۸۵)، وضعیت مکانیزاسیون کشاورزی در ایران، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۱۸۲-۱۵۵.
- امیری، مصطفی (۱۳۸۹)، *نقش انباشت فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و خارجی بر رشد بهره‌وری کل عوامل تولید بخش کشاورزی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه بوعلی سینا همدان، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.
- باصری، بیژن و جهانگرد، اسفندیار (۱۳۸۶)، بررسی و تحلیل ظرفیت اشتغال‌زایی بخش کشاورزی ایران، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص ۱۴۶-۱۱۹.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)، *حساب‌های ملی ایران*.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)، *گزارش اقتصادی و ترازنامه*، سال‌های مختلف.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)، *نماگرهای اقتصادی*، سال‌های مختلف.
- رحمانی، رهام (۱۳۸۰)، کارایی فنی گندم کاران و عوامل مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۸۴-۱۶۱.
- ساسولی، محمدرضا و صالح، ایرج (۱۳۸۶)، *بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی ایران*، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد، انجمن اقتصاد

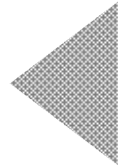
کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، [http://www.civilica.com/Paper-IAEC06-IAEC06\\_184.html](http://www.civilica.com/Paper-IAEC06-IAEC06_184.html)

- سلامی، حبیب‌الله (۱۳۷۶)، مفاهیم و اندازه‌گیری بهره‌وری در کشاورزی، **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه**، شماره ۱۷، صص ۳۲-۷.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و رحمانی، امید (۱۳۹۰)، نقش انباشت تحقیق و توسعه‌ی داخلی و خارجی بر رشد بهره‌وری کل عوامل تولید بخش صنعت، **اقتصاد و تجارت نوین**، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۳۸-۱۸.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و عسگری، مهدی (۱۳۸۸)، بررسی ارتباط میان نوآوری و رشد و توسعه اقتصادی، **دومین کنفرانس ملی خلاقیت‌شناسی، TRIZ و مهندسی و مدیریت نوآوری در ایران**، پژوهشکده علوم خلاقیت‌شناسی و مهندسی و مدیریت نوآوری و TRIZ، ۱۲ و ۱۳ آبان، تهران.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و میرزابابازاده، سهیلا (۱۳۸۷)، بررسی نقش فعالیت‌های تحقیق و توسعه در صادرات غیرنفتی اقتصاد ایران، **اولین همایش ملی توسعه فعالیت‌های اقتصادی ایران**، دانشگاه پیام نور، تهران، ۴ و ۵ دی ماه.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۰)، بررسی عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی ایران، **نامه مفید**، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۲۰۰-۱۶۹.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، منابع رشد بخش کشاورزی ایران طی سال‌های ۴۲ تا ۸۵ **فصلنامه روستا و توسعه**، سال ۱۲، شماره ۴، صص ۱۴۷-۱۲۵.
- قره‌باغیان، مرتضی و همایونی‌فر، مسعود (۱۳۷۶)، تحول فنی و رشد کشاورزی: آزمون فرضیه نوآوری القایی در کشاورزی ایران، **پژوهشنامه بازرگانی**، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۵۶-۲۵.
- قنبری، محمدرضا و ثاقب، حسن (۱۳۸۴)، تعیین اندازه بهینه باغ‌های کیوی در ایران، **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه**، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۱۶۶-۱۴۷.
- کوپاهی، مجید و کاظم‌نژاد، مهدی (۱۳۷۶)، بررسی و تحلیل اقتصادی کارایی فنی چای کاران گیلان با تأکید بر تأثیر سن، سواد و اندازه زمین، **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه**، شماره ۱۷، صص ۱۰۰-۸۹.
- کیمیجانی، اکبر و شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۰)، بررسی اثر فعالیت‌های R&D داخلی و خارجی (از طریق تجارت خارجی) بر بهره‌وری کل عوامل تولید، **پژوهشنامه بازرگانی**، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۶۵-۲۹.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)، **سالنامه آماری بازرگانی خارجی کشور، سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۳۸**.
- گوش، جایاتی (۱۳۸۷)، بحران جهانی غذا، مترجم: علی دینی، **مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، سال بیست و سوم، شماره ۳-۴ (پیاپی ۲۵۶)، صص ۲۹۳-۲۸۶.

- مهرابی، مسعود (۱۳۸۱)، *سیر تحول اعتبارات پژوهشی در کشور ۱۳۸۰-۱۳۴۷*، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات علمی کشور.

- Abramowitz, M. (1956), Resource and Output Trend in the United States Science 1870, *American Economic Review*, 46(2); 5-23.
- available at [http://www.worldbank.org/data/online\\_database.html](http://www.worldbank.org/data/online_database.html).
- Bush, V. (1954), *Science, the Endless Frontier*, National Science Foundation Washington D. C.
- De Wilt, I. G., Diederer, M., Butter, M. & Tucker, A. (2001), Innovation Challenges for European Agriculture, *Journal of Futures Studies, Strategic Thinking and Policy*, 3(4); 341-352.
- Fagerberg, J. and Verspagen. B. (2002), Technology-gap, Innovation-diffusion, and Transformation, *Research Policy*, 31(8-9); 1291-1304.
- Fare, R., Grooskopf, S. and Margaritis, D. (2008), *US Productivity in Agriculture and R&D*, Available on:
- Food and Agriculture Organization (FAO), (2015), Available at: <http://www.fao.org/statistics/databases/en>
- Geriliches, Z. (1995), Patent Statistics as Economic Indicator, *A Survey Journal of Economic Literature*, 92(3); 630-653.
- [http://www.ewapa.org/ewepa2005/.../FareGrooskopf & Margaritis](http://www.ewapa.org/ewepa2005/.../FareGrooskopf&Margaritis). Pdf.
- Jones, C. I. (2002), Sources of U.S. Economic Growth in a World of Ideas, *American Economic Review*, 92(1); 220-239.
- Schumpeter, J. A. (1975), *Capitalism, Socialism and Democracy*, Harper Press.
- Solow, R. M. (1956), A Contribution to the Theory of Economic Growth, *Quarterly Journal of Economics*, 70(1); 65-94.
- World Bank. (2014), *World Bank Agricultural Research by Region*, Washington, D.C.
- Yang, C. H. (2006), Is Innovation the Story of Taiwan's Economic Growth?, *Journal of Asian Economics*, 17(5); 867-878.

# تئوری خودتعیینی، انگیزش و تأثیر شرایط اجتماعی بر رشد و رفاه بشر



رضا سپهوند<sup>۱</sup>

حشمت‌اله صادقی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۳/۲/۲۵ - تاریخ تصویب ۹۳/۷/۱۵)

## چکیده

تئوری خودتعیینی، چارچوبی گسترده برای مطالعه انگیزش و شخصیت انسان بوده که شامل پنج خرده‌تئوری می‌باشد که انواع مختلفی از انگیزش طبیعی (درونی) و بیرونی را تعریف و ارایه نموده و تأثیرات احتمالی آن‌ها بر یکدیگر را بررسی می‌نماید. بعلاوه در این تئوری، سه نیاز روانشناختی اصلی یعنی خودمختاری، شایستگی و تعلق؛ ارایه و مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس این تئوری، به میزانی که هر کدام از نیازهای اصلی بوسیله شرایط اجتماعی حمایت شده یا با مانع روبرو شوند، افراد خشنود و توسعه یافته یا ناخشنود و از رشد بازمانده و ممکن است دچار انواع مشخصی از روان‌پریشی‌ها گردند. تئوری مذکور رویکردی ارگانسمی و دیالکتیکی دارد. از یک طرف، فرض می‌شود افراد ارگانسم‌های فعالی هستند که تمایل طبیعی به رشد داشته و در پی یکپارچه نمودن تجربیات جدید به درون مفهوم خود می‌باشند. از سوی دیگر، این تمایل به رشد و تکامل بطور خودکار عملیاتی نمی‌شود بلکه نیاز به پشتیبانی و تغذیه مداوم محیطی و

۱- استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه لرستان، mrezasep@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری مدیریت، دانشگاه لرستان، hhsadeghi@yahoo.com

اجتماعی دارد. بنابراین، در حقیقت بین ارگانسیم فعال و بستر اجتماعی دیالکتیکی وجود دارد که در این تئوری به عنوان پایه‌ای برای پیش‌بینی رفتار، تجربه و توسعه افراد محسوب می‌گردد. نکته مهم دیگر اینکه بر پایه این تئوری مفاهیم استقلال و خودمختاری باهم متفاوت می‌باشند. همه این موضوعات مختلف و مهم که براساس مطالعات و تحقیقات مختلف تجربی ارائه شده، به این تئوری در مطالعات سازمان جایگاه ممتازی می‌بخشد. بنابراین آگاهی از این تئوری می‌تواند به مدیران و سازمان‌ها در استفاده اثربخش از سرمایه انسانی برای دستیابی به رشد سازمانی و رفاه پرسنل یاری برساند.

**واژگان کلیدی:** تئوری خودتعیینی، بستر اجتماعی، انگیزش، درونی‌سازی، خودمختاری، شایستگی، تعلق.

#### مقدمه

انگیزش برگرفته از واژه لاتین movere به معنی به حرکت کشانده شدن برای انجام چیزی می‌باشد که هم درون فرد و هم در ارتباط فرد با دیگران و محیط، در طی زمان دچار تغییر می‌شود (جلستاد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). افراد نه تنها برحسب سطح یا شدت انگیزش، بلکه بر اساس جهت‌گیری انگیزشی نیز متفاوت می‌باشند (رایان و دسی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰ a). انگیزش کاری مرتبط با انگیزش در بستر و متن سازمان و محیط کار می‌باشد. پیندر<sup>۳</sup> (۱۹۹۸: ۱۱) انگیزش کاری را مجموعه‌ای از نیروهای انرژی‌زا می‌داند که هم از درون و هم از خارج از وجود فرد سرچشمه می‌گیرند. این نیروها شروع رفتار مرتبط با کار، شکل آن، جهت، شدت و مدت زمان آن را تعیین می‌نمایند. از عوامل بیرونی یا نیروهای محیطی می‌توان به سیستم‌های پاداش و پرداخت حقوق و از انگیزش درونی می‌توان به انگیزه‌ها و نیازهای فردی اشاره نمود. در واقع، در انگیزش کاری تمرکز بر روی آغاز، جهت، و شدت تلاش افراد در طی زمان می‌باشد. شروع رفتار را

۱- Jelstad

۲- Ryan and Deci

۳- Pinder

می‌توان بوسیله موقعیت‌های متفاوتی از قبیل وجود یک نیاز، فاصله با یک هدف مطلوب و یا وجود وضعیتی پایین‌تر از حد انتظار توضیح داد (میشل ودانیلز، ۲۰۰۳: ۲). موضوع مدت زمان در مفهوم انگیزش، حکایت از آن دارد که ثبات در هدف ممکن است بر رفتار شغلی تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد (پیندر، ۱۹۹۸). برخی تئوری‌های انگیزشی مانند تئوری سلسله مراتب نیازهای مازلو بر روی نیازهای درونی فرد و برخی دیگر از قبیل تئوری برابری بر روی انگیزش خارجی نشأت گرفته از نیروهای خارج از افراد تمرکز می‌نمایند.

تئوری خودتعیینی<sup>۱</sup> را می‌توان نوعی روانشناسی ارگانیکسی از خانواده تئوری‌های روانشناختی کل‌نگر محسوب نمود. این تئوری فرض می‌کند که مردم ارگانیکسم‌های فعالی هستند که دارای تمایلی عمیق و ذاتی بسوی رشد و توسعه روانشناختی هستند. این طبیعت فعال بشری به روشنی در پدیده انگیزش درونی قابل مشاهده است. یعنی تمایل طبیعی که از هنگام تولد ظهور یافته و در پی چالش، پدیده‌های نو و فرصت‌های یادگیری می‌باشد. این امر همچنین در پدیده درونی‌سازی نیز آشکار است که در سراسر عمر افراد جریان دارد. این درونی‌سازی در واقع همان تمایل افراد برای جذب و تلاش برای افزودن و پیوند اقدامات و ارزش‌های اجتماعی با ارزش‌ها و کنش‌های خود است که در اطراف آن‌ها جریان دارد (رایان، ۲۰۰۹).

این تمایلات رشد که زیربنای انگیزش درونی و درونی‌سازی می‌باشند، تکامل می‌یابند و براین اساس طبیعی هستند. اما این امر بدین معنی نیست که آن‌ها تحت هر شرایطی با قدرت عمل می‌کنند. در عوض، این تمایلات ذاتی نیاز به پشتیبانی و تغذیه از سوی محیط اجتماعی فرد دارند. این غذاها محیطی در تئوری خودتعیینی به عنوان نیازهای پایه‌ای مفهوم‌سازی می‌شوند که بصورت پشتیبان‌ها و رضایت‌مندی‌هایی تعریف می‌شوند که برای رشد، کمال و رفاه بشری لازم و ضروری هستند. این تئوری به سه نیاز روانشناختی پایه‌ای یعنی نیازهای خودمختاری<sup>۲</sup>، شایستگی<sup>۳</sup> و تعلق<sup>۴</sup> می‌پردازد. هنگامی که این سه نیاز در بستر اجتماعی مورد حمایت قرار گرفته و پاسخ داده می‌شوند، افراد انرژی، انگیزش و رفاه بیشتری را تجربه می‌کنند. برعکس،

۱- Self-Determination Theory (SDT)

۲- Autonomy

۳- Competence

۴- Relatedness

ایجاد مانع و یا تضعیف این نیازها منجر به تضعیف خود انگیزش و نیز ناسلامتی بیشتر می‌گردد. در واقع، مانع تراشی بر سر راه نیازها در فلسفه علت‌شناسی در خیلی از متدهای روان‌درمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد (رایان و همکاران، ۲۰۰۶؛ رایان، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، رایان و دسی (۲۰۰۱) بر این باور هستند که رفاه کامل بشر از طریق فلسفه شادی به تنهایی قابل حصول نمی‌باشد. بر این اساس، مفهوم سلامتی و رفاه ارایه شده در تئوری خودتعیینی به معنی کارکردی کامل و ضروری، رویکردی تکمیلی به شمار می‌رود.

تئوری‌های مختلفی به مفهوم‌سازی فاکتورهای حاکم بر انگیزش از قبیل تئوری‌های نیازها و تئوری‌های فرایندی و تئوری خودتعیینی می‌پردازند. در این میان، تئوری خودتعیینی شرایطی را بررسی می‌کند که منجر به بروز، پایداری و یا تضعیف و کم‌فروغی انگیزش درونی یا طبیعی می‌گردد. تئوری‌های انگیزش معمولاً دارای فرضیاتی راجع به طبیعت وجود بشری هستند. تئوری خودتعیینی یک تئوری انگیزشی ارگانسیمی درون سنت روانشناسی تجربی است که فرض می‌کند ارگانسیم‌ها و از جمله انسان بطور ذاتی فعال و با اراده هستند و رفتار را از خود بروز می‌دهند. برعکس تئوری‌های مکانیکی ارگانسیمی که ارگانسیم‌ها و از جمله انسان را غیر فعال می‌دانند که انگیزه‌های فیزیولوژیک و محرک‌های محیطی آن‌ها را به این سو و آن سو می‌کشاند.

### تئوری خودتعیینی

تئوری خودتعیینی بطور رسمی دربرگیرنده پنج تئوری کوچک‌تر می‌گردد که هر کدام برای توضیح مجموعه‌ای از پدیده‌های انگیزشی حاصل از تحقیقات آزمایشگاهی و میدانی ارایه شده‌اند. بنابراین، هر کدام از این تئوری‌ها یک جنبه از انگیزش یا کارکرد شخصیتی را مورد کنکاش قرار می‌دهند.

در واقع، تئوری خودتعیینی از طریق مجموعه‌ای از ۵ تئوری کوچک‌تر مورد پژوهش قرار گرفته و توسعه یافته است که با همدیگر چارچوبی تئوریک را تشکیل می‌دهند. هر یک از این پنج خرده‌تئوری در ابتدا برای توضیح پدیده‌هایی معرفی شده‌اند که از تحقیقات میدانی و یا تجربی بر روی فاکتورهای مؤثر بر انگیزش و کارکرد مطلوب انسانی ظهور یافته‌اند (رایان، ۲۰۰۹). در اینجا این خرده‌تئوری‌ها را به ترتیب ارایه آن‌ها، بطور خلاصه شرح می‌دهیم:



## ۱- تئوری ارزیابی شناختی<sup>۱</sup>

تئوری خودتعیینی با این خرده تئوری برای بررسی اثرات فاکتورهای محیطی بر روی انگیزش درونی آغاز می شود که براساس فرضیات و داده های حاصل از مطالعه دسی (۱۹۷۱) و تحقیقات در پی آن توسط دسی و رایان (۱۹۸۵) بیانی رسمی از آن ارائه شد. این خرده تئوری به این امر می پردازد که چگونه زمینه اجتماعی و ارتباطات میان افراد انگیزش طبیعی یا درونی انسانی را تسهیل یا تضعیف می کنند. دغدغه این تئوری، انگیزش طبیعی می باشد. انگیزشی که بر پایه رضایتمندی از رفتار بخاطر جالب بودن خودش قرار دارد و در فعالیتهایی نظیر بازی، ورزش و اوقات فراغت نمود می یابد. این خرده تئوری بر اهمیت خودمختاری و شایستگی در انگیزش درونی تأکید می نماید و مدعی است که رخدادهایی که منجر به این احساس در وجود فرد می شود که از موضوع دور می شود و انگیزش درونی وی را تضعیف می کنند. بعبارتی روشن تر، این تئوری بطور ویژه به این می پردازد که چگونه فاکتورهایی از قبیل پاداش ها، مهلت های زمانی، بازخورد و فشار، بر روی احساس خودمختاری و شایستگی تأثیر می گذارند و بنابراین انگیزش درونی را بهبود یا تضعیف می کنند. برای نمونه توضیح می دهد چرا برخی ساختارهای پاداشی مانند پاداش های مالی در واقع ممکن است افراد را از خودمختاری و شایستگی درک شده دور نمایند. این پدیده اغلب به اثر تضعیف گر پاداش ها تعبیر می شود (دسی و همکاران، ۱۹۹۹، b).

به بیانی دیگر، هر چند انگیزش درونی می تواند سرچشمه خلاقیتی در طی زندگی باشد، ولی بستر و شرایط اجتماعی بر آن تأثیر می گذارد. بنابراین، این تئوری نقش اساسی موارد پشتیبانی کننده احساس خودمختاری و شایستگی را در پرورش انگیزش درونی برجسته می سازد که در حوزه هایی از قبیل آموزش، هنر، ورزش و سایر حوزه ها حیاتی می باشد.

این خرده تئوری پایه انگیزش درونی را نیازهای روانشناختی برای خودمختاری و شایستگی می داند. هر چند بسیاری از مطالعات انجام گرفته در زمینه اثرات فاکتورهای محیطی بر روی انگیزش درونی متمرکز بر روی احساس خودمختاری در مقابل احساس کنترل بوده اند و مطالعات کمتری بر روی موضوع شایستگی انجام شده است. این خرده تئوری بیان می دارد که پاداش های

خارجی می‌تواند به میزانی که به عنوان کنترل‌گر تجربه شوند، خودمختاری درک شده را کاهش داده و در نتیجه انگیزش درونی را تضعیف نمایند. در واقع، بررسی اثرات پاداش بر روی انگیزش درونی در ادبیات این حوزه مورد بحث قرار دارد.

## ۲- تئوری یکپارچگی ارگانسمی<sup>۱</sup>

این خرده‌تئوری فرض می‌کند که درونی‌سازی فرایندی فعال و طبیعی است که در آن افراد سعی می‌کنند درخواست‌های اجتماعی و محیط خارجی را به ارزش‌های شخصی پیوند زده و بدین‌سان به خود تنظیمی رفتار خود پردازند. یعنی افراد همزمان با انجام فعالیت‌ها، قواعد رسمی خارجی را جذب و با جنبه‌های درونی خود پیوند می‌زنند، به منظور اینکه به حالت خودمختاری نزدیک گردند (دسی و رایان، ۱۹۸۵). یعنی به میزان بیشتری با درون افراد یکپارچه می‌شوند. هنگامیکه فرایند درونی‌سازی موفق شود، قواعد و عوامل تنظیمی خارجی از طریق فرایندهای ناخودآگاهی با ارزش‌ها و خصوصیات درونی یکپارچه می‌شوند. با این وجود، این درونی‌سازی مانند دیگر فرایندهایی از قبیل انگیزش درونی خودبه‌خود انجام نمی‌گیرد، بلکه نیاز به تغذیه و خوراک برای کارکرد مؤثر دارد. در واقع، میزان درونی‌شدن ارزش‌ها و خواسته‌های خارجی و پیوند آن با جنبه‌های خود فرد، به میزانی که نیازهای روانشناختی پایه‌ای افراد پاسخ داده شوند، بستگی دارد.

این خرده‌تئوری به فرم‌های متفاوت انگیزش خارجی همراه با ویژگی‌ها، عوامل و پیامدهایشان می‌پردازد. بطور کلی، انگیزش خارجی در رفتاری متجلی می‌شود که بعنوان ابزاری به کار می‌رود که هدفش دستاوردهایی است که خارج از رفتار مزبور می‌باشد. با این وجود، این ابزار دارای شکل‌های متفاوت می‌باشد. این اشکال عبارتند از: تنظیم خارجی، درون‌سازی ناخودآگاه، احساس یگانگی و در نهایت یکپارچگی (رایان و دسی، ۲۰۰۰). این چهار نوع انگیزش خارجی در طیفی از درونی‌سازی قرار می‌گیرند. در واقع، هرچقدر میزان این درونی‌سازی بیشتر باشد، فرد هنگام نمایش رفتار بیشتر احساس خودمختاری می‌کند. علاوه بر این، این خرده‌تئوری به بستر و زمینه‌های اجتماعی می‌پردازد که این درونی‌سازی را حمایت و یا مانع آن می‌گردند. یعنی

۱- Organismic Integration Theory (OIT)

عواملی که منجر می‌گردد که مردم در برابر خواسته خارجی مقاومت نموده و بصورت جزئی سازگار شوند و یا اینکه به درونی‌سازی عمیق آن با ارزش‌ها، اهداف و یا سیستم‌های اعتقادی خود بپردازند. بویژه، این خرده‌تئوری عوامل پشتیبانی‌کننده از احساس خودمختاری و تعلق اجتماعی را برای فرایند درونی‌سازی حیاتی می‌داند.

انگیزش درونی اشاره به انجام کاری دارد که برای فرد بطور ذاتی جالب و لذت‌بخش است، در حالی که انگیزش بیرونی اشاره به انجام کاری برای دست یافتن به دستاوردی مشخص و مبرز دارد (رایان و دسی، ۲۰۰۰ a). این خرده‌تئوری نه تنها تمایز بین انگیزش درونی یا طبیعی و انگیزش بیرونی را مشخص می‌نماید، بلکه همانطور که بیان شد چهار نوع متفاوت از انگیزش بیرونی را مشخص می‌نماید که بر روی طیفی از میزان درونی‌سازی قرار می‌گیرند. میزان درونی‌سازی، درجه‌ای است که رفتار بطور نسبی از طریق شیوه‌های کنترلی و یا بصورت خودمختار تنظیم می‌گردد. هرچقدر تنظیم رفتار بیشتر درونی شود، یکپارچگی درونی بیشتر حاصل می‌شود که پایه‌ای را برای رفتار دلبخواهی و ارادی فراهم می‌کند. درونی‌سازی بدین معنی است که فرد ارزش‌ها و یا تنظیم رفتار را به درون خود جذب می‌کند و یکپارچگی به عجین شدن بیشتر تنظیم رفتار با ویژگی‌های درونی فرد مربوط می‌باشد (رایان و دسی، ۱۹۸۵، ۲۰۰۰).

در نوع اول انگیزش بیرونی یعنی تنظیم خارجی پایین‌ترین سطح درونی‌سازی صورت می‌پذیرد و اشاره به انجام کاری دارد که برای دستیابی به پاداش و یا پرهیز از تنبیه انجام می‌گردد. در این نوع تنظیم، رفتار کاملاً بخاطر عوامل خارجی انجام می‌گردد. در نوع دوم یعنی تنظیم ناخودآگاه، رفتار بوسیله رگه‌هایی از تقاضاهای درونی فرد کنترل می‌گردد. در واقع، فشاری درونی برای اقدام به شیوه معینی اعمال می‌گردد. به عبارتی بهتر، در این نوع انگیزش بیرونی، هرچند رفتار مورد پذیرش فرد نیست ولی فشاری درونی باعث جذب درونی آن می‌گردد. در واقع، می‌توان گفت نوعی درگیری نفسانی رخ می‌دهد (دیچارمز<sup>۱</sup>، ۱۹۶۸). یعنی مردم انگیزه پیدا می‌کنند که توانایی یا شکست را نمایش دهند که این امر می‌تواند احساسات نفسانی از قبیل غرور یا گناه را القاء نماید. انگیزش خارجی نوع سوم یعنی تنظیم بخاطر یگانگی در رفتارهایی متجلی می‌شود

که در آن‌ها افراد با ارزش‌های نهفته در فعالیت، به نوعی احساس یگانگی می‌کنند. به عبارتی روشن‌تر، کشش مورد پذیرش فرد قرار گرفته و از نظر شخصی مهم تلقی می‌گردد. علیرغم اینکه رفتار در چنین تنظیمی مورد موافقت است اما این تنظیم فعالیت، الزاماً همسو با دیگر علائق فرد نیست. اما آخرین سطح انگیزش بیرونی یعنی تنظیم یکپارچه به رفتاری اشاره دارد که در آن اقدامات بطور کامل به درون فرد جذب می‌شود و احساس یگانگی فرد همسو و همنوا با دیگر جنبه‌های نفسانی فرد شکل می‌گیرد. این سطح انگیزش خارجی کمترین فاصله را با انگیزش درونی دارد. در این سطح، فعالیت بخاطر معنایی که برای خود نفسانی فرد دارد، انجام می‌شود. این در حالی است که در انگیزش درونی و طبیعی، خود فعالیت برای فرد جالب و لذت‌بخش است. بنابراین، تنظیم یکپارچه همچنان نوعی انگیزش بیرونی محسوب می‌گردد.

مفهومی دیگر در ادبیات تحقیق واژه انگیزش داخلی و خارجی است (هکمن و اولدهام، ۱۹۷۶). در این باره واژه‌هایی از قبیل مبداهای داخلی و خارجی نیز به کار برده می‌شوند (پیندر، ۱۹۹۸: ۱۲). بر این اساس، سه نوع آخر انگیزش بیرونی به همراه انگیزش درونی بعنوان فرم‌های داخلی انگیزش محسوب می‌شوند، زیرا هر کدام به نحوی کم یا زیاد با درون فرد پیوند دارند. واژه بی‌انگیزگی اشاره به وضعیتی دارد که تمایلی برای انجام کار موجود نیست (رایان و دسی، ۲۰۰۰). در این شرایط، مردم یا بطور مطلق کار و فعالیتی انجام نمی‌دهند و یا بدون تمایل فعالیت می‌کنند. این رفتار بی‌انگیزه اقدامی است که لذت‌بخش نبوده و یا انتظار نمی‌رود که به دستاورد خارجی مشخصی منجر گردد.

خلاصه اینکه این خرده‌تئوری به فرایند درونی‌سازی موضوعات و خواسته‌های متفاوت بیرونی می‌پردازد. در اینجا تمرکز بر روی طیفی از درونی‌سازی است که گستره‌ای از تنظیم خارجی تا یکپارچگی را در بر می‌گیرد. این اشکال تنظیم، که همزمان امکان فعالیت دارند، بر حسب میزان نسبی خودمختاریشان؛ متفاوت هستند. سطح اول یعنی تنظیم خارجی از کمترین میزان خودمختاری برخوردار است. اما سطح چهارم انگیزش بیرونی یا همان تنظیم یکپارچگی دارای بیشترین میزان خودمختاری می‌باشد. تحقیقات این حوزه نشان می‌دهد که هر چه میزان خودمختاری درک شده فرد بیشتر باشد؛ ثبات، عملکرد و رفاه فرد در یک فعالیت و یا حوزه

کاری بیشتر می‌باشد. همچنین، خرده‌تئوری یکپارچگی ارگانسمی بیانگر این موضوع است که درونی‌سازی و یکپارچگی از طریق پشتیبانی‌هایی زمینه اجتماعی برای خودمختاری، شایستگی و تعلق تسهیل می‌گردد. به بیانی دیگر، افراد با احتمال بیشتری یک اقدام یا ارزش را درونی و با خود یکپارچه می‌کنند؛ اگر آن‌ها احساس انتخابی بودن داشته، احساس شایستگی انجام آن و یا ارتباط با افراد انجام دهنده آن داشته باشند. تحقیقات قابل توجهی در اقصی نقاط جهان نشان می‌دهد که درونی‌سازی بیشتر اقدامات فرهنگی با رفاه و عملکرد بیشتر همراه می‌باشد (رایان و دسی، ۲۰۰۰؛ رایان، ۲۰۰۹).

### ۳- تئوری جهت‌گیری سببی<sup>۱</sup>

این خرده‌تئوری به تفاوت مردم و افراد در تمایل آن‌ها برای جهت‌گیری به سمت محیط اطراف و تنظیم رفتار به شیوه‌های مختلف می‌پردازد. بر این اساس، هنگام مواجهه با جنبه‌های متفاوت محیط، چگونگی جهت‌گیری مردم در تنظیم رفتارشان متفاوت می‌باشد. در واقع، در اینجا سه نوع جهت‌گیری، توصیف و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در جهت‌گیری خودمختاری، اشخاص بر اساس علاقه و ارزشمندی آنچه رخ می‌دهد، عمل می‌نمایند. در این جهت‌گیری، فرد به سمت آنچه مورد علاقه‌اش می‌باشد، متمایل می‌شود و بر اساس آن اقدام می‌کند. اما در جهت‌گیری کنترلی تمرکز روی پاداش، دستاورد و تأیید دیگران است. به بیانی دیگر، فرد عمدتاً رفتار خود را از طریق جهت‌گیری بسوی کنترل‌های اجتماعی و مقتضیات پاداش تنظیم می‌نماید. جهت‌گیری نوع سوم، جهت‌گیری شخصی یا بی‌انگیزه نام دارد که مشخصه آن نگرانی راجع به شایستگی می‌باشد. در این جهت‌گیری، فرد بر روی نبود کنترل و یا شایستگی شخصی تمرکز می‌کند. این خرده‌تئوری همچنین توضیح می‌دهد چگونه محرک‌های ابتدایی جهت‌گیری‌های معینی را در شخص فعال کرده و در نتیجه بر انگیزش حاصل تأثیر می‌گذارند.

این موضوعات در تئوری خودتعیینی نقشی اساسی ایفا می‌کنند. تمایل خودمختاری در برگزیده وجود احساس و تجربه مختار بودن در فرد است و اینکه اقدام وی با احساسی ارادی همراه است (رایان و دسی، ۱۹۸۵). در قطب مخالف، تمایل کنترلی قرار دارد که اشاره دارد به اینکه

انجام یک فعالیت تحت اجبار و به منظور دستیابی به چیزی انجام می‌شود که در خارج از آن فعالیت قرار دارد. در حقیقت، انواع متفاوتی از تمایل و جهت‌گیری بین این دو قطب بر روی طیفی از خودمختاری نسبی قرار می‌گیرند.

از میان انواع انگیزش بیرونی، نوع اول آن یعنی تنظیم خارجی، شامل بیشترین میزان تمایل کنترلی و کمترین حد جهت‌گیری خودمختاری می‌باشد. نوع دوم آن یعنی تنظیم ناخودآگاه درونی نیز شکلی کنترلی است که در آن رفتارها بخاطر ایجاد حس غرور و یا پرهیز از احساس گناه انجام می‌گردد. در سطح سوم، یا تنظیم یگانگی، میزان تمایل خودمختاری و ارادی بیشتری وجود دارد. در نهایت در تنظیم یکپارچگی، بیشترین حس خودمختاری و خود ارادی در میان انواع انگیزش بیرونی دیده می‌شود. طبیعی است که انگیزش درونی تنظیمی خود ارادی است که در قطب مخالف تنظیم کنترلی قرار می‌گیرد. با این تفاسیر، می‌توان دو نوع اول انگیزش بیرونی را در طیف تنظیم کنترلی و دو نوع سوم و چهارم انگیزش بیرونی را به همراه انگیزش درونی جزء فرم‌های ارادی و خودمختار جهت‌گیری محسوب نمود.

#### ۴- تئوری نیازهای روان‌شناختی اصلی<sup>۱</sup>

فرض این خرده‌تئوری آن است که بشر سه نیاز روان‌شناختی دارد که جهانی و اساسی هستند و ارضای این نیازها برای سلامتی روانی و توسعه مطلوب افراد لازم و ضروری می‌باشد (رایان و دسی، ۲۰۰۰). این نیازهای سه‌گانه عبارتند از: شایستگی، خودمختاری و تعلق.

این خرده‌تئوری به مفهوم نیازهای روان‌شناختی پایه‌ای افراد از طریق پیوند مستقیم آن‌ها با رفاه و سلامتی روانی می‌پردازد و بیان می‌دارد هر کدام از این نیازها تأثیرات مستقلاً بر روی سلامتی می‌گذارد. توضیح بیشتر اینکه، اثر هر رفتار و یا رخدادی بر روی سلامتی و رفاه فرد بطور عمده تابعی از ارتباط آن با پاسخ به نیاز می‌باشد. این خرده‌تئوری مدعی است که بر اساس خودمختاری، شایستگی و تعلق می‌توان سلامت روانی و کارکرد مطلوب افراد را پیش‌بینی نمود. بنابراین بسترهای اجتماعی که این نیازها را پشتیبانی یا در برابر آن‌ها مانع می‌شوند، ناچار بر سلامتی افراد تأثیر می‌گذارند. همچنین، ادعا می‌کند که هر سه این نیازها اساسی و ضروری

۱- Basic Psychological Needs Theory (BPNT)

می‌باشند و هر کدام از آن‌ها با موانعی روبرو شوند، هزینه‌های کارکردی معینی به بار می‌آورند. تحقیقات بر روی این خرده‌تئوری بیانگر آنست که مجموع ارضای این نیازها پیش‌بینی کننده تفاوت‌های فردی در سلامتی روانی و رفاه و همچنین فراز و نشیب‌های سلامتی یک فرد در طی زمان می‌باشد.

### ۵- تئوری محتوای اهداف<sup>۱</sup>

این خرده‌تئوری اخیراً به چارچوب تئوری خودتعیینی اضافه شده است. تحقیقات در این باره نشان داده است که ماده‌گرایی و دیگر اهداف بیرونی از قبیل معروفیت یا تصویر به نظر نمی‌آید منجر به ارضای بیشتر نیاز گردد و در نتیجه به تقویت رفاه منجر نمی‌گردد. حتی اگر فرد در دستیابی به آن‌ها موفق باشد (نایمک<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۹؛ کاسر<sup>۳</sup> و رایان، ۱۹۹۶). برعکس، اهدافی از قبیل ارتباطات نزدیک، رشد شخصی و یا مشارکت در صنوف مرتبط با فرد، منجر به ارضای نیاز گذشته و بنابراین سلامتی و رفاه را تسهیل می‌بخشد. این خرده‌تئوری همچنین در این زمینه به کار رفته که چگونه اهداف شکل می‌گیرند. تحقیقات نشان می‌دهد که اهدافی که بسوی تمایلات و ارزش‌های درونی شکل گرفته نسبت به اهداف متمرکز بر دستاوردهای بیرونی بهتر دنبال می‌شوند (وانستینکسته<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۶).

این پنج خرده‌تئوری با هم کلان تئوری خودتعیینی را تشکیل می‌دهند که پیشنهادهای مشخصی در حوزه‌های چندگانه ارائه می‌کنند. البته، این موضوعات در حال بررسی و پالایش بیشتر می‌باشند. با این گستره وسیع، این تئوری به تحقیقات و بحث و جدل‌هایی در حوزه‌های بیشتری دامن زده است. یکی از این مسائل، اثر پاداش‌ها می‌باشد که تئوری خودتعیینی مدعی است می‌تواند قویاً بر روی رفتار تأثیر بگذارد که اغلب به تضعیف انگیزش درونی و درونی‌سازی می‌انجامد. بحث دیگر این تئوری، جهانشمولی و عمومیت اکثر موضوعات آن در میان فرهنگ‌های متفاوت می‌باشد. به عبارت بهتر این تئوری بیان می‌کند که فردگرا یا جمع‌گرا، مرد

۱- Goal Contents Theory (GCT)

۲- Niemiec

۳- Kasser

۴- Vansteenkiste

یا زن، مردم اگر در رفتارشان احساس خودمختاری نمایند، نسبت به شرایطی که احساس کنترل‌شدگی داشته باشند، مؤثرتر عمل نموده و سلامتی روانی بیشتری تجربه می‌کنند. این فرضیه میان‌فرهنگی بطور فعال مورد تحقیق قرار گرفته است (چیرکو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۳).

علاوه بر سهم تئوریک، این تئوری پیامدهای کاربردی تجربی قابل توجهی برای حوزه‌هایی از قبیل آموزش، بهداشت، کار، پرورش فرزند، مذهب، مداومت، روان‌درمانی و ورزش دارد. تحقیقات و مداخلات مختلفی شامل آزمایش‌های کنترل‌شده کلینیکی در حوزه‌های مختلفی بر اساس این تئوری انجام شده است (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ رایان و همکاران، ۲۰۰۶).

### خودمختاری<sup>۲</sup> و استقلال<sup>۳</sup>

خودمختاری یکی از نیازهای سه‌گانه روانشناختی در تئوری خودتعیینی می‌باشد. از این مفهوم در موضوع جهت‌گیری نیز سخن به میان می‌آید. همچنانکه از نام این تئوری پیداست شاید بتوان گفت از این نظر، خودمختاری مهمترین ستون این تئوری می‌باشد. اما خودمختاری در این تئوری به جنبه‌های مختلفی اشاره دارد که با مفهوم استقلال متفاوت می‌باشد.

موارد متفاوتی در ادبیات و تحقیقات سازمان می‌توان یافت که خودمختاری با استقلال یکسان فرض شده‌اند. بعنوان نمونه، هنگام ارزیابی و سنجش نیاز خودمختاری، به انجام کار توسط خود فرد به تنهایی و مستقل از دیگران تأکید می‌گردد (هکرت<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹). همچنین، بعضی از محققین خودمختاری را نشانه استقلال و جدایی از دیگران می‌دانند و بر این اساس آن را مختص مردان به حساب می‌آورند (گیلیگان<sup>۵</sup>، ۱۹۸۲). به شیوه‌ای مشابه، برخی دیگر خودمختاری و وابستگی را دو قطب مخالف دانسته و بطور ضمنی آن را برابر با استقلال فرض نموده‌اند (بنجامین<sup>۶</sup>، ۱۹۸۸). بر

۱- Chirkov

۲- Autonomy

۳- Independence

۴- Heckert

۵- Gilligan

۶- Benjamin



همین سیاق، هاگلند<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) خودمختاری را مفهومی مضرّ می‌داند زیرا به باور وی این مفهوم مارا به این باور رهنمون می‌کند که ارتباط و پیوند با دیگران، ما را محدود می‌کند. بر این اساس، خودمختاری تا جایی به استقلال و عدم وابستگی به دیگران پیوند یافته که برخی آن را بطور تاریخی ایده آل‌های مردانه محسوب می‌نمایند (درایدن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰).

اما خودمختاری در تئوری خودتعیینی هر چند با استقلال ارتباط دارد ولی با آن تفاوت ظریفی دارد. در اینجا، مفهوم خودمختاری به معنای خود ارادی، مشروعیت و خود هارمونی به کار رفته است. کنش‌ها و رفتارهایی خود ارادی می‌باشند که مستقل از فشار خارجی، با ارزش‌ها و علایق فرد همسو می‌باشند. بر این اساس، یک فرد می‌تواند حتی با وجود گردن نهادن بر خواسته‌های خارجی، احساس خود ارادی کند، اگر با آن خواسته همسو بوده و آن را با جان و دل بپذیرد (رایان و دسی، ۲۰۰۶). بطور مشابه، اقداماتی مشروع به حساب می‌آیند که ریشه در درون فرد داشته و ترجیحات و ارزش‌های واقعی فرد را نمایندگی می‌نمایند (اکستروم<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

معنی سوم خودمختاری یعنی خود هارمونی از این حکایت دارد که مردم پی‌اهدافی می‌روند که با ارزش‌ها و علایق وجودی‌شان هم‌نوا و سازگار باشد، نه اهدافی که از سوی عامل خارجی بر آن‌ها اعمال می‌گردد (شلدون<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). بر این مبنا اگر اهدافی حتی از سوی عامل خارجی بیان شود، اما همسو با ارزش‌ها و ترجیحات فرد باشد، می‌تواند در زمره کنش خودمختار به حساب آید. بنابراین خودمختاری به معنای احساس آزادی برای اقدام در راستای ارزش‌ها و علایق خود، مستقل از کنترل خارجی می‌باشد. در واقع، در تئوری خودتعیینی، انجام خودمختارانه کار لزوماً به استقلال از عامل خارجی وابسته نیست، بلکه بر این اساس است که فرد با جان و دل پذیرای کار باشد (چیرکو و همکاران، ۲۰۰۳).

---

۱- Hoagland

۲- Dryden

۳- Ekstrom

۴- Sheldon

**نتیجه**

تئوری خودتعیینی یک تئوری کلان انگیزش انسانی، توسعه شخصیت و تندرستی روانی افراد می‌باشد. این تئوری به سه نیاز روانشناختی اصلی و جهانشمول یعنی خودمختاری، شایستگی و تعلق اشاره می‌کند و ارضای آن‌ها را برای کارکرد حیاتی و سالم بشر، لازم و ضروری می‌شمارد. همچنین، انواع انگیزش درونی و بیرونی و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر و نیز فرایند درونی‌سازی ارزش‌ها و باورها و نگرش‌های بیرونی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بعلاوه، مطابق این تئوری، خودمختاری با استقلال تفاوت ظریفی دارد و الزاماً به معنای جدایی و استقلال از دیگران نیست. همچنین مطابق این تئوری محتوای اهداف بر روی ارضای نیازهای افراد و در نتیجه توسعه روانی و کمال آن‌ها تأثیر می‌گذارد و در نهایت این تئوری بر تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی در جهت ممانعت و یا پشتیبانی از ارضای نیازهای پایه‌ای تأکید می‌ورزد که در نتیجه می‌تواند به روان‌پریشی و یا تندرستی روانی و رشد و توسعه شخصیت افراد منجر شود.

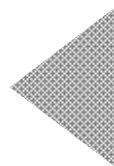
**منابع**

- Benjamin, B. (1988), *The Bonds of Love: Psychoanalysis, Feminism, and the Problem of Domination*, New York: Pantheon Books.
- Chirkov, V. I. , Ryan, R. M., Kim, Y., and Kaplan, U. (2003), "Differentiating Autonomy from Individualism and Independence: A Self-Determination Theory Perspective on Internalization of Cultural Orientations and Well-being", *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 97-110.
- Decharms, R. (1968), *Personal Causation*, New York: Academic Press.
- Deci, E. L. (1971), "Effects of Externally Mediated Rewards on Intrinsic Motivation", *Journal of Personality and Social Psychology*, 18 (1) , 105 - 115.
- Deci, E. L. , and Ryan, R. M. (1985), *Intrinsic Motivation and Self-Determination in Human Behavior*, New York, NY: Plenum.
- Deci, E. L. , and Ryan, R. M. (2000), "The 'What' and 'Why' of Goal Pursuits: Human Needs and the Self-determination of Behavior", *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.
- Deci, E. L. , Koestner, R. , and Ryan, R. M. (1999a) , "A Meta-analytic Review of Experiments Examining the Effects of Extrinsic Rewards on Intrinsic Motivation", *Psychological Bulletin*, 125 (6), 627 - 668.
- Deci, E. L. , Koestner, R. , and Ryan, R. M. (1999b), "The Undermining Effect Is a Reality after all Extrinsic Rewards, Task Interest and Self-Determination: Reply to Eisenberger, Pierce, and Cameron (1999) and

- Lepper, Henderlong, and Gingras (1999) ", *Psychological Bulletin*, 125 (6) , 692 - 700.
- Dryden, J. (2010) , "*Autonomy*", Internet Encyclopedia of Philosophy.
  - Ekstrom, W. L. (2005), "Alienation, Autonomy, and the Self", *Midwest Stud Philos*, 29, 45-67
  - Gilligan, Carol. (1982) , *In a Different Voice: Psychological Theory and Women's Development*, Cambridge: Harvard University Press.
  - Hackman, J. R. , and Oldham, G. R. (1976), "Motivation through the Design of Work: Test of a Theory", *Organizational Behavior and Human Performance*, 16, 250-279.
  - Heckert, T. , Cuneio, G. , Hannah, A. , Adams, P. , Droste, H. , Mueller, M. , et al. (1999), "Creation of a New Needs Assessment Questionnaire", Paper presented at the 71st Annual Meeting of the *Midwestern Psychological Association*.
  - Hoagland, S. L. (1988), *Ethics: Toward New Value*, Palo Alto, California: Institute of Lesbian Studies.
  - Jelstad, B. (2007), "Beyond Money: Intrinsic Work Motivation in Profit and Nonprofit Organizations", PhD dissertation, *Norwegian School of Economics and Business Administration*, department of strategy and management.
  - Kasser, T. , and Ryan, R. M. (1996) , "Further Examining the American Dream: Differential Correlates of Intrinsic and Extrinsic Goals", *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22, 280-287.
  - Mitchell, T. R. , & Daniels, D. (2003), "Motivation", in W. C. Borman, D. R. Ilgen & R. J. Klimoski (Eds.) , *Handbook of Psychology* (Vol. 12. Industrial and Organizational Psychology, pp. 225 - 254) : John Wiley & Sons.
  - Niemiec, C. P. , Ryan, R. M. , and Deci, E. L. (2009), "The Path Taken: Consequences of Attaining Intrinsic and Extrinsic Aspirations in Post-College life", *Journal of Research in Personality*, 43, 291-306.
  - Pinder, C. C. (1998), *Work Motivation in Organizational Behavior*, New Jersey: Prentice Hall.
  - Ryan, R. M. , and Deci, E. L. (2000), "Self-Determination Theory and the Facilitation of Intrinsic Motivation, Social Development, and Well-Being", *American Psychologist*, 55 (1) , 68-78.
  - Ryan, R. M. , and Deci, E. L. (2000a), "Intrinsic and Extrinsic Motivations: Classic Definitions and New Directions", *Contemporary Educational Psychology*, 25, 54 - 67.
  - Ryan, R. M. , and Deci, E. L. (2006), "Self-Regulation and the Problem of Human Autonomy: Does Psychology Need Choice, Self-Determination, and Will?", *Journal of Personality*, 74 (6) , 1557-1585.
  - Ryan, R. M. , Deci, E. L. , Grolnick, W. S. , & LaGuardia, J. G. (2006), The Significance of Autonomy and Autonomy Support in Psychological Development and Psychopathology, in D. Cicchetti & D. Cohen (Eds.) *Developmental Psychopathology: Volume 1, Theory and Methods*, New York: John Wiley & Sons, 2nd Edition.

- Ryan, R. (2009), "Self-determination Theory and Wellbeing", *Wed Research Review*.
- Ryan, R. M. ,and Deci, E. L. (2001), "To Be Happy or to Be Self-Fulfilled: A Review of Research on Hedonic and Eudaimonic Well-Being", in S. Fiske (Ed.), *Annual Review of Psychology* (Vol. 52; 141-166) , Palo Alto, CA: Annual Reviews.
- **Sheldon**, K. M. , Elliot, A. J. , Ryan, R. M. , Chirkov, V. , Kim, Y. , Wu, C. , et al. (2004), "Self-Concordance and Subjective Well- Being in Four Cultures", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 35, 209-223.
- Vansteenkiste, M. , Lens, W. , and Deci, E. L. (2006), "Intrinsic Versus Extrinsic Goal-Contents in Self-Determination Theory: Another Look at the Quality of Academic Motivation", *Educational Psychologist*, 41, 19-31.

# علل اخلاقی وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ و نقش بازدارنده بانکداری اخلاقی در پیشامد بحران‌های مشابه



حسین عیوضلو<sup>۱</sup>

وهاب قلیچ<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۳/۳/۰۲ - تاریخ تصویب ۹۳/۹/۱۵)

## چکیده

اتخاذ خط‌مشی تأمین مالی‌های کوتاه‌مدت با شیوه‌های غیرمسئولانه، به انضمام فقدان برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی لازم در اجرای اصول اخلاقی، نتیجه‌ای جز وقوع فضاحت‌بار بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، به همراه نداشته است. بدون شک، اخلاق به معنای تبعیت از اصول، هنوز نقش مهمی در تعاملات مالی و روابط اقتصادی دارد. با توجه به ریشه‌ها و علل اخلاقی بحران مالی و اثرگذاری نظام بانکی در ایجاد و توسعه آن، به نظر می‌رسد اجرای بانکداری اخلاقی قادر است تا حدی از پدید آمدن اینگونه ریشه‌های بحران‌زا جلوگیری به عمل آورد.

برنامه‌ریزی مبتنی بر اصول و قواعد، ارزیابی و اعتبارسنجی دقیق، واقع‌نگری و حرکت بر اساس ظرفیت‌های ممکن، همگرایی بخش اسمی و حقیقی اقتصاد، رعایت حقوق مشتریان و سهامداران، شفافیت اطلاعات لازم در قبال مشتریان و سهامداران، شایسته‌سالاری، مدیریت وجوه

۱- استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

۲- استادیار پژوهشکده پولی و بانکی، vahabghelich@gmail.com

سپرده‌گذاری شده توأم با امانتداری، وفای به قراردادها و تعهدات تقبل شده، گردش وجوه و ممانعت از کنز دارایی‌ها و سفته‌بازی‌های خارج از قاعده و پرهیز از فعالیت‌های ربوی، غری و مبتنی بر آکل مال به باطل در نظام بانکی از جمله راهکارهایی است تا نظام بانکی در مواجهه با بحران‌های مالی ایمن‌سازی گردد.

## واژگان کلیدی: اخلاق، بانکداری اخلاقی، بحران مالی.

### ۱. مقدمه

مشاهدات بازارهای مالی و اعتباری نشان می‌دهد که اجماعی گسترده مبنی بر این واقعیت وجود دارد که انتظارات همواره رو به تزاید و ایجاد تعهداتی فراتر از حد توان، مؤسسات مالی را تدریجاً چنان تحت فشار می‌گذارد که آن‌ها به ناچار فراتر از فعالیت‌های معمول بانکداری سنتی، مبادرت به انجام فعالیت‌هایی خارج از ضوابط و قواعد اقتصادی کرده و نهایتاً با این قبیل اقدامات، سیستم مالی را به سمت بحران سوق می‌دهند. با توجه به سابقه بحران‌های مالی که نشان می‌دهد نظام بانکی در ایجاد و توسعه آن نقش مهمی را داشته است؛ می‌تواند اذعان داشت که یکی از مسیرهای کنترل و پیشگیری از وقوع و یا اشاعه بحران‌های بزرگ مالی، کنترل عملکرد نظام بانکی منطبق با اصول و موازین پذیرفته شده است.

این تحقیق درصدد پاسخگویی به دو پرسش اصلی است. اول آنکه علل و ریشه‌های اخلاقی وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ چه بوده است؟ و دوم آنکه بانکداری اخلاقی چگونه می‌تواند نقش بازدارنده‌ای در پدید آمدن بحران‌های مشابه داشته باشد؟

### ۲. روش تحقیق و ادبیات موضوع

از آنجاکه اطلاعات آماری در خصوص ریشه‌های اخلاقی بحران مالی در دسترس نمی‌باشد، روش تحقیق این نوشتار متکی به روش کتابخانه‌ای و مطالعات نظری می‌باشد. در زمینه علل و ریشه‌های بحران‌های مالی، تحقیقات زیادی صورت گرفته است. درخشان (۱۳۸۷) پس از بیان کلیات و مفاهیم پایه بحران‌های مالی، زمینه‌های بروز اینگونه بحران‌ها را برمی‌شمارد. ایشان علت اصلی این بحران را در سه حوزه رونق کاذب بازار مسکن در آمریکا، نوآوری‌های مالی در اعطای وام‌های رهنی پرخطر و فقدان نظارت کافی بر عملکرد

بورس‌ها، مؤسسات بزرگ مالی و سفته‌بازان در بازار جهانی سرمایه معرفی می‌نماید. نیلی و محمدی (۱۳۸۸) عدم توجه سیاستگذاران به سرشت بازارهای مالی و تأثیرپذیری عمیق ترازنامه نهادهای مالی از تحولات بازار دارایی‌های واقعی را از مهمترین نکات قابل توجه در بحران مذکور می‌نامند و بیان می‌دارند که عدم تشخیص صحیح مسأله به حجم بی‌ثباتی بازار افزوده است. منظور و حسینی (۱۳۹۱)، نوآوری‌های مالی از جمله انتشار گسترده اوراق بهادار بدون پشتوانه را عامل افزایش مخاطره و ریسک سیستمی در نظام مالی سرمایه‌داری عنوان نموده‌اند. دلالی اصفهانی و همکاران (۱۳۸۹) بیان می‌دارند که بدون تردید این بحران مالی به علت آشفتگی اوضاع مؤسسات مالی و بانک‌های ایالات متحده و عمل نکردن آنان به تعهداتشان ایجاد شده است.

کروگمن (۲۰۰۸) علت بحران مالی ۲۰۰۸ را همانند بحران‌های گذشته دانسته و تأثیر بحران را در کاهش تولید بالتبع کاهش مصارف بخش خصوصی و مخارج کل می‌داند. چپرا (۲۰۰۸) در مقاله‌ای به بررسی نقش تأمین مالی اسلامی در کاهش اثرات مخرب بحران مالی پرداخته و یکی از علل اصلی پدید آمدن این بحران مالی را فقدان انضباط و تعهدمندی در نظام مالی عنوان نموده است. صدیقی (۲۰۰۸) سفته‌بازی قمارگونه را علت بحران مالی دانسته است. وی ریشه مشکلات را شکست اخلاق عنوان کرده و باور دارد که اگر قادر بودیم جامعه‌ای به وجود آوریم که در آن افراد به کالاهای عمومی توجه داشته و با هم همکاری کنند، ترکیب صحیحی از مداخله‌های دولت و انگیزه برای بخش خصوصی پدید می‌آید.

احمد (۲۰۰۹) علت اصلی این بحران را عدم توانایی نهادهای مؤثر مالی در مدیریت ریسک عنوان نموده و این بحران را شکستن پایه‌های نظام مالی سرمایه‌داری و سرآغاز تحولی نوین دانسته است. دیوی و فردیان (۲۰۰۹) حرکت به سوی تأمین مالی اسلامی را درمان بحران‌های مالی برشمرده و عدم اتکای مشتقات مالی بر دارایی‌های واقعی و بخش حقیقی اقتصاد را از مهمترین ریشه‌های بحران مالی ۲۰۰۸ عنوان کرده‌اند. همچنین آقیون، باچتا و بنرجی (۲۰۰۱)، معتقدند بحران را ترکیبی از عوامل گوناگون مانند بدهی‌های فراوان، ذخایر ارزی اندک، پایین آمدن درآمد دولت، موانع اخذ وام و نیز افزایش انتظار در رابطه با کاهش ارزش پول به وجود می‌آورد.

اما در زمینه ادبیات تحقیق بانکداری اخلاقی، باید ذکر نمود که تلمسانی و ماتیسوس (۱۳۸۷) در

مقاله‌ای با عنوان بانکداری اخلاقی؛ با نگاه اسلامی به بررسی مبانی اسلام در بخش مالی جهان پرداخته و با مرور مفاهیم پایه‌ای بانکداری اسلامی به بررسی این نکته می‌پردازد که چگونه بانکداری اسلامی در یک فضای رقابتی ایجاد می‌شود. سیدجوادین و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق خود با یک مطالعه توصیفی که به روش پیمایشی انجام شده است بدین نتیجه می‌رسند که متغیر مستقل رعایت اصول اخلاقی از سوی بانک هدف، تأثیر مثبت و معناداری بر متغیرهای وابسته اعتماد، تعهد، وفاداری و ارتباط دهان به دهان در بین مشتریان برجای نهاده است.

هانسن و ریگل (۲۰۰۹) به بررسی اثرات مثبت رعایت اصول اخلاقی از سوی فروشندگان بر جلب اعتماد، تعهد، سهم مشتری، ارتباطات خریداران و مشتریان پرداختند. بیتی و همکاران (۱۹۹۶) نشان دادند که رعایت موازین اخلاقی از سوی نمایندگان فروش نسبت به مشتریانشان، باعث استحکام بیشتر میان طرفین می‌گردد. سردیشموک و همکاران (۲۰۰۲) ضمن ارائه تحقیقی بدین نتیجه دست یافته‌اند که رعایت موازین اخلاقی در تجارت موجب افزایش احتمال تکرار مراجعه مشتریان و سودآوری بیشتر بنگاه اقتصادی می‌شود. این نتیجه‌ای است که هنینگ تورا (۲۰۰۲) نیز آن را با مشاهدات آماری به اثبات رسانیده است. افزون بر این چن و مائو (۲۰۰۹) نیز این حقیقت را به اثبات رسانیده‌اند که رعایت اخلاق از سوی ارائه‌دهندگان خدمات مالی و تجاری موجب افزایش اعتماد و وفاداری مشتریان می‌گردد.

مشکین (۱۹۹۱) نشان می‌دهد که طریق بانک‌ها بدون لحاظ الزامات اخلاق حرفه‌ای و با دوری از اقدامات محتاطانه و متعارف به راهکارهای پیچیده، چندوجهی و خطرپذیر روی آورده و دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شوند و یا آنکه مولر (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که نظام بانکی به منظور رفع ضعف‌ها، نیازمند تغییرات نظارتی و اصلاحات رفتاری بلندمدت با گرایش تعهدمداری و اخلاق‌محورانه است.

اما لازم به ذکر است، برای مطالعه علل اخلاقی وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ و نقش بازدارنده بانکداری اخلاقی در پیشامد بحران‌های مشابه نقش بانکداری اخلاقی در جلوگیری از ریشه‌های بحران‌های مالی، پژوهش جامعی در سوابق تحقیق یافت نشده است و از این حیث این تحقیق دارای نوآوری می‌باشد.



### ۳. بحران‌های مالی

جستاری در ریشه‌های بحران‌های مالی که وقوعشان مخصوصاً از سال ۱۹۷۰ به بعد امری متداول بوده است (کانت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵)، نشان می‌دهد که یکی از مهمترین عوامل، وجود استقراض ربوی در نظام بانکی بوده که اثرات ناخوشایندی چون نکول بازپرداخت بدهی‌ها، هجوم به بانک‌ها<sup>۲</sup> و نهادهای مالی به منظور برداشت سپرده‌ها، ناتوان‌سازی مؤسسات در ادای تعهدات و نهایتاً ورشکستگی آنان و سرایت دامنه این بحران به بخش‌های دیگر اقتصاد را پدید می‌آورد.

بحران‌های بانکی یکی از متداول‌ترین این بحران‌هاست که با بی‌اعتمادی مشتریان به بانک‌ها شروع شده و با برداشت‌های ناگهانی وجوه پس‌انداز شده توسط سپرده‌گذاران، بانک‌ها را به رویارویی با بحران متمایل می‌سازد. از آنجا که بسیاری از وجوه سپرده‌گذاری شده در بانک وام داده می‌شود، در صورت برداشت ناگهانی وجوه توسط سپرده‌گذاران، بانک قادر به ایفای تعهدات خود مبنی بر بازگرداندن سریع مبالغ نخواهد شد و همین عامل می‌تواند بانک را به ورشکستگی بکشاند. همچنین چنانچه سپرده‌گذاران از بیمه سپرده‌گذاری برخوردار نباشند، ممکن است دچار زیان‌های شدیدتری نیز شوند (گورتون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸).

### ۴. بحران مالی ۲۰۰۸

بحران مالی مورد بحث که از سال ۲۰۰۷ شروع و در پاییز سال ۲۰۰۸ به اوج خود رسید، بزرگترین بحران مالی از سال ۱۹۲۹ به بعد محسوب می‌شود. اگرچه بحران‌هایی شبیه بحران مالی ۲۰۰۸ همیشه پدیده‌ای غیرمنتظره و غیرمتعارف محسوب می‌شوند، ولی عملاً مشاهده می‌کنیم که وقوع این نوع بحران‌ها، مخصوصاً از سال ۱۹۷۰ به بعد امری متداول بوده است (کانت، ۲۰۰۵).

با توجه به شباهت زیاد بحران‌های مالی به یکدیگر، در این نوشتار تمرکز اصلی را بر ریشه‌های بحران مالی ۲۰۰۸ گذاشته‌ایم. آنگونه که می‌دانیم، این بحران در آمریکا و از بازار مسکن شروع شد و ضمن آسیب‌رسانی به سایر بخش‌ها در اقتصاد آن کشور به سرعت به اقتصاد کشورهای

---

۱- Kunt

۲- Banks Run

۳- Gorton

دیگر سرایت نمود. پیش از وقوع این بحران، سودهای حاصل از وام‌دهی بانک‌ها به بخش مسکن بسیار اغواکننده بوده و چشم‌انداز تعهدات دریافتی به شکل سیستماتیک بزرگ‌تر از تعهدات بدهی بانک‌ها به سپرده‌گذاران نشان داده می‌شد. افزایش منابع داخلی، افزایش سودهای انتظاری و همچنین افزایش سطح اعتماد بانک‌ها در گسترش دایره اعطای تسهیلات از اثرات محرز افزایش سودهای تحقق یافته بود.

عدم ارزیابی و اعتبارسنجی صحیح، تکیه بر وثایق به جای تأکید بر صحت و سلامت کار، بالا رفتن واهی سطح اطمینان بانک‌ها و عدم واقع‌گرایی و برنامه‌ریزی اصولی، مصادف با کاهش حاشیه‌های ایمنی عملیات بانکی شده بود. این امر موجب گردید تا با ترک اصول احتیاطی و برآمده از منطق اقتصادی از سوی بانک‌ها، میزان وام‌های با سطح ضمانت پائین با افزایش مواجه شوند؛ به حدی که افرادی که از شایستگی و اعتبار چندانی نیز برخوردار نبودند، متقاضی اخذ وام مسکن به عنوان کالایی نسبتاً بااطمینان شوند.

با افزایش قیمت مسکن، به تدریج عرضه آن رو به رشد نهاد تا که به ناگاه حباب قیمت‌ها ترکید و قیمت مسکن در سراسری سقوط قرار گرفت. در این شرایط وام‌گیرندگان که همان بدهکاران بانکی بودند، بازپرداخت بدهی‌ها را در مقابل مصادره مسکن ارزان قیمتی که در رهن بانک بود، عملی غیرموجه و غیراقتصادی یافتند و لذا عدم پرداخت بدهی‌ها وارد مرحله جدیدی شد (چپرا، ۲۰۰۸). در این شرایط بانک‌ها نیز که بر اساس تعهدات رو به افزایش گذاشته خود، به سپرده‌گذاران بدهکار بودند، منابع خود را از دست رفته دیدند و به تدریج کسری حساب‌های بانکی برای عموم مردم قابل پیش‌بینی شد؛ در این حالت وقوع بحران بانکی دور از انتظار نبود. در واقع فراگیری فضای نااطمینانی نسبت به سرنوشت بانک‌ها و نهادهای مالی اعتباری و هجوم گسترده سپرده‌گذاران به این مؤسسات به منظور برداشت از سپرده‌های خود، به تقویت بحران دامن زد.

## ۵. ریشه‌های اخلاقی بحران‌های مالی

### ۱.۵. تعریف اخلاق

در فرهنگ غربی، اصول اخلاقی راجع به چگونگی بودن افراد و اینکه بر اساس چه ضوابطی رفتار کنند، مطرح می‌شود (جبادموسی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). به طور کلی، واژه اخلاق با استانداردهای مربوط به صحیح و نادرست بودن رفتارها مرتبط می‌باشد (فیشر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). دایره المعارف انگلیسی چمبرز<sup>۳</sup>، اخلاق را مجموعه‌ای از قواعد رفتاری و انسانی برمی‌شمارد. دی جورج اخلاقیات را تلاشی نظام‌مند جهت دریافت تجارب اخلاقی و معنوی جامعه و افراد، از طریق تعیین مقرراتی که باید برای رفتار انسانی، مورد استفاده قرار گیرد، می‌داند و لاسکوئز اخلاقیات را فعالیت منطبق بر استانداردها تعریف می‌نماید (سونسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴).

به طور عام، فلاسفه، الهیون، منتقدان و اندیشمندان علوم اجتماعی، اخلاق را شناخت صحیح از ناصحیح عنوان نموده‌اند. این تشخیص همیشه آسان نیست و بعضاً با دشواری‌هایی همراه می‌باشد. برخی از اندیشمندان علم اخلاق مدعی آنند که اصول اخلاقی همواره یک راه‌حل درست مطلق ارائه می‌نماید؛ در حالیکه عده‌ای دیگر معتقدند راه‌حل درست وابسته به شرایط و موقعیت است و تعیین صحت اخلاقی یک راه‌حل در نهایت به خود فرد بازمی‌گردد (سلطانی، ۱۳۸۲: ۳۴). همچنین اخلاق هم به فضائل اخلاقی و امور مثبت و مفید اطلاق می‌گردد، هم به رذائل اخلاقی و امور منفی و مضر. مراد ما از اصطلاح اخلاقی در این نوشتار صرفاً اموری است که به اخلاق نیک و فضایل اخلاقی برمی‌گردد و نه رذائل اخلاقی. مثلاً وقتی بیان می‌شود که فلان کار اخلاقی است و یا دروغگویی غیر اخلاقی است؛ منظور از اخلاق تنها فضایل اخلاقی می‌باشد.

بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان اذعان داشت، اخلاق همان رعایت قواعد، ضوابط و استانداردهای حاکم بر رفتار افراد در یک نظام انتزاعی از باورها و ارزش‌های انسانی که رفتارها را کنترل می‌کند، می‌باشد. از این‌رو رعایت اخلاق در رفتار و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به مفهوم رعایت قواعد، اصول و استانداردهای حاکم بر اقتصاد با لحاظ هنجارها و ارزش‌های

---

۱- Gbadamosi

۲- Fisher

۳- Chambers English Dictionary

۴- Svensson

پذیرفته شده انسانی است.

## ۲.۵. شاخصه‌های اخلاق در اقتصاد

با نگاهی به آثار علمای اخلاق و منابع علمی تبیین اخلاق حرفه‌ای در سازمان، می‌توان به برخی از شاخصه‌های اخلاق که مرتبط با بحث است، به نحو ذیل اشاره نمود:

الف) اطاعت‌پذیری: اطاعت‌پذیری رکن اصلی نظام مدیریت سازمانی است و این امر موجب آن می‌گردد که به صورت خودکار سازمانی نظام‌مند، مبتنی بر هدف و تلاش درونی کارکنان برای رسیدن به اهداف بسیار عالی شکل و قوام گیرد.

ب) وفای به تعهدات و قراردادهای: مهمترین سرمایه یک جامعه اعتمادی است که افراد به یکدیگر دارند و هر چیزی که این اعتماد و همبستگی را تقویت کند، مایه سعادت و پیشرفت جامعه است.

ج) امانتداری و رعایت صداقت و درستکاری: این سه ویژگی از اصول اخلاقی و سرمایه اصلی هر جامعه انسانی می‌باشند.

د) شایسته‌سالاری: شایسته‌سالاری موجب قوام یک مجموعه می‌شود. در ادبیات مدیریت سازمانی نوین در انتخاب کارگزاران، مدیران و کارکنان به شدت بر روی اصل شایسته‌سالاری اخلاقی و فنی تأکید داشته می‌شود.

ه) نظارت و ارزیابی عملکردها: تأکید بسیار زیادی متوجه مدیران و مسئولین است که بر اعمال و رفتار کارکنان و زیردستان نظارت داشته و همواره ارزیابی مستمری از آنها صورت پذیرد.

و) برنامه‌ریزی، دوراندیشی و انضباط در امور: نظم، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی یکی از پایه‌های اخلاق در مدیریت اقتصادی است، چراکه بقای مناصب و روابط متصل به برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور است.

ح) تداول ثروت و جریان داشتن مال: اصل جاودانه اسلامی در خصوص اموال این است که اموال برای استفاده عموم در اختیار گذاشته شده‌اند به همین جهت نباید فقط در میان ثروتمندان به گردش درآیند، چرا که در غیر این صورت جامعه در عمل محکوم به نابودی و هلاکت تدریجی خواهد بود (عیوضلو، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

ط) عدم ضرررسانی به دیگران: هر گونه فعالیت اعم از مالی و غیرمالی که باعث ایجاد ضرر به

دیگری شود، غیراخلاقی و ممنوع است. بر اساس این اصل، فعالیت برای ازدیاد مال و ثروت در صورتی جایز و مشروع است که موجب اضرار به غیر نباشد (عیوضلو، ۱۳۸۷: ۱۵۹).  
ی) دوری از اسراف و تبذیر: اسراف و هدردهی منابع طبیعی، امری مذموم در تمامی فرهنگ‌ها بوده و موجب افول منابع اقتصادی، کاهش تولید، افزایش هزینه‌ها و در نهایت نابودی و سقوط جوامع می‌شود.

### ۳.۵. تبیین علل بحران مالی از منظر اخلاقی

عواقب گسترده بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ به وضوح نشان می‌دهد، گسترش آزادانه و بی‌قاعده مؤسسات پولی و مالی با محوریت توجه صرف به منافع شخصی، می‌تواند جامعه، سپرده‌گذاران و حتی خود این مؤسسات را در معرض خطر قرار بدهد. در چشم‌انداز گسترده اقتصاد کلان، این بحران تفاوت معنی‌داری با سایر بحران‌های پیش از آن، که اقتصاد سرمایه‌داری غرب را دچار تزلزل نموده بودند، نداشته است. با نگاهی به سابقه تاریخی بحران‌های اقتصادی، می‌توان ریشه‌های اخلاقی ایجاد این بحران‌ها را شناسایی نمود.

فزونی منابع اعتباری، رشدی بالاتر از حد متوسط را در اقتصاد رقم می‌زند و اعتماد به نفسی کاذب در سرمایه‌گذاران آتی فراهم می‌آورد (مینسکی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵). در نتیجه، انتظارات بیش از حد خوش‌بینانه، موجب کاهش قیمت دارائی‌ها شده و این امر سفته‌بازان را به سمت بازارهای نامطمئن می‌کشاند. در این مرحله، انتظارات وافر موجب افزایش قیمت‌ها می‌گردد. به ناچار، این روند در یک مارپیچ سوداگرانه به پایان می‌رسد که در آن، قیمت‌ها تدریجاً غیرواقعی شده و نهایتاً حباب‌هایی در بخش‌های خاصی از اقتصاد به وجود می‌آید (مینسکی، ۱۹۸۵).

عمدتاً یک شوک غیرمنتظره، باعث بروز اختلالاتی در انتظارات سرمایه‌گذاران و متعاقباً نوسانات پیش‌بینی نشده قیمت‌ها شده و در نتیجه کاهش ناگهانی ذخائر مالی بانک‌ها، اعتماد مردم به کلیت نظام بانکی را خدشه‌دار می‌گرداند. همچنین به دلیل آنکه استقراض عمومی و فوری بانک‌ها به شدت دشوار می‌باشد، لذا بحران نقدینگی به آهستگی بروز می‌نماید. بسته به میزان وخامت وضعیت ترانزنامه‌های بانکی در خصوص سقوط ارزش دارائی‌ها، بحران نقدینگی

می‌تواند تا مرحله بحران اعسار و ورشکستگی بانک‌ها و طیف‌های وسیع‌تری از بحران‌های اقتصادی نیز پیشروی داشته باشد.

قابل ذکر است این عوامل و فرآیندها، در سطوح عمومی جامعه نقش داشته و کلیه شاخص‌های بازار را به میزان مشابهی تحت تأثیر قرار می‌دهند. اتخاذ تصمیمات نادرست مالی و سرمایه‌ای و قابلیت پوشش شرایط فوق‌العاده ریسکی بر پایه تصمیمات سست و متزلزل مشکلی است که هر دو طیف حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای سرمایه‌گذاران، اعم از خصوصی یا سازمانی، بانک‌های سرمایه‌گذاری گروه وال استریت، مدیران صندوق‌های تأمین مالی، وام‌دهندگان خرده پا در عرصه مسکن و خریداران وام‌های مسکن را مبتلا می‌سازد. همچنین نرخ‌های پایین و غیرواقعی نظام بانکی، حاشیه سود وام‌ها را مشخصاً تقلیل داده و پوشش هزینه‌های اداری و تراکنش‌های مالی بانک‌ها را با مشکل مواجه نموده است.

اگرچه چارچوب کلی فرآیندهای فوق، در بحران مالی مورد بحث نیز مجدداً به وقوع پیوست، اما عوامل ویژه دیگری هم وجود دارند که می‌توانند در روند مقررات‌زدائی مالی و تشدید و تقویت بی‌ضابطه‌گری مالی تأثیر بگذارند که در ذیل به چند مورد از برجسته‌ترین عوامل اشاره می‌گردد:

- طمع‌ورزی در رسیدن به سودها و درآمدهایی که مینا و علت اقتصادی همچون ارزش افزوده و بازده حقیقی دارایی ندارند و صرفاً از مسیرهایی خارج از ضوابط اقتصاد واقعی محقق می‌شود، یکی از مهمترین ریشه‌های اخلاقی شکل‌گیری این نوع بحران‌ها می‌باشد. این حقیقت که در آثار مینسکی (۱۹۷۸، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۱) نیز به کرات مورد اشاره قرار گرفته است، بیانگر این نکته است که هنگامی که انتظارات سهامداران برای دریافت بازدهی روزافزون و انتظارات مدیران اقتصادی برای دریافت پاداش‌های بیشتر در مسیر حقیقی جریان نیابد، منجر به ایجاد نرخ‌های وسوسه‌کننده‌ای در اکثر بنگاه‌های سرمایه‌گذاری می‌شود. به عنوان نمونه، نرخ‌های بالای ۲۵٪ در سال‌های قبل از بحران ۲۰۰۸، نهایتاً موجب آن شد مؤسسات مالی نسبت بدهی به دارایی‌های خاص خود در ترازنامه‌ها را افزایش دهند. در واقع، با وجود اطلاعات نامتقارن در بازار، افرادی که قصد انجام پروژه‌های ضعیف با ریسک بالا را دارند بیشتر حاضرند وام دریافت کنند و یا آنکه پس از دریافت وام برخلاف تعهدات خود عمل نمایند (مینسکی، ۱۹۹۱). بدین طریق بانک‌ها به منظور دستیابی به سودهای

فوق‌العاده، در دام انتخاب معکوس و خطرات اخلاقی ناشی از عدم تقارن اطلاعات افتاده و با فاصله گرفتن از فعالیت‌های منطقی، محتاطانه و متعارف به راهکارهای پیچیده، چندوجهی و خطرپذیر روی می‌آورند که نهایتاً این روند منجر به فرسایش پایه‌های نظام بانکی می‌گردد. با نگاهی به جریان شروع بحران مالی در می‌یابیم که در رابطه بین بانک‌هایی که با اتکای به وام‌های رهنی، اوراق بهادار منتشر کرده‌اند با خریداران این نوع اوراق، مصداقی از مخاطرات اخلاقی رخ داده است (مولر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). بنابراین نظام بانکی به منظور ترمیم این ضعف‌ها، نیازمند تغییرات نظارتی و اصلاحات رفتاری بلندمدت با گرایش تعهدمداری و اخلاق‌محوری است.

• گرچه حذف و اصلاح مقررات زائد و غیرضروری که تنها به طولانی شدن بی‌فایده روند مبادلات اقتصادی، راکد ماندن سرمایه‌ها و افزایش هزینه معاملات می‌انجامد، امری نیکو و لازم می‌باشد، اما حذف و یا تضعیف مقررات لازم خصوصاً در حیطه مراقبت و نظارت بر مبادلات اقتصادی و بانکی، یکی دیگر از ریشه‌های اخلاقی بحران‌های مالی است. چرا که به طور طبیعی در بازار سرمایه، توانائی انتقال ریسک سیستمی به سایرین از طریق مشتقات اوراق بهادار، وام‌دهندگان را وادار به پذیرش ریسک‌های مضاعف می‌کند؛ از این رو این نوع مقررات‌زدایی به تضعیف ارتباطات صحیح میان وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان منجر می‌شود. از طرف دیگر، پیچیدگی و ابهامات موجود در محصولات مالی در سایه خلأ و یا ضعف مقرراتی، ارزیابی و بررسی دقیق ویژگی‌های ریسک و پاداش را از سرمایه‌گذاران سلب و مؤسسات مالی را به استفاده از روش‌های وام‌دهی بی‌ضابطه وادار می‌سازد. به عبارتی، فرآیندهای اوراق بهادار و بازار به شیوه‌ای متقابل بر یکدیگر و بر ریسک‌های سیستمی هم‌افزائی داشته و این موضوع را به خوبی توجیه می‌نماید که چگونه ضررهای جزئی در بازار املاک و مستغلات در آمریکا، تبدیل به افتراس بزرگ مالی در سطح بین‌المللی گشته و در گذر زمان، دامنه معضلات به سوی نظام بانکی تسری می‌یابد (کاربنی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱).

---

۱- Muller

۲- Carboni

• بحران مورد بحث همانند هر بحران مالی دیگر، در بدو امر «بحران اعتماد» بوده است. کمبود شفافیت به معنای پرهیز از افشای اطلاعات لازم و ایجاد بستر مناسب جهت تصمیم‌گیری سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران جهت تصمیم‌گیری مبنی بر ورود به پروژه‌های اقتصادی یا خروج از آنها از جمله عواملی است که بر این بحران دامن می‌زند. متأسفانه بازارهای مالی در برابر مسائلی چون افشا و شفاف‌سازی هزینه‌های مالی مقاومت می‌نمایند و این مقاومت بر هزینه‌های وجود اطلاعات نامتقارن که همان انتخاب معکوس و خطرات اخلاقی باشد، می‌افزاید. استفاده از صفت «اخلاقی» در اصطلاح رایج «خطرات اخلاقی» به عنوان یکی از عوارض نامتقارنی اطلاعات در روابط اقتصادی، شاهد دیگری بر اخلاقی بودن ریشه‌های ایجادکننده اختلالات مالی می‌باشد.

در مجموع با نگاهی دقیق به ویژگی‌های مشترک بحران‌های مالی و خصوصاً روند اقدامات نظام بانکی پیش از بحران مالی ۲۰۰۸ درمی‌یابیم که بخش مهمی از علل پدیداری این نوع بحران‌ها و آسیب‌های وارده به اقتصاد جهانی، به دلیل عدم تبعیت مؤسسات مالی و نظام بانکی از اصول و لوازم رفتار جمعی و دستورالعمل‌های اخلاقی در مقوله سرمایه‌گذاری محتاطانه و مطابقت با مقررات دقیق حاکم بر مباحث زیست محیطی و اجتماعی بوده است. امانتداری نامناسب و بی‌توجهی به حقوق سپرده‌گذاران و سهامداران و نیز افشای رازها و اسرار آنان و اعمال ریسک‌های نامتعارف بر روی دارایی آنان، انتظارات مدیران بانکی برای دریافت پاداش‌های فراتر از حد معقول، پیروی از احساسات افزون‌طلبانه، حریصانه و غیرمدبرانه در مواجهه با نرخ‌های وسوسه‌کننده، عدم دوراندیشی و برنامه‌ریزی مالی، فرصت‌طلبی خارج از اصول اخلاقی، ارتشاء، سفته‌بازی‌های افراطی و خارج از اصول بازار، عدم واقع‌نگری و ارزیابی شرایط و ظرفیت‌های مالی ممکن، عدم رعایت حدود کفایت سرمایه، عدم افشای به موقع و صحیح اطلاعات لازم به مقامات ذی‌صلاح، مانع‌تراشی در نظارت و کنترل صورت‌های مالی توسط مقام ناظر، ضعف نظارت درونی و حاکمیت شرکتی، اقدام به فعالیت‌هایی که احتمال خدشه‌دار شدن شهرت و اعتبار نظام بانکی را افزایش می‌دهد و مواردی از این دست همگی از جمله اقداماتی است که به دور از اصول اخلاق حرفه‌ای به وقوع پیوسته و نظام مالی را در بحرانی با ابعاد جهانی گرفتار ساخته است.

از این رو باید اذعان داشت، یک نیاز کلیدی در خصوص تأسیس مؤسسات مالی جدید بر پایه



اصول اخلاقی توانمندتر و به منظور بازسازی شیوه‌های بانکداری سنتی و افزایش میزان دستیابی به اعتبارات برای سرمایه‌گذاری‌های پایدار و اخلاق‌محور، ایجاد شده است.

## ۶. بانکداری اخلاقی و نقش بازدارنده آن در بحران‌های مالی

### ۱.۶. مفهوم و اهداف بانکداری اخلاقی

بانکداری اخلاقی را می‌توان فعالیتی بانکی با رعایت کامل حقوق انسانی، التزام به رقابتی سالم و نیز مسئولیت‌پذیر و پاسخگو در قبال رفتارها توصیف نمود. این نوع بانکداری، مفهومی است که با آن که از ورود آن به ادبیات متعارف بانکی مدت زمان زیادی نمی‌گذرد، اما به سرعت در حال رشد و توسعه در ابعاد نظری و اجرایی در بین بانک‌های جهان شده است (قلیچ، ۱۳۹۰: ۲).

امروزه روشن است که اعمال شیوه‌های غیراصولی، غیرمسئولانه و افزون‌طلبانه در فرآیند اعطای وام‌ها به شکست و عدم توفیق تأمین مالی‌های متعارف و نهایتاً بحران بدهی منتهی می‌شود. بانک‌ها و مؤسسات مالی به منظور کسب اعتماد شهروندان، نیازمند تعامل و ایجاد تغییرات وسیع رفتاری و توجه جدی به نیازهای واقعی عامه مردم هستند. حداقل انتظار، رعایت حقوق افراد در یک جامعه مدنی است. سیاستگذاران نیز بایستی در اعمال سیاست‌هایشان بر شفافیت، آزادی و ایفای تعهدات مدنی صحه بگذارند. یکی از نتایج کلیدی بانکداری اخلاقی، ایجاد ارزش افزوده اجتماعی و توجه به رعایت حقوق متقابل می‌باشد. بانکداری اخلاقی علیرغم وجود محدودیت‌هایی که در مقایسه با بانکداری متعارف با آنها روبروست، یک واقعیت غیرقابل اجتناب در اقتصاد جهانی محسوب می‌شود. این بانکداری از ظرفیت‌های توسعه‌ی زیادی برخوردار بوده و نکته حائز اهمیت در آن، عدم توجه صرف به سودآوری می‌باشد.

در مجموع می‌توان برای بانکداری اخلاقی، اهدافی چون انجام فعالیت‌های کارا و مفید بر روی منابع بانکی خصوصاً سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی پروژه‌های پایدار، سرمایه‌گذاری در بخش حقیقی اقتصاد نه بخش کاغذی آن، پرهیز از اقداماتی که منجر به آسیب‌رسانی اقتصادی- اجتماعی به جامعه می‌شود، کمک به حفظ ثبات بازارهای مالی و زمینه‌سازی توسعه اقتصادی کشور، سرمایه‌گذاری و اعطای وام به تجارت‌های اجتماعی، نهادهای مردمی و سازمان‌های فرهنگی، ارائه بهترین خدمات و جلب رضایت مشتریان و حفاظت از حقوق و منافع آنان، رعایت حقوق و منافع کارکنان و مسئولین نظام بانکی، حفاظت از اعتبار و شهرت نظام بانکی، سامان‌دهی اعطای تسهیلات در راستای کاهش سطح فقر و شکاف طبقاتی، حفاظت از محیط

زیست و منافع فرانسلی را متصور بود.

## ۱.۶. سابقه بانکداری اخلاقی در جهان

سرآغاز ورود جدی مباحث اخلاقی در اقتصاد مالی و تجارت نوین چندان روشن نیست اما آنچه در تاریخ اقتصادی غرب می‌توان یافت، آن است که در قرن هجدهم در انگلستان، کواکرها<sup>۱</sup> اولین گروهی بودند که از سرمایه‌گذاری در صناعی که مخالف اخلاق به شمار می‌آمدند (مانند دخانیات، الکل، قمار و برده‌داری)، اجتناب می‌ورزیدند. این اقدام به مرور زمان باعث محبوبیت و رشد تجارت این گروه در میان مردم شد و باب جدیدی را در مباحث متعارف اقتصاد غرب باز نمود. این نوع سرمایه‌گذاری اخلاقی بعدها به «سرمایه‌گذاری مسئولانه اجتماعی»<sup>۲</sup> معروف شده و دامنه آن روز به روز گسترده‌تر از پیش گردید.

در امتداد این جریان و در سه دهه اخیر، بانکداری اخلاقی به عنوان مفهومی که از ورود آن به ادبیات متعارف بانکی مدت زمان زیادی نمی‌گذرد، به سرعت در بعد نظری و اجرایی در بین بانک‌های جهان رشد و توسعه نموده است. برخلاف کشور ما، در برخی از کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای غربی، توجه بسیار زیادی به این مقوله شده و از حیث مطالعات نظری و نیز عملیاتی و اجرایی جزو اولویت‌های بسیاری از نظام‌های بانکی قرار گرفته است. به عنوان مثال از جمله نهادها و بانک‌هایی که تحت این عنوان فعالیت می‌نمایند می‌توان به شور بانک<sup>۳</sup>، آ.اس.اف سوشیال فایننس<sup>۴</sup>، آلیانس بنکشیر<sup>۵</sup>، تی‌سی‌اف بنک<sup>۶</sup> و وینرایت بانک<sup>۷</sup> در آمریکا، بانک تعاونی<sup>۸</sup>، رلیانس بانک<sup>۱</sup>، شرد اینترست<sup>۲</sup> در انگلستان، جی.ال.اس بانک<sup>۳</sup> و اتیک بانک<sup>۴</sup> در

۱- Quakers.

۲- Social Responsible Investment

۳- Shore Bank

۴- RSF Social Finance

۵- Alliance Bankshares

۶- TCF Bank

۷- Wainwright Bank

۸- Co-operative Bank

آلمان، سیتیزنس بانک<sup>۵</sup> و ونسیتی بانک<sup>۶</sup> در کانادا، تریودوس بانک<sup>۷</sup> و رابو بانک<sup>۸</sup> در هلند، بنکا ایتیکا<sup>۹</sup> در ایتالیا، بانک تعاونی اعتبار<sup>۱۰</sup> در فرانسه، می بانک<sup>۱۱</sup> در مالزی و گرامین بانک<sup>۱۲</sup> در بنگلادش اشاره داشت (قلیچ، ۱۳۹۰). البته تعداد این نوع بانک‌ها در مقایسه با صدها بانک و نهاد مالی برجسته در جهان چندان زیاد نمی‌باشد و شاید اگر تعداد بیشتری با ابعاد کارکردی وسیع‌تری از این نوع بانک‌ها در سرتاسر جهان فعالیت داشتند، دامنه‌های بحران مالی ۲۰۰۸ به شدتی که رخ داده است، نمود پیدا نمی‌کرد.

### ۳.۶. نقش و اهمیت بانکداری اخلاقی

البته گرچه نقش نظام بانکی در ایجاد و خصوصاً در رشد و حجیم شدن بحران مالی تمام علت نبوده است، ولیکن به علت برجسته بودن این نقش، آنچه امروزه بیش از پیش به عنوان یک نیاز حیاتی در پیشگیری از بحران‌های مالی به چشم می‌آید، برپایی «نظام بانکداری اخلاقی» در سرتاسر جهان است. بحران مالی ۲۰۰۸، فرصت ویژه و شرایط بی‌سابقه‌ای را برای اهمیت دادن و بکارگیری بیشتر و بهتر اصول اخلاقی در نظام بانکی و میل دادن این نظام به سوی یک مدل قوی‌تر و اخلاقی‌تر فراهم آورده است؛ مدلی که گرایش بیشتری به سوی تأمین رویکردهای اجتماعی و نیازهای اقتصادی آحاد مردم با حفظ اخلاق حرفه‌ای، در اقصی نقاط جهان دارد.

- 
- ۱- Reliance Bank
  - ۲- Shared Interest
  - ۳- GLS bank
  - ۴- EthikBank
  - ۵- Citizens Bank
  - ۶- Vancity
  - ۷- Triodos Bank
  - ۸- Rabobank
  - ۹- Banca Etica
  - ۱۰- Crédit Coopératif
  - ۱۱- MayBank Group
  - ۱۲- Grameen Bank

توجه بیشتر به مقررات فعلی نظام بانکی در خصوص کفایت سرمایه با هدف تقویت ساختارهای مالی برای مقابله با بحران‌های مالی، محدودیت‌های معینی را به منظور افزایش سقف اعطای وام اینگونه مؤسسات احصاء نموده است. در عین حال نظام اقتصادی خود را مواجه با فرصتی مناسب جهت مراقبت و نظارت بیشتر بر نقش آفرینان اقتصادی در حوزه‌های اجتماعی و زیست محیطی از جمله تعاونی‌ها، سازمان‌های غیرانتفاعی و موارد مشابهی که از نقطه نظر دستورالعمل‌های کمیته بال، دارای شاخص‌های ریسکی بیشتری هستند، می‌بیند.

بازسازی اصولی و ضابطه‌مند شیوه‌های مالی و رعایت هرچه بیشتر اخلاق حرفه‌ای در امور پولی و مالی، سرآغاز گامی اساسی در جهت سالم‌سازی هرچه بیشتر این صنعت است. اگر بنا باشد نکته‌ای مهم از بحران‌های مالی اخیر بیاموزیم، می‌توان به این موضوع اشاره نمود که عملیات مؤسسات پولی و بانکی به طور کلی، فراتر از سایر شرکت‌ها بوده و در واقع یک سری مسئولیت‌های خاص و اخلاق‌محور را در قبال جامعه برعهده گرفته‌اند که شاید کمتر مؤسسه و نهادی متصدی آن باشد. روشن است که تخصیص بهینه سرمایه توسط نظام بانکی، ضرورتاً موجب شکل‌گیری قدرت و تعاملات اجتماعی در جامعه شده و ضعف و نقصان آن، بحران‌هایی را در سطح اجتماع پدید خواهد آورد. در نتیجه تعجب‌آور نخواهد بود که افزایش سطوح دستیابی به توسعه مالی، بیشتر از آنکه نیازمند امتزاج با رویکردهای متعارف مالی باشد، به قوانین مالی و نظام بانکی مرتقی و بر پایه تعهد و اخلاق و نیز مسئولیت‌پذیری، کنترل‌پذیری و پاسخگویی بیشتر نهادها در برابر شهروندان، سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران خرد وابسته و نیازمند باشد.

## ۷. توصیه‌های اجرایی بانکداری اخلاقی برای جلوگیری از بحران‌های مالی

با یک دسته‌بندی می‌توان توصیه‌های اجرایی بانکداری اخلاقی را در سه محور بیان نمود. این سه محور عبارتند از:

الف) محور درون بانکی: این محور به رعایت اصول و ارزش‌های اخلاق اسلامی در رابطه با پاسداشت حقوق متقابل مدیران با کارکنان بانک، بانک با مشتریان و بانک با سهامداران اشاره دارد. رعایت این اصول، باعث افزایش شهرت و اعتبار بانک، افزایش رفاه و رضایتمندی

کارکنان، مدیران، سهامداران و مشتریان بانک، افزایش مشتریان و منابع بانکی، کاهش هزینه‌های ناشی از اشتباهات سهوی، تخلفات و فسادهای اداری می‌گردد.

ب) محور بین‌بانکی: این محور به رعایت اصول و ارزش‌های اخلاق اسلامی در روابط و رقابت فی‌مابین بانک‌ها اشاره دارد. رعایت این اصول، موجب انسجام و اتحاد بیشتر نظام بانکی، مدیریت بهتر نظام پولی و مالی کشور توسط بانک مرکزی، افزایش کارایی و بهره‌وری نظام بانکی، پیگیری پر قدرت اهداف مشترک بانکی، تقویت زیربنای مالی بانک‌ها در مواجهه با بحران‌ها و رویدادهای پیش‌بینی نشده، انتقال تجربیات و ایجاد همبستگی و همکاری چندجانبه جهت ارتقای فناوری و سرعت بخشیدن به بومی‌سازی محصولات جدید عرضه شده در عرصه بانکداری بین‌الملل می‌شود.

ج) محور فرابانکی: این محور به رعایت اصول و ارزش‌های اخلاق اسلامی در روابط نظام بانکی با دیگر بخش‌های جامعه، اشاره می‌نماید. رعایت این اصول موجب قوام، ثبات و پایداری اقتصادی، حفاظت از مصالح اجتماعی - سیاسی و حقوق شهروندی عامه مردم، حفاظت از منافع بین‌نسلی، حفاظت از محیط زیست، ترویج اصول فرهنگی - اخلاقی در سطح جامعه، توزیع عادلانه درآمدها، کاهش شکاف طبقاتی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و مناطق محروم می‌شود. در ادامه با تفکیک سه محور فوق‌الذکر، به ارائه مهمترین توصیه‌های اجرایی بانکداری اخلاقی می‌پردازیم.

گرچه رعایت کلیه تعهدات و موازین قانونی بانکداری متوجه مفاهیم اخلاقی است؛ ولیکن در اینجا بیشتر آن دسته از توصیه‌های اخلاقی ذکر می‌گردد که به نظر می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از بحران‌های مالی ایفا نماید:

## ۱.۲. توصیه‌های مرتبط با مسایل درون بانکی:

- بانک‌ها باید تا حد امکان پیچیدگی و ابهامات موجود در محصولات مالی و همچنین مشکلات ارزیابی دقیق ویژگی‌های ریسک و پاداش برای سرمایه‌گذاران را برطرف نموده و از روش‌های وام‌دهی خارج از ضابطه پرهیز نمایند.
- بانک‌ها باید از استفاده و جوه در فعالیت‌های ربوی، غیرمشروع و مبتنی بر اکل مال به باطل پرهیز نمایند.

- سیاست‌های بانک بایستی در راستای تداول ثروت و گردش مال در جامعه باشد تا به تخصیص بهینه تسهیلات بر اساس نیاز واقعی آنان بیانجامد.
- بانک‌ها باید مطابق قراردادها و تعهداتی که به مشتریان دارند، رفتار نموده و از خلف وعده و هر اقدامی که اعتماد آنان را خدشه‌دار می‌سازد، پرهیز نمایند.
- بانک‌ها باید از بی‌توجهی به حقوق سپرده‌گذاران و سهامداران و اعمال رفتارهای پرخطر بر روی دارایی‌های آنان دوری نمایند.
- بانک‌ها باید از پنهان‌کاری و عدم افشای به موقع و صحیح اطلاعات لازم به مقام‌های ذی‌صلاح، کارشکنی و ایجاد مزاحمت در نظارت و کنترل صورت‌های مالی توسط مقام ناظر، ضعف نظارت درونی و حاکمیت شرکتی دوری کنند.
- بنا به اصل شایسته‌سالاری، مدیران و برنامه‌ریزان بانکی باید از بین شایسته‌ترین افراد انتخاب شوند و در اعطای وام، افراد و یا طرح‌های اقتصادی که شایستگی و صلاحیت لازم جهت اخذ تسهیلات را دارند، در اولویت قرار بگیرند.
- مدیران بانکی نبایستی جهت دریافت پاداش‌های فراتر از حد معقول اقدامی انجام دهند.
- بانک‌ها باید از پیروی از رفتارهای غیرمدبرانه در مواجهه با نرخ‌های وسوسه‌کننده، سفته‌بازی‌های افراطی و خارج از اصول بازار و عدم رعایت حدود کفایت سرمایه اجتناب نمایند.
- بانک‌ها باید قدرتی که در اختیار دارند را نوعی امانت اجتماعی - اقتصادی دانسته و تمامی اختیارات، امکانات و تجهیزات را در جهت رسالت سازمانی خود به کار بندند.
- بانک‌ها باید از اعطای وام‌های بی‌حساب از ذخیره سپرده مشتریان، پرهیز نموده و نقش امانتداری خود را در حفظ ارزش پول ملی حفظ نمایند.
- بانک‌ها باید در برخورد با مشتریان و سهامدارانشان راستی و صداقت در گفتار و رفتار داشته و از بیان و عملکرد ناصحیح و خلاف واقع بپرهیزند؛ چراکه این امر تا حد زیادی باعث تقویت اعتماد سپرده‌گذاران و جلوگیری از تصمیمات پیش‌بینی نشده و هیجانی آنان در برداشت از سپرده‌هایشان می‌شود.

## ۲.۶. توصیه‌های مرتبط با مسایل بین بانکی:

- بانک مرکزی باید بر عملکرد بانک‌ها و سازمان‌های تحت مدیریت خود نظارت تخصصی داشته و ارزیابی مستمر و دقیق بر فعالیت آنان داشته باشد.
- بانک مرکزی باید ادامه فعالیت بانک‌های پرخطر و تنش آفرین را منوط به رفع و اصلاح رویه‌های خود گرداند و به طور قاطع بر این امر نظارت و پیگیری داشته باشد.
- بانک‌ها باید در اجرای قوانین و مقررات بانک مرکزی به عنوان نهاد مافوق، اطاعت‌پذیری داشته باشند و گزارش‌های مربوطه را با صداقت و شفافیت در زمان‌های تعیین شده به این بانک تحویل دهند.
- بانک‌ها بایستی در مبادلات بین بانکی به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و از تخریب یکدیگر و رقابت نامنصفانه با هم پرهیز نمایند.
- بانک‌ها بایستی در صورت پیش‌بینی وقوع بحران بانکی و یا مالی، بانک مرکزی و سایر بانک‌ها را از این پیش‌بینی مطلع ساخته و برای حل و فصل آن، جلسات هم‌اندیشی مشترک برگزار نمایند.

## ۳.۷. توصیه‌های مرتبط با مسایل فرا بانکی:

- بانک‌ها باید خود را در قبال ثبات و امنیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه مسئول و متعهد بدانند و از اقداماتی که به این ثبات و امنیت صدمه می‌زند (همچون پولشویی) به طور جد، پرهیز نمایند.
- بانک‌ها باید در ارائه خدمات خود منافع و مصالح بین‌نسلی و رونق و رشد تولید ملی را در نظر گرفته و از رفتارهایی که تضادی با قوانین و تولید ملی دارند، خودداری نمایند.
- گسترش بی‌قاعده بانک‌ها با محوریت توجه صرف به منافع شخصی و بی‌توجهی به مسائل زیست محیطی، بایستی محدود شود.

## ۸. تدابیر ساختاری اجرای توصیه‌ها

گرچه رعایت اصول اخلاقی و نهادینه‌سازی بانکداری اخلاقی در سازوکار انتظام‌بخشی، افزایش شهرت و اعتبار، حفظ مشتریان سابق و جذب مشتریان جدید، کاهش هزینه‌های غیرضروری و در

نتیجه سودآوری شبکه بانکی می‌تواند مفید و مؤثر باشد و نیکو آن است که خود بانک‌ها به صورت داوطلبانه بر رعایت این اصول و موازین اهتمام ورزند، ولیکن نمی‌توان از نقش نظارتی و راهبری بانک مرکزی به عنوان نهاد بالادستی نظام بانکی بر شبکه بانکی غفلت ورزید. از این رو، پیشنهاد می‌گردد بانک مرکزی از دو طریق شبکه بانکی را به عملیاتی‌سازی بیشتر فرآیندهای بانکداری اخلاقی سوق دهد:

روش اول آن است که بانک مرکزی با ایجاد نهاد رتبه‌بندی، ضمن گردآوری و مشاهده عملکرد بانک‌ها و انطباق آن با شاخصه‌های بانکداری اخلاقی، هر ساله بانک‌های برتر در این حوزه را شناسایی و به جامعه معرفی نماید. بدیهی است اثرات مثبت تبلیغاتی و شهرت‌آفرینی این رتبه‌بندی، بانک‌ها را بر آن می‌دارد تا سازوکار عملیاتی شدن بیشتر این اصول را در خود تقویت نموده و گوی سبقت را از سایر رقبای خود برابند.

روش دوم آن است که بانک مرکزی با فراهم‌سازی یک بستر حقوقی و قانونی، امتیازات و تسهیلات ویژه برای بانک‌های فعال و محدودیت‌هایی خاص برای بانک‌های کم‌کار در این حوزه وضع نموده و از این طریق شبکه بانکی را به این امر مهم ترغیب و تشویق نماید. افزون بر این، ترتیبات اجرایی در اجرای قانون سلامت نظام اداری و تشکیل ستاد صیانت از امنیت عمومی و حقوق شهروندی در کشور زمینه مناسبی برای نهادینه شدن نظام بانکداری اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای ایجاد کرده است که امید است بیشتر مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

### نتیجه

اتخاذ خط‌مشی تأمین مالی‌های کوتاه‌مدت و پرخطر با شیوه‌های غیرمسئولانه اعطای وام به افراد و یا طرح‌های ناشایسته، به انضمام فقدان برنامه‌ریزی و دوراندیشی در سایه کمبود نظارت و دقت لازم در اجراسازی نظام اخلاق حرفه‌ای، نتیجه‌ای جز وقوع فضاخت‌بار بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، به همراه نداشته است. با توجه به معیارها و اصول اخلاق اقتصادی و بانکداری اخلاقی، به نظر می‌رسد که توجه به بانکداری اخلاقی قادر می‌باشد تا حدی از پدید آمدن ریشه‌های بحران‌زا جلوگیری به عمل آورد.

در یک جمع‌بندی می‌توان بیان داشت که در یک اقتصاد رو به جلو، طرح‌ریزی و آینده‌نگری اصولی، واقع‌بینی و حرکت بر اساس ظرفیت‌های ممکن، ارزیابی و اعتبارسنجی دقیق و به موقع،



رعایت حقوق مشتریان و سهامداران با پرهیز از رفتارهای پرخطر و حریصانه، شفاف‌سازی و افشای اطلاعات لازم به مشتریان و سهامداران جهت تصمیم‌گیری‌های آزادانه و منطقی، مدیریت مالی وجوه سپرده‌گذاری شده با رعایت اصول امانتداری، وفای به قراردادهای و انجام کامل تعهدات متقبل شده، به گردش درآوردن وجوه و ممانعت از کنز دارایی‌ها و پرهیز از فعالیت‌های غیرمشروع، ربوی و مبتنی بر اکل مال به باطل در نظام بانکی از جمله توصیه‌های است که بانکداری اخلاقی خود را موظف به تبعیت کامل از آنان می‌داند. با توجه به ریشه‌های بحران‌آفرین مالی شناسایی شده به نظر می‌رسد، این تبعیت قادر است تا حد مطلوبی مصونیت و ایمنی را برای نظام بانکی فراهم آورد.

## منابع

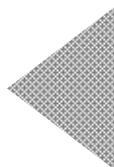
- تلمسانی، ایسام و ربین ماتیوس (۱۳۸۷)، «بانکداری اخلاقی: نگاه اسلامی»، ترجمه فائزه سادات سجادیان، **نشریه دین و اقتصاد**، سال دوم، شماره ۷ و ۸
- درخشان، مسعود (۱۳۸۷)، **ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران**، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- دلالی اصفهانی، رحیم و محمد واعظ برزانی و پایان ولی (۱۳۸۹)، «تحلیل راهکارهای جلوگیری از هجوم‌های بانکی»، **نشریه معرفت اقتصادی**، سال دوم، ش ۱.
- سیدجوادی، سیدرضا؛ مجتبی براری و کاظم ذبیح‌زاده (۱۳۹۰)، «رعایت اخلاق در فعالیت‌های بانکی و تأثیر آن بر روابط میان بانک و مشتری»، **پژوهشنامه مدیریت اجرایی**، سال سوم، شماره ۵.
- صدر، سیدمحمد باقر، (۱۳۵۹)، **بانک اسلامی**، ترجمه خنجی، تهران: انتشارات الفتح.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۷)، «درآمدی بر معرفی ارکان و هسته سخت اقتصاد اسلامی»، **دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی**، ش ۱.
- قلیچ، وهاب (۱۳۹۰)، **بانکداری اخلاقی در جهان**، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، **اخلاق در قرآن**، ج ۲، ج ۳، قم: نشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
- منظور، داود و سیدمجید حسینی (۱۳۹۱)، «ماهیت سیاسی اقتصادی بحران بازار آزاد؛ واکاوی بحران‌های مالی در نظام سرمایه‌داری با رویکرد اسلامی»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی**، سال دوم، ش ۲.
- نیلی، فرهاد و محمدرضا محمدی (۱۳۸۸)، **درس‌های بحران مالی جهانی برای بانکداران مرکزی**، مجموعه مقالات نوزدهمین همایش سیاست‌های پولی و ارزی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.

ویلسون، رودنی (۱۳۸۱)، «شباهت‌های بانکداری اسلامی و بانکداری اخلاقی»، ترجمه محمدزمان رستمی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲.

- Aghion Philippe, Bacchetta Philippe & Banerjee Abhijit(2001), Currency Crises and Monetary Policy in an Economy with Credit Constraints, *European Economic Review*, 45(7).
- Beatty, S.E., Mayer, M., Coleman, J.E., Reynolds, K.E. and Lee, J.(1996), Customer-Sales Associate Retail Relationships, *Journal of Retailing*, 72(3):223- 47.
- Carboni V(2011), *Banking on Ethics: Challenges and Opportunities for the European Ethical Banking Industry in the Aftermath of the Financial Crisis*, CRBM Campagna per la Riforma della Banca Mondiale, Roma(Italy), Via Tommaso da Celano 15.
- Chapra MU(2008), *The Global Financial Crisis: Can Islamic Finance Help Minimize the Severity and Frequency of Such a Crisis in the Future?*, Paper Prepared at the Forum on the Global Financial Crisis, Islamic Development Bank.
- Chen, M. F. and Mau, L. H.(2009), The Impacts of Ethical Sales Behavior on Customer Loyalty in the Life Insurance Industry, *The Service Industries Journal*, 29(1), 59-74.
- Fisher J, Bonn I(2007), International Strategies and Ethics: Exploring the Tension between Head Office and Subsidiaries, *management Decision*, vol, 45, No, 10, pp, 1560-1572.
- Gbadamosi G(2004), Academic Ethics: What Has Morality, Culture and Administration Got to Do with Its Measurement?, *management Decision*, Vol, 42, No.9, pp,1145-1161.
- Gorton G(2008), *The Panic of 2007*, Paper Prepared for August, Jackson Hole conference.
- Hansen, J. D and Riggle, R. J.(2009), Ethical Salesperson Behavior in Sales Relationships, *Journal of Personal Selling & Sales Management*, 2, 151-166.
- Hennig-Thurau, T., Gwinner, K. P and Gremler, D. D.(2002), Understanding Relationship Marketing Outcomes an Integration of Relational Benefits and Relationship Quality, *Journal of Service Research*, 4(3), 230-247.
- Krugman, Paul(2009), *The Return of Depression Economics and the Crisis of 2008*, W. W. Norton & Company New York, London.
- Kunt, AD, Detragiache, E.(2005), Empirical Analysis of the Causes and Consequences of Banking Crisis, *National institute Economic Review*.
- Meshkin FS(1991), Anatomy of a Financial Crisis, in: Nber Working Papers, Series No 3934, *National Bureau of Economic Research*.
- Minsky, H.P.(1978), *The Financial Instability Hypothesis: A Restatement, Thames Papers in Political Economy*, North East London

- Polytechnic. Reprinted in Arestis, P. and Skouras, T.(1985), *Post Keynesian, Economic Theory*, Armonk, NY: M.E. Sharpe, pp 24–55.
- Minsky, H.P.(1980), Capitalist financial Processes and the Instability of Capitalism, *Journal of Economic Issues* XIV(2), pp505–22.
  - Minsky, H.P.(1986), *Stabilizing an Unstable Economy*, New Haven, CT: Yale University Press.
  - Muller A(2008), *What is Behind of Critical Crisis?*, Ludwig Von Mises Institute 14- Advancing the scholarship of liberty in the tradition of the Austrian School, Tu Ne Cede Malis.
  - Sirdeshmukh, D., Singh, J. and Sabol, B.(2002), Consumer Trust, Value, and Loyalty in Relational Exchanges, *Journal of Marketing*, 66(1), 15–37.
  - Svensson G, Wood G(2004), Codes of Ethics Best Practice in the Swedish Public Sector: A Pubsec-Scale, *The International Journal of Public Sector Management*, vol, 17, No, 2, pp,178-195.

# شناسایی منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران - شمال به منظور تحلیل ارزش‌های غیر مصرفی



## رخشاد حجازی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۹۳/۴/۱۵ - تاریخ تصویب ۹۳/۹/۱۵)

### چکیده

حفاظت منابع طبیعی غنی مسیر آزادراه تهران - شمال محل چالشی جدی برای طبیعت دوستان و سیاستگذاران کشور بوده است، بطوریکه پس از سپری شدن حدود بیست سال از شروع پروژه، این مسیر هنوز تکمیل نشده است. یکی از دلایل این وقفه، شفاف نبودن ارزش پولی منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران شمال است. این مطالعه ابتدا با استفاده از GIS اکوسیستم‌های کلان منطقه را شناسایی، سپس ارزش‌های غیراستفاده‌ای منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران - شمال را با استفاده از روش ارزشگذاری مشروط با استفاده از تمایل به پرداخت تخمین زده است. روش ارزشگذاری مشروط تنها روشی است که می‌تواند در ارزش‌های حفاظتی را که فاقد قیمت بازاری هستند به ارزش‌های پولی یا قیمت بازاری آنها تبدیل کند. نقشه کاربری منابع طبیعی مسیر آزادراه نشان داد بیشترین کاربری اراضی تا فاصله یک کیلومتری اطراف آزادراه به جنگل‌ها و سپس مراتع اختصاص دارد. همچنین با استناد به نتایج این بررسی می‌توان گفت گرچه ۸۵٪ از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که توجه به منابع طبیعی مسیر برای آنان اهمیت دارد اما در عین

۱ - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، گروه محیط زیست، rokhsad47@yahoo.com

حال نگرانی‌های عمیقی در خصوص ایمنی مسیر سفر وجود دارد؛ بطوری که اولین دغدغه مصاحبه‌شوندگان تأمین مسیری کم خطر برای سفر به شمال کشور است. نتایج این تحقیق نهایتاً نشان داد اکثریت قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان حاضرند برای حفاظت از منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران- شمال پولی را بپردازند که در حدود ۰.۴ درصد از درآمد ماهیانه آنها را تشکیل می‌دهد.

## واژگان کلیدی: آزادراه تهران- شمال، ارزش تفریحی-حفاظتی، CVM، WTP.

### ۱. مقدمه

ارزش‌های منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران- شمال فقط محدود به ارزش‌های مربوط به فروش الوار یا گیاهان دارویی و یا حتی ارزش‌های تفریحی آن نمی‌شود. بطور دقیق‌تر، ارزش‌های منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران- شمال به دو گروه ارزش‌های مصرفی یا استفاده‌ای و ارزش‌های غیرمصرفی یا غیراستفاده‌ای تقسیم می‌شود. ارزش‌های مصرفی منابع طبیعی شامل ارزش‌های مستقیم و غیرمستقیم است. مهمترین ارزش‌های مستقیم منابع طبیعی مسیر آزادراه شامل درآمد حاصل از زنبورداری، فروش الوار، علوفه، داروهای گیاهی و میوه‌های باغی- جنگلی و ارزش زمین‌ها برای ویلاسازی در مسیر است. در جنگل‌های شمال ایران سهم ارزش‌های مصرفی مستقیم فقط ۱۶.۲۵٪ از ارزش کل جنگل‌های شمال است (امیرنژاد، ۱۳۸۴).

پراهمیت‌ترین ارزش‌های غیرمستقیم، درآمدهای حاصل از تفریح، و همچنین خدمات محیط‌زیستی مانند ترسیب کربن، جلوگیری از فرسایش خاک، تولید اکسیژن و مانند آن است. ارزش‌های غیرمصرفی که به آن ارزش‌های حفاظتی هم گفته می‌شود؛ دربردارنده ارزش‌های وجودی، انتخاب و میراثی است. گروه اخیر از ارزش‌ها بخاطر نداشتن قیمت بازاری، ارزش پولی شفافی ندارند. در اغلب بررسی‌هایی که راجع به آزادراه تهران- شمال وجود دارد، حیطه بررسی به ارزش‌های مصرفی مستقیم و تا حدی ارزش‌های مصرفی غیرمستقیم محدود می‌شود و ارزش‌های غیرمصرفی بخاطر نداشتن مابه‌ازاء اقتصادی مغفول مانده است. این گروه از ارزش‌ها نیاز به محاسبه از روش‌های ویژه‌ای دارند. در سراسر دنیا کارشناسان اقتصاد محیط زیست

تلاش‌های زیادی برای پیدا کردن معادل اقتصادی ارزش‌های غیرمصرفی انواع منابع طبیعی انجام داده‌اند.<sup>۱</sup>

از اولین مطالعات ارزشگذاری اقتصادی در ایران در زمینه ارزش‌های حفاظتی می‌توان به سال ۱۳۵۳ اشاره کرد که طی آن ارزش تفریحی پارک جنگلی پارک سی‌سنگان ۸۹۶۰ ریال در هکتار تخمین زده شد.<sup>۲</sup> پارک جنگلی سی‌سنگان دو بار دیگر در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۸۵ مورد ارزشگذاری اقتصادی قرار گرفت که به ترتیب اعداد ۲۶۰۸۲۰۰ و ۵۷۹۶۵۴۹ ریال بعنوان ارزش اقتصادی برای هر هکتار در سال بدست آمده است.<sup>۳</sup>

مطالعه حاضر ابتدا به شناسایی منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران-شمال و سپس تخمین ارزش‌های غیرمصرفی این منابع طبیعی در کنار مسیر آزادراه می‌پردازد تا نهایتاً با انجام عملیات محاسباتی بتواند بخشی از ارزش‌های منابع طبیعی مسیر آزادراه را شفاف‌سازی کند.

## ۲. منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه مسیر آزادراه تهران-شمال است که بخشی از کریدور بین‌المللی شمال-جنوب است.<sup>۴</sup> کریدور بین‌المللی شمال-جنوب کشورهای شرق آسیا را از طریق ایران به روسیه و شمال اروپا وصل می‌کند. کریدور شمال-جنوب به پیشنهاد کشورهای ایران، هند و روسیه برمی‌گردد. کشورهای ارمنستان، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، بلاروس، اوکراین، ترکیه، بلغارستان، عمان و سوریه بعداً به این اتحادیه ملحق شدند (حجازی، ۲۰۱۳).<sup>۵</sup>

۱ - Brown, A. N. K., et al. (1994), Edward B Barbier, Acreman, M., Knowler, D. (1997), Indah, 2005 Leslie R., Loomis, J. (2009), Shrestha, R., K. et al. (2007), Zhongmin et al., (2003).

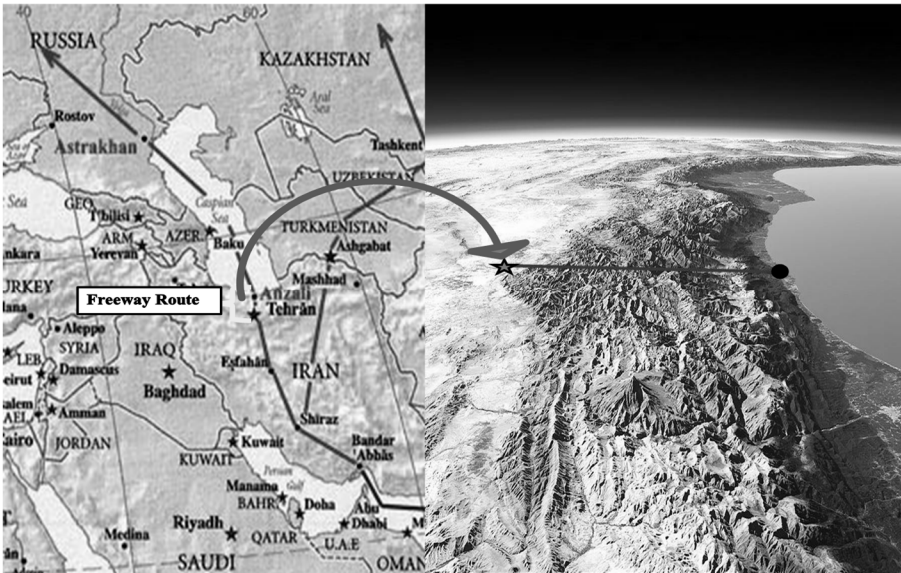
۲ - Yakhkeshi, 1974

۳ - Sharifi, 1989; Amirnejad, Khalilian, Assare, 2006

۴ - International North-South Transport Corridor (INSTC)

۵ - Hejazi

شکل (۱) - کریدور بین‌المللی جنوب-شمال و مسیر آزاد راه تهران شمال



مأخذ: (یافته‌های تحقیق)

آزادراه تهران - شمال از شمال غرب تهران در منطقه سولقان شروع می‌شود و به چالوس در استان مازندران منتهی می‌شود. طول آزادراه ۱۲۱ کیلومتر است. به جز اهمیت بین‌المللی (بعنوان بخشی از کریدور شمال-جنوب) این مسیر دارای اهمیت داخلی است. در واقع آزادراه تهران - شمال جایگزین جاده قدیم تهران - چالوس خواهد بود که بهره‌برداری آن به حدود هشتاد سال پیش برمی‌گردد (حجازی، ۲۰۱۳). تعداد مسافران سالیانه استان مازندران حدود پانزده میلیون مسافر است (راسخی، کریمی و رستمی، ۲۰۱۲).

آزادراه تهران - شمال از دو حوزه آبخیز رودخانه کرج و چالوس عبور می‌کند. هر دو رودخانه نامبرده از رودخانه‌های حفاظت شده در کشور محسوب می‌شوند. حوزه آبخیز کرج غالباً سیمای کوهستانی دارد. مراتع و باغات میوه در آن بیشترین کاربری‌های منطقه هستند. حوزه آبخیز رودخانه چالوس اما غالباً سیمای جنگلی دارد. همچنین منطقه سیاه‌بیشه نیز در این حوزه قرار

گرفته که اهمیت حفاظتی دارد (حجازی، ۲۰۱۳). به جز کاربری‌های مذکور، سایر کاربری‌های مسیر آزادراه شامل آبگیرها، مناطق روستایی و شهری و زمین‌های زراعی است. بین کاربری‌های مسیر آزادراه، بیشترین مساحت به ترتیب برای جنگل‌ها مراتع و نواحی روستایی است.

### ۳. روش مطالعه

#### ۳.۱- شناسایی اکوسیستم‌های منطقه

در ابتدا با استفاده از تصاویر ماهواره NOAA که از طریق سازمان جنگل‌ها مراتع و آبخیزداری تهیه شده بود، لایه‌های نقشه‌های مراتع، جنگل‌ها، مناطق مسکونی (شهری و روستایی)، فرسایش، شیب، واحدهای هیدرولوژیکی، بارش، زمین‌های کشاورزی، جاذبه‌های تفریحی، زمین لغزش و معادن با نقشه مسیر آزادراه همپوشانی داده شد. نهایتاً دوازده کلان بوم سازگان (اکوسیستم) در مسیر آزاد راه تهران- شمال شناسایی شد که در جدول شماره (۱) معرفی شده‌اند. در داخل پرسشنامه سؤالاتی طراحی شد که آگاهی‌سنجی و حساسیت‌سنجی پرسش‌شوندگان راجع به کلان بوم سازگان‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت.

#### ۳.۲- برآورد مدل الگوی تمایل به پرداخت<sup>۱</sup>

برای برآورد الگوی تمایل به پرداخت (WTP) با استفاده از داده‌های پرسشنامه‌ای از الگوی تابع مطلوبیت (U) استفاده شد. تابع مطلوبیت هر فرد بستگی به ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی آن فرد مانند تحصیلات، جنسیت، درآمد، شغل و کیفیت کالای محیط زیستی دارد. در اینجا کیفیت کالای محیط زیستی همان منابع طبیعی مسیر آزادراه است که با احداث آزادراه، این کیفیت تنزل خواهد کرد.

اگر کالای محیط زیستی برای فرد ارزش حفاظتی داشته باشد، در این صورت فرد حاضر می‌شود برای حفاظت از آن کالا (در اینجا منابع طبیعی مسیر آزادراه) مبلغی را پردازد به عبارت دیگر تابع مطلوبیت فرد تغییر می‌کند. پرداخت فرد بر اساس قیمت پیشنهادی (B) به این علت است که با استفاده از کالای محیط زیستی تابع مطلوبیت وی افزایش می‌یابد.

۱ - Willingness to Pay (WTP)



همچنین تمایل به پرداخت انتظاری در مطالعات ارزشگذاری مشروط برابر تغییرات تابع مطلوبیت است. هینمن در سال ۱۹۸۹ فرمول ۲ و ۱ را برای محاسبه متوسط تمایل به پرداخت ارایه کرد (هینمن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹):

$$\text{Mean WTP} = \frac{\beta_0 + (\sum \beta_2 X_2 + \dots + \beta_n X_n)}{-\beta_1} \quad (1)$$

$$\text{Mean WTP} = \frac{\beta_0 + (\sum \beta_n X_n)}{-\beta_1} \quad (2)$$

در فرمول ۱ و ۲،  $\beta_2$  تا  $\beta_n$  معرف ضرایب متغیرهای مستقل مدل است که بسته به نوع مطالعه، تعداد آنها متفاوت است.  $\beta_1$  نیز معرف «قیمت پیشنهادی<sup>۲</sup>» است که در بخش نتایج، محاسبه تمایل به پرداخت و همچنین جدول شماره ۳ توضیحات بیشتری ارایه شده است. منظور از  $\beta_0$  نیز عرض از مبدأ مدل است.

در ادامه این بررسی برای اندازه‌گیری ارزش‌های غیرمصرفی از تمایل به پرداخت یا WTP با بهره‌گیری از پرسشنامه استفاده شد. در مرحله اول یک پیش‌آزمون با ۷۰ پرسشنامه ابتدایی انجام شد. یکی از خروجی‌های مهم پیش‌آزمون انتخاب قیمت پیشنهادی بود که شرح بیشتر آن در جدول (۲) آمده است. با ارتقاء پرسشنامه‌های پیش‌آزمون، عملیات میدانه‌ای با ۵۲۸ پرسشنامه نهایی ادامه یافت. تعداد پرسشنامه‌ها با استفاده از فرمول کوکران، جدول مورگان، عملیات پیش‌آزمون و مراجعه به مطالعات مشابه دیگر و جامعه آماری ۵۰۰ پرسشنامه برآورد شد، بخاطر اطمینان بیشتر ۵۴۰ پرسشنامه توزیع شد (میشل و کارسون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹). تعداد ۱۲ پرسشنامه بعثت نقص اساسی داده‌ها حذف شد. بیشترین مورد نقص پرسشنامه‌ها عدم درج مقدار "درآمد" بود که یکی از مهمترین متغیرهای مطالعات ارزشگذاری اقتصادی است. نهایتاً تجزیه و تحلیل درآمدی روی ۵۲۸ پرسشنامه انجام شد که در ۶ گروه تهیه شده بودند. تفاوت این ۶ گروه در

۱ - Hanemann

۲ - Bidding Price

۳ - Mitchell and Carson

قیمت پیشنهادی بود که از ۱۰۰۰ تومان تا ۶۰۰۰ تومان تهیه شده بود که با انجام پیش آزمون تخمین زده شده بود. لازم به ذکر است از آنجایی که نرخ شدید تورم در کشور باعث می‌شود تا نتایج مطالعات ارزشگذاری اقتصادی سریعاً ارزش خود را از دست بدهد، در همان زمان تحقیق نتایج از ریال ایران به نرخ روز دلار آمریکا تبدیل گردید تا در سال‌های بعد نیز قابلیت استناد داشته باشد. پرسشنامه‌ها در مسیر جاده قدیم تهران- چالوس که به موازات مسیر آزادراه بود، توزیع گردید. زمان توزیع بین ماه تیر تا آذر بود. جامعه آماری شامل کلیه مسافران مسیر نام برده شده بود. پرسشنامه‌ها دارای چهار بخش بودند: آگاهی‌سنجی، حساسیت‌سنجی، تمایل به پرداخت همراه با سناریوی پرداخت و نهایتاً مشخصات اقتصادی- اجتماعی مصاحبه‌شوندگان. بطور کلی سؤال‌های بخش‌های مختلف به نحوی طراحی شدند تا مفاهیم کیفی به مقادیر کمی تبدیل شوند. نحوه چینش سؤالها از آسان به سخت بود. قبل از شروع سؤال‌ها یک توضیح چهار سطری از شرح این مطالعه ارائه شده بود. در پرسشنامه تلاش شده بود در مورد هر یک از کلان بوم سازگان‌های موجود در منطقه پرسشی طرح شود.

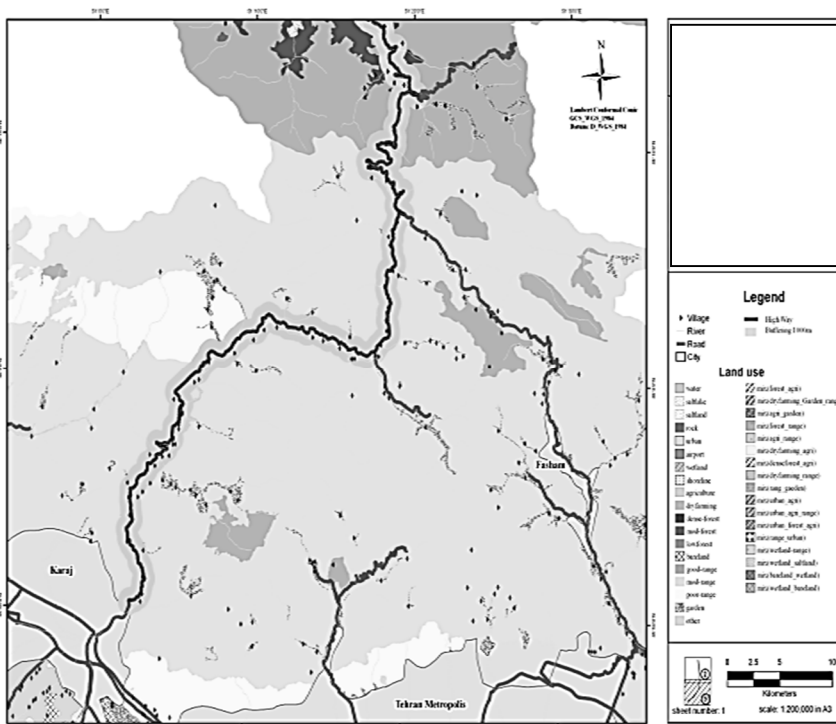
در بخش آگاهی‌سنجی، هدف سنجش میزان آشنایی مصاحبه‌شوندگان با موضوع تحقیق یعنی آزادراه تهران- شمال و سپس مفاهیم محیط زیستی و ارزشگذاری اقتصادی بود. یکی از اهداف مهم طرح این بخش، امکان استفاده از وارد کردن نتایج این بخش در مدل به عنوان متغیر مستقل بود. بخش مشخصات اقتصادی اجتماعی واجد سؤال‌هایی در خصوص سن، تحصیلات، جنسیت، شغل، درآمد اصلی، درآمد فرعی، تعداد دفعات سفر به شمال، علت سفر به شمال، سرپرست یا عدم سرپرست خانوار بودن و پرسش‌هایی بود که غالباً فرد می‌بایست اطلاعات شخصی خود را درج می‌کرد. در این مطالعه روش (One-And-One-Half-Bound Dichotomous) یا (OOHB) و یا همان پرسشنامه دوگانه یک و نیم بعدی به کار برده شد. بطور دقیق‌تر در ابتدا از مصاحبه‌شوندگان سؤال شد: "فرض کنید منابع طبیعی مسیر آزاد راه، بخاطر ساخت تخریب یا آسیب دیده است در این صورت بعنوان یک ایرانی آیا حاضرید مبلغی برای جبران این تخریب پرداخت کنید؟" سپس مکانیزم‌های پرداخت در پنج حالت پیشنهاد شده بود که افراد یکی از این پنج حالت را علامت می‌زدند.

## نتایج

الف - شناسایی منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران شمال:

برای شناسایی منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران شمال چنانچه قبلاً اشاره شد از همپوشانی یازده لایه اطلاعاتی استفاده شد. سپس دو بافر ۵۰۰ متری و ۱۰۰۰ متری در اطراف مسیر تعریف شد. حاصل این فرآیند در شکل شماره ۲ و ۳ به نمایش درآمده است که بطور خلاصه بیانگر مهم ترین کاربری های اطراف مسیر است. همچنین فهرست این کاربری ها بر اساس مساحت آنها در جدول شماره (۱) نشان داده شده است. لازم به ذکر است در این جدول برای کاربری های مهم مانند مرتع و جنگل به ترتیب سه و دو زیرکلاس تعریف شد تا نتایج قابل اعتمادتری بدست آید. نکته مهم لیست مناطق آن است که خوشبختانه نقاط داری ریسک زمین لغزش، فرسایش پذیری و معادن تا حایل های ۱۰۰۰ متری اطراف آزادراه موجود نیستند.

شکل (۲) - مسیر آزادراه تهران - شمال در حوزه آبخیز رودخانه چالوس



منبع: (یافته های تحقیق)



جدول (۱)- کاربری‌های کنار آزادراه با دو حایل ۵۰۰ و ۱۰۰۰ متر

ردیف	کاربری	حایل	
		۱۰۰۰ (متر)	۵۰۰ (متر)
۱	اکوسیستم‌های آبی	۲.۸۲	۰.۹۵
۲	باغات	۱۱.۵	۸.۱۳
۳	مراعی ضعیف	۷.۴۵	۴.۳۱
۴	مراعی متوسط	۱۰۷.۱۹	۵۳.۲۸
۵	مراعی غنی	۲۵.۱۰	۱۳.۴۹
۶	جنگل‌های متوسط	۱۰۷.۱۹	۰.۳۴
۷	جنگل‌های غنی	۶۰.۸۸	۲۷.۶۶
۸	نقاط شهری (تعداد)	۹۸	۶۴
۹	نقاط شهری (مساحت)	۱.۵	۱.۲۹
۱۰	کشاورزی همراه با سایر کاربری‌ها	۵.۲۴	۳.۴۵
۱۱	مراعی همراه با سایر کاربری‌ها	۴۵.۹۲	۲۶.۳۶
۱۲	جنگل‌های متوسط همراه با سایر کاربری‌ها	۰.۲۴	۰.۰۹

در مرحله بعدی اطلاعات پرسشنامه‌ها در یک فایل اکسل وارد شد و سپس از فایل اکسل به نرم افزار "Eviews" وارد گردید. مدل خروجی نرم‌افزار به قرار فرمول ۳ است که پس از جایگذاری ضرایب بدست آمده از نرم‌افزار (که از جدول ۳ حاصل می‌شود) به قرار زیر می‌باشد:

$$WTP(\text{LOGIT}) = \text{LOGIT}(-C(1) + C(2)*\text{GEN} + C(3)*\text{SEN} + C(4)*\text{EDU} + C(5)*\text{INC} + C(6)*\text{BID} \quad (۳)$$

$$\text{Mean monthly WTP} = -6.290324276 + 4.459422265(0.772994) + 0.6743796936(3.716243) + 1.757533257(0.584795) + 0.001217286596(900.7945) / 0.9687381009 \quad (۴)$$

تحلیل خروجی نرم‌افزار برای دستیابی به اهداف، حاکی از آن است که در این مطالعه متغیرهای جنسیت، درآمد، تحصیلات، حساسیت‌های محیط زیستی و قیمت پیشنهادی به عنوان مؤلفه‌های

مؤثر در تمایل به پرداخت در تمایل به پرداخت افراد هستند. بین عوامل نامبرده در آمد، تحصیلات و حساسیت‌های محیط‌زیستی اثر مستقیم روی تمایل به پرداخت دارند چرا که علامت ضریب آنها مثبت است. برای متغیر "جنسیت" به صورت ۱ و ۲ تعریف شده است که ۱ برای آقایان و ۲ برای خانم‌ها می‌باشد. به همین خاطر علامت مثبت نشانه کشش به سمت "خانم‌ها" برای پرداخت بیشتر نسبت به "آقایان" است. قیمت پیشنهادی دارای اثر معکوس است چون دارای علامت منفی است. به بیان دیگر هرچه قدر درآمد، تحصیلات و حساسیت‌های محیط‌زیستی افزایش یابد، میزان تمایل به پرداخت نیز فزونی می‌یابد. در مورد قیمت پیشنهادی اما هرچه قدر از قیمت ۱۰۰۰ تومان به سمت ۶۰۰۰ تومان پیش برویم میزان تمایل به پرداخت افراد کاهش می‌یابد. این موضوع در جدول (۲) نشان داده شده است:

جدول (۲) - مبلغ پیشنهادی و درصد تمایل به پرداخت

قیمت پیشنهادی (تومان)	۱۰۰۰	۲۰۰۰	۳۰۰۰	۴۰۰۰	۵۰۰۰	۶۰۰۰
مجموع	۸۲	۸۲	۷۳	۹۱	۸۱	۸۴
بله	۸۰	۸۰	۶۳	۷۷	۶۱	۳۶
خیر	۲	۲	۱۰	۱۴	۲۰	۴۸
درصد بله	٪۹۷	٪۹۷	٪۸۶	٪۸۴	٪۷۵	٪۴۲

مأخذ: (یافته‌های تحقیق)

مقایسه بزرگی ضرایب نشان از اهمیت تأثیر آنها بر میزان تمایل به پرداخت دارد. بیشترین ضریب به "جنسیت" مربوط می‌شود. از این رهگذر می‌توان تأکید دوباره‌ای داشت بر اهمیت مقوله "زنان و محیط زیست" که فصل ۲۴ دستور کار ۲۱ تحت عنوان "اقدام جهانی به نفع زنان در راستای توسعه پایدار" آمده است.<sup>۱</sup> تحصیلات دومین متغیر مهم و تأثیرگذار بر میزان تمایل به پرداخت است. نقش آموزش‌های محیط‌زیستی در حمایت از منابع طبیعی بخوبی در این بخش نمایان می‌شود. سومین عامل با اهمیت در میزان تمایل به پرداخت (WTP) حساسیت‌های

<sup>۱</sup> - United Nation, 1992

محیط‌زیستی است. در این مطالعه در بخش حساسیت‌سنجی طی سؤال‌های ۲ تا ۷ از مصاحبه‌شوندگان درخواست شد میزان حساسیت خود به تخریب منابع طبیعی بصورت یک امتیاز از صفر تا پنج نشان دهند؛ بطوریکه صفر نمایشگر فردی باشد که تخریب منابع طبیعی هیچ اهمیتی برای وی ندارد و امتیاز پنج برای یک فرد دوستدار محیط زیست است که از تخریب منابع طبیعی رنج می‌برد. میانگین این خوداظهاری در زمینه حساسیت‌های محیط‌زیستی امتیاز "۳.۷۱" بود که نشان از توجه ارزشمند مصاحبه‌شوندگان به مقوله محیط زیست دارد. عامل تأثیرگذار بعدی، مبلغ پیشنهادی است که در بخش قبلی و جدول (۲) به شکل مبسوط از آن صحبت شد. آخرین عامل تأثیرگذار درآمد افراد بود که کمترین اثر را روی میزان تمایل به پرداخت دارد. درآمد البته روی مقدار تمایل به پرداخت (WTP) اثر دارد اما در مقایسه با سایر عوامل، کمترین ضریب را دارد. تحلیل ساده و خلاصه این است که درست است که هرچه قدر فردی درآمد بیشتر داشته باشد، میزان بیشتری می‌پردازد اما اثر عوامل دیگر مانند "تحصیلات" بیش از ۱۴۰۰ برابر عامل "درآمد" است.

گام بعدی برای دستیابی به هدف دیگر این مطالعه و برای تخمین ارزش حفاظتی منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران- شمال محاسبه متوسط WTP است که به کمک معادله شماره ۵ برآورد می‌شود:

(۵)

$$\text{Mean monthly WTP} = -6.290324276 + 4.459422265(0.772994) + 0.6743796936(3.716243) + 1.757533257(0.584795) + 0.001217286596(900.7945) / 0.9687381009$$

$$\text{Mean monthly WTP} = 1.8449400 \quad \text{US\$ Total WTP} = \text{Mean WTP(annually)} \times \text{Tehran-Shomal Passengers/mean household}$$

numbers

$$\text{Total WTP} = 22.13928 \times \frac{15,000,000}{4.3} = \text{US\$ } 77.23 \times 10^6 \quad (۷)$$

$$\text{Total WTP} = \text{US\$ } 77.23 \times 10^6 \quad (۸)$$

جدول (۳) - برآورد معنی داری آماری ضرایب به کمک نرم افزار

Variable	Coefficient	Std. Error	z-Statistic	Prob.
C	-6.290324	1.434421	-4.385271	0.0000
GEN	4.459422	0.510975	8.727277	0.0000
SEN	0.674380	0.171014	3.943428	0.0001
EDU	1.757533	0.352860	4.980830	0.0000
INC	0.001217	0.000362	3.361100	0.0008
BID	-0.968738	0.153046	-6.329731	0.0000
S.E. of regression	0.217240	McFadden R-squared		0.680342
Sum squared residual	23.83251	Restr. log likelihood		-249.7742
Log likelihood	-79.84236	Probability(LR stat)		0.000000

Note: C is intercept, GEN is gender, SEN is environmental sensitiveness, EDU is education, INC is income and BID is bidding price.

All of significant at 1%

به این ترتیب متوسط تمایل به پرداخت (WTP) در یک سال برای یک معادل ۶۸۶۰۳ تومان است. این بدین معناست که هر فرد حاضر است سالانه حدود ۶۸ هزار تومان بابت حمایت از منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران- شمال بپردازد. از این رهگذر با توجه به تعداد مسافران مسیر تهران- شمال و متوسط تعداد خانوار ایرانی کل ارزش حفاظتی منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران- شمال معادل بیش از ۲۳۸ میلیارد تومان امروز محاسبه می‌شود. این مبلغ بعنوان ارزش‌های غیرمصرفی مسیر جزئی از هزینه‌های ساخت آزادراه است که در گروه هزینه‌های محیط زیستی قرار می‌گیرد.



## بحث و نتیجه گیری

بررسی نقشه‌های ۳۰۲ و جدول (۱) نشان می‌دهد به جز تنها اکوسیستم کم اهمیت "مراتع ضعیف" است که مساحت بسیار اندکی را شامل می‌شود، بقیه مسیر با مساحت قابل توجهی در حایل (buffer) اطراف آزادراه با اکوسیستم‌های بسیار با ارزشی پوشیده شده است. لذا جای دارد تا مسؤولین با تجدید نظر در انتخاب مسیر آزادراه، زمینه حفاظت از منابع طبیعی مسیر را که دغدغه‌های جدی برای همه مردم و نه فقط متخصصین ایجاد کرده است، فراهم سازند.

همچنین نتایج این مطالعه بار دیگر نشان داد با اینکه ایران کشوری با درآمد متوسط است اما تمایل به پرداخت (WTP) قابل توجهی از طرف مردم برای حمایت از محیط زیست ارایه می‌شود. بطور دقیق‌تر مصاحبه‌شوندگان ۰.۴٪ از درآمد سالانه خود را برای حمایت از منابع طبیعی مسیر آزادراه می‌پردازند. ارزش کل حفاظتی منابع طبیعی مسیر آزادراه تهران- شمال معادل حدود ۰.۲٪ از GDP کشور در سال ۲۰۰۹ است.

نکته قابل توجه دیگر در این مطالعه، تأثیر فوق‌العاده عامل تحصیلات در مقایسه با سایر عوامل روی تمایل به پرداخت (WTP) است که ۱۴۰۰ بار از عامل درآمد مؤثرتر است. این مطلب توجه ویژه به بحث آموزش و خصوصاً آموزش محیط زیست در کشور را به سیاستگذاران آموزشی کشور نشان می‌دهد.

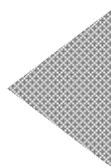
درعین حال نباید از نظر دور داشت بین پاسخ‌دهندگان نگرانی‌های عمیقی در خصوص امنیت سفر و توجه به راهکارهایی برای کاهش تصادفات جاده‌ای وجود دارد. بطوریکه ۹۵.۴٪ از افراد ایمنی جاده را بسیار مهم و یا مهم دانسته‌اند. این مطلب نشان می‌دهد با وجود حساسیت‌های محیط زیستی بالا بین افراد، اما نگرانی‌های عمیق‌تری در مورد تصادفات جاده‌ای بین مردم وجود دارد. نهایتاً برای تحلیل هزینه- فایده ساخت آزادراه تهران- شمال می‌بایست ۲۳۸ میلیارد تومان ارزش‌های مصرفی را با سایر هزینه‌های ساخت جمع زد و سپس با منافع اقتصادی ساخت آزادراه تهران- شمال مقایسه کرد تا بتوان در مورد احداث یا عدم احداث آزادراه تهران- شمال اظهار نظر قطعی کرد. از آنجایی که هدف این مطالعه برآورد ارزش‌های غیرمصرفی کلان بوم‌سازگان مسیر بود، لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهشی جداگانه با هدف تحلیل هزینه- فایده احداث آزادراه تهران- شمال، این سؤال اساسی مردم و دستداران محیط زیست و سیاست‌گذاران پاسخ داده شود.

منابع

- امیرنژاد، ح. (۱۳۸۴)، **تعیین ارزش اقتصادی کل اکوسیستم جنگل‌های شمال ایران با تأکید بر ارزش‌گذاری زیست‌محیطی - اکولوژیکی و ارزش‌های حفاظتی**، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- خداوردی زاده، م؛ کاووسی، م؛ شهبازی، ح؛ ملکیان، آ. (۱۳۹۰)، برآورد ارزش اکوتوریستی با استفاده از روش ارزش‌گذاری مشروط مطالعه موردی: غار سهولان مهاباد، **مجله جغرافیا و توسعه**، شماره ۲۳، صص ۲۱۶-۲۰۳.
- خداوردی‌زاده، م، حیاتی، ب، راحلی، ح، کاووسی کلاشمی، م. (۱۳۹۴)، برآورد ارزش تفریحی و تعیین عوامل مؤثر بر تمایل به پرداخت بازدیدکنندگان کلیسای سنت استپانوس به روش همکن دو مرحله‌ای، **علوم و تکنولوژی محیط زیست**، دوره ۱۷، شماره ۲ (مسلول ۶۵)، صص ۱۱۶-۱۰۵.
- خلیلیان، ص، خداوردی زاده، م؛ د، کاووسی کلاشمی م. (۱۳۹۰)، تعیین ارزش حفاظتی تالاب قوریگل و کاربرد رهیافت فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) به منظور تمایز ارزش‌های مصرفی و غیرمصرفی، **مجله محیط‌شناسی**، دوره ۳۷، شماره ۶۰، صص ۳۴-۲۳.
- راسخی س.، کریمی س.، حامدی رستمی، م. (۱۳۹۱)، اندازه‌گیری و عوامل مؤثر بر تمایل به پرداخت گردشگران ساحلی با استفاده از روش ارزش‌گذاری مشروط: یک مطالعه موردی برای سواحل دریای خزر، **برنامه ریزی و توسعه گردشگری**، دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۳-۱۳.
- زبردست، ل، ماجد، و.، شرزهای، غ. (۱۳۸۹)، برآوردی از ارزش‌های غیر استفاده‌ای تالاب انزلی با استفاده از روش ارزش‌گذاری مشروط، **مجله محیط‌شناسی**، شماره ۵۴، صص ۵۰-۴۳.
- Brown, A. N. K., et al. (1994), **Towards Estimating Total Economic Value of Forests in Mexico**, CSERGE Working Paper GEC 94-21: Centre for Social and Economic Research on the Global Environment.
- Cooper, J.C. M., Hanemann and G. Signorello(2002), One-and-One-Half-Bound Dichotomous- Choice Contingent Valuation, **The Review of Economics and Statistics** 84(4): 742-750.
- Edward B Barbier, Acreman, M., Knowler, D. (1997), **Economic Valuation of Wetlands**, York: Ramsar Convention Bureau Department Of Environmental Economics And environmental Management, university of York.
- Emami Meibodi, A., Ghazi, M.(2008), Estimation of Recreational Value of Sae Park Via CVM, Tehran, **Journal of Iranian Economic Researches**, 12 (36): 112-202. (In Farsi)
- Garrod, Guy, and Kenneth G. Willis(1999), **Economic Valuation of the Environment: Methods and Case Studies**, Cheltenham, U.K.: Elgar, 1999.

- Hanemann, W. (1984), Welfare Evaluations in Contingent Valuation Experiments with Discrete Responses, *American Journal of Agricultural Economics*, 71(3): 332– 341.
- Hannemann, W.(1984), Welfare Evaluations in CV Experiments with Discrete Responses, *Journal of Agricultural Economic*. 66(3): 332-341.
- Hejazi , R., (2013), *Economic Values of Natural Resources along Tehran-Shomal Freeway, Iran*. PhD. Dissertation of University Putra Malaysia (UPM), Malaysia.
- Hejazi, R., Shamsudin, M.N., Abd Rahim, Kh., Radam, A., Zaitun I., Z., Yazdani, S.,(2013). Estimation of Traffic Accident Costs: A Prompted Model. *International Journal of Injury Control and Safety Promotion*, 20(2),152-157.
- Indah, K. D. (2005), *Economic Valuation of Natural Resource Management: A Case Study of the Benuaq Dayak*, Indonesia: Doctoral Dissertation, Louisina state University, United States America.
- Richardson, L., Loomis, J. (2009). The Total Economic Value of Threatened, Endangered and Rarespecies: An Updated Meta-analysis, *Ecological Economics*, 68(5): 1535–1548.
- Shrestha, R., K., Taylor V. Stein, T., V., Julie Clark, J.(2007), Valuing Nature-based Recreation in Public Natural Areas of the Apalachicola River Region, Florida, *Journal of Environmental Management* , 85(4) 977–985.
- United Nation(1992), *A Sustainable Development Agenda for the 21<sup>st</sup> Century*, United Nation Conference on Environment and Development Rio de Janiero, Brazil Agenda 21.
- Zhongmin, X., Guodong, Ch., Zhiqiang, Zh., Zhiyong, S., Loomis, J.(2003), Applying Contingent Valuation in China to Measure The Total Economic Value Of Restoring Ecosystem Services in Ejina Region, *Ecological Economics* 44 (2003) 345/358.

# تبیین اثر ویژگی‌های زندگینامه‌ای (جنسیت و تأهل) بر ابعاد ششگانه تفکر استراتژیک بر اساس مدل تار عنکبوتی



مصطفی جعفری<sup>۱</sup>

معصومه رحیمی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۳/۴/۲۱ - تاریخ تصویب ۹۳/۸/۱۵)

## چکیده

تفکر استراتژیک شش بُعدی که شاه کلید پیروزی رقابت دائم‌التزاید است، چگونه از جنسیت و وضعیت تأهل تأثیر می‌پذیرد؟ هدف این تحقیق تبیین پاسخ این سؤال است. این تحقیق از نظر هدف توصیفی-تبیینی، از نظر روش انجام پیمایشی، و از نظر نتیجه کاربردی است. جامعه هدف تحقیق، ۳۸۴ نفر از کارکنان شهرداری مناطق سه‌گانه قزوین هستند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته است و اعتبار و روایی آن کاملاً تأیید شده است. داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون مقایسه میانگین‌ها و آزمون t استیودنت تجزیه و تحلیل شده‌اند. مقایسه ابعاد تفکر افراد بر اساس مدل تار عنکبوتی که تعادل و توازن میان ابعاد تفکر را می‌سنجد، انجام گردیده است. فرضیه‌ها تأیید شده‌اند به این صورت که میان جنسیت و وضعیت تأهل و مدل تفکر استراتژیک افراد، ارتباط معنادار وجود دارد و با تغییر وضعیت تأهل، تغییر معناداری در مدل تفکر استراتژیک فرد رخ می‌دهد؛ لذا سازمان‌ها را می‌توان مجموعه‌ای از مدل‌های تفکر

۱ - استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران، Strategy2000ir@yahoo.com

۲ - کارشناس ارشد مدیریت اجرایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسؤول)،

Masoumeh.rahimi@gmail.com

دائم‌التغییر نامید که مبنای عمل و تصمیمات آنها را مداوماً شکل می‌دهند و موفقیت سازمان بسته به تشخیص و هدایت این مدل‌های تفکر پویا می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** مدل تفکر استراتژیک، مدل تار عنکبوتی، ویژگی‌های زندگی‌نامه‌ای.

## مقدمه

آینده هم اکنون و امروزه شکل می‌گیرد، و موفق‌ترین سازمان‌ها، آن‌هایی هستند که پویایی (تصویر بزرگ) تصمیماتی که در متن آن‌ها اتخاذ می‌شود را درک خواهند کرد. تفکر استراتژیک که به مثابه مهم‌ترین مهارت در دنیای سریع‌التغییر امروز محسوب می‌گردد (سندرز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸)، برای کسب رضایت است. رضایت به دستاوردها وابسته است، دستاوردها منتج از اقدامات است و تصمیم‌ها، مقدمه و پیش‌نیاز اقدامات می‌باشد. فرایند تصمیم‌گیری با فراهم آوردن داده‌ها آغاز و با تبدیل داده‌ها به اطلاعات، سپس تحلیل آنها و در نهایت با اتخاذ تصمیم به سرانجام می‌رسد و آنچه که تصمیم را شکل می‌دهد، "مدل تفکر انسان" است. اغلب رفتارهای نادرستی که در سازمان‌ها مشاهده می‌کنیم، براساس مدل‌های تفکر ناقص پایه‌گذاری شده است. اغلب تصمیمات ناکارآمد تحت تأثیر تعصبات شناختی، مدل‌های ذهنی ضعیف، خطاهای تفکر و اضطراب به وجود می‌آیند که همگی می‌تواند به تقویت ساختارهای اعتقادی افراد منجر شده و مقاومت در برابر تغییر را افزایش دهد؛ این حالت واکنشی می‌تواند به حوزه عادت‌ها تبدیل شود، یعنی «اقدام به مجموعه‌ای از اعمال بدون تفکر و به مدت طولانی». شکستن این عادت‌ها بسیار مشکل است. علاوه بر این انسانها در ابعاد مختلف، دارای تفاوت‌هایی هستند که در توانایی‌ها، استعداد و رغبت‌ها و سرانجام در مدل تفکر آنها نمود پیدا می‌کند. توجه به این تفاوت‌ها، باعث می‌شود که افراد در مسیر تحصیلی و شغلی مناسبی هدایت شوند. شاید مهم‌ترین مسأله‌ای که باید نسبت به آن آگاه و هوشیار بود، وجود مدل‌های تفکر افراد است.

استرنبرگ<sup>۲</sup> مدل تفکر را به عنوان طریقی که فرد می‌اندیشد، تعریف کرده است. او در این باره

۱ - Sanders

۲ - Sternberg

گفته است: "مدل تفکر یک توانایی نیست، بلکه به چگونگی استفاده ما از توانایی‌هایمان اشاره می‌کند"، افراد ممکن است عملاً در توانایی‌ها مشابه هم، اما در مدل‌های تفکر، متفاوت باشند (چهرآزاد، ۱۳۹۰؛ به نقل از سیف، ۱۳۸۶). لذا سازمان‌ها با هر ویژگی و ماهیت، خواه انتفاعی یا غیرانتفاعی؛ دولتی، خصوصی یا تعاونی؛ اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی؛ تولیدی یا خدماتی، باید به نحوی طراحی شوند که پاسخگوی انواع نیازهای محیطی باشند. دستیابی به چنین موقعیتی بدون تفکر استراتژیک و تدوین استراتژی‌های سازمانی با توجه به مدل تفکر کارکنان، مقدور نخواهد بود.

از دیدگاه مینتزرگ<sup>۱</sup>، تقویت تفکر استراتژیک، به تدوین استراتژی‌های بهتر برای اداره زندگی منجر می‌شود. این گونه نیست که زندگی خوب فرصتی برای تعادل میان انواع مدل‌های تفکر ایجاد می‌کند، بلکه این تعادل در مدل‌های تفکر است که فرصتی برای خوب زندگی کردن ایجاد می‌کند. ما در دنیای زندگی می‌کنیم که دچار تغییر و تحول است و برای زندگی در این دنیا نیازمند تفکر خلاق، قابل انعطاف و دقیقی هستیم که علاوه بر مواجه شدن با مسائل، قادر به یافتن راه‌حلی برای آن نیز باشیم. این مهارت باعث افزایش کیفیت زندگی شده و در حل مسائل به ما کمک می‌کند. به عبارت ساده‌تر، شناخت چگونگی ارتباط مدل تفکر و ویژگی‌های زندگی‌نامه‌ای از قبیل جنسیت و وضعیت تأهل، به ما در تصمیم‌گیری بهتر و حل مسئله کمک می‌کند و از بن‌بست‌های زندگی خارج می‌نماید، و نه تنها شخص را قادر می‌سازد که از تجربیات قبلی خود استفاده نماید و آن را با موفقیت‌های تازه ارتباط دهد، بلکه قادر خواهد بود ارتباط بین چیزهایی که قبلاً با هم بی‌ارتباط بوده‌اند را پیدا کند که از نظر خود فرد تازه و معنادار می‌باشد، همچنین می‌تواند از روش‌های غیرسنتی برای حل مسئله استفاده کند و فراتر از اطلاعات گام بردارد. با استفاده از نتایج این تحقیق، راه‌حل‌های مختلف مسئله و پیامدهای آن بررسی شده و فرد را قادر می‌سازد تا مسائل را از ورای تجربیات مستقیم خود دریابد و حتی زمانی که مشکلی وجود ندارد، با سازگاری و انعطاف بیشتر به زندگی روزمره بپردازد.

از آنجا که مدل تفکر می‌تواند اثری چشمگیر بر رفتار انسان در تمامی مراحل زندگی بگذارد، لذا توانایی انسان در تغییر و جهت استراتژیک را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. یک عیب بزرگ

مدل تفکر این است که در صورت تضاد با تغییر مورد نظر، مانع موفقیت انسان در تغییر مأموریت، اهداف و استراتژی‌های سیاست‌های خود می‌شود.

مدل تفکر، پویا و جاری است، نه ایستا و راکد، و می‌تواند به طور منظم و مستمر بازنگری شده و بهبود یابد. اما معمولاً در برابر تغییر مقاومت می‌کند زیرا اصولاً و با توجه به نحوه شکل‌گیری و فلسفه پیدایش، به روابط و الگوهای پایدار و با ثبات مبتنی و استوار است. مدل تفکر بهینه، مدلی است که از مأموریت و استراتژی انسان بهتر حمایت کند. اگر چه مدل تفکر انسان قابل تغییر است اما تغییر آن به تلاش بسیار و زمانی طولانی نیاز دارد.

از آنجا که مدل تفکر اعضای جامعه مورد بررسی (کارکنان شهرداری و شهروندان شهر قزوین)، تا به حال تحلیل و تبیین نشده است و همچنین ارتباط میان مدل و شیوه تفکر با جنسیت و وضعیت تأهل آنان معلوم نیست و نیز با توجه به اینکه در پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون، ارتباط بین ویژگی‌های زندگینامه‌ای با مدل تفکر افراد مورد بررسی قرار نگرفته است، سعی بر آن داریم تا با انجام این پژوهش به بررسی ارتباط بین مدل تفکر و جنسیت و وضعیت تأهل افراد بپردازیم.

### ماهیت تفکر استراتژیک

تفکر استراتژیک نشانگر فهیم و بصیر شدن است. این بصیرت کمک می‌کند تا در شرایط پیچیده کسب و کار:

۱. واقعیت‌های بازار و قواعد آن به درستی شناخته شود؛
۲. ویژگی‌های جدید بازار زودتر از دیگران کشف گردد؛
۳. جهش‌های (ناپوستگی‌های) کسب و کار درک شود؛
۴. برای پاسخگویی به این شرایط، راهکارهای بدیع و ارزش‌آفرین خلق شود.

تفکر استراتژیک، مدیر را قادر می‌سازد تا بفهمد چه عواملی در دستیابی به اهداف مورد نظر مؤثرند و چه عواملی مؤثر نیستند و چرا. چگونه عوامل مؤثر برای مشتری ارزش می‌آفریند؟ این بصیرت نسبت به عوامل تأثیرگذار در خلق ارزش، قدرت تشخیص ایجاد می‌کند که بدون آن، صرف منابع (مادی و غیرمادی) سازمان برای دستیابی به موفقیت، بی‌حاصل خواهد

بود (پورصادق و یزدانی، ۱۳۹۰:۱۴۵).

کن ایچی اومی<sup>۱</sup>، از تئوریسین‌های معروف در مدیریت استراتژیک در کتاب معتبر خود با عنوان «تفکر یک استراتژیست» چنین اظهار می‌دارد: اگر موضوعات اساسی را تشخیص ندهید، هر قدر هم به خود و کارمندان فشار روحی و فیزیکی وارد کنید، سرانجام نتیجه‌ای جز سردرگمی و شکست حاصل نخواهد شد (اومی، ۱۹۸۲). تفکر استراتژیک، فرایندی خلاقانه و واگرا بوده و با چشم‌انداز و دورنمای طراحی راهبران سازمان مرتبط است (پورصادق و یزدانی، ۱۳۹۰؛ به نقل از حمیدی‌زاده، ۱۳۸۸). این امر، مستلزم فراتر رفتن اندیشه مدیران از عملیات روزمره، با هدف تمرکز بر قصد استراتژیک بلندمدت کسب و کار است. تفکر استراتژیک، فعالیت‌هایی چون گردآوری اطلاعات، تحلیل، بحث و تبادل نظر در خصوص شرایط حاکم بر سازمان با فعالیت‌های متنوع، پاسخگویی به سؤالات اساسی در مورد سبب دارایی‌های سازمان را شامل می‌شود.

حمیدی‌زاده (۱۳۹۰) تفکر استراتژیک را پیامد خودورزی، ساز و کارهای ذهن و معماری تدبیر می‌داند که جلوه حرکت‌آفرینی آن پس از تعبیرگری روح و دل مدیران نمایان می‌شود (پورصادق و یزدانی، ۱۳۹۰:۱۴۶؛ به نقل از حمیدی‌زاده، ۱۳۹۰).

آبراهام<sup>۲</sup> تفکر استراتژیک را شناسایی استراتژی‌های قابل اطمینان مدل‌های کسب و کاری می‌داند که به خلق ارزش برای مشتری منجر شوند. او معتقد است جستجو برای یافتن گزینه‌های استراتژیک مناسب که معمولاً به عنوان بخشی از فرآیند مدیریت استراتژیک انجام می‌گیرد، در واقع نتیجه عملی تفکر استراتژیک است (آبراهام، ۲۰۰۵).

گرتس<sup>۳</sup> نیز نقش تفکر استراتژیک را تلاش برای نوآوری و تجسم آینده‌ای جدید و بسیار متفاوت برای سازمان می‌داند که ممکن است به تعریف مجدد استراتژی‌های اصلی و یا حتی صنعتی که شرکت در آن فعالیت می‌کند، بینجامد (گرتس، ۲۰۰۲:۴۵۷). تفکر استراتژیک یک فرآیند مداوم است که هدف آن رفع ابهام و معنا بخشیدن به یک محیط پیچیده است. این فرآیند

۱- Ohmae

۲- Abraham

۳- Graetz



تجزیه و تحلیل موقعیت و همچنین ترکیب خلاقانه نتایج تحلیل در قالب یک برنامه استراتژیک موفقیت‌آمیز را دربرمی‌گیرد (مشبکی و خزاعی، ۱۳۸۷).

### کارکرد تفکر استراتژیک

کارکرد اصلی تفکر اندیشه‌گرایی استراتژیک، خلق چشم‌انداز است. چشم‌انداز، سمت و سوی مطلوب برای حرکت سازمان را مشخص می‌کند. استراتژی در راستای چشم‌انداز شکل می‌گیرد و سازمان را به سوی آن به حرکت درمی‌آورد. چشم‌انداز از تعامل عوامل مؤثر در کسب و کار و چگونگی پاسخگویی به آنها شکل می‌گیرد و همچنین به صورت یک آرمان مشترک، سازمان را یکپارچه و هم‌انگیزه می‌سازد. حاصل کار، خلق بالاترین ارزش برای مشتری، مزیت رقابتی برای سازمان و تمایز از رقباست (پورصادق و یزدانی، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

از دیدگاه مینتزبرگ، تقویت تفکر استراتژیک، به تدوین استراتژی‌های بهتر منجر می‌شود. او معتقد است مدیرانی که مجهز به قابلیت تفکر استراتژیک هستند، قادرند سایر کارکنان را به یافتن راهکارهای خلاقانه برای موفقیت سازمان ترغیب کنند. آنها سازمان را آنگونه که باید باشد، می‌بینند نه آنگونه که هست. به این ترتیب می‌توان تفکر استراتژیک را پیش‌درآمدی بر طراحی آینده سازمان دانست (ناصری فر و پورحسینی، ۱۳۸۷: ۳۹). براساس نتایج تحقیقی که با هدف شناسایی مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز برای مدیران کشورهای آسیایی انجام شده است، تفکر استراتژیک از سوی تمامی پاسخ‌دهندگان به عنوان اولین و یا دومین مهارت مورد نیاز برای بهبود عملکرد مدیران شناسایی شده است (فرخی، ۱۳۹۲).

همگام با روند جهانی افزایش گرایش به بهره‌گیری از ابزارها و تکنیک‌های مدیریت استراتژیک، در کشور ما نیز بنا به دلایلی از جمله خصوصی‌سازی و آمادگی جهت پیوستن به سازمان تجارت جهانی، احساس نیاز به بکارگیری مؤثر چنین ابزارهایی رو به افزایش است. از این رو بهبود توانایی تفکر استراتژیک در مدیران به عنوان یکی از عوامل کلیدی در اثربخشی فرآیند مدیریت استراتژیک، نیازمند توجه بیشتری است.

آنچه انسان‌های موفق را از سایرین متمایز می‌کند، اندیشه برتر آنان است. تفکر استراتژیک با درک محرک‌های واقعی سازمان، تفکرات سنتی مدیران و تأثیرگذاران را به چالش کشانده و فرصت‌های بالقوه را آشکار و زمینه‌های ارزش‌آفرینی را مهیا می‌سازد. تفکر استراتژیک مدیران

را در تدوین استراتژی مناسب جهت بقاء و کسب موفقیت یاری می‌دهد. تصمیم‌گیری با رویکرد کارآفرینانه و آماده‌سازی محیط نیاز به نوعی انعطاف‌پذیری ذهنی دارد. استراتژیست‌هایی که از تفکر استراتژیک برخوردارند با ویژگی‌هایی همچون؛ تشخیص رهبری، خلاقیت، نگرش هلیکوپتری (سیستمی)، دید بلندمدت، فرصت‌طلبی و بسیاری قابلیت‌های ذهنی و شخصیتی دیگر می‌توانند موفقیت و اثربخشی سازمان را تضمین کند (کاظمی، مرتضوی و جعفریانی، ۱۳۸۹: ۷۰). میتزبرگ (۱۹۹۴) تمایز آشکاری بین تفکر استراتژیک و برنامه‌ریزی استراتژیک قائل است. از دید وی برنامه‌ریزی استراتژیک بر تجزیه و تحلیل تمرکز داشته و با تعیین و فرموله کردن استراتژی‌های موجود سر و کار دارد در حالی که تفکر استراتژیک بر ترکیب تأکید دارد و با استفاده از شهود و خلاقیت یک نگرش منسجم از مؤسسه ایجاد می‌کند. هراکلئوس<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) با مقایسه یادگیری تک‌حلقه‌ای و دو حلقه‌ای بین برنامه‌ریزی استراتژیک و تفکر استراتژیک تفاوت قائل شده است. از دیدگاه وی اولی، یادگیری تک‌حلقه‌ای، مشابه برنامه‌ریزی استراتژیک و دومی، یادگیری دو حلقه‌ای، مشابه تفکر استراتژیک است (آقازاده، ۱۳۸۳: ۱۸).

### ویژگی‌های تفکر استراتژیک

از دیدگاه هندفورد<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) هفت ویژگی تفکر استراتژیک عبارتند از: بلندمدت بودن، مفهومی بودن، یادگیرنده/انعکاسی بودن، شناسایی فرصت‌ها و مسائل استراتژیک، حرکت به سمت زمینه‌های جدید، اثربخشی و دیدگاه هلیکوپتری یا سیستمی (فرخی، ۱۳۹۲: ۶۶؛ به نقل از هندفورد، ۱۹۹۵). از دیدگاه وایتمن<sup>۳</sup> تفکر استراتژیک ترکیبی از فعالیت‌های نیمکره راست و چپ مغز است. آلن گلدمن<sup>۴</sup> معتقد است که همه ویژگی‌های متفکر استراتژیک بودن در نتیجه آموزش و کسب تجربه به وجود می‌آید و به صورت اکتسابی است و ارثی نیست (رالف استیسی<sup>۵</sup>، ۱۳۸۹). تفکر استراتژیک ابتدا با استفاده از تجربه در محیط کسب و کار ادراک

۱ - Heraclous

۲ - Handford

۳ - Whiteman

۴ - Goldman

۵ - Stacey

می‌کند، سپس با توجه به ادراکات خود دست به تولید مفهوم زده و مفهوم‌سازی می‌کند و سپس آن را می‌آزماید. تفکر استراتژیک نتیجه تکرار حلقه یادگیری است. مک میلان و کارلیسل<sup>۱</sup> تفکر استراتژیک را در حیطه پارادایم پیچیدگی قرار می‌دهند (اسکات، ۱۳۸۸).

ناپیر و آلبرت سه جنبه برای تفکر استراتژیک قائل هستند: الف) گستردگی حوزه مورد توجه فرد به هنگام تفکر در خصوص مسائل سازمانی، ب) افق زمانی در تصمیمات، پ) افراد کلیدی که در سازمان از قابلیت تفکر استراتژیک بهره‌مند هستند و همچنین میزان استفاده آنها از سیستم‌های رسمی برنامه‌ریزی (ناپیر و آلبرت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰). گرتس معتقد است که عناصر تفکر از جمله خلاقیت، جستجوگری و کارآفرینی، اجزاء طراحی استراتژی و یا به عبارتی تفکر استراتژیک، در سمت راست مغز هستند (گرتس، ۲۰۰۲).

آکور و انگلیست<sup>۳</sup> در تحقیق خود تفکر استراتژیک را با استفاده از عناصری چون آگاهی نسبت به صنعت و رقبا، نقد خود، آگاهی نسبت به مشکلات اصلی شرکت و یادگیری از تجربیات گذشته تعریف می‌کنند (آکور و انگلیست، ۲۰۰۶). محققان مذکور همگی تفکر استراتژیک و عناصر آن را در سطح فردی مطالعه نموده‌اند، اما گروهی دیگر از محققان در کنار عناصر سطح فردی بستر و محیط سازمان را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. اگر چه گروه اخیر نیز بیشتر بر عناصر سطح فردی تأکید داشته‌اند.

لیدکا<sup>۴</sup>، پنج عامل را به عنوان مشخصه‌های تفکر استراتژیک بر می‌شمارد. این عوامل عبارتند از دیدگاه سیستمی، تمرکز بر قصد و نیت استراتژیک، فرصت‌طلبی هوشمندانه، تفکر در طول زمان و تفکر فرضیه‌محور. او همچنین اشاره می‌کند اگر چه تفکر استراتژیک از افراد آغاز می‌شود اما افراد به این منظور نیازمند بهره‌مندی از بستر سازمانی حامی تفکر و گفت‌وگو استراتژیک در فضای سازمان هستند (لیدکا، ۱۹۹۸). بن<sup>۵</sup>، معتقد است درک مفهوم تفکر استراتژیک نیازمند رویکردی دوگانه است که از یک سو ویژگی‌های فرد دارای قابلیت تفکر استراتژیک را شناسایی کرده و

۱- Milan & Karlisel

۲- Napier & Albert

۳- Acur & Englyst

۴- Liedtka

۵- Bonn

از سوی دیگر فرآیندها و بسترهای سازمانی حاکم بر فرد را مورد بررسی قرار می‌دهد(بن، ۲۰۰۵). او در تحقیقات بعدی خود سطح سومی را نیز با هدف بررسی تعاملات گروهی مؤثر بر تفکر استراتژیک، در نظر می‌گیرد. گرتس در سال ۲۰۰۲ در تحقیقی با عنوان «تفکر استراتژیک در مقابل برنامه‌ریزی استراتژیک: به سوی درک مکمل»، به بررسی این موضوع پرداخته است که در یک محیط همراه با عدم اطمینان، ظرفیت خلاقیت و تفکر استراتژیک واگرا نسبت به محیط محافظه‌کار و برنامه‌ریزی استراتژیک همگرا، به عنوان مرکزی برای ایجاد و حفظ مزیت رقابتی دیده می‌شود. مطالعه موردی در شرکت ارتباطات نشان داد برنامه‌ریزی سناریو یک ابزار است که بسیاری از سازمان‌ها که متعهد به طراحی مجدد فرآیندهای برنامه‌ریزی استراتژیک خود شده‌اند، با استفاده از آن به برخی از موفقیت‌ها رسیده‌اند. با این حال، برنامه‌ریزی سناریو نیازمند سبک‌های تفکر هر دو نیمکره راست و چپ مغز می‌باشد. عناصر تفکر چپ مغز، جزء مربوط به برنامه‌ریزی استراتژی‌پردازی (ایجاد استراتژی) را منعکس می‌کند در حالی که تفکر راست مغز، جزء مربوط به تفکر استراتژی‌پردازی را انعکاس می‌دهد. همچنین در این تحقیق رابطه بین عوامل تفکر استراتژیک و سطح "هوش هیجانی" رهبران کسب و کار نیز در نظر گرفته شده است. یافته‌ها نشان داد که شرکت ارتباطات از این دیدگاه حمایت می‌کند که قابلیت‌های تفکر استراتژیک می‌تواند از طریق سازمان پرورش یافته و انتشار یابد. تحقق این امر، نیازمند رهبرانی با هوش هیجانی بالا می‌باشد.

معمایی و همکاران در تحقیقی با عنوان «سنجش تفکر استراتژیک در بین مدیران ستادی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران» به بررسی و تطابق تفکر استراتژیک مدیران ارشد ستادی دانشگاه علوم پزشکی تهران با مؤلفه‌های مدل گلدمن پرداخته‌اند. در این تحقیق از آزمون تک نمونه و آزمون فریدمن استفاده شده است و تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم افزار SPSS.18 انجام گرفته است. یافته‌ها نشان داد که کلیه مؤلفه‌های مدل در سازمان اجرا شده است و ترتیب مؤلفه‌ها به ترتیب عبارتند از؛ تفکر سیستمی، تفکر مفهومی، آینده‌نگری و فرصت‌طلبی هوشمندانه. همچنین یافته‌ها بیانگر این مسأله بوده است که مدیران دانشگاه در حد خوبی پایبند به تفکر استراتژیک بوده و تفکر سیستمی بالاترین کاربرد و فرصت‌طلبی هوشمندانه کمترین کاربرد را در سازمان داشته‌اند(معمایی و همکاران، ۱۳۹۲).

جمشیدیان و خمیجانی در تحقیقی با عنوان «رابطه جنسیت، سن و زبان مادری با سطح تفکر

انتقادی» به بررسی رابطه زبان مادری، سن و جنسیت، با سطح تفکر انتقادی دانشجویان انگلیسی زبان که در دوره کارشناسی ارشد رشته‌های علوم اسلامی کالج لندن مشغول به تحصیل‌اند، پرداخته‌اند. ابزار مورد استفاده در این تحقیق آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا، فرم B بوده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین زبان مادری و سطح تفکر انتقادی وجود دارد، اما رابطه‌ای میان سن و جنسیت از یکسو و سطح تفکر انتقادی از سوی دیگر وجود ندارد (جمشیدیان و خمیجانی، ۱۳۸۸).

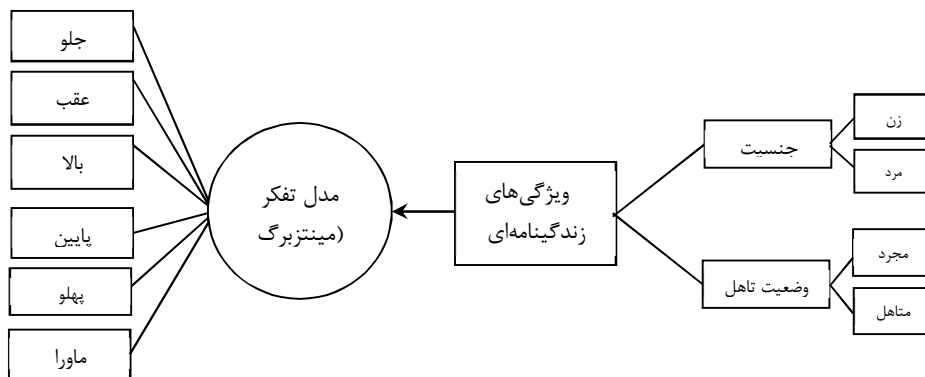
پورصادق و یزدانی در تحقیقی با عنوان «تأثیر قابلیت تفکر استراتژیک مدیران ارشد بر موفقیت شرکت‌های کوچک و متوسط» به بررسی تأثیر قابلیت تفکر استراتژیک مدیران ارشد بر موفقیت شرکت‌های استان آذربایجان شرقی می‌پردازد. در این تحقیق از روش تحلیل رگرسیون و آزمون همبستگی استفاده شده است و نتایج نشان داد که قابلیت تفکر استراتژیک مدیران ارشد بر موفقیت شرکت‌های کوچک و متوسط تأثیر بسزایی دارد هرچند که در عمل چندان از آن بهره نمی‌گیرند (پورصادق و یزدانی، ۱۳۹۰).

منوریان و همکاران در تحقیقی با عنوان «سنجش تفکر استراتژیک در مدیران شهرداری تهران» به سنجش تفکر استراتژیک در مدیران شهرداری تهران به کمک مدل جین لیدکا پرداخته‌اند. این مدل شامل ۵ شاخص اصلی نگرش سیستمی، عزم استراتژیک، پیشروی براساس رویکرد علمی، فرصت‌طلبی هوشمندانه و تفکر در زمان می‌باشد. تحلیل نتایج به کمک آزمون فریدمن و زوجی حاکی از آن می‌باشد که با وجود اقدامات مهم مانند تدوین اسناد راهبردی در شهرداری تهران، فاصله معنی‌داری بین اهمیت عوامل شاخص و وضع موجود آنها در سازمان وجود دارد (منوریان و همکاران، ۱۳۹۱).

مشبکی و خزاعی در تحقیقی با عنوان «طراحی مدل عناصر تفکر استراتژیک در سازمان‌های ایرانی» به تعیین عناصر تفکر استراتژیک در سازمان‌های ایرانی و همچنین شناسایی روابط و تعاملات موجود میان عناصر مذکور پرداخته‌اند. در این تحقیق نتایج با استفاده از متدولوژی مدل‌سازی ساختاری تفسیری<sup>۱</sup> مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مدل ارائه شده مبنایی ارزیابی ظرفیت تفکر استراتژیک در سازمان‌های ایرانی فراهم نموده است و همچنین این توانایی

را دارا بوده که از طریق سطح‌بندی عواملی، در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی در خصوص اولویت‌بندی اقدامات بهبود و آموزش‌های سازمانی راه‌گشا باشد و منجر به اثربخشی بیشتر سرمایه‌گذاری‌های ملموس و غیرملموس سازمان‌ها گردد (مشیکی و خزاعی، ۱۳۸۷). همانطور که در شکل (۱) نشان داده شده، در این تحقیق مدل تفکر استراتژیک، مدل مینتزرگ بوده است که شامل ابعاد زیر می‌باشد: نگاه به آینده<sup>۱</sup>، نگاه به گذشته<sup>۲</sup>، نگاه از بالا<sup>۳</sup>، نگاه از پایین<sup>۴</sup>، نگاه از پهلو<sup>۵</sup>، نگاه از ماورا<sup>۶</sup>.

شکل (۱) - مدل مفهومی تحقیق



لازم بذکر است که تفکر استراتژیک بر اساس مدل مینتزرگ، در اصل هفت بُعدی است. از آنجا که بعد هفتم، نگاه همه جانبه<sup>۷</sup>، ترکیب ابعاد ششگانه می‌باشد؛ لذا در این تحقیق، شش بعد مورد سنجش قرار گرفته است و کسی که هر شش بعد تفکر را داشته باشد، بعد هفتم را هم خواهد داشت.

۱- See ahead

۲- See behind

۳- See above

۴- See below

۵- See beside

۶- See beyond

۷- See through

## روش پژوهش

هدف این تحقیق تبیین اثر جنسیت و تأهل بر مدل شش بُعدی تفکر استراتژیک است. این تحقیق پاسخ این سه سؤال را تبیین می‌کند: ابعاد شش‌گانه مدل تفکر استراتژیک هر یک از گروه‌های اعضای جامعه هدف چه تفاوتی با همدیگر دارند؟ کدام ابعاد مدل تفکر اعضای جامعه مورد بررسی قوی و یا ضعیف است؟ با تغییر در وضعیت تأهل افراد مورد بررسی، چه تغییری در در کدام ابعاد تفکر استراتژیک آنها روی می‌دهد؟

متغیر مستقل این تحقیق «دو ویژگی زندگی‌نامه‌ای» شامل جنسیت و وضعیت تأهل می‌باشد. متغیر وابسته نیز مدل هفت بُعدی «تفکر استراتژیک» برگرفته از کتاب «سیری در استراتژی» نوشته هنری مینتزرگ است.

❖ ویژگی‌های زندگی‌نامه‌ای: اجزاء ویژگی‌های زندگی‌نامه‌ای عبارت است از: سن، جنسیت (زن یا مرد)، وضعیت تأهل (مجرد یا متأهل)، تحصیلات (سطح تحصیلی)، سابقه خدمت و تعداد اعضای خانواده (رابینز، ۱۳۸۴:۱۳۲).

❖ مدل تفکر مینتزرگ: مینتزرگ می‌گوید انسان‌ها از قاب‌هایی برای دیدن و درک دنیای پیرامون خود استفاده می‌کنند. مسلماً پدیده‌های بسیاری نظیر ژنتیک، اینکه کجا و کی به دنیا آمده‌ایم، آموزش و پرورش، تجربه و فرهنگ، در چگونگی قاب‌بندی تفکر، رفتار و درک دنیای پیرامون مؤثر است. مینتزرگ (۱۹۹۸) راهبرد را نه صرفاً یک برنامه با نگاه رو به جلو می‌داند، بلکه به راهبرد به عنوان یک الگو می‌نگرد که به رفتار گذشته نیز نظر دارد. او اساساً بر این معنا تکیه می‌کند که راهبرد یعنی دیدن. و برای دیدن، وجوه شش‌گانه؛ دیدن جلو و عقب، بالا و پایین و پهلو و ماورا را قائل می‌شود و تأکید می‌کند که دیدن کامل عبارت است از در نظر گرفتن تمامی این نوع دیدن‌ها. تدوین راهبرد در مبنای فکری او کمتر از درون یک فرایند رسمی قابل استخراج است. او معتقد است راهبرد عمدتاً از درون تعاملات و فرایندهای گوناگون بیرون می‌آید و بدین جهت همواره در حال تکوین است. مینتزرگ چنین راهبردی را راهبرد چترگونه می‌نامد که طرح کلی آن از پیش سنجیده و طراحی شده است اما جزئیات آن در حین عمل شکل می‌گیرد و تکامل می‌یابد. مینتزرگ در کتاب سفر راهبرد، جنبه‌های مختلف تدوین راهبرد را بر می‌شمارد و از توجه صرف به یک جنبه

خاص برحذر می‌دارد و با یادآوری داستان فیل و درک مردم در تاریکی از آن عنوان می‌کند که تدوین راهبرد صرفاً با توجه به یک جنبه از فرایند آن تحقق نمی‌یابد و مستلزم توجه و درک تمامیت موضوع راهبرد است. دلیل ساده آن این است که فهم همه مسائل و اخذ همه تصمیم‌ها در یک مرکز یا یک مغز شدنی نیست.

جمعیت مورد مطالعه، کارکنان شهرداری‌های مناطق سه گانه شهر قزوین و شهروندان شهر قزوین با حداقل مدرک کاردانی هستند که حجم آنها برابر  $N=566773$  تعیین شده است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران و با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای، برابر ۳۸۴ نفر با اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد برآورد گردید.

در پژوهش حاضر، ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه و اسناد و مدارک می‌باشد. پرسشنامه شامل ۲۳ سؤال و محقق ساخته می‌باشد که به صورت حضوری توسط محقق و همکاران وی در جامعه هدف توزیع و پس از تکمیل گردآوری گردید. از آنجا که پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً موافق، موافق، بدون نظر، مخالف، کاملاً مخالف) طراحی شده است. در بررسی نرم‌افزاری به هر یک از گزینه‌ها امتیازاتی در جهت فرض مسأله داده شد، یعنی پاسخ‌ها هرچه از فرض دورتر می‌شوند امتیاز کمتری دریافت می‌کنند به این صورت: کاملاً موافق (۵ امتیاز)، موافق (۴ امتیاز)، بدون نظر (۳ امتیاز)، مخالف (۲ امتیاز) و کاملاً مخالف (۱ امتیاز). به این ترتیب می‌توان با استفاده از آزمون مقایسه میانگین‌ها این مسأله را سنجید که آیا میانگین جامعه برابر با عدد ۳ می‌باشد یا خیر. اگر مشاهده شود میانگین بیش‌تر از ۳ است، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه تحقیق درست بوده و فرضیه تأیید می‌گردد.

روایی این پرسشنامه به روش محتوایی (آیا ابزار به قدر کفایت مفهوم را اندازه‌گیری می‌کند؟ (سکاران، ۲۰۱۱))، از طریق دقت در طراحی تعداد سؤالات متناسب با هر یک از ابعاد ششگانه تفکر استراتژیک محقق شد. روایی ظاهری یا صوری، با تأیید متخصصین از جمله استاد راهنمای تحقیق که طراح پرسشنامه نیز بودند، به دست آمد. اعتبار سازه، که توانایی پرسشنامه را در در برگرفتن نظریه‌های مرتبط با مفهوم می‌سنجد (سکاران، ۲۰۱۱)، از طریق انطباق دادن سؤالات با نظریه‌های مرتبط با تفکر استراتژیک حاصل آمد.



همچنین در این پژوهش از دو روش بازآزمون و روش آلفای کرونباخ برای سنجش قابلیت اعتماد پرسشنامه استفاده شده است. دامنه آلفا میان ۰ تا ۱ است و هرچه ضریب آلفای کرونباخ بیشتر باشد، پایایی مقیاس بیشتر است، این ضریب حداقل باید ۰/۷۰ باشد تا بتوان مقیاس را دارای پایایی دانست. بنابراین، در ابتدا تعداد ۵۰ پرسشنامه توزیع و پایایی آن بررسی شد. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS.18 سنجیده شده است. مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای ابعاد ششگانه به ترتیب عبارت است از: بُعد نگاه به آینده با ۴ سؤال ۰/۸۱۹، بُعد نگاه به گذشته با ۳ سؤال ۰/۸۹۵، بُعد نگاه از بالا با ۵ سؤال ۰/۷۹۶، بُعد نگاه از پایین با ۳ سؤال ۰/۸۸۸، بُعد نگاه از پهلو با ۵ سؤال ۰/۸۶۱ و در نهایت بُعد نگاه از ماوراء با ۳ سؤال ۰/۸۱۶ که مقدار ضرایب به دست آمده، بیانگر پایایی ابزار پژوهش می‌باشد.

از آنجا که این تحقیق در پی تبیین ارتباط میان جنسیت و تأهل و مدل تفکر استراتژیک است، ابتدا این ویژگی‌ها تحلیل می‌شوند.

از کل اعضای جامعه هدف (۳۸۴ نفر)، ۲۸۸ نفر (۷۵ درصد) مرد و ۹۶ نفر (۲۵ درصد) زن بوده‌اند. تعداد متأهلین ۲۵۳ نفر (۶۶ درصد) و تعداد مجردها ۱۲۰ نفر (۳۱ درصد) بوده است. ۱۱ نفر (۳ درصد) نیز جنسیت خود را مشخص نکرده‌اند. ۱۳۶ نفر (۳۵ درصد) دارای مدرک فوق‌دیپلم، ۱۷۱ نفر (۴۵ درصد) لیسانس، ۶۱ نفر (۱۶ درصد) فوق‌لیسانس و ۱۶ نفر (۴ درصد) دکترا بوده‌اند که از این تعداد ۶۹ نفر (۱۸ درصد) دارای سابقه کار زیر ۱۰ سال، ۲۰۰ نفر (۵۲ درصد) دارای سابقه ۱۱ تا ۲۰ سال، و ۱۱۵ نفر (۳۰ درصد) دارای سابقه ۲۱ تا ۳۰ سال بوده‌اند.

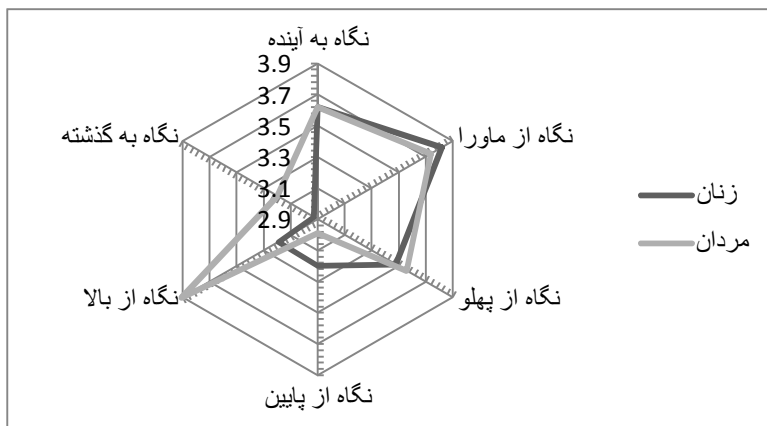
**آزمون فرضیه اول:** میان جنسیت و ابعاد تفکر استراتژیک ارتباط وجود دارد؛ که جدول (۱) و مدل (۱) نشان دهنده معناداری این ارتباط می‌باشد.

**جدول (۱) - ارتباط میان جنسیت و ابعاد ششگانه تفکر استراتژیک**

ابعاد تفکر استراتژیک	مردان	نتیجه گیری	ارتباط جنسیت با ابعاد تفکر
نگاه به آینده	۳/۶۲	در مردان و زنان برابر	جنسیت و بعد اول تفکر استراتژیک رابطه معنادار ندارند
نگاه به گذشته	۲/۹۳	در مردان بیشتر است	جنسیت و بعد دوم تفکر استراتژیک رابطه معنادار دارند
نگاه از بالا	۳/۱۹	در مردان بیشتر است	جنسیت و بعد سوم تفکر استراتژیک رابطه معنادار دارند
نگاه از پایین	۳/۲	در زنان بیشتر است	جنسیت و بعد چهارم تفکر استراتژیک رابطه معنادار دارند
نگاه از پهلو	۳/۴۸	در مردان بیشتر است	جنسیت و بعد پنجم تفکر استراتژیک رابطه معنادار دارند
نگاه از ماوراء	۳/۸۲	در زنان بیشتر است	جنسیت و بعد ششم تفکر استراتژیک رابطه معنادار دارند

مدل تار عنکبوتی که نشان‌دهنده ارتباط میان جنسیت و ابعاد شش‌گانه تفکر استراتژیک است، به شکل زیر است.

مدل (۱): مدل تار عنکبوتی ارتباط میان جنسیت و ابعاد تفکر استراتژیک

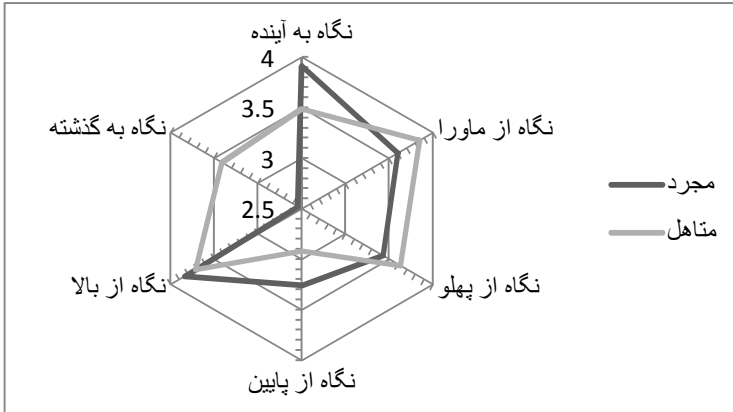


**آزمون فرضیه دوم:** میان وضعیت تأهل و ابعاد تفکر استراتژیک ارتباط وجود دارد؛ که جدول (۲) و مدل (۲) نشان‌دهنده معناداری این ارتباط می‌باشد.

جدول (۲) - ارتباط میان وضعیت تأهل و ابعاد شش‌گانه تفکر استراتژیک

ابعاد تفکر استراتژیک	مجردها	متأهلان	نتیجه گیری	ارتباط وضعیت تأهل با تفکر
نگاه به آینده	۳/۹۱	۳/۴۹	در مجردها بیشتر است	وضعیت تأهل و بعد اول تفکر استراتژیک رابطه معنادار دارند
نگاه به گذشته	۲/۵۴	۳/۴۱	در متأهلان بیشتر است	وضعیت تأهل و بعد دوم تفکر استراتژیک رابطه معنادار دارند
نگاه از بالا	۳/۸۴	۳/۷۱	در مجردها بیشتر است	وضعیت تأهل و بعد سوم تفکر استراتژیک رابطه معنادار دارند
نگاه از پایین	۳/۲۶	۲/۹۲	در مجردها بیشتر است	وضعیت تأهل و بعد چهارم تفکر استراتژیک رابطه معنادار دارند
نگاه از پهلو	۳/۴۳	۳/۶۳	در متأهلان بیشتر است	وضعیت تأهل و بعد پنجم تفکر استراتژیک رابطه معنادار دارند
نگاه از ماورا	۳/۶	۳/۸۵	در متأهلان بیشتر است	وضعیت تأهل و بعد ششم تفکر استراتژیک رابطه معنادار دارند

مدل (۲) - مدل تار عنکبوتی ارتباطی میان «وضعیت تأهل» و ابعاد تفکر استراتژیک



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- بُعد دوم و سوم و پنجم تفکر استراتژیک یعنی «نگاه به گذشته»، «نگاه از بالا» و «نگاه از پهلو» در مردان قوی‌تر است. یعنی در این ابعاد مردان متفکرترند.
- بُعد چهارم و ششم تفکر استراتژیک یعنی «نگاه از پایین» و «نگاه از ماورا» در زنان قوی‌تر است. یعنی در این ابعاد زنان متفکرترند.
- بُعد اول تفکر استراتژیک یعنی «نگاه به آینده» در مردان و زنان برابر است و این نوع تفکر به جنسیت ارتباطی ندارد.
- زنان در بُعد دوم تفکر استراتژیک یعنی «نگاه به گذشته» بسیار ضعیف می‌باشند.
- مردان در بُعد چهارم تفکر استراتژیک یعنی «نگاه از پایین» بسیار ضعیف می‌باشند.
- نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در سه بعد (نگاه به آینده، نگاه از ماورا و نگاه از پهلو)، تفکر استراتژیک بسیار مشابه، در دو بُعد متمایز، و در بُعد نگاه از بالا شدیداً متفاوت است. مردان برخلاف زنان، به سازمان شهرداری شدیداً نگاه از بالا دارند.
- بُعد دوم و پنجم و ششم تفکر استراتژیک یعنی «نگاه به گذشته»، «نگاه از پهلو» و «نگاه از ماورا» در متأهلان قوی‌تر است. یعنی در این ابعاد متأهلان متفکرترند.

- بُعد اول و سوم و چهارم تفکر استراتژیک یعنی «نگاه به آینده»، «نگاه از بالا» و «نگاه از پایین» در مجردها قوی تر است. یعنی در این ابعاد مجردها متفکر ترند.
  - مجردها در بُعد دوم تفکر استراتژیک یعنی «نگاه به گذشته» بسیار ضعیف می‌باشند.
  - متأهلان در بُعد چهارم تفکر استراتژیک یعنی «نگاه از پایین» بسیار ضعیف می‌باشند.
- همانطور که نتایج تحقیق نشان می‌دهد، در پی بررسی رابطه بین جنسیت و وضعیت تأهل با ابعاد تفکر استراتژیک، ارتباط معناداری وجود دارد. این بدان معنی است زمانی که وضعیت تأهل تغییر می‌یابد (مثلاً مدیر مجرد متأهل می‌گردد)، تغییر معناداری در مدل تفکر استراتژیک فرد رخ می‌دهد، لذا سازمان‌ها را می‌توان مجموعه‌ای از مدل‌های تفکر دائم‌التغییر نامید که مبنای عمل و تصمیمات سازمان را مداوماً شکل می‌دهند. از این رو موفقیت سازمان بسته به تبیین، تشخیص و هدایت این مدل‌های تفکر پویا می‌باشد. اگر مدل‌های تفکر افراد دارای هر یک از ابعاد شش‌گانه و نیز بُعد هفتم، ترکیب شش بعد، باشد سازمانی تفکر محور و مملو از استراتژیست‌های ماهر خواهیم داشت و این سازمان در عصر متلاطم و پیچیده در حال ظهور، در موفقیت در رقابت پیشتاز خواهد بود. موفق‌ترین افراد دنیا یک خصوصیت مشترک دارند و آن، این است که از همه ابعاد تفکر به طور متوازن استفاده می‌کنند. در واقع می‌توان گفت که میان ابعاد شش‌گانه تفکر آن‌ها تعادل برقرار است لذا برای توسعه مدل تفکر استراتژیک اعضای جامعه مورد بررسی و همچنین افزایش سطح کیفیت زندگی کاری و اجتماعی آنها، می‌توان کارگاه‌های آموزشی ترتیب داد تا گروه‌های مختلف با ویژگی‌های زندگی‌نامه‌ای متفاوت در آن حضور داشته باشند و با استفاده از تکنیک‌های لازم به آن‌ها کمک کنیم تا از یک جنبه‌نگری پرهیز نموده و به شیوه بهتر و جامع‌تری بیندیشند.

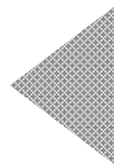
## منابع

- استیسی، رالف. (۱۳۸۹)، **تفکر استراتژیک و مدیریت تحول**، مترجم: مصطفی جعفری و مه‌زیار کاظمی موحد، تهران: رسا.
- اسکات، ریچارد (۱۳۷۷)، **سازمان‌ها: سیستم‌های حقیقی، حقوقی و باز**، مترجم: محمدرضا بهرنگی، تهران: کمال تربیت.
- آقازاده، هاشم (۱۳۸۳)، توسعه تفکر استراتژیک یک قابلیت اصلی، **مجله تدبیر**، شماره ۱۴۰، ص ۱۸.
- پورصادق، ناصر؛ یزدانی، بهرنگ (۱۳۹۰)، تأثیر قابلیت تفکر استراتژیک مدیران ارشد بر موفقیت شرکت‌های کوچک و متوسط، **مجله مطالعات مدیریت راهبردی**، شماره ۷، صص ۱۶۳-۱۴۳.

- جمشیدیان قلعه سفیدی، توران؛ خمیجانی فراهانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، رابطه زبان مادری، جنسیت و سن با سطح تفکر انتقادی، **نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان**، شماره ۵۵، ۸۶-۷۱.
- چهرآزاد، ابراهیم (۱۳۹۰)، بررسی سبک‌های تفکر دختر و پسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: <http://www.psycnews.blogspot.com/1390/01/28/post-177/>
- رابینز، استیفن (۱۳۸۴)، **مدیریت رفتار سازمانی**، جلد اول، مترجم: علی پارسائیان، و محمد اعرابی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- فرخی، پریسا (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط میان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و تفکر استراتژیک بر اساس مدار تار عنکبوتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات زنجان.
- کاظمی، شمس‌الدین، مرتضوی، سعید و جعفریانی، حسن (۱۳۸۹)، ارتباط تفکر راهبردی و عملکرد، **مجله چشم‌انداز مدیریت بازرگانی**، شماره ۲ (۳۵)، ۸۷-۶۹.
- مشبکی، اصغر؛ خزاعی، آناهیتا (۱۳۸۷)، طراحی مدل عناصر تفکر استراتژیک در سازمان‌های ایرانی، **نشریه مدیریت بازرگانی**، ۱۱۱ (۱)، ۱۱۸-۱۰۵.
- معمایی، هاجر؛ امینی، محمدتقی؛ درگاهی، حسین؛ مشایخ، محمدرضا و جانبرزگی، محمد (۱۳۹۲)، سنجش تفکر استراتژیک در بین مدیران ستادی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، **مجله مدیریت سلامت**، ۱۶ (۵۳)، ۸۴-۷۳.
- منوریان، عباس؛ آقازاده، هاشم و شهامت‌نژاد، مینا (۱۳۹۱)، سنجش تفکر استراتژیک در مدیران شهرداری تهران. **نشریه مدیریت بازرگانی**، ۴ (۱۲)، ۱۴۶-۱۲۹.
- مینتزرگ، هنری (۱۳۷۷)، **سازماندهی، پنج الگوی کارساز**، مترجم: ابوالحسن فقیهی؛ حسین وزیری، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ناصحی‌فر، وحید؛ پورحسینی، سیدجواد (۱۳۸۷)، مطالعه تطبیقی اجزای تدوین بیانیه شرکت‌های فناوری اطلاعات داخلی و خارجی، **مجله دانش مدیریت**، شماره ۸۰، ۱۴۲-۱۲۳.
- Abraham, S. (2005), Stretching Strategic Thinking, *Strategy and Leadership*, 33(5), 5-12.
- Acur, N. & Englyst, L. (2006), Assessment of Strategy Formulation: How to Ensure Quality in Process and Outcome, *International Journal of Operations and Production Management*, 26(1), 69-91.
- Bonn, I. (2005), Improving Strategic Thinking: A Multilevel Approach, *Leadership and Organization Development Journal*, 25(5), 336-345.
- Graetz, F. (2002), Strategic Thinking versus Strategic Planning: Towards Understanding the Complementarities. *Management Decision*, 40(5/6), 456-462.
- Liedtka, J.M. (1998), Strategic Thinking: Can It Be Thought? *Long Range Planning*, 31(1), 120-129.

- Mintzberg, H. (1998), *Organizations: Five Effective Model*, Translated by Abolhassan **Faghihi** and Hossein **Vaziri** Sabegh (4<sup>th</sup> ed.), Tehran: Public Administration Training Center.
- Napier, N.K. & Albert, M.S. (1990), East Asian and American Perspectives on Thinking Strategically: The Leopard and His Spots, *Asia Pacific Journal of Human Resources*, 28(40), 40-50.
- Ohmae, K. (1982), *The Mind of the Strategist*, McGraw-Hill, NewYork.
- Sanders, T.I. (1998). Strategic Thinking and the New Science: Planning in the Midst of Chaos Complexity and Change. NewYork: Simon & Schuster.
- Sekaran, O. (2011), *Research Methods in Management*, Translated by Mohammad Saebi and Mahmood Shirazi, Tehran: State Management Training Center.

# نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور ترکیه



نسرین کاظمی ثانی عطاالله<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۹۳/۲/۲۶ - تاریخ تصویب ۹۳/۹/۱۵)

## چکیده

ترکیه در جنوب غربی آسیا قرار داشته و مساحتی بالغ بر ۷۸ میلیون هکتار را در برمی‌گیرد. در سال ۲۰۱۲، ۳۴۴۳۴ نقطه روستایی داشته و حدود ۲۰ درصد از جمعیت این کشور در روستاها ساکن بوده‌اند. روستاهای این کشور با مشکلاتی همچون ساختار نهادی نامناسب، توسعه ناکافی زیرساخت‌های فیزیکی، فرهنگی و اجتماعی، سطوح درآمد و کیفیت پایین زندگی روستایی و مهاجرت مواجه‌اند. هدف این مقاله بررسی نظام برنامه‌ریزی نظام توسعه روستایی در این کشور است، بنابراین در این راستا نویسنده سازمان‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های مرتبط را بررسی کرده است. در این کشور توسعه روستایی به عنوان ابزار سیاسی مهم در کنار توسعه کشاورزی از دهه ۱۹۷۰ مورد توجه بوده است. در هر یک از طرح‌های توسعه پنج ساله اهدافی خاص مدنظر بوده است و بر سیاست‌های ویژه‌ای جهت تحقق توسعه کشاورزی و روستایی تأکید شده است. در رابطه با برنامه‌ریزی و توسعه روستایی در این کشور مهمترین وزارتخانه، وزارت کشاورزی و امور روستایی و مهم‌ترین طرح نیز استراتژی ملی توسعه روستایی است. جهت‌گیری برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی و کشاورزی عمدتاً در راستای کشاورزی و گسترش فناوری‌های

جدید جهت تولید بیشتر بوده است و متغیرهای اجتماعی و عوامل انسانی در فرایند توسعه روستایی مورد غفلت قرار گرفته‌اند. بنابراین سهم بخش روستایی و کشاورزی در اقتصاد ترکیه به سطح مورد نظر دست نیافته و در کل رفاه چندانی را برای جمعیت روستایی در بر نداشته است. مقایسه بین کشور ترکیه و ایران در این زمینه حاکی از شباهت‌های بسیار بوده و عمده تفاوت آنها در استراتژی ملی توسعه روستایی و ساختار سازمانی برای امور روستایی است.

**واژگان کلیدی:** ترکیه، برنامه‌ریزی روستایی، توسعه روستایی، توسعه کشاورزی.

## ویژگی‌های عمومی کشور ترکیه

### موقعیت جغرافیایی

جمهوری ترکیه در مجاورت مرزهای غربی آسیا در همسایگی ایران قرار دارد. این کشور قبلاً آناتولی یا آسیای صغیر نامیده می‌شد. ترکیه در جنوب غربی آسیا و جنوب شرقی اروپا، بین ۳۶/۵ و ۴۲ درجه عرض شمالی و ۲۶ تا ۴۵ درجه طول شرقی در نیمکره شمالی واقع شده است (شکل ۱) (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۸۸: ۴).

شکل (۱) - موقعیت جغرافیایی کشور ترکیه





## جمعیت‌شناسی

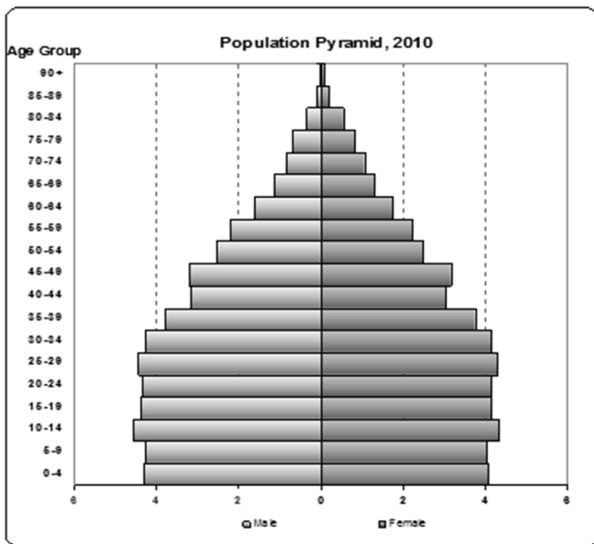
تقریباً ۸۰ درصد از جمعیت این کشور، ترک و ۱۷ درصد که در جنوب شرقی متمرکزند، کرد و سایرین اقلیت‌های قومی همچون اعراب، ارمنه، یونانیان و یهودیان می‌باشند. در دهه‌های اخیر جمعیت ارمنی، یونانی و یهودی به طور پیوسته کاهش یافته است، به علت تعداد و تمرکز جغرافیایی، کردها تاکنون مهم‌ترین اقلیت قومی بوده‌اند. زبان رسمی، ترکی است که ریشه آن مربوط به زبان ترکی آناتولی کهن بوده و توسط ترکان سلجوقی در قرن یازدهم در این کشور رایج شده است. در طول قرن‌ها واژه‌های بسیاری از زبان‌های دیگر منطقه به آن افزوده شده است به عنوان مثال کردی، بلغاری، ارمنی و ... که توسط مردم به طور قابل ملاحظه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. از سال ۱۹۲۸ الفبای لاتین جایگزین الفبای عربی شد. بیش از ۹۹ درصد جمعیت مسلمان - عمدتاً سنی - هستند، مسیحیت (ارتدوکس و ارمنی) و یهودیت ادیان دیگر رایج در این کشور می‌باشند. اما لازم به ذکر است که جمعیت غیرمسلمان از اوایل دهه ۲۰۰۰ کاهش یافته است (کتابخانه کنگره، بخش تحقیقات فدرال<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸: ۱۰-۹). متوسط سن جمعیت در ترکیه (۲۰۱۰) زیر ۲۹.۲ سال، متوسط سن مردان ۲۸.۷ و زنان ۲۹.۸ است. میانه سنی در مراکز بخش‌ها و استان‌ها ۲۹.۱ و در روستاها ۲۹.۸ بوده است (شکل ۲) (مرکز آمار کشور ترکیه<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). در جدول (۱) توزیع جمعیت شهری و روستایی ذکر شده است.

---

۱- Country Profile

۲- Turkish Statistical Institute (TurkStat)

شکل (۲) - هرم سنی جمعیت ترکیه، مرکز آمار ترکیه



جدول (۱) - توزیع جمعیت شهری و روستایی در ترکیه (میلیون)

سال	روستا	شهر	کل	سال	روستا	شهر	کل
۱۹۲۷	۱۰.۳	۳.۳	۱۳.۶	۱۹۷۰	۲۱.۹	۱۳.۷	۳۵.۶
۱۹۳۵	۱۲.۴	۳.۸	۱۶.۲	۱۹۷۵	۲۳.۵	۱۶.۹	۴۰.۴
۱۹۴۰	۱۳.۵	۴.۳	۱۷.۸	۱۹۸۰	۲۵.۱	۱۹.۶	۴۴.۷
۱۹۴۵	۱۴.۱	۴.۷	۱۸.۸	۱۹۸۵	۲۳.۸	۲۶.۹	۵۰.۷
۱۹۵۰	۱۵.۷	۵.۲	۲۰.۹	۱۹۹۰	۲۳.۲	۳۳.۳	۵۶.۵
۱۹۵۵	۱۷.۱	۶.۹	۲۴	۲۰۰۰	۲۳.۸	۴۴	۶۷.۸
۱۹۶۰	۱۸.۹	۸.۹	۲۷.۸	۲۰۰۷	۲۲.۹۷	۴۷.۶۰	۷۰.۵۸
۱۹۶۵	۲۰.۶	۱۰.۸	۳۱.۴	۲۰۰۸	۲۲.۰۰	۴۹.۵۱	۷۱.۵۱

منبع: (دبیرخانه سازمان برنامه ریزی کشور ترکیه، ۲۰۱۰: ۲۴۲ و مرکز آمار ترکیه<sup>۱</sup>)

۱- Under Secretariat of State Planning Organization

۲ - Turkstat

### چالش‌ها و ویژگی‌های کلی نواحی روستایی ترکیه

مناطق روستایی در این کشور با مشکلاتی روبرو هستند از جمله: مشکلات منابع انسانی (سطح پایین آموزش و مهارت‌ها)، ساختار نهادی و سازمان‌های کشاورزی ناکارآمد (تعاونی‌ها، اتحادیه‌های تولیدی و غیره) در حمایت از توسعه روستایی، الگوی استقرار پراکنده در برخی از مناطق، توسعه ناکافی در حفاظت و بازسازی زیرساخت‌های فیزیکی، فرهنگی و اجتماعی، نرخ بالای وابستگی به کشاورزی جهت امرار معاش، نرخ بالای بیکاری پنهان، عدم تنوع در فعالیت‌های تولیدی کشاورزی و غیرکشاورزی، سطوح درآمد و کیفیت پایین زندگی مردم روستایی، مهاجرت (روستا به شهر و درون منطقه‌ای) و ساختار سنی سالخورده جمعیت روستایی (اتحادیه اروپا، ۲۰۰۶: ۱۱). بیست و یکمین جلسه کمیته مشورتی اتحادیه اروپا با ترکیه مشکلات مناطق روستایی این کشور را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است:

#### چالش‌های اقتصادی:

- نیاز به منابع جدید درآمدی و اشتغال بویژه در مناطق دورافتاده‌تر؛
- برخی از مناطق روستایی با نرخ بالای بیکاری و مشکلات ناشی از بیکاری همراه با سطوح بالای فقر روستایی مواجه‌اند. علاوه بر این، مهاجرت روستایی در ترکیه منجر به مشکلات اقتصادی-اجتماعی در نواحی شهری شده است؛
- تغییرات قابل توجه در ساختار و توسعه اقتصاد روستایی در سراسر اتحادیه اروپا نشان‌دهنده سطوح متفاوتی از وابستگی به کشاورزی ابتدایی است. بسیاری از کشورهای عضو به شدت به کشاورزی ابتدایی وابسته باقی مانده‌اند که ترکیه نمونه‌ای از این کشورها است.

#### چالش‌های اجتماعی:

- کاهش جمعیت روستایی منجر به ساختار سنی سالخورده در بسیاری از نواحی روستایی شده است؛
- عدم دسترسی کافی به خدمات عمومی، مراقبت‌های بهداشتی-درمانی و آموزش؛

- جمعیت مناطق روستایی پیرامون شهرها به دلیل اسکان مردمی که برای کار به شهرها رفت و آمد می‌کنند رشد کرده اما این افراد در زندگی جامعه محلی مشارکت نمی‌کنند؛
- فقدان ساختار اجتماعی مناسب منجر به مشکلات اجتماعی شده است مثل سوء مصرف الکل.

#### چالش‌های زیست محیطی:

- کشاورزی ناپایدار؛
- مشکلات آلودگی و فرسایش خاک؛
- عدم حمایت مالی از سیاست‌های توسعه پایدار؛
- عدم سازگاری شیوه‌های کشاورزی با محیط زیست (آلن و اوزکان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۲).

نیازهای جوامع روستایی عمدتاً توسط بخش دولتی- که تأمین‌کننده خدمات اصلی است- تأمین می‌شود. برخی از خدمات توسط سازمان‌های جامعه مدنی ارائه می‌شوند. سازمان‌هایی که سهم مهمی در مدیریت مناطق روستایی دارند عبارتند از: معاونت‌های استانی، شهرداری‌ها و دولت‌های محلی، سازمان‌های کشاورزی، اتحادیه‌های تولیدکننده، اتحادیه‌های آب آشامیدنی و آبیاری به عنوان ارائه‌دهندگان خدمات روستایی. علاوه بر این سازمان‌های اجتماعی- اقتصادی، نهادهای مدنی و نیمه‌رسمی در جوامع روستایی ترکیه فعالیت دارند. همچنین تعاونی‌ها و اتحادیه‌های تولیدی خدمات مالی و کالاهای مختلف کشاورزی را در بخش روستایی برای کشاورزان فراهم می‌سازند. به طور کلی، جوامع روستایی ترکیه سطوح متفاوتی از توسعه فرهنگی و اقتصادی دارند که به تنوع اجتماعی- اقتصادی منطقه‌ای بستگی دارد؛ مثلاً در بخش‌های روستایی مناطق توسعه‌یافته، کالاها بیشتر برای بازار تولید می‌شوند (اوزکان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵: ۲۰-۲۱).

۱- Allen and Özcan

۲- Özcan

## توسعه کشاورزی

ترکیه مساحتی برابر با ۷۸ میلیون هکتار را دربرمی‌گیرد که از این مقدار ۳۶٪ (۲۸.۰۵ میلیون هکتار) زمین کشت شده است، ۲۷.۶٪ (۲۱.۵۰۵ میلیون هکتار) علف‌زار و مرتع، ۲۹.۸٪ (۲۳.۲۲۸ میلیون هکتار) جنگل و بوته‌زار، ۱.۱٪ (۸۹۴ هزار هکتار): خاک طبقه هشتم) زمین‌های غیرکشاورزی، ۳.۹٪ (۳.۰۶۱ میلیون هکتار: خاک طبقه هشتم) برای سایر اهداف استفاده شده است و ۱.۵٪ (۱.۱۵۸ میلیون هکتار) با آب پوشیده شده است. براساس سرشماری کشاورزی سال ۲۰۰۱ در ترکیه ۳۰۷۵۵۱۶ بهره‌بردار کشاورزی وجود دارد که در مجموع ۲۳ میلیون هکتار زمین را دربرمی‌گیرد. متوسط اندازه بهره‌برداری ۶.۱ هکتار است. ۲۰۷۲۸۹۷ بهره‌بردار محصولات دامی و کشاورزی تولید می‌کنند. از کل تعداد بنگاه‌های کشاورزی ۳.۶٪ فقط محصولات دامی تولید می‌کنند. سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی ۱۱.۲٪ (براساس قیمت پایه ۲۰۰۴) می‌باشد. از لحاظ ترکیب محصولات کشاورزی، تولیدات زراعی ۶۸٪، تولیدات دامی ۲۷٪، جنگلداری ۲٪ و شیلات ۳٪ را در برمی‌گیرند (اوزکان، ۲۰۰۵: ۱۷).

آمارهای سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که کل زمین کشاورزی ترکیه ۲۴.۳ میلیون هکتار است از جمله زمین‌های تحت کشت محصولات دائمی. از این مقدار زمین، ۱۶.۲ میلیون هکتار کشت شده، ۴.۳ میلیون هکتار تحت آیش، ۰.۸ میلیون هکتار برای تولید سبزیجات استفاده شده و ۳ میلیون هکتار نیز مربوط به میوه‌ها، درختان زیتون و تاکستان‌ها می‌باشد. ساختار بخشی با بهره‌برداری‌های کوچک مقیاس و پراکنده همراه با سازمان ناکارآمد و نیز مشکلاتی مثل زیرساخت‌های بازاریابی ناکافی از جمله موانع اصلی برای افزایش بهره‌وری و سطح درآمد تولیدکنندگان می‌باشند (وزارت توسعه کشور ترکیه، ۲۰۱۱: ۱۵۰-۱۴۹). مشکل اصلی پیش‌روی کشاورزی ترکیه تکه‌تکه شدن زمین‌ها می‌باشد که منجر به افزایش هزینه‌های تولید شده و قدرت بازاریابی کشاورزان را کاهش داده است (اوزکان، ۲۰۰۵: ۱۷).

از سال ۲۰۰۰ ترکیه استراتژی فراهم‌سازی زمین به منظور اصلاحات کشاورزی را اتخاذ نمود. هدف اصلی از پروژه اجرایی اصلاحات کشاورزی (۲۰۰۵-۲۰۰۱)، حرکت به سوی سیاست کشاورزی بازارگرا از طریق لغو قیمت‌های تجویز شده و یارانه‌های اعتباری، تجدید ساختار شرکت‌های دولتی و تعاونی‌های فروش مربوط به بخش کشاورزی، معرفی طرح حمایت از درآمد مستقیم و تغییر ساختار تولید کشاورزی بود. استراتژی کشاورزی (۲۰۱۰-۲۰۰۶) نیز شامل

مجموعه‌ای از اهداف و اولویت‌ها برای توسعه تولیدات کشاورزی پایدار، محصولات با کیفیت، امنیت غذایی، رقابت‌پذیری، بازاریابی، توسعه روستایی و سازمان‌های تولیدکنندگان بود. بخش کشاورزی توسط مؤسسات مختلف اداره می‌شود. بازیگران سیاسی اصلی در این بخش؛ وزارت کشاورزی و امور روستایی، سازمان برنامه‌ریزی دولتی (شورای هماهنگی اعتبارات مالی شورای عالی برنامه‌ریزی)، دبیرخانه تجارت خارجی، دبیرخانه خزانه‌داری، کمیته بازسازی و حمایت از کشاورزی می‌باشند. مکانیسم‌های کشور ترکیه جهت حمایت از بخش کشاورزی عبارت است از: طرح حمایت از درآمد مستقیم، پرداخت حق بیمه (برای غلات و دانه‌های روغنی و محصولات پنبه خام)، پرداخت حق بیمه برای احشام، برنامه گذار (انتقال) کشاورز (برای تنباکو و فندق). طرح‌های جدیدی نیز در سال ۲۰۰۵ ارائه شد، به عنوان مثال برنامه حفاظت از زمین‌های کشاورزی مبتنی بر محیط‌زیست، پرداخت بیمه کشاورزی و کمک‌های مالی در راستای توسعه روستایی (اتحادیه اروپا، ۲۰۰۶: ۳).

بخش کشاورزی ۳.۵ درصد در سال ۲۰۰۸ رشد داشته است. به علاوه سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی به تدریج در دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۳ کاهش و از ۱۱.۴ درصد به ۸.۹ درصد و به ۹.۲ درصد در سال ۲۰۰۸ رسیده است. همچنین سهم بخش کشاورزی در اشتغال ۲۳.۷ درصد در سال ۲۰۰۸ بوده است. این بخش به علت مشکلات ساختاری همچون تکه‌تکه شدن زمین‌ها، بهره‌برداری‌های کوچک مقیاس و کاستی‌های سازمانی نیاز به تحول دارد. به منظور جلوگیری از تکه‌تکه شدن زمین‌های کشاورزی بر اثر قانون ارث اصلاحیه نهایی مربوط به قانون مدنی ترکیه و قانون حفاظت از خاک و استفاده از زمین ضروری است (دبیرخانه سازمان برنامه‌ریزی کشور ترکیه، ۲۰۱۰: ۱۶۴). کاهش اشتغال در بخش کشاورزی ادامه دارد. این فرایند که منجر به کاهش سهم بخش کشاورزی در اشتغال روستایی شده است، نیاز به بهبود فرصت‌های اشتغال غیر کشاورزی را در نواحی روستایی افزایش داده است. جدول (۲) سهم بخش‌های مختلف را در اشتغال ترکیه و مناطق روستایی این کشور نشان می‌دهد.

جدول (۲) - سهم بخش‌های مختلف اقتصادی در اشتغال ترکیه و مناطق روستایی این کشور (%)

مناطق روستایی			ترکیه			
۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	
۵۷.۹	۵۸.۶	۵۹.۱	۲۶.۲	۲۶.۴	۲۷.۳	کشاورزی
۱۰.۷	۱۰.۲	۱۰.۱	۱۹.۹	۱۹.۸	۱۹.۷	صنعت
۳۰.۸	۳۱.۲	۳۰.۸	۵۳.۹	۵۳.۸	۵۳	خدمات

منبع: (دبیرخانه سازمان برنامه‌ریزی کشور ترکیه، ۲۰۱۰: ۲۴۱)

### توسعه روستایی

توسعه روستایی به عنوان ابزار سیاسی مهمی در کنار سیاست توسعه کشاورزی از دهه ۱۹۷۰ مورد توجه قرار گرفت. این رویکرد در پرتو فرایند الحاق و موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی و همچنین افزایش نقش سیاست‌های توسعه روستایی در کشاورزی اهمیت روزافزونی یافت (آلن و اوزکان، ۲۰۰۶: ۱). سیاست توسعه روستایی تا همین اواخر مبتنی بر پیاده‌سازی و اجرای پروژه‌های زیرساختی بزرگ و تحت پوشش از طریق طرح‌های توسعه ملی و منطقه‌ای تحت نظارت سازمان برنامه‌ریزی کشوری بود. ترکیه در اواخر ژانویه سال ۲۰۰۶ استراتژی توسعه روستایی ملی را تصویب کرد که اولین طرح استراتژی توسعه روستایی در این کشور به شمار می‌رود. همچنین اخیراً برنامه‌های مختلفی با هدف کمک به توسعه روستایی در پیش گرفته است، اگرچه هیچ یک از این برنامه‌ها به طور مستقیم در ارتباط با استراتژی ملی توسعه روستایی نیستند (اتحادیه اروپا، ۲۰۰۶: ۱۷). به منظور کمک به حل مشکلات مناطق روستایی، برنامه توسعه روستایی که یکی از اجزای ابزار جدید برای مساعدت پیش از الحاق است<sup>۱</sup> از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ در ترکیه اجرا شده است. در این چارچوب به اقداماتی برای بهبود کارایی بازار، کیفیت و استانداردهای سلامت و ایجاد مشاغل جدید در نواحی روستایی اولویت داده شده است. بدین منظور ترکیه نیاز به آماده‌سازی طرح توسعه روستایی برای سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ داشت که پایه‌ای برای تأمین مالی اقدامات توسعه روستایی براساس کمک پیش از الحاق خواهد بود و

۱- IPARD: Instrument for Pre-Accession Assistance in Rural Development.

نمایندگی پرداخت و پیاده‌سازی را ایجاد کرد. به منظور تشکیل پایه‌ای برای طرح توسعه روستایی و ایجاد استراتژی برای نواحی روستایی در ترکیه، استراتژی ملی توسعه روستایی تهیه و در تاریخ ۲۰۰۴/۰۲/۰۴ در روزنامه رسمی کشور منتشر شد. استراتژی ملی توسعه روستایی در انطباق با طرح‌های توسعه ملی و در هماهنگی با سیاست توسعه روستایی اتحادیه اروپا تهیه شده است. سند استراتژی به منزله راهنمایی تخصصی برای توسعه روستایی است که در آن تحلیل‌های کمی از شرایط و وضعیت روستایی، فرصت‌های توسعه، نتایج پیاده‌سازی و اجرای طرح‌های قبلی، استراتژی‌ها و اولویت‌ها شناسایی شده‌اند (آلن و اوزکان، ۲۰۰۶: ۴).

هدف اصلی از سیاست توسعه روستایی، دستیابی به شرایط زندگی و کاری پایدار در جوامع روستایی همگام با جوامع شهری، با توجه به پتانسیل‌های محلی و حفاظت از منابع فرهنگی و طبیعی است. در این حوزه، سیاست‌های توسعه روستایی به عنوان مکملی برای سیاست‌های کشاورزی به منظور کاهش اثرات منفی اجتماعی-اقتصادی مهاجرت اجرا خواهند شد که بیشتر بر مسائل فقر و بیکاری که در روند تجدید ساختار بخش کشاورزی بوجود آمده‌اند، تمرکز دارند. به منظور دستیابی به تنوع، ثبات و افزایش درآمد جمعیت روستایی، توان رقابت شرکت‌های کشاورزی افزایش، سازمان‌های کشاورزان تقویت، منابع آب و خاک به صورت کارآمد و مؤثر بهره‌برداری، فعالیت‌های اقتصادی غیرکشاورزی متنوع و بهره‌وری اتحادیه‌ها و ادارات محلی در توسعه روستایی افزایش خواهد یافت. پروژه‌های توسعه روستایی با رویکرد اشتغال‌زایی طراحی خواهند شد، به علاوه تقویت حکومت‌های محلی و مقیاس‌های اجرا و پیاده‌سازی در ارتباط با توسعه منطقه‌ای و سیاست‌های کشاورزی تعیین خواهد شد (وزارت توسعه کشور ترکیه<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۲۶۴ و دبیرخانه سازمان برنامه‌ریزی کشور ترکیه<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۲۴۳).

### استراتژی ملی توسعه روستایی

استراتژی ملی توسعه روستایی شامل چارچوب سیاسی جامع جهت سیاست‌های توسعه روستایی در ترکیه است. همچنین پایه‌ای را برای طرح ملی توسعه روستایی ایجاد و پروژه‌ها و برنامه‌های

۱- Republic of Turkey Ministry of Development

۲- Under Secretariat of State Planning Organization



توسعه روستایی برای ذینفعان مرتبط تهیه و اجرا می‌شوند، سرمایه مالی از طریق منابع ملی و بین‌المللی تأمین می‌گردند. برنامه کمک به توسعه روستایی پیش از الحاق بخش مهمی از این استراتژی کلی است که هدف آن حمایت از توسعه کشاورزی و روستایی در چارچوب کمک‌های اتحادیه اروپا می‌باشد. استراتژی ملی توسعه روستایی هدف اصلی را جهت توسعه روستایی تحت عنوان بهبود و تضمین پایداری شرایط کار و زندگی جامعه روستایی در هماهنگی با نواحی شهری، براساس بهره‌گیری از منابع محلی و بالقوه، حفاظت از محیط روستایی و منافع فرهنگی تعریف کرده است (وزارت کشاورزی و امور روستایی کشور ترکیه<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲: ۹۳). چهار هدف استراتژیک، استراتژی ملی توسعه روستایی ترکیه عبارت است از:

۱. توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی از طریق تنوع‌بخشی اقتصاد روستایی و ایجاد قابلیت رقابت در بخش کشاورزی و غذایی از طریق اعمال قانون در سازمان‌های تولیدکننده، بهره‌گیری کارآمد از منابع آب و زمین، افزایش توان رقابت کشت و صنعت ترکیه، تقویت حقوق مصرف‌کنندگان و امنیت غذایی؛
۲. بهبود منابع انسانی، سطح سازمانی و ظرفیت توسعه محلی از طریق تقویت خدمات بهداشتی و آموزشی، مبارزه با فقر و افزایش اشتغال در بین گروه‌های محروم؛
۳. بهبود زیرساخت‌های فیزیکی مناطق روستایی و کیفیت زندگی از طریق تقویت زیرساخت روستایی، توسعه و حفاظت از سکونتگاه‌های روستایی؛
۴. حفاظت و تقویت محیط‌زیست روستایی از طریق ارتقای فعالیت‌های کشاورزی سازگار با محیط‌زیست، حفاظت از اکوسیستم‌های جنگلی و بهره‌برداری پایدار از منابع جنگلی و مدیریت مناطق حفاظت‌شده.

در این استراتژی ترکیه برخی از برنامه‌های توسعه منطقه‌ای و روستایی یکپارچه را توسعه داده است. برنامه‌های توسعه روستایی یکپارچه در سطح استانی و منطقه‌ای از دهه ۱۹۷۰ اجرا شده است. بودجه این برنامه‌ها از طریق بودجه ملی و بین‌المللی تأمین شده است (اتحادیه اروپا، بانک جهانی، اوپک، فائو و غیره) (اتحادیه اروپا، ۲۰۰۶: ۱۲).

## جایگاه روستا در طرح توسعه ترکیه

در ترکیه طرح‌های توسعه از طریق سازمان برنامه‌ریزی کشور از سال ۱۹۶۳ در چارچوب ملی جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی اهداف و اولویت‌های مربوطه را طرح کرده است. سیاست‌های اساسی برای فعالیت‌های توسعه کشاورزی و روستایی نیز در چارچوب این برنامه‌ها می‌باشد. برنامه‌های سالانه و سرمایه‌گذاری‌های سالانه ابزار اصلی برای اجرای طرح‌های توسعه بوده و مؤسسات دولتی سیاست‌های خود را در راستای اهداف و استراتژی‌های توسعه و نیز بودجه‌های پیشنهادی طرح و اجرا می‌کنند. نهمین برنامه پنج ساله اخیر این کشور دوره زمانی (۲۰۱۳-۲۰۰۷) را شامل می‌گردد (وزارت کشاورزی و امور روستایی کشور ترکیه، ۲۰۱۲: ۹۰).

در ترکیه مطالعات و اقدامات هم در سطح ملی و هم در سطح محلی با هدف توسعه مناطق روستایی، افزایش سهم این مناطق در توسعه ملی و کاهش نابرابری‌ها بین مناطق شهری و روستایی انجام گرفته است. برنامه‌های توسعه پنج ساله پایه اقدامات توسعه‌ای از جمله توسعه روستایی در این کشور می‌باشند. برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های سالانه ابزار اصلی اجرای طرح‌های توسعه هستند. اقدامات اصلی در راستای توسعه روستایی شامل پیاده‌سازی و اجرای پروژه‌های توسعه روستایی یکپارچه، طرح‌های توسعه منطقه‌ای و برنامه‌های بخشی است که هدف آنها عمدتاً بهبود زیرساخت‌های روستایی و کشاورزی، افزایش تولیدات کشاورزی، ارتقای خدمات بهداشتی و آموزشی و همچنین افزایش درآمد و بهزیستی جوامع روستایی می‌باشند (گزارش توسعه روستایی کشور ترکیه<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۴). از سوی دیگر، دولت‌های محلی، به خصوص ادارات استانی و اتحادیه‌های دولت محلی نیز خدماتی را برای مناطق روستایی با استفاده از منابع محلی و بودجه‌هایشان فراهم می‌کنند. این خدمات عمدتاً شامل ارائه و حفاظت از زیرساخت‌های عمده اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی مثل جاده‌های روستا، آب آشامیدنی، زیرساخت‌های کشاورزی، اقداماتی برای توسعه کشاورزی و ارائه خدمات اجتماعی اساسی می‌باشند (گزارش توسعه روستایی کشور ترکیه، ۲۰۰۵: ۹).

## چارچوب سازمانی برای کشاورزی و توسعه روستایی

در این بخش به مهم‌ترین مؤسسات دولتی در زمینه توسعه روستایی و کشاورزی اشاره می‌گردد.

### ۱. وزارت کشاورزی و امور روستایی<sup>۱</sup>

این وزارت در درجه اول مسئول توسعه و اجرای سیاست‌های کشاورزی و توسعه روستایی و مدیریت فعالیت‌های مرتبط با تولید است. وزارت کشاورزی و امور روستایی از طریق نهادهای محلی و مرکزی در مناطق روستایی فعالیت می‌کند. فعالیت‌های این وزارتخانه شامل: سیاست‌گذاری برای توسعه نواحی روستایی و کشاورزی، دامپروری و پرورش آبزیان، فراهم‌سازی تسهیلات زیربنایی جهت توسعه بخش کشاورزی و نواحی روستایی و اجرای فعالیت‌های آموزشی و توسعه‌ای برای کشاورزان (ترویج و توسعه) می‌باشد. در واقع این وزارتخانه مهم‌ترین نقش را در فعالیت‌های مربوط به توسعه روستایی بر عهده دارد. شکل (۳) ساختار سازمانی این وزارت را نشان می‌دهد.

### ۲. سازمان محیط‌زیست و جنگلداری<sup>۲</sup>

این سازمان مسئول توسعه و اعمال سیاست‌های مرتبط با حفاظت و مدیریت محیط‌زیست، ارزیابی و برنامه‌ریزی زیست‌محیطی می‌باشد. به علاوه، سازمان مذکور صلاحیت‌های مرتبط با احداث جنگل (جنگل‌کاری مصنوعی) و کنترل فرسایش، روابط روستا و جنگل، حفاظت از مناطق جنگلی و مدیریت پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده طبیعی را نیز بر عهده دارد.

### ۳. سازمان برنامه‌ریزی کشور<sup>۳</sup>

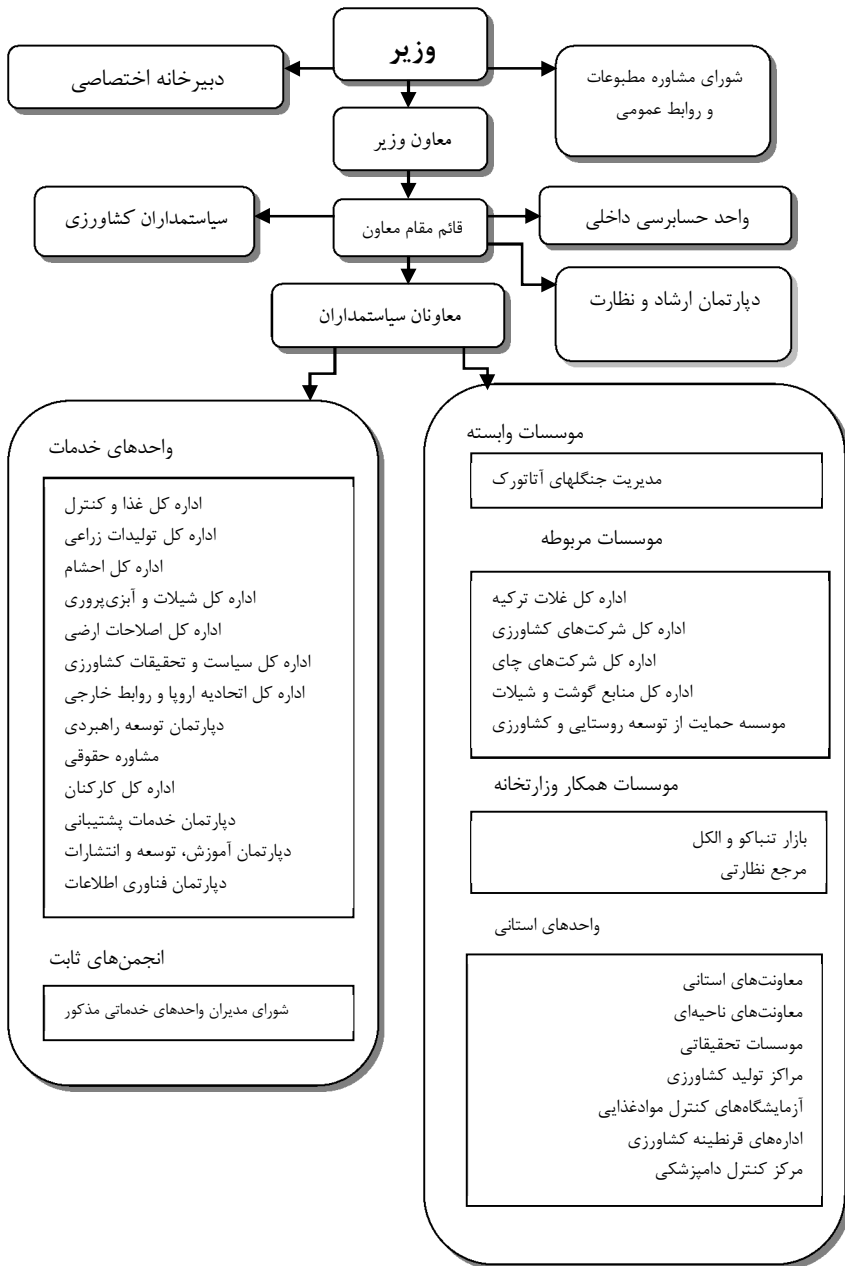
این سازمان مسئول تهیه و هماهنگی در زمینه اجرای طرح‌های توسعه در سطح ملی می‌باشد. شامل: طرح‌های توسعه، برنامه‌های سالانه، برنامه‌های سرمایه‌گذاری سالانه و ایجاد چارچوبی برای انسجام اقتصادی و اجتماعی با اتحادیه اروپا. این سازمان، در فرایند سیاست‌گذاری به مشکلات بخش روستایی در چارچوب طرح‌های توسعه ملی می‌پردازد.

۱- MARA: Ministry of Agriculture and Rural Affairs

۲- MoEF: Ministry of Environment and Forestry

۳- State Planning Organization (SPO)

### شکل (۳) - ساختار سازمانی وزارت کشاورزی و امور روستایی



۴. وزارت صنعت و تجارت

اهم اهداف این وزارت عبارتند از: تعیین سیاست‌های صنعتی کشور با توجه به شرایط فعلی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی اخیر، ترویج، ارتقا و کمک به توسعه صنعت در راستای اهداف طرح‌ها و برنامه‌های توسعه، کمک به تعیین اهداف و سیاست‌های اصلی مرتبط با تجارت داخلی و در نهایت توسعه و اجرای اقدامات در راستای اهداف مذکور. همچنین این وزارتخانه مسئول خرید و فروش تعاونی‌های کشاورزی می‌باشد (به جز تعاونی‌هایی که در حوزه وزارت کشاورزی و امور روستایی هستند).

۵. وزارت فرهنگ و گردشگری

وظایف این وزارتخانه در ارتباط با توسعه روستایی عبارت است از: تحقیق، توسعه و حفاظت از ارزش‌ها، گسترش، ترویج و ارتقای ارزش‌های ملی، معنوی، تاریخی، فرهنگی و گردشگری، ارزیابی، توسعه و گسترش فرصت‌های گردشگری در کشور، هدایت و همکاری با سایر آژانس‌های عمومی و برقراری ارتباط با سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی در امور فرهنگی و گردشگری، به منظور جلوگیری از تخریب و نابودی میراث فرهنگی و تاریخی و ثبت و حفظ مکان‌های مهم و بناهای تاریخی تحت حفاظت از طریق سازمان‌های مرکزی و محلی.

۶. وزارت انرژی و منابع طبیعی

فعالیت‌های اصلی این وزارتخانه و نمایندگی‌های آن در چارچوب عرضه آب مورد نیاز برای کشاورزی، شرب و صنعت، بهبود کیفیت آب، کنترل سیل، مدیریت زمین و کنترل و مقررات رودخانه می‌باشد.

۷. سازمان توسعه منطقه‌ای پروژه جنوب شرق آناتولی

اهم وظایف این سازمان عبارت است از: تضمین دسترسی به خدمات، زیرساخت‌ها، صدور مجوزها، مسکن، صنعت، معدن، کشاورزی، انرژی، حمل‌ونقل و نیز فعالیت‌های توسعه روستایی برای توسعه نواحی در محدوده‌ی پروژه آناتولی جنوب شرقی و سرمایه‌گذاری درست و تضمین هماهنگی در میان نهادها و سازمان‌ها مرتبط با محدوده.

۸. وزارت اسکان عمومی

مسئولیت‌های این وزارتخانه با توجه به توسعه روستایی شامل آماده‌سازی یا تصویب طرح‌های اسکان روستایی، ساختار بندی نواحی که به عنوان سکونتگاه روستایی در مناطق اسکان تشخیص

داده شده‌اند و مطالعه در رابطه با استراتژی‌های فضای در راستای توسعه پایدار و رقابتی.

#### ۹. سازمان کل کمک‌های اجتماعی

با هدف حمایت از جمعیت فقیر ترکیه و حذف مشکلات اقتصادی-اجتماعی که در نتیجه توزیع درآمد نامتوازن ناشی می‌شوند. این مورد نقش مؤثری در توسعه روستایی و صرف بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه در حمایت از بخش روستایی دارد.

۱۰. وزارت آموزش و پرورش

۱۱. وزارت بهداشت

۱۲. وزارت کار و رفاه اجتماعی

این وزارتخانه‌ها نیز وظایف مرتبط را برای تمامی مردم چه شهری و چه روستایی انجام می‌دهند (وزارت کشاورزی و امور روستایی کشور ترکیه، ۲۰۱۲: ۱۰۹-۱۰۷).

### پروژه‌های توسعه روستایی

هدف از پروژه‌های توسعه روستایی در حال انجام در ترکیه ارتقای بهزیستی از طریق بهبود فعالیت‌های اقتصادی و افزایش درآمد مخصوصاً در مناطق کمتر توسعه‌یافته است. اجرای پروژه‌های توسعه روستایی در اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و بسیاری از این پروژه‌ها توسط منابع مالی و نهادهای بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته‌اند. پروژه‌های توسعه روستایی عمدتاً شامل: بهبود کشاورزی و دامداری، آبیاری، ساخت‌وساز جاده‌های روستایی، ساخت‌وساز جاده‌های جنگلی، تأمین آب آشامیدنی و جنگل‌کاری می‌باشند. در ادامه به نمونه‌های از این پروژه‌ها اشاره می‌گردد.

۱. پروژه توسعه روستایی اردو-گیرسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۶-۱۹۹۵)

این پروژه با هدف افزایش درآمد و استانداردهای زندگی از طریق بهره‌گیری پایدار از منابع طبیعی برای کسانی که در ایالت‌های اردو و گیرسون زندگی می‌کردند، طرح شده بود. بدین منظور پیاده‌سازی فعالیت‌های مربوط به ارتقای کشاورزی و اقدامات درآمدزا، جنگلداری، زیرساخت‌های روستایی، اعتبارات کشاورزی و ساختار سازمانی ضروری به نظر می‌رسید.

مجموع اعتبار مالی این طرح ۴۹ میلیون دلار بوده که ۱۹.۸ میلیون دلار از طریق صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی، ۸.۲ میلیون دلار از طریق بانک توسعه اسلامی و ۲۱ میلیون دلار نیز توسط دولت ترکیه تأمین شد. این طرح شامل ۱۴۰ روستا در ایالت اردو و ۱۴۰ روستا در ایالت گیرسون بود. در این پروژه روستاها به چهار گروه طبقه‌بندی شدند. گروه اول شامل روستاهای که در مناطق کوهستانی و جنگلی منطقه جنوب واقع شده بودند. این روستاها فاقد ارتباطات جاده‌ای بودند و یا از این نظر شرایط نامناسبی داشتند. در مجموع چهار درصد از روستاها در این گروه جای گرفتند. گروه دوم، روستاهای با آب آشامیدنی نامناسب و مهاجرت دائمی پایین‌تر را شامل می‌شدند. جاده‌های این روستاها نیاز به تعمیر و حفاظت داشته و ۵۰٪ از روستاها در این گروه قرار داشتند. گروه سوم، روستاهای بودند که زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی کافی نداشتند، تولیدکننده فندق بوده و سطح درآمد قابل توجهی داشتند. ۳۰٪ از روستاها نیز در این گروه قرار گرفتند. گروه چهارم، برخوردارترین روستاها با سطح درآمد بالا که ۱۳٪ از روستاها را شامل می‌شد. این روستاها تولیدکننده فندق بوده و در مناطق ساحلی قرار داشتند. این پروژه ۳ گروه اول را پوشش می‌داد و گروه چهارم با سطح درآمدی بالا کنار گذاشته شد. ۹۱۶ روستا و ۱۴۰۰۰ خانوار به عنوان گروه هدف انتخاب شدند (گزارش توسعه روستایی کشور ترکیه، ۲۰۰۵: ۱۲-۱۰).

## ۲. پروژه توسعه ارزنجان سیواس<sup>۱</sup> (۲۰۱۲-۲۰۰۵)

این پروژه با هدف حمایت از بنگاه‌های خانوادگی کوچک مقیاس و بهبود زیرساخت‌های کشاورزی و اجتماعی و استانداردهای زندگی روستایی به منظور افزایش بهره‌وری کشاورزی و سطح درآمد در مناطق کمتر توسعه‌یافته سیواس و ارزنجان طرح شد. پروژه در ۲۰۰ روستای محروم و فقیر براساس معیارهای تعیین شده در دستور کار پروژه اجرا و حدود ۲۰۰۰ نفر را شامل شد. کل اعتبار این طرح ۳۰.۰۴ میلیون دلار بود که ۱۳.۰۸ میلیون دلار از طریق صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی، ۹.۹۰ میلیون دلار توسط اوپک، ۴.۴۶ میلیون دلار توسط دولت ترکیه و ۲.۶ میلیون دلار از طریق مشارکت کشاورزان ذینفع تأمین گردید. واحد مدیریت پروژه با نام هماهنگ‌کنندگان توسعه روستا تأسیس و ۲۵ روستای اصلی و ۳ روستای جایگزین تعیین

شدند (که در سال اول این پروژه انتخاب شده بودند). اقدامات پروژه مذکور در این مناطق در چارچوب طرح‌های توسعه روستایی، اعمال و مقرر شد این طرح‌ها برای ۲۰۰ روستای فقیر (۱۲۰ روستا از سیواس و ۸۰ روستای ارزینجان) آماده شود. در انتخاب روستاها نیز معیارهای همچون روستاهای محروم‌تر از نظر اجتماعی، فیزیکی، طبیعی، مالی، انسانی و براساس مقیاس‌های همچون اندازه مزرعه، وضعیت تولیدات دامی و زراعی، موقعیت مکان، دسترسی به فرصت‌های بازار و سطح درآمد منطقه در نظر گرفته شدند. روستاهای که بالاترین درجه را با توجه به معیارهای ذکر شده کسب می‌کردند در اولویت قرار می‌گرفتند. در راستای معیارهای تعیین شده در سال ۲۰۰۵، ۱۵ روستا از سیواس و ۱۰ روستا از ارزینجان انتخاب شده و تهیه طرح‌های توسعه روستایی آغاز شد. بنابر آن بود که هر سال روستاهای جدیدی از مناطق فقیر انتخاب و اقدامات پروژه در چارچوب طرح‌های توسعه اجرا شوند (گزارش توسعه روستایی کشور ترکیه، ۲۰۰۵: ۱۴-۱۲).

### ۳. پروژه بازسازی حوضه آبخیز آناتولی (۲۰۱۲-۲۰۰۴)

اهداف این طرح عبارتند از: بهبود مدیریت مراتع، احیای مناطق جنگلی و مراتع، تقویت پوشش گیاهی این مناطق، افزایش تولید علوفه، اتخاذ شیوه‌های کشاورزی سازگار با محیط‌زیست، اجرای روش‌هایی که منابع طبیعی را در مناطق کشت شده، نواحی جنگلی و مراتع بهبود بخشند، تشویق به اقدامات حفاظت از خاک و رطوبت. براساس این پروژه مردم محلی در برخی از فعالیت‌های مربوط به افزایش درآمد خانواده مشارکت می‌کنند از جمله گسترش قلمرو آبیاری در مقیاس کوچک، تراس‌بندی اراضی خشک، باغبانی و پرورش زنبور عسل و بهبود دامپروری محلی. علاوه بر این، این پروژه در پی اجرای اقدامات ضروری به منظور ارزیابی و جلوگیری از آلودگی آب در آبهای جاری به دریای سیاه بود. مجموع اعتبار این پروژه ۴۵.۰۷ میلیون دلار بوده که ۲۰ میلیون دلار مربوط به وام از بانک جهانی، ۹.۵۲ میلیون دلار توسط دولت ترکیه، ۸.۵۴ میلیون دلار از طریق مشارکت کشاورزان ذینفع و ۷.۰۱ میلیون دلار نیز کمک مالی تسهیلات زیست‌محیطی جهانی بود (گزارش توسعه روستایی کشور ترکیه، ۲۰۰۵: ۱۵-۱۴).

### ۴. پروژه توسعه روستایی یوزگات (۲۰۰۱-۱۹۹۱)

هدف این پروژه افزایش درآمد و استانداردهای زندگی از طریق تقویت زیرساخت‌های روستایی و افزایش بهره‌وری در تولیدات گیاهی و حیوانی بود. این پروژه در پی توانمندسازی فقیرترین



جمعیت روستایی در استفاده از منابع طبیعی موجود برای تولید پایدار بود. پروژه مذکور فقیرترین مردم روستایی در منطقه را هدف قرار داده و منابع آب روستایی را ارتقا، جاده‌ها را تعمیر، آبیاری پیشرفته و ایجاد گروه‌های بهره‌بردار آب را مورد حمایت قرار داد. گروه زنان به منظور طرح‌های ابتکاری جهت گسترش فعالیت‌های درآمدزا مثل پرورش زنبور عسل، کرم ابریشم و بافندگی مورد حمایت قرار گرفتند. این پروژه در ۶۴۰ روستا اجرا شد و ۳۰۰۰۰ خانوار را در برمی‌گرفت (وزارت کشاورزی و امور روستایی کشور ترکیه، ۲۰۱۲: ۱۳۷).

### آموزه‌های از نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی کشور ترکیه

با توجه به مطالب ذکر شده در خصوص نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور ترکیه در این بخش با هدف ارائه آموزه‌های از این نظام در ابتدا به بررسی نظام برنامه‌ریزی روستایی در ایران می‌پردازیم.

برنامه‌ریزی توسعه و از جمله برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران فقط در دو سطح ملی و منطقه‌ای (استانی) صورت می‌گیرد. در سطح محلی چنین برنامه‌های وجود ندارد و بدلیل نظام تصمیم‌گیری متمرکز برنامه‌ریزی در کشور، برنامه‌های منطقه‌ای ضعیف و نارسا بوده و برنامه‌ریزی توسعه در ایران عملاً محدود و منحصر به سطح ملی می‌باشد. در سطح ملی سابقه رسمی برنامه‌ریزی توسعه به سال ۱۳۲۷ بازمی‌گردد؛ زمانی که اولین برنامه عمران هفت ساله کشور طی سال‌های ۳۴-۱۳۲۷ اجرا گردید. از برنامه چهارم عمرانی (۵۱-۱۳۴۶) در نظام تهیه برنامه‌های ملی فصلی مشخص و مستقل تحت عنوان فصل عمران و نوسازی روستاها وجود داشته و بجز در برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸) در سایر برنامه‌ها نیز چنین فصلی وجود داشته است. آنچه مسلم است، محتوای برنامه‌های فصل عمران روستایی جامع نبوده و همه امور روستاها را پوشش نمی‌دهد و به همین دلیل بسیاری از امور مربوط به روستاها در سایر فصل‌های برنامه پراکنده شده است. در سطح منطقه‌ای (استانی) نیز برنامه‌های پنج ساله توسعه و از جمله برنامه‌های توسعه روستایی وجود دارد که سابقه آنها به برنامه پنجم عمرانی قبل از انقلاب باز می‌گردد. این برنامه‌ها توسط شورای برنامه‌ریزی استان و بخش‌های برنامه‌ریزی وابسته به آن با محوریت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهیه می‌شوند. ساختار داخلی برنامه‌های استانی تقریباً مشابه برنامه‌های ملی است و فصلی تحت عنوان عمران روستایی در آنها وجود دارد که

سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های اجرایی توسعه روستایی را در سطح استان مشخص می‌کند. برنامه‌های پنج ساله توسعه استان‌ها همیشه قبل از برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور تهیه و بصورت پیشنهادی به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و ستاد برنامه ارائه می‌گردد. برنامه ملی قاعدتاً می‌بایست با تلفیق و جمع‌بندی همین برنامه‌های استانی تهیه شود ولی عملاً چنین نیست و برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور تقریباً بدون توجه به برنامه‌های پنج ساله توسعه پیشنهادی استان‌ها تهیه می‌گردد. آنچه عملاً در ستاد برنامه‌های پنج ساله توسعه در مورد برنامه‌های استانی (منطقه‌ای) صورت می‌گیرد، تعدیل این برنامه‌ها از لحاظ تعداد و نوع پروژه‌ها و سقف اعتبارات مورد نیاز است و با این اقدام برنامه‌های پنج ساله توسعه پیشنهادی استان‌ها به برنامه‌های مصوب تبدیل و ابلاغ می‌گردد. در مجموع می‌توان گفت سطوح برنامه‌ریزی روستایی در کشور بدلیل عدم وجود برنامه‌ریزی در سطح محلی، ناقص و نارسا است که نتیجه آن عدم هماهنگی برنامه‌ها در سطوح مختلف و عدم توجه به نیازها، منابع، اولویت‌ها، داده‌ها و مسائل و مشکلات منطقه‌ای و محلی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی می‌باشد (رضوانی، ۱۳۸۰: ۳۲-۳۱).

بنابراین، در کشور ما برنامه‌های عمرانی و توسعه ملی از جمله در زمینه توسعه روستایی به صورت متمرکز و عمدتاً در سطح ملی انجام می‌شود. در واقع در قالب برنامه‌های عمرانی و توسعه پنج‌ساله سعی شده اهداف، سیاست‌ها، برنامه‌های اجرایی و اقدامات اجرایی برای توسعه و عمران بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی و کلیه فضاها در کشور به صورت یکجا و در یک مرحله انجام شود. البته در برنامه‌های دوم و سوم توسعه، تهیه برنامه‌های پنج‌ساله پیشنهادی استانی توسط استان‌ها گامی در جهت افزوده شدن سطح منطقه‌ای به سطوح برنامه‌ریزی در کشور بوده است؛ ولی از آنجا که تعامل و تقسیم کار مناسبی بین برنامه‌های پنج ساله توسعه ملی با برنامه‌های پنج ساله توسعه پیشنهادی استان‌ها وجود ندارد، نمی‌توان این اقدامات را به عنوان سطح منطقه‌ای برنامه‌ریزی پذیرفت. در واقع تقریباً با همان الگوی برنامه‌های ملی، برنامه‌های استانی تدوین گردیده است، در حالی که ماهیت و کارکرد و نقش‌های این دو سطح برنامه‌ریزی با یکدیگر متفاوت است، ضمن اینکه باید تعامل و هماهنگی لازم نیز بین آنها وجود داشته باشد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۲۰ و مولائی هشتجین، ۱۳۹۲: ۵۳).

الگوی موجود ساختار اداری در بیشتر کشورها بویژه در منطقه آسیا و اقیانوسیه ساختاری سه سطحی شامل سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی را برای برنامه‌ریزی از جمله برنامه‌ریزی مؤثر توسعه

روستایی پیشنهاد می‌کنند. با توجه به این نکته برنامه‌ریزی مؤثر بر پایه وجود این سه ساختار در سطوح برنامه‌ریزی است، اما همانطور که ذکر گردید در ایران برنامه‌ریزی روستایی محدود به سطح ملی بوده و برنامه‌ریزی توسعه روستایی در قالب برنامه‌های پنج ساله در فصل عمران و توسعه روستایی و به تبع اصول همین برنامه‌ها تدوین می‌شود. اما در کشور ترکیه استراتژی ملی توسعه روستایی در سال ۲۰۰۶ با هدف بهبود و تضمین پایداری شرایط کار و زندگی جامعه روستایی در هماهنگی با نواحی شهری، براساس بهره‌گیری از منابع محلی و بالقوه، حفاظت از محیط روستایی و منافع فرهنگی تصویب شد. براساس این استراتژی، ترکیه برنامه‌های توسعه منطقه‌ای و روستایی یکپارچه را ایجاد و گسترش داده است. در حالی که در ایران استراتژی ملی توسعه روستایی تعریف نشده است.

آموزه دیگر از نظام برنامه‌ریزی روستایی ترکیه، توجه این کشور به توسعه کشاورزی و روستایی به صورت پیوسته است. بدین ترتیب که این کشور توسعه روستایی را به عنوان ابزار سیاسی مهمی در کنار سیاست توسعه کشاورزی از دهه ۱۹۷۰ مورد توجه قرار داده است. بر اساس این اندیشه نقش سیاست‌های توسعه روستایی در سیاست کشاورزی بیش از پیش اهمیت یافت. حتی این پیوستگی در استراتژی ملی توسعه روستایی نیز مورد توجه قرار گرفته است بدین ترتیب که به منظور دستیابی به تنوع، ثبات و افزایش درآمد جمعیت روستایی، توان رقابت شرکت‌های کشاورزی افزایش، سازمان‌های کشاورزی تقویت و منابع آب و خاک به صورت کارآمد و مؤثر مورد بهره‌برداری قرار خواهند گرفت. در حالی که در ایران بخش روستایی و کشاورزی همواره به صورت جدا در برنامه‌های پنج‌ساله قبل و بعد از انقلاب در نظر گرفته شده و هر کدام از آنها در فصلی جدا تدوین شده‌اند. همچنین در این کشور کشاورزی و امور روستایی در قالب ساختار سازمانی مشترکی تعریف شده است. بدین ترتیب که وزارت کشاورزی و امور روستایی مسئول توسعه و اجرای سیاست‌های کشاورزی و توسعه روستایی و مدیریت فعالیت‌های مرتبط با تولید است و از طریق نهادهای محلی و مرکزی در مناطق روستایی فعالیت می‌کند. براساس موارد مذکور در جدول (۳) مقایسه بین نظام و ساختار برنامه‌ریزی و امور توسعه روستایی ایران و ترکیه خلاصه شده است.

**جدول (۳) - مقایسه بین ویژگی‌ها، چالش‌ها، نظام، ساختار برنامه‌ریزی و امور توسعه روستایی بین کشور ایران و ترکیه**

ایران	ترکیه
چالش‌های اقتصادی مشابه	چالش‌های اقتصادی (ضرورت تنوع‌سازی اقتصاد روستایی، نرخ بالای بیکاری، فقر روستایی، وابستگی به کشاورزی)
چالش‌های اجتماعی مشابه	چالش‌های اجتماعی (کاهش جمعیت روستایی، مهاجرت، ساختار سنی سالخورده، عدم دسترسی کافی به مراقبت‌های بهداشتی - درمانی و آموزش)
چالش‌های زیست‌محیطی مشابه	چالش‌های زیست‌محیطی (مشکلات مربوط به منابع طبیعی، شیوه‌های کشاورزی ناسازگار به طبیعت، ضرورت حفاظت از محیط‌زیست)
دولت تأمین‌کننده اصلی خدمات عمومی	دولت تأمین‌کننده اصلی خدمات عمومی
قرار گرفتن روستا و کشاورزی در قالب فصل‌های جدا در برنامه‌های پنج‌ساله عمران و توسعه کشور	توسعه روستایی به عنوان ابزار سیاسی مهم در کنار توسعه کشاورزی
عدم تدوین طرح استراتژی ملی توسعه روستایی	تدوین طرح استراتژی ملی توسعه روستایی
تدوین برنامه‌های پنج ساله به عنوان پایه اقدامات توسعه‌ای	تدوین برنامه‌های پنج ساله به عنوان پایه اقدامات توسعه‌ای از جمله توسعه روستایی
برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های سالانه به عنوان ابزار اجرای طرح‌های توسعه	برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های سالانه به عنوان ابزار اجرای طرح‌های توسعه
عدم وجود وزارتخانه و ساختار سازمانی مشخص با توسعه روستایی (پراکنده بودن امور روستایی در سازمان‌های مختلف)	چارچوب سازمانی مرتبط با توسعه روستایی در قالب وزارت کشاورزی و امور روستایی
مرتبط بودن سازمان‌های مختلف با امور توسعه روستایی	مرتبط بودن سازمان‌های مختلف با امور توسعه روستایی
غلبه رویکرد بالا به پایین در نظام برنامه‌ریزی	غلبه رویکرد بالا به پایین در نظام برنامه‌ریزی

**نتیجه‌گیری**

ترکیه دربرگیرنده نقاط روستایی می‌باشد که این روستاها با مشکلاتی همچون سطح پایین آموزش، ساختار نهادی نامناسب در حمایت از توسعه روستایی، الگوی استقرار پراکنده در برخی از مناطق، توسعه ناکافی در حفاظت و بازسازی زیرساخت‌های فیزیکی، فرهنگی و اجتماعی،

نرخ بالای وابستگی به کشاورزی جهت امرار معاش، نرخ بالای بیکاری، عدم تنوع در فعالیت‌های تولیدی کشاورزی و غیرکشاورزی، سطوح درآمد و کیفیت پایین زندگی مردم روستایی و مهاجرت‌های روستا-شهری روبرو هستند. لذا این مشکلات ضرورت توجه به برنامه‌ریزی و توسعه روستایی را در این کشور ایجاب می‌نماید. بدین منظور در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در این کشور همواره استراتژی‌ها و اولویت‌های توسعه روستایی و کشاورزی مورد توجه بوده است. در ترکیه توسعه روستایی و کشاورزی در تمامی برنامه‌ها همگام با هم بوده و در این راستا وزارت کشاورزی و امور روستایی زمام عمده برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی و کشاورزی را در دست داشته است. استراتژی ملی توسعه روستایی ترکیه، پایه‌ای را برای طرح ملی توسعه روستایی ایجاد و پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی برای ذینفعان مرتبط تهیه و اجرا می‌شوند. عمده پروژه‌های طرح و اجرا شده در این کشور با هدف افزایش درآمد و کیفیت زندگی ساکنین روستایی، بهره‌گیری پایدار از منابع طبیعی، بهبود زیرساخت‌های کشاورزی و روستایی، افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی و اشتغال‌زایی بوده است. ارزیابی پروژه‌های توسعه روستایی و کشاورزی در ترکیه نشان می‌دهد که جهت‌گیری این برنامه‌ها و پروژه‌ها عمدتاً توسعه کشاورزی بوده، در حالی که توسعه روستایی با توجه به شرایط محلی موارد دیگری را همچون فراهم‌سازی مسکن، آموزش و پرورش، بهداشت، مشکلات زیست‌محیطی و سازمان‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد و نیز لازم به ذکر است که در فرایند این برنامه‌ها رویکرد بالا به پایین مشاهده می‌شود. لذا درک درستی از واقعیت برای توسعه وجود نداشته و سهم بخش روستایی و کشاورزی در اقتصاد ترکیه به سطح مورد نظر دست نیافته و رفاه چندان‌ی را برای جمعیت روستایی در بر نداشته است. بیشترین توجه و تأکید بر گسترش فناوری‌های جدید جهت تولید بیشتر در بخش کشاورزی بوده است و از تأثیر متغیرهای اجتماعی و عوامل انسانی در فرایند توسعه غفلت شده است (گولر و ایزیکلای، ۲۰۰۴: ۱۲-۱۱). در پایین مقایسه‌ای بین کشور ترکیه و ایران انجام گرفت که در مجموع این دو کشور شباهت‌های بسیار داشته و عمده تفاوت آنها در تدوین استراتژی ملی توسعه روستایی و وجود ساختار سازمانی مشخص برای امور روستایی است.

## منابع

- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۰)، «نگرشی بر نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران»، **پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۴۱.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰)، **برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران**، نشر قومس، چاپ چهارم.
- سازمان توسعه تجارت ایران (۱۳۸۸)، **گزارش کشوری (ترکیه)**، وزارت بازرگانی.
- مولائی هشیجین، نصرالله (۱۳۹۲)، **جایگاه مدیریت محلی در برنامه‌ریزی کالبدی در سکونتگاه‌های روستایی**، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- Allen, Frank and Özcan, Nurullah(2006), Rural Development in EU-Turkey, **21th Meeting of the EU-Turkey Joint Consultative Committee**.
- EU (2006), “Agriculture and Development”, Chapter 11 in **Screening Report Turkey**, Brussels 7 September.
- Guler Gumus, Sevtap and Isikli, Emin(2004), **An Analysis of Rural Development Programs in Turkey with Special Reference to EU Membership**, assessing rural development policies of the CAP, Vienna, Austria, 21-23 April 2004, accessed, available on: [www.ecsocman.edu.ru/data/884/675/1219/87EAAE\\_Guler\\_Isikli.pdf](http://www.ecsocman.edu.ru/data/884/675/1219/87EAAE_Guler_Isikli.pdf)
- Kirsal, Kalkinma(2005), **DG Agriculture Non-exhaustive List of Issues and Questions to Facilitate Preparations for Bilateral Meetings Rural Development Policy and Structural/ Environmental Measures**, country: republic of Turkey, available on: [www.abgs.gov.tr/tarama/tarama\\_files/11/.../Kirsal%20Kalkinma.pdf](http://www.abgs.gov.tr/tarama/tarama_files/11/.../Kirsal%20Kalkinma.pdf)
- Library of congress, Federal research division (2008), **Country profile: Turkey**, available on: [www.loc.gov/rr/frd/cs/profiles/Turkey.pdf](http://www.loc.gov/rr/frd/cs/profiles/Turkey.pdf)
- MARA (2012), Instrument for Pre-Accession Assistance Rural Development (IPARD) Programme (2007-2013), **Ministry of Agriculture and Rural Affairs**.
- Özcan, Nurullah(2005), **Rural Development in Turkey (Including Employment, Social Security, Training and Gender)**, 20<sup>th</sup> meeting of the EU-Turkey joint consultative committee.
- Republic of Turkey Ministry OF Development (2011), **Turkey Annual Program**, available on: <http://www.mod.gov.tr/Pages/index.aspx>
- Turkish Statistical Institute (TurkStat), Address Based Population Registration System Results of 2010, Number. 19, January 28, 2011. [www.turksata.gov.tr](http://www.turksata.gov.tr)
- Undersecretariat of State Planning Organization (2010), **Ninth Development Plan (2007- 2013), 2010 Annual Programme**, Republic of Turkey, Ankara.

## **Rural Development Planning System in Turkey**

Nasrin Kazemi Sani Ataollah

### **Abstract**

Turkey is located in southwest of Asia and it covers an area of over 78 million hectares. In 2012, this country had 34434 villages and about 20 percent of the population was living in rural areas. In this country, rural areas face problems of ineffective institutional structure, insufficient development of physical, social and cultural infrastructure, low income level and relatively low quality of life for rural population and migration. The paper aim is to study rural development planning system in this country, so in this regard, the author had examined organizations, plans and programs related to subject. Rural development has been considered as an important policy instrument besides agricultural development policy devices since 1970's in Turkey. In each of the five-year development plan have been considered unique goals and has been emphasized on the special policies for agriculture and rural development. In relation to rural development in this country, the most important organization is ministry of agriculture and rural affairs and the most important plan is the National Rural Development Strategy. All the development plans aimed at finding and adopting of new technologies which would get higher production in agriculture and in rural development process is neglected social and human factors. Therefore, the contribution of rural sector and agriculture as a whole to the Turkish economy have not reached to the desired level and so it has not providing sufficient reward and welfare to the rural people. In this field, a comparison between Turkey and Iran showed many similar aspects and the most difference was the nation rural development strategy and the organizational structure for rural affairs.

**Keywords:** Turkey, Rural Planning, Rural Development, Agricultural Development.

## **Explain the Effect of Biographical Characteristics (Gender and Marital Status) on Six Aspects of Strategic Thinking Based on Spider Web Model**

Dr. Mostafa Jafari  
Masome Rahimi

### **Abstract**

The six-dimensional strategic thinking, that is king-key of constantly increasing victory in the competition, how is influenced by biographical characteristics (education, age, years of service and number of family members)? The purpose of this research is to explain the answer. This study is descriptive-explanatory based on objective, survey and applied, method and result. The target community of the survey is 384 municipal employees of Qazvin city. Data collection tools included researcher-made questionnaire and its reliability and validity has proven. Data has been analyzed through SPSS software, using variance and Student t test. The geometry of people thinking has been compared based on Spider Web Model that measures the balance between dimensions of thinking, was conducted. Results showed that there is significant relationship between biographical characteristics and Strategic thinking Model of people. With changing Marital Status, a significant change occurs in the model of strategic thinking. Therefore, organizations can be described as a set of thinking models that are constantly changing and the actions and decisions of them to continually shape and success is dynamic depending on the diagnosis and guiding the models of thinking.

**Keywords:** Strategic Thinking, Spider Web Model, Biographical Characteristics.



## **Identifying Natural Resources along Tehran- Shomal Freeway for Analyzing Non-Use Values**

Dr. Rokhshad Hejazi

### **Abstract**

The conservation of wealthy natural resources along the Tehran-Shomal freeway route has been a serious challenge for environment fans and policymakers. Accordingly, after about twenty years of the project start, the route has not been still completed. The lack of transparency of the monetary value for natural resources along the route is one of mentioned lag. First, It has been studied the natural resources using GIS in the current study. Then it has been estimated non-use values of natural resources along the route with CVM via WTP. Contingent valuation method is the just method can be used in protective values which have not any market price. The map of natural resources illustrated the most land use in 1 km buffer was belong to rangelands and forests. According to the current results, 85% of respondents stated the pay attention to natural resources along Tehran- Shomal route is important, although there is a deep sadness about travel safety. Finally, the survey results demonstrated that the majority of respondents are willing to pay money for protection of natural resources along the freeway route which is about 0.4 percent of their monthly income.

**Keywords:** Tehran- Shomal Freeway, Recreational- Conservational Values, CVM, WTP.

## **The Role of Ethical Banking in Preventing of Financial Crisis**

Dr. Hossain Eyvazlu

Dr. Vahab Ghelich

### **Abstract**

The recent global financial crisis is resulted from short run finance by irresponsible manners and loss necessary supervision and survey on execute phases of ethical principles. Indubitable the ethic, as following of principles, has important role in financial and economic relations. According to the roots and motives of financial crisis and the role of banking system in them, evidently ethical banking can prevent the roots.

Programming by defined principles and rules, careful survey and credit scoring, realism and deciding as for possible capacities, correlation between nominal and real sectors in economic, regarding to rights of consumers and stockholders, transparency of necessary information for consumers and stockholders, choosing as for capability, deposit management joint by honesty, committing to contracts, fund flow and restriction of illegal speculation and avoidance of Riba and Gharar activities in banking system are the best solutions for saving the system in front of financial crisis.

**Keywords:** Ethic, Islamic Banking, Financial Crisis.

## **Self-Determination Theory, Motivation and the Impact of Social Conditions on Human Growth and Well-being**

Dr. Reza Sepahvand  
Heshmatollah Sadeghi

### **Abstract**

Self-Determination Theory (SDT) is an expanded framework for studying human's motivation and personality which includes five mini theories and defines different types of intrinsic and extrinsic motivations and investigates their potential effects on each other. In addition, in this theory three basic psychological needs: autonomy, competence, and relatedness are proposed and studied. According to this theory, to the extent that these basic needs are supported or thwarted by social contexts, it leads to individuals' well-being and growth or their growth are degraded and may face with psychological disorders. This theory has an organismic and dialectic approach. On one hand, it is supposed that people are active organisms who natural tendencies towards development and growth and seek integrating their new experiences with themselves. On the other hand, this natural tendency is not automatically operationalized by itself and needs continuous supporting by environmental and social context. Therefore, there is a dialectic relation between active organisms and their social contexts that used as a foundation for predicting individuals' behavior, experience and well-being. Another critical point is that the autonomy in this theory is different from independence. These different subjects and concepts of SDT that are based on a great number of studies and experimental researches, give it a unique position in organization and management studies. So, having more knowledge of this theory can help organizations and managers use human resources more effectively to reach to organizational growth and employees' well-being.

**Keywords:** SDT, Social environment, Motivation, Internalization, Autonomy, Competence, Relatedness.

## **The Effect of Innovation through of R&D on the Growth Value Added of Iran's Agriculture Sector**

Dr. Abolfazl Shahabadi  
Fatemeh Bashiri Monazzam  
Fariba Mehry Telyabi

### **Abstract**

The Endogenous growth theories, explain long-term growth with focus on technology development and the accumulation of investment in R&D activities. Because of, technology advances and accumulation of investment in R&D activities, led to innovation and technological progress and move agriculture from surface to deep and thus, improve the quality of products, creating food security, promote economic activities at the international trade, increased competitiveness power and ultimately, to accelerate the growth of value added. The aim of this study is investigate the impact of innovation through of accumulated domestic and R&D spillovers foreign (through imports of goods) activities (embodied in imports goods) on the growth value added of Iran's agriculture sector economy, during the period 1971-2011. Based on research results In the study period, despite of that we are viewer the continuous and constant growth value-added of agricultural sector, but the growth value added mainly due to increasing the area under crops (surface agricultural), but, like the developed countries, aren't viewer to Improve performance in hector (deep Agriculture), demand-based of R&D activities and high ratio of research and development costs into value added of agricultural sector. Also, despite of existence the potential capabilities and relative advantages who is naturally abundant in agricultural sector, always less than five percent of the accumulation of physical investment in Iran's economy has been allocated to this sector. Therefore, improving the quality of agricultural products, increase competitiveness power and food security, is depended on attention to demand-based of R&D activities, the accumulation of physical investments and attracting R&D activities of business partners.

**Keywords:** Value-Added Agriculture, Innovation, Domestic R&D, Spillovers R&D.

## **A Meta-Analysis on Survey Studies of Social Inequalities and Class Range of Delinquency**

Dr. Mahdi Baratalipour  
Nastaran Baratalipour

### **Abstract**

Penal policy implies on the correct regulating people's relationships with each other, maintaining public order, creating security in society and promoting social and political justice. This policy, by approval of appropriate laws can prevent any oppressions and violations to the rights of each other and oblige them to the observance of legal and social standards. Accordingly legislation power, as the competent authority in shaping penal policy makes a significant contribution. However, the penal policy's studying implementation process and evaluating its effectiveness makes undeniable results, emphasis on crucial role of social politics in its shaping and prosperity.

The main question of this article is whether there a relation between social inequality and class range of Delinquency? And so, two minor questions are raised: Do punitive criminal policy and intensifying punishments lead to a reduction in Delinquency in the society? And what is the effectiveness of preventive measures and structural reforms to reduce Delinquency in the society? As claim of this study, surveys on the field of criminal sociology show that the correlation between social inequalities and the spread of Delinquency in both privileged and underprivileged classes.

In terms of methodology, this study relies on a meta-analysis of surveys over the past two decades about the relationship between social inequality and the class range of Delinquency in society. In terms of the theoretical framework, this study, by criticizing or retribution model, based on the amendatory- therapeutic model. The results of this study show the insufficiency of impact of punitive criminal policy and intensifying punishments on the reduction of Delinquency in the society and imply on the need for preventive measures and structural reforms.

**Keywords:** Social Inequalities, Class, Delinquency, Criminal Policy-Making, Iran.



# **Abstract**



## فرم اشتراک

نام و نام خانوادگی / مؤسسه: .....

شغل / نوع فعالیت: .....

نشانی: .....

.....

کد پستی: .....

صندوق پستی: ..... تلفن: .....

شماره‌های درخواستی از: ..... تا شماره: .....

تعداد درخواستی از هر شماره: .....

کد اشتراک (در صورتی که سابقاً مشترک بوده‌اید) .....

- حق اشتراک و هزینه پستی ۴ شماره فصلنامه ۳۰۰/۰۰۰ ریال
- شماره حساب ۴۵۷۴۲۵۳۵۸۸ شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۷۲۲۱۹۶۰۲۰۴ بانک ملت
- لطفاً تصویر فیش پرداختی را به همراه برگه درخواست اشتراک به دفتر فصلنامه ارسال نمایید.
- نشانی: تهران، خیابان فلسطین شمالی، پایین تر از تقاطع زرتشت، پلاک ۵۵۴، طبقه سوم
- کد پستی ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴، مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه
- تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷      نامبر: ۸۸۹۹۱۸۰۲